رستاخیز کارگران

دوشنبه یازدهم اسفندماه ۱۳۵۴ 8 شماره هشتم بها: ده ریال

برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکاکولا

یازدهم اسفند مصادف با روز

تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران می‌باشد

ضمن عرض سپاس به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر

از خدای بزرگ دوام سلطنت شهریار

دادگستر ایران زمین را مسئلت داریم.

از طرف کارگران - کارمندان و مدیران

شرکت صنعتی جنرال «سهامی عام»

مهندس عنایت بهبهانی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل

رستاخیز **کارگــران**

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران ، این نشریه ماهی دوبار منتشر می‌شود

دوشنبه یازدهم اسفندماه ۲۵۳۵ ، شماره هشتم

مدیر مسئول : محمد حسین کرد بچه

نشانی : خیابان وصال شیرازی — چهارراه بزرگمهر

تلفن : ۶۶۶۰۴۴ — ۶۶۷۱۵۹ — ۶۴۰۷۹۹

هیئت تحریریه : ۶۶۳۷۵۵

COLLECTION OF TANEREN FOUNDATION

ممتاز بودن، مقام والای کارگر ماهر...

گرچه در شماره گذشته گزارش برگزاری مراسم اعطای مدالهای مرحمتی شاهنشاه به « ممتازها »ی چهارمین دوره مسابقات مهارت فنی که سال گذشته انجام شد ، منتشر گردید ، ولی جا دارد با توجه به اینکه هفته گذشته پنجمین دوره مسابقات مزبور نیز در کشور برگزار شد،از این واقعه مهم ، که میتوان آنرا نقطه عطفی در مسیر حرکت نیروی کار و صنعت کشور دانست ، گفتگو نمود و به کارگران و گرداننگان چرخهای صنعت و فنون کشور تبریک گفت .

آنروز که مدالهای مرحمتی شاهنشاه آریامهر به کارگران و سپاهیان ممتاز در کاخ سعدآباد اعطاء گردید ، ظاهراً ۳۱ نفر کارگران برگزیدهٔ چهارمین دوره مسابقات مهارت فنی کشور مفتخر بدریافت مدال و نشان شدند ، ولی بگفته‌ی وزیر کار این مایه افتخار همهٔ کارگران جوان وطن ما میباشد که در مسابقات مهارت فنی داخل و خارج موفق شده و باین افتخار بزرگ نایل آمدند که نشانه‌ای از رضایت خاطر رهبر بزرگ انقلابمان را تخصیص بخود دادند »...

در سال ۱۳۴۹ که فرمان مبارك ملوکانه در زمینه تشکیل کمیته ملی مسابقات مهارت فنی صادر گردید ، و خصوصاً ریاست عالیه آنرا به والاحضرت ولایتعهد — که سمبل و مظهر جوانی و نیرو و پیشگامی هستند — محول فرمودند ، توجه و عنایت شاهنشاه بیش از هر موقع دیگری شامل کارگران و جامعهٔ کار و صنعت کشور شد ....

این بدان معنی بود که رهبر مملکت ، که طراح اصلی وحامی همیشگی انقلاب وطنمان هستند ، پیشرفت صنعت و ایده‌آل عالی صنعتی شدن کشور را تنها در توسعه ماشین آلات و احداث کارخانه ها ندانسته ، بلکه برای نقش سازندگی آگاهانه و خلاق فرد فرد کارگران اهمیت شایسته را قائل هستند .... چه در واقع نیز چنین است ، زیرا با خریداری ماشین‌آلات و ایجاد ساختمانهای عظیم برای کارخانه‌ها و صرف سرمایه های کلان برای تاسیسات جدید وپرداخت حتی دستمزدهای زیاد به مهندسان و کارگران و مدیران میتوان بظاهر صنایع وسیع و غول‌پیکری را بوجود آورد ، ولی تمام آن سرمایه‌گزاری‌ها و صرف کوششها هنگامی میتواند شکل واقعی بمعنی حقیقی (تولید اقتصادی) بخود بگیرد که محصول کار از هر جهت قادر به رقابت با کالاهای مشابه خود در بازارهای جهان باشد .... و این در صورتی میسر تواند شد که کارگران و سازندگان واقعی کالاها به‌تمام معنی باصطلاح به « فوت وفن » های صنعت خود وارد بوده و در کمترین زمان بهترین و کاملترین محصول را تولید کنند ، یعنی کارگران ماهر و کارآمد باشند ...

شاید یک روز ، در سیستم استثمار فرد از فرد ، از نظر کارگر بدست آوردن مهارت فنی کار بی‌نتیجه‌ای بود و فایده‌اش متوجه کارخانه‌دار و صاحبان سرمایه می‌گردید ، ولی اکنون که کارگران ما در مالکیت سهام کارخانه‌ها مشارکت دارند و درواقع کارگران و مدیران و ایجاد کنندگان اولیه صنایع جملگی و متفقاً صاحب صنعت و شریک سود و درآمد حاصله هستند ، لزوماً بالا رفتن مهارت فنی کارگران بطور مستقیم موجب تامین منافع خصوصی خودشان و مایه استحکام مبانی صنعت کشور خواهد بود ....

شرکت در مسابقات مهارت فنی که زیرنظر کمیته‌ای تحت ریاست عالیه والاحضرت ولیعهد انجام میگیرد یک رقابت وبرتری‌جوئی سالم است که قبل از تامین برتری یک فرد نسبت بدیگری موجبات جهش صنایع وفنون کشور را فراهم میکند که این درحقیقت مقدس‌ترین رقابت‌ها و زیباترین مسابقات است ... مسابقه برای افزایش دانش ومهارت‌فنی هر انسان ، مسابقه برای به‌میدان کشیدن استعدادهای ذاتی و معنوی هر کارگر ، رقابت برای بالا بردن ارزش کار ووقت یک زحمتکش تولید کننده ، و بالاخره کوشش برای هرچه بالا بردن سطح زندگی فردی در قالب شکوهمند وسودمندتر ساختن مجموعه صنایع و تولیدات ملی ...

اکنون جای خوشحالی و امیدواری است که در این مدت چهارسال که ازآغاز اجرای قانون فرمان شاهنشاه در زمینه برگزاری مسابقات مهارت فنی میگذرد ، این مراسم درسال اول از یک نقطه یعنی از پایتخت آغاز شد و به سرعت به سرتاسر کشور و در تمام زمینه های فنی توسعه یافت .... همچنانکه مسابقات پنجمین دوره در ۹۱ رشته فنی و در ۹۱ نقطه کشور و با شرکت ۳۸۲۵ کارگر حاضر به مسابقه صورت گرفت و این امید را در دلها و درجامعه صنعتی کشور بارور ساخت که مسابقه برای افزایش سطح مهارت فنی کارگران خود بخود آنچنان موج سازنده‌ای را در میان کارگران وطنمان بوجود آورده که بزودی جامعه کارگری ما به جامعه کارگران ماهر و بارور کنندگان تکنولوژی مترقی مبدل گردد.

رحلت پیامبر بزرگ وشهادت امام دوم

دیروز، بیست‌وهشتم صفر — مصادف بود بارحلت رهبر بشریت، پیامبر بزرگ اسلام، حضرت محمدبن عبدالله «ص» و شهادت پیشوای دوم شیعیان حضرت امام حسن مجتبی «ع»، این دو مصیبت بزرگ را به عموم مسلمانان جهان، بویژه هموطنان عزیز، صمیمانه تسلیت می گوئیم.

در این شماره

این کارگران ۵ میلیارد سیگار درهرماه تولیدمی کنند

کارخانه دخانیات، ازقدیمی‌ترین کارخانجات کشورماست، و کارگران این کارخانه ، که درهرماه ۵ میلیارد سیگار تولید می کنند، خاطرات جالبی ازسالهای گذشته دارند، اززمان گشایش کارخانه تا امروز که درآن ازمدرن ترین ماشین ها استفاده می‌شود.

درصفحات ۴تا۹

حرفه وفن

کارگر عصر رستاخیز، بخوبی میداند که درقبال مواهبی که از پرتو انقلاب شاه‌وملت نصیبش شده است، میبایست دانش فنی و مهارت خودرا افزایش دهد، تا با پیشرفت سریع صنعتی کشورخودرا همگام‌سازد...و«رستاخیز کارگران» بسهم خود، دراین وظیفه مقدسی که به‌عهده کارگران کشوراست، آنانرا یاری میدهد. ازاین رو، درهرشمارهٔ«رستاخیز کارگران» جدا ازمطالبی که در همین جهت دارد ۹ صفحه را نیز تحت عنوان «حرفه‌وفن» و «حفاظت و بهداشت » برای آگاهی بیشتر کارگران به امور فنی و چگونگی استفاده از وسایلی که در کارگاهها دراختیارشان است، اختصاص داده‌است.

درصفحات ۲۲تا۲۷ و۳۲تا۳۴

خودساخته ها....

زندگی ، میدان کوشش برای پیشرفت است. مردان زندگی، برای پیشرفت حتی یک لحظه را بدون کوشش نمی‌گذرانند ... و افراد خودساخته که زندگی‌شان می‌تواند سرمشقی برای دیگران باشد ، آنان هستند که برای پیشرفت لحظه‌ای را بی‌تلاش نمی‌گذرانند ... و «پل لارنس دانبار» بزرگترین شاعر سیاهپوست آمریکا ، که یک زمان آسانسورچی بود، از جمله این افراد خودساخته است.

درصفحات ۳۶و۳۷

ساعتی درمیان خانوادهٔ کارگر

دراینشماره گزارش گزارشگر رستاخیز کارگران را که به خانه آقای غلام اسلمزاده رفته‌وساعتی را در کنار خانوادهٔ این کارگر شریف‌گذرانده، مطالعه کنید ... اعضای این خانواده از زندگی پرسعادت خود، تفریح و سرگرمی، وخواسته وآرزوهایشان مطالب جالبی گفته‌اند.

درصفحات ۶۸و۶۹

والاحضرت همایون ولایتعهد، برندگان پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی را بحضور پذیرفتند

افتخاری بزرگ، برای کارگران

والاحضرت همایون ولایتعهد ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی کارگران پیش از ظهر روز جمعه گذشته ۴۸ تن کارگران ممتاز جوان کشور را که در پنجمین دوره مسابقه های مهارت فنی کشور مقام های اول و دوم و سوم را در ۱۹ رشته مختلف حرفه‌ای بدست آورده بودند و همچنین ۷ نفر کارگر ماهر زن ممتاز این مسابقه ها را در کاخ نیاوران بحضور پذیرفتند و مدالهای کار درجه اول تا سوم قهرمانان این دوره را بآنان مرحمت فرمودند. در این مراسم امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی اعضای کمیته ملی مسابقات مهارت فنی، معاون نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی و دبیر کل کمیته ملی مسابقات مهارت فنی افتخار حضور داشتند. وزیر کار و امور اجتماعی در این مراسم گزارش مسابقات را باین شرح باستحضار والاحضرت همایون ولایتعهد رسانید:

والاحضرتا.

برای جان‌نثار و کارگران جوان قهرمان و میهن پرست شرکت کننده در مسابقات مهارت فنی سراسر کشور و اعضای کمیته ملی مسابقات مهارت فنی موجب نهایت مباهات است که امروز افتخار شرفیابی به پیشگاه مبارک والاحضرت همایون ولایتعهد ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی را کسب نموده‌ایم. اوامر مؤکدی که همواره از سوی رهبر داهی انقلاب ایران اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دائر به ایجاد هرچه بیشتر امکانات فراگیری تخصصها و مهارت‌های نو برای کارگران جوان کشور شرف‌صدور می‌یابد، وزارت کار و امور اجتماعی را برآن می‌دارد که امر آموزش حرفه‌ای و ارتقاء سطح دانش فنی کارگران کشور را در صدر برنامه های اجرائی خویش قرار دهد.

برگزاری مسابقات مهارت فنی به کارگران جوان امکان می‌دهد تا با روح انضباط و رقابتی انسانی در برخورد افکار و نشان‌دادن انواع مهارت‌ها و تخصصها در دوره‌های مختلف مسابقات مهارت‌فنی به نوعی تبادل اطلاعات فنی و حرفه‌ای بین خودشان دست یابند و با آشنائی به خصوصیات اخلاقی و اوضاع و احوال اجتماعی مناطق مختلف کشور برتجربیات خویش بیافزایند.

والاحضرتا

رای و اراده مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مبنی برتفویض ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی به والاحضرت همایون ولایتعهد نشانه‌ای از عنایت و مهر شاهانه نسبت به جامعه کارگری کشور و انگیزه‌ای شوق‌آمیز برای مشارکت هرچه‌بیشتر کارگران جوان در مسابقات مهارت فنی است. بطوریکه تعداد داوطلبان از ۵۰۰ نفر در ۱۳۵۰،

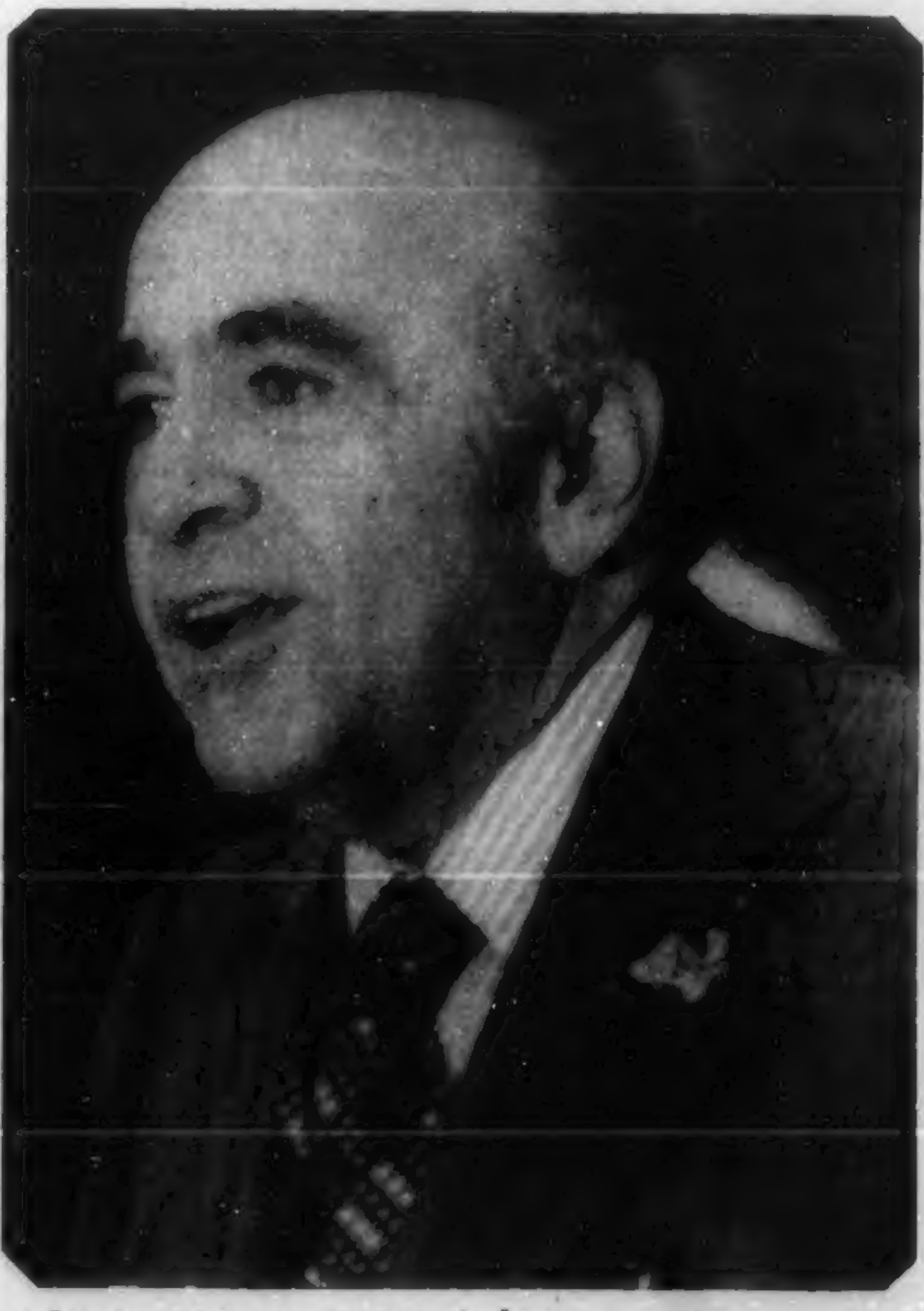

پنجاه‌و هفتمین زاد روز آقای هویدا، نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران

بیست‌وهشتم بهمن‌ماه، مصادف بود با پنجاه‌وهفتمین زادروز آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران.

آقای هویدا، در شرایطی پای بهسال جدید حیات خود نهاد که بااعتقاد ژرف وکوششی پیگیر در انجام نیات رهبر بزرگ انقلاب‌شاه‌وملت کارنامه‌یی بس درخشان‌برای خویش‌فراهم ساخته است.

نخست‌وزیر عصر رستاخیز، در طول سالهائی که ریاست دولت را به‌عهده داشته، پیوسته با درایت ذاتی، در انجام فرامین شاهنشاه آریامهر حتی لحظه‌یی را بی‌ثمر نگذاشته است و همین امر اورا، سربازی لایق برای بدست‌آوردن پیروزی‌های انقلاب و شخصیتی ممتاز برای مملکت شناسانده است.

«رستاخیز کارگران»، این فرصت رامغتنم شمرده، زادروز جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران راتهنیت‌می‌گوید و امید است که ایشان همچنان مانند گذشته، منشاء خدماتی افتخارآمیز باشند.

والاحضرت همایون ولایتعهد ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی:

احساس مسئولیت ایمان را در کارگر تقویت می کند

پس از مراسم توزیع جوایز پنجمین دورهٔ مسابقات مهارت فنی، والاحضرت همایون ولایتعهد ریاست عالیهٔ کمیتهٔ ملی مسابقه های مهارت‌فنی کارگران طی یک‌مصاحبهٔ اختصاصی به پرسش هائی در زمینهٔ بالابردن سطح مهارت کارگران و صنعتگران کشور پاسخ فرمودند.

در آغاز سؤال شد با توجه باینکه والاحضرت همایون ولایتعهد ریاست عالیهٔ کمیته ملی مسابقه های مهارت فنی کارگران را برعهده دارند ممکن است بفرمایند انتظار دارند کارگران کشور سطح مهارت‌خودرا به چه پایه‌ای برسانند؟ والاحضرت ولیعهد در پاسخ فرمودند: البته من از تلاشی که کارگران عزیز ایرانی برای پیشرفت کار خود می کنند راضی هستم ولی انتظار بیشتر من‌از آنان این است که‌سعی بکنند هر روز سطح مهارت خودشان را بالاتر ببرند تا در نتیجه سطح مهارت فنی در ایران همسطح با کشورهای صنعتی بجلو برود. «والاحضرت ولیعهد اضافه کردند: «افزایش سطح مهارت مسلماً هم بسود جامعه و هم به نفع کارگران و صنعتگران کشور خواهد بود و به آنان امکان خواهد داد تا از زندگی بهتر برخوردارشوند.»

در پاسخ این پرسش که «کارگران تاچه حد می‌بایست در کار خود احساس‌مسئولیت کنند؟» والاحضرت ولیعهد فرمودند: «هر کارگر یا صنعتگری وظیفه دارد در واحد کار وظائف خودرا به نحو صحیح و کامل انجام دهد، بدون اینکه نیازی باشد سرپرست یا ناظری کار او را زیر نظر بگیرد. انجام کار خوب و درست مسلماً باعث افزایش میزان درآمد کارگر خواهدشد و از سوی دیگر جامعه از یک صنعت همه‌جانبه پیشرفته برخوردار خواهد گردید. والاحضرت ولیعهد افزودند: «انجام کار خوب به حس مسئولیت و وظیفه‌شناسی در کار بستگی دارد. کارگرخوب و ماهر فردمسئول و برجسته‌ای در طبقه‌خودش و در جامعه‌محسوب می‌شود. چنین فردی قطعاً می‌تواند کمک مؤثری به پیشرفت جامعه بکند. ازسوی دیگر احساس مسئولیت ایمان را در کارگر و صنعت‌گر تقویت می کند وایمان شرط‌خوب کارکردن و در نتیجه بهترزندگی کردن است. والاحضرت همایون ولایتعهد در پاسخ این سئوال که در موردحفظ وسائل و لوازم کار به نظر والاحضرت کارگران و صنعت‌گران چه مسئولیتی را دارا هستند؟ فرمودند: «حفظ وسائل کار بوسیله کارگران و صنعت‌گران که باآن کار می کنند بسیار حائز اهمیت است. اگر وسیله کار سالم و مرتب نباشد بطور مسلم کارگریا صنعت‌گر نمی‌تواند وظیفه‌خود را بخوبی انجام دهد. بعلاوه محصولی که فکر کارگر یا صنعت‌گر تولید و عرضه می کند باید از هر جهت فاقد عیب یا نقص‌فنی باشد تا در بازار مصرف با استقبال روبروشود.» والاحضرت ولیعهد در پایان این مصاحبه اظهار امیدواری فرمودند که کارگران زحمت‌کش کشور در جامعه امروزی ایران که روزبروز بطرف صنعتی‌شدن پیش‌می‌رود حداکثر استفاده واز فرصتی که در اختیار دارند بعمل آورند.

ماهر...

اولین سال، به ۲،۶۰۱ نفر درسال جاری رسیده است.

مرحمتی که والاحضرت محبوب همه‌ساله نسبت به قهرمانان و برگزیدگان مسابقات مبذول می‌فرمایند تا کارگران جوان وقهرمان افتخار شرفیابی بحضور مبارکشان را بدست آورند خود بزرگترین عامل تشویق وترغیب برای کارگران درافزایش تخصصها ومهارتهای فنی وحرفه‌ای است و بزرگترین عامل برای نشان‌دادن قدرت و منزلت فن و حرفه می‌باشد. اهداء مدال به قهرمانان توسط والاحضرت همایون ولایتعهد عالیترین و باشکوهترین تجلی ارزش و مرتبه مهارت وتخصص درجامعه ایران است.

کمیته ملی مسابقات مهارت‌فنی نیز سعی براین دارد که ضمن برگزاری مسابقات سالانه و گسترش دامنه فعالیتهای خویش از راه تشویق هرچه بیشتر کارگران جوان به شرکت در این گونه مسابقات راه را برای مشارکت هرچه وسیعتر کارگران جوان در پهنه مسابقات و رقابتهای بین‌المللی هموارسازد تا ضمن اینکه کارگران جوان برای شرکت درمسابقات‌جهانی به کشورهای خارج اعزام می گردند با انواع تکنولوژی وتخصص نیزآشنائی یابند وهمانگونه که قبلا بشرفعرض مبارک رسید خوشبختانه دراولین سال شرکت کارگران جوان ایرانی در مسابقات جهانی مهارت‌فنی که امسال در کشور اسپانیا برگزارگردید جوانان شایسته ایرانی برای اولین بار موضع و مکان ممتازی بدست آوردند و یک کارگر زن نیز در رشته فرزکاری موفق به کسب دیپلم افتخار گردید.

وزیر کار و اموراجتماعی، آنگاه پس از گزارشی از پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی بعرض رسانید:

اینک ازپیشگاه‌مبارک والاحضرت‌محبوب استدعا می‌گردد مدالهای کارگران ممتاز و قهرمانان برگزیده پنجمین دوره‌ازمسابقات مهارت فنی را بآنان مرحمت فرموده و ازاین‌طریق کلیه کارگران جوان و اعضای کمیته ملی مسابقات مهارت‌فنی و جان‌نثار را قرین افتخار و مباهات فرمایند.

پس ازگزارش وزیر کار و اموراجتماعی، والاحضرت همایون‌ولایتعهد مدالهای کارگران جوان‌قهرمان برگزیدگان این دوره ازمسابقه‌ها را بآنان مرحمت فرمودند. در این‌مرلسم یک‌گوی زیبای فلزی که بوسیله کارگران جوان کارخانه ماشین‌سازی اراک ساخته شده‌بود بحضور والاحضرت تقدیم‌گردید. در پایان این مرلسم والاحضرت همایون‌ولایتعهد با کارگران‌قهرمان عکسی بیادگار گرفتند.

والاحضرت همایون ولایتعهد جایزه یکی از برندگان پنجمین دوره مسابقات مهارت‌فنی را اهدا می کنند. آقایان امیرقاسم معینی وزیر کار و اموراجتماعی، هرمز قریب رئیس کل تشریفات دربارشاهنشاهی و مهدی نجم مدیر کل روابط عمومی وزارت کار و اموراجتماعی افتخارحضور دارند.

اسامی برندگان پنجمین دوره‌مسابقات‌مهارت‌فنی

نام	استان	رشته
آقای عباس نیکنام	اصفهان	ورقکاری
آقای اسدمصباح مارالانی	آذربایجان‌شرقی	ورقکاری
آقای فریدون آذیدهاک	اصفهان	ورقکاری
آقای عباس سپهری	کاشان	تعمیرات موتور
آقای نادر راثردری	آذربایجان‌شرقی	تعمیرات موتور
آقای محمد باقرفاضل نجف‌آبادی	اصفهان	تعمیرات موتور
آقای رمضانعلی خراطزاده	کاشان	بافندگی
خانم آلت پیری	تهران	بافندگی
آقای مرتضی نظری‌فرد کاشانی	کاشان	بافندگی
آقای محمد رضا والانژاد	اراك	جوشکاری برق
آقای دلاورجودی‌سیاب	خوزستان	جوشکاری برق
آقای اسماعیل عسگری‌حسن کیاده‌یی	گیلان	جوشکاری برق
آقای ماسیس حق‌نظریان	تهران	بنائی
آقای رحمت‌الله علیمحمدی	تهران	بنائی
آقای محمد حسین آسمانی	فارس	بنائی
آقای اصغرقاسمی‌نظام	آذربایجان‌شرقی	ریخته‌گری
آقای یعقوب‌پولسیوس	تهران	ریخته‌گری
آقای کهندل زاهدی	کرمان	ریخته‌گری
آقای رضاخورشیدپورنوبندگانی	فارس	فلزکاری
آقای ابراهیم اسماعیلی	فارس	فلزکاری
آقای غلامعلی شعبانی	فارس	فلزکاری
آقای صادق رزلیان	آذربایجان‌شرقی	سیم کشی ساختمان
آقای محمد رضا مصراوغلی	آذربایجان‌شرقی	سیم کشی ساختمان
آقای یوسف بالاخانی	تهران	سیم کشی ساختمان
آقای بهمن مظفرفائقی	تهران	رادیو تلویزیون
آقای کامران هادی	آذربایجان‌شرقی	رادیو تلویزیون
آقای سید حسن باحجب‌موسوی	آذربایجان‌شرقی	رادیو تلویزیون
آقای حسین دهنمکی	اصفهان	مدل‌سازی
آقای محمدمعقول شاه‌آبادی	آذربایجان‌شرقی	مدل‌سازی
آقای علی‌اکبر ابراهیمی فروتن	خوزستان	مدل‌سازی
آقای محمد رضا سلامتی قمصری	تهران	جوشکاری گاز
آقای میرجواد اصل خادم‌سردرودی	آذربایجان‌شرقی	جوشکاری گاز
آقای حسین مصلی	تهران	جوشکاری گاز
آقای اکبرقصابی بنفشه	آذربایجان‌شرقی	آهنگری
آقای عزیز غلام‌الذاکرین	آذربایجان‌شرقی	آهنگری
آقای ابوالفضل آذری کی	آذربایجان‌شرقی	آهنگری
آقای سیدجعفرقاسمی	مازندران	ریسندگی
آقای مهدی کارگرحاج‌آبادی	یزد	ریسندگی
آقای محمد رضا رستم‌پور	خراسان	ریسندگی
آقای حسن شیرعلی نژاد	خوزستان	لوله کشی
آقای جمال‌فروزانی خوب	فارس	لوله کشی
آقای مرتضی صدارحامی	اصفهان	لوله کشی
آقای محمد مژگان	اراك	تراشکاری
آقای شوقعلی قنبری	فارس	تراشکاری
آقای پرویزعباس علیزاده	آذربایجان‌شرقی	تراشکاری
آقای جلیل خیاط‌گلکار	آذربایجان‌شرقی	فرزکاری
آقای عباس زارع	فارس	فرزکاری
آقای پرویزمحمدیون	تهران	فرزکاری

استانها، بترتیب اخذ مدال:

آذربایجان شرقی اول، با ۹ مدال طلا، ۷ نقره و۳ برنز — تهران دوم با۴ طلا، ۳ نقره و ۳ برنز — اصفهان سوم، با ۲ طلا، ۳ برنز — کاشان چهارم، با ۲ طلا، ۱ برنز — اراك پنجم با ۲ طلا — فارس ششم با یک‌طلا، ۳ نقره، ۲ برنز — خوزستان هفتم با یک طلا، یک‌نقره، یک‌برنز — مازندران هشتم با یک‌طلا مازندران هشتم با یک‌طلا.

کارگران زن‌ممتاز:

اشرف‌السادات نیکوفر، از استان آذربایجان شرقی در رشته سیم کشی — معصومه نوری، ازاستان خوزستان، دررشته بنائی — حکیمه همت‌زاده، ازاستان آذربایجان شرقی، در تراشکاری — رقیه ترابی، از گیلان، درجوشکاری — آذربهداری‌وند، ازخوزستان، درفرزکاری — ستاره‌قلیزاده، ازآذربایجان شرقی، درریسندگی.

روی‌جلد:

دو عکس از مراسم اهدای جوایز برندگان چهارمین دور مسابقات مهارت فنی، بوسیله والاحضرت‌ولایتعهد همایون‌رضا پهلوی

گزارش مربوطه پنجمین دورهٔ مسابقات مهارت‌فنی راکه دراصفهان برگزارشد درصفحات ۲، ۳ و ۴ مطالعه فرمائید.

این کارگران در هر ماه ۱۵ میلیارد سیگار تولید میکنند

به یکی از قدیمی ترین کارخانه‌های ایران می‌رویم ، کارخانه دخانیات. این کارخانه که زمانی در بیابان جنوب غربی تهران بنا شد ، اکنون در قلب پایتخت کشورمان شبانه روز کار می کند.

شاید شرح گردش در این کارخانه با یدخود سفر نامه‌ی باشد ، چون هر چه هست تاریخ است وزندگی وتلاش .... از تاریخ نوشتم علی رشیدی کارگر قدیمی این کارخانه خود تاریخ گویائیست ، تاریخچه کارخانه را از زبان او بشنویم :

شانزده ساله بودم که با اولین دسته کارگران کارخانه مشغول کار شدم ، چند روز نگذشته بود که یک روز همکارانم گفتند فردا روز مهمی است واعلیحضرت رضاشاه برای افتتاح کارخانه تشریف فرما می‌شوند . باور نمی کردم که بتوانم اعلیحضرت را ازنزدیک ببینم . شب که به خانه رفتم ، دائماً درفکر روز بعد بودم ولحظاتی که میتوانستم شاه را ببینم. یک شب طولانی را گذراندم ، ازاین که مبادا صبح خواب بمانم ، دائماً از خواب می‌پریدم و درلحظاتی که به خواب می‌رفتم ، اعلیحضرت رضاشاه رامی‌دیدم که در کارخانه قدم می‌زنند. بهر حال آنچه که آن شب به من گذشت بازگو کردنش ساعتها وقت می‌خواهد وتازه قادر به توصیفش نیستم.

علی کارگر ۵۰ ساله دخانیات در اینجا سیگاری روشن کرد سیگاری که ساخته دست خود اوست — ودرحالی که پک محکمی به آن زد ادامه داد :

— صبح خیلی زود از خواب بلند شدم. ابتدا به حمام رفتم وبعد قشنگترین لباسهایم را پوشیدیم ودرتمام لحظات احساس می کردم که مرحله تازه‌ای از زندگیم آغاز شده، چون برای اولین بار می‌خواستم کسی رابینم که همه می‌گفتند خدا اورا برای نجات ایران فرستاده است ، بهر ترتیبی بود به کارخانه رفتم و مشغول به کار شدم ، ولی قلبم دائماً می‌تپید و حال عجیبی داشتم ، حالی که بازهم نمی‌توانم بگویم چطور بود ، اصلا تا خودتان این حال را پیدا نکنید ، متوجه این حرف من نخواهیدشد .»

حرفهای علی بر قلبم می‌نشیند . خود را جای او حس می کنم ، حیفم می‌آید حرفش راقطع کنم ، ولی ناچار می‌شوم ومی‌پرسم هنوز نگفته‌ای که این روز بزرگ درچه سالی بود؟ پک محکم دیگری به سیگار هما می‌زند وآن رادر زیر سیگاری خاموش می کند وادامه میدهد: «سال ۱۳۱۶ ، سالی که تا موقع مرگ فراموشش نمی کنم .» ودر دنباله آن درحالی که حس می کنم ازاین که حرفش راقطع کرده‌ام کمی دلگیر شده ادامه میدهد :

« ساعت ده صبح بود که اعلیحضرت

ازاین سیگار وقلیان که می کشیم ، چه میدانیم ؟

به چهره کودکان نگاه می کنیم ، کودکانی که در مهد کودک کارخانه اززندگی و تغذیه خوب بهره می برند ، برق چشمهایشان می گوید ، ما سلامت وشاد ایم ، ازما خوب نگاهداری میشود. مادران این کودکان نیز با خیال راحت کارمی کنند ، دیگر درفکر این نیستند که فرزندانشان چه می کنند ، چون می‌دانند که در امان و آسایشند . آیا خود نیز در زمان کودکی چنین آسایشی داشتند ؟

توتون ابتدا در کدام کشور کشت شد، در چه زمان به ایران آمد و چگونه مصرف آن در ایران معمول شد؟

تشریف فرما شدند، من در کنار ماشین بسته بندی سیگارها کار می کردم، وقتی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر وارد کارخانه شدند، ازشدت ذوق واشتیاق تنم لرزید رئیس کارخانه با صدای بلند به ما گفت که بایستیم، ولی اعلیحضرت که نمی‌خواستند حتی برای یک دقیقه هم که شده چرخهای کارخانه هایی که بنا نهاده بودند توقف کند با عصای خود اشاره نمودند که مشغول کارمان باشیم.

اعلیحضرت بازدید خودرا آغاز کردند ودر تمام این دقایق خدا خدا می کردم که منهم مانند دیگر همکارانم افتخار صحبت با اعلیحضرت راپیدا کنم. همینطور که دراین فکر بودم ومشغول به کار، صدای گرم شاه را شنیدم که خطاب به من سؤال فرمودند چه می کنم ابتدا باور نکردم که این افتخار را پیدا کرده باشم، ولی فوراً متوجه حقیقت شدم، این حقیقت که بزرگترین لحظه زندگیم فرا رسیده بود. درجواب عرض کردم که مشغول بسته بندی سیگار هستم. اعلیحضرت سرشان رابه علامت رضایت تکان دادندوبه قسمت دیگری تشریف بردند ومرابا دنیایی از شادیهای یک جوان ۱۸ ساله تنها گذاردند، جوانی که به بزرگترین آرزوی زندگیش رسیده بود دراین لحظه چند قطره اشک شادی از گوشه چشمانم بر گونه هایم چکید.»

صحبت علی رشیدی که به اینجا رسید سکوت عجیبی بین ما حکمفرما شد، من، او و چند نفر دیگر که در کنار هم بودیم در فکر فرو رفتیم فکر می کنم که همه به یک چیز می‌اندیشیدیم به سال ۱۳۱۶ من علی را در همان قیافه و شکل ۱۸ سالگی می‌دیدم و با تمام شادیهای آن زمانش حتی اشک آن روز را نیز بر چهره‌اش دیدم. دیری نپائید که علی دوباره شروع به صحبت کرد.

او گفت: قبل از استخدام در کارخانه، دربازار تهران کار می کردم و برای شخصی با دست سیگار می پیچیدم. درآن زمان که چنین کارخانه‌ای نبود، این کار به وسیله افرادی محدود انجام می‌شد و سیگارهایی را که ما بادست می پیچیدیم همین افراد درمغازه خود می‌فروختند. با آغاز کار کارخانه من نیز با چند نفردیگر در کارخانه استخدام شدم و با حقوق روزی یک تومان آغاز به کار کردم.

در اینجا از علی می‌پرسم که حالا چقدر حقوق می گیرد.

درجواب می گوید، ۲۵۰۰ تومان در ماه و بلافاصله اضافه می کند: طبقه‌بندی مشاغل که دراین کارخانه پیاده‌شد، نه تنها وضع من، بلکه وضع تمام کارمندان را ازنظر حقوقی درست کرد.

از زندگیش می پرسم، درجوابم می گوید: بحمدالله خوب است، با همین حقوقم فرزندانم را به راحتی بزرگ کرده‌ام. بزرگترین پسرم که سی سال دارد لیسانسیه است و دیگری درآمریکا تحصیل می کند و بقیه هم مشغول تحصیل هستند.

باز از خاطرات ۳۸ سال پیش او می‌پرسم؟ می گوید: آن زمان تمام خیابان دخانیات بیابان بود. این کارخانه بود ودوسه دکان که آن هم به خاطر کارخانه بنا شده بود.

از انواع سیگارهـای آن زمان می‌پرسم که علی جواب می‌دهد: سیگارهایی که می‌ساختیم جیگاره، اشنو، گرگان، بهمن وهما بود که مثلا جیگاره بسته‌ای صنار، اشنو و شاهی و گرگان سه عباسی به فروش می‌رفت.

با علی خداحافظی می کنم، درحالی که خیلی چیز ها از او آموخته‌ام راهی قسمت دیگری از کارخانه می‌شوم. دربین راه با مهندس حریرچیان رئیس کارخانه که به من پیوسته است صحبت می کنم. او می‌گوید: «واقعاً قدیمی ترین کارخانه ایرانست و افتخار می کنم که چنین مسئولیتی به من واگذار شده است.» ازاو درباره تعداد کارگران می پرسم که درجواب می گوید: «فقط دراین محدوده بیش از ۲۵۰۰ نفر کارمی کنند» واضافه‌می کند: «دراینجا بارها آرزو کرده‌ام که به‌جای کارگران بودم.» علت را می پرسم درجوابم می گوید: «شاید باور نکنید، ولی کارگرانی هستند که در ماه حدود ۸ هزار تومان حقوق می‌گیرند.» با ناباوری به چهره‌اش نگاه می کنم که درهمین حال به درورودی جدید ترین قسمت از کارخانجات دخانیات می‌رسیم، کارخانه سیگاروینستون.

در این قسمت همه تلاش می کنند که جدیدترین محصول کارخانه دخانیات ایران را بنام سیگاروینستون به بازارعرضه کنند،

لطفاً ورق بزنید

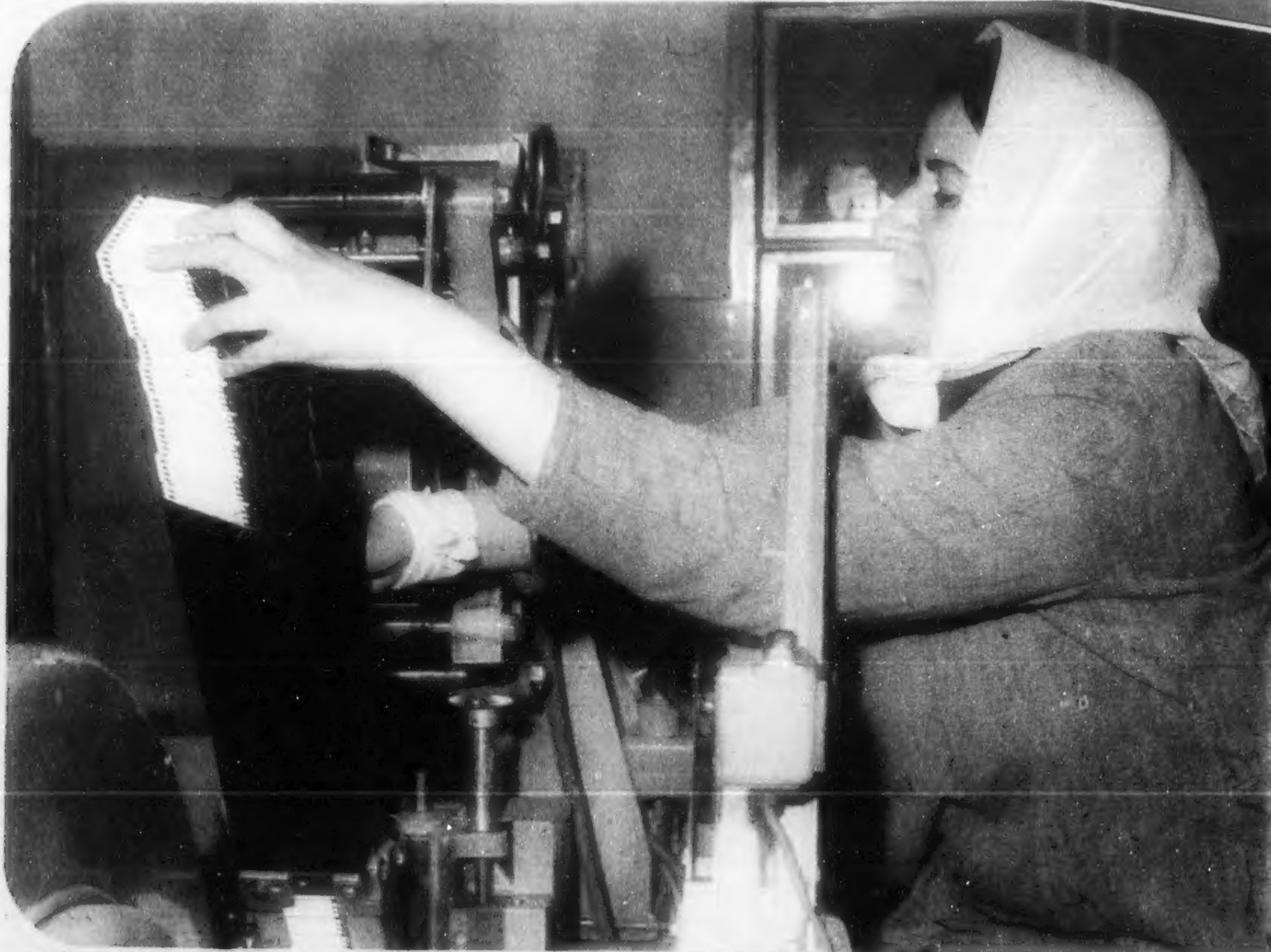

این زن ۸ سال است که در کارخانه دخانیات ایران کارمی کند، او که فاطمه قربانی نام دارد با دو هزار و ۵۰۰ تومان حقوق درماه به کمک شوهرش شتافته است.

فاطمه می گوید: روزی ۸ ساعت کارمی کنم، حقوق خوب می گیرم و از بیمه و درمان رایگان برخوردارم. یک فرزندم به زودی آموزشگاه پرستاری را تمام خواهد کرد وسه تای دیگر به‌طوررایگان تحصیل می کنند.

این کارگران در هر ماه ۱۵ میلیارد سیگار تولید میکنند.

همه آنها را امتحان کرده‌ام ، ولی « هما » و « زر » را ترجیح میدهم . از تولید کارخانه وینستون ایران میپرسم ، جواب می‌شنوم که ۳۰۰ میلیون درماه.

درقسمت دیگری از کارخانه، و درجایی که سیگارها بسته بندی می‌شوند با حاجی آقا میرلیلی آشنا می‌شوم. او که ۳۲ سال است در کارخانه دخانیات کار می کند. روحانی کارخانه نیز هست و ماهی ۵ هزار تومان حقوق می‌گیرد. میرلیلی وقتی که از زندگیش می‌پرسم، جواب میدهد که ۳۰ فرزند دارد! باورم نمیشود و او برای اثبات این ادعا دفترچه بیمه خود و خانواده‌اش را نشانم می‌دهد تا باورکنم و بلافاصله می‌گوید که قبل از ایجاد فکر تنظیم خانواده، صاحب اینقدر فرزند شده است و توصیه می کند در گزارشم بنویسم که فرزند کمتر زندگی بهتر.میر لیلی ادامه می‌دهد که از زندگیش بسیارراضیست و با حقوق کارگری فرزندانش را براحتی بزرگ کـــــرده است.می‌گوید: دو تا از پسرهایم افسر نیروی هوایی هستند دو نفر دیگر در بانک رئیس شعبه هستند و دو نفر دیگر نیز در لباس سپاهیگری به خدمت مشغولند و بقیه نیز به تحصیل. او می گوید که پنج دخترش

تنبا کوی ایران مرغوب‌ترین تنبا کوی دنیاست و دوستداران زیادی دارد.

در کارخانه دخانیات ایران زنان نیز پا به پای مردان کارمی کنند و از نیروی کار آنان برای پیشرفت کشور بهره‌برداری می‌شود. دراین کارخانه ۲۲۸ زن کاری مشابه کارمردان دارند.

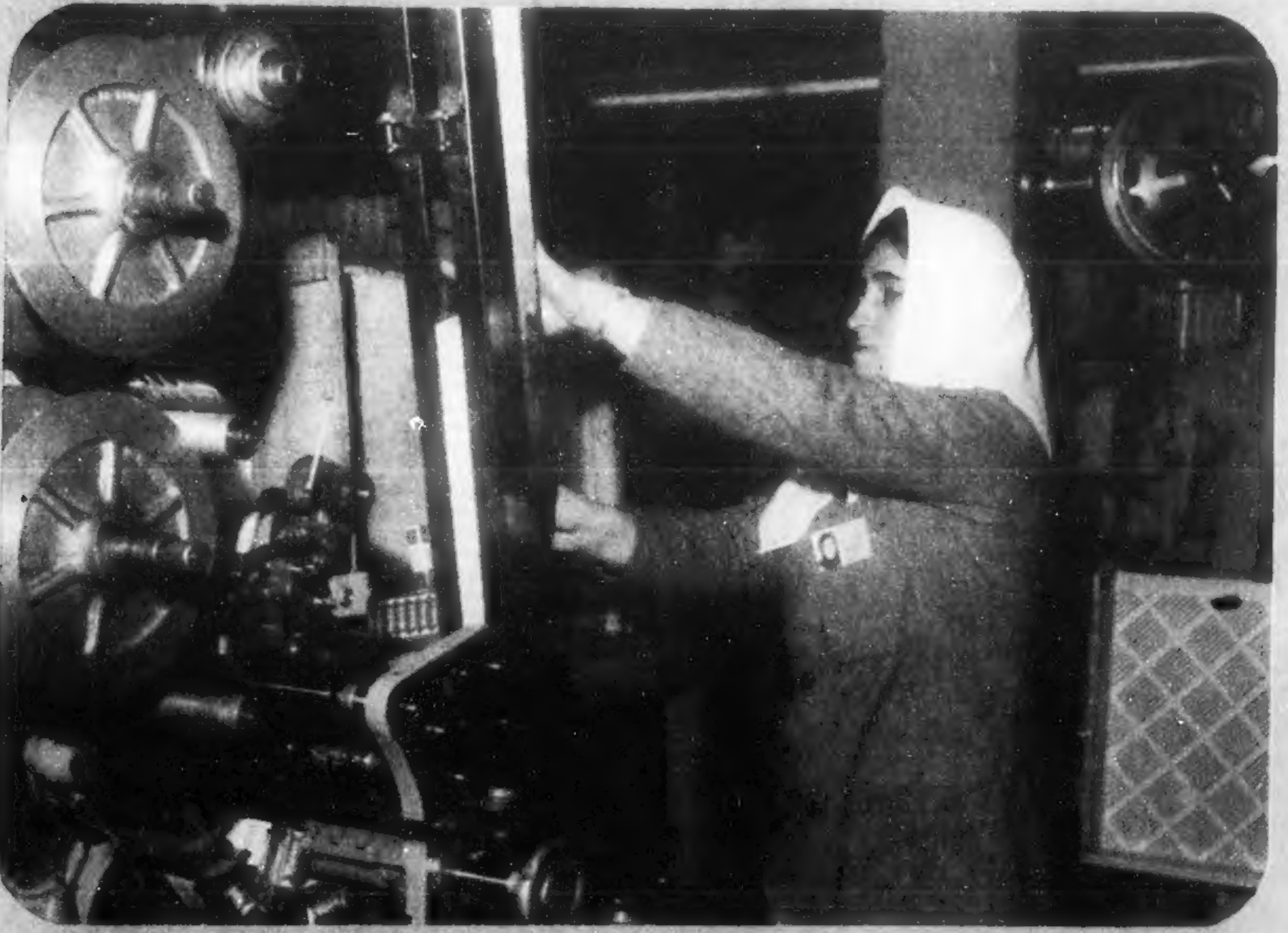

سیگاری با همان مشخصات سیگار های ساخته شده درآمریکا ، درپاسخ پرسش هایم جـواب می‌شنوم که مواد اولیه این سیگار ازآمریکا وارد می‌شود و کارگران ایرانی و دستگاههای نصب شده در ایـران سیگاری بـا همـان کیفیـت وینستونهای آمریکایی تولیدمی کنند.

دربین کارگران چند کارشناس آمریکایی هم می‌بینم که مشغول به کارند. بعد ازپرس و جو متوجه می‌شوم که برای مدت محدودی در ایران خواهند ماند و وقتی که کارگران ایرانی با کارخـــانه جـدیـد آشنـائی پیدا کـردند ، به کشورشان بازمی گردند.

با یکی از کارشناسان آمریکایی به گفتگو می‌نشینم. نامش را می پرسم ، درجوابم می گوید « برانولوتویلر ».

درباره کیفیت وینستونهای محصول ایران سئوال می کنم که درجواب می گوید همانست که درآمریکا می‌سازیم چون توتون ، کاغذ و همه چیزش ازآمریکا می آید.

« برانو » درجواب این پرسش که ازسیگار‌های ایرانی کدامیک را می‌پسندد ، می گوید

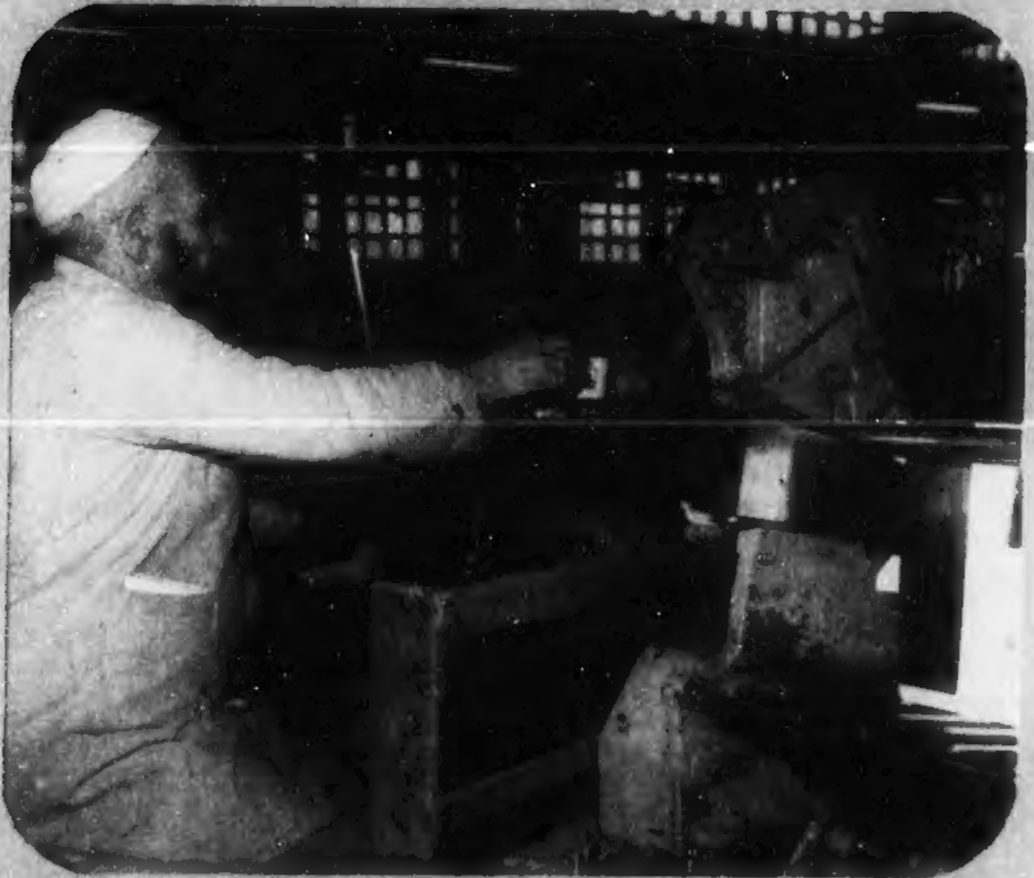

حاجی آقا میرلیلی، ۳۲سال است که در کارخانه دخانیات ایران کارمی کند. او از زندگیش و همچنین ۳۲سال کاردراین کارخانه خاطرات بسیاردارد. در ۳۲سال گذشته مثل ساعت کار کرده است و چنانکه خودمی گوید به کارش عشق می‌ورزد ، چه زندگی مرفه‌وآینده‌ای امیدبخش درانتظار ۳۰فرزند اوست که بامزد کارخانه به این پایه رسیده‌اند.

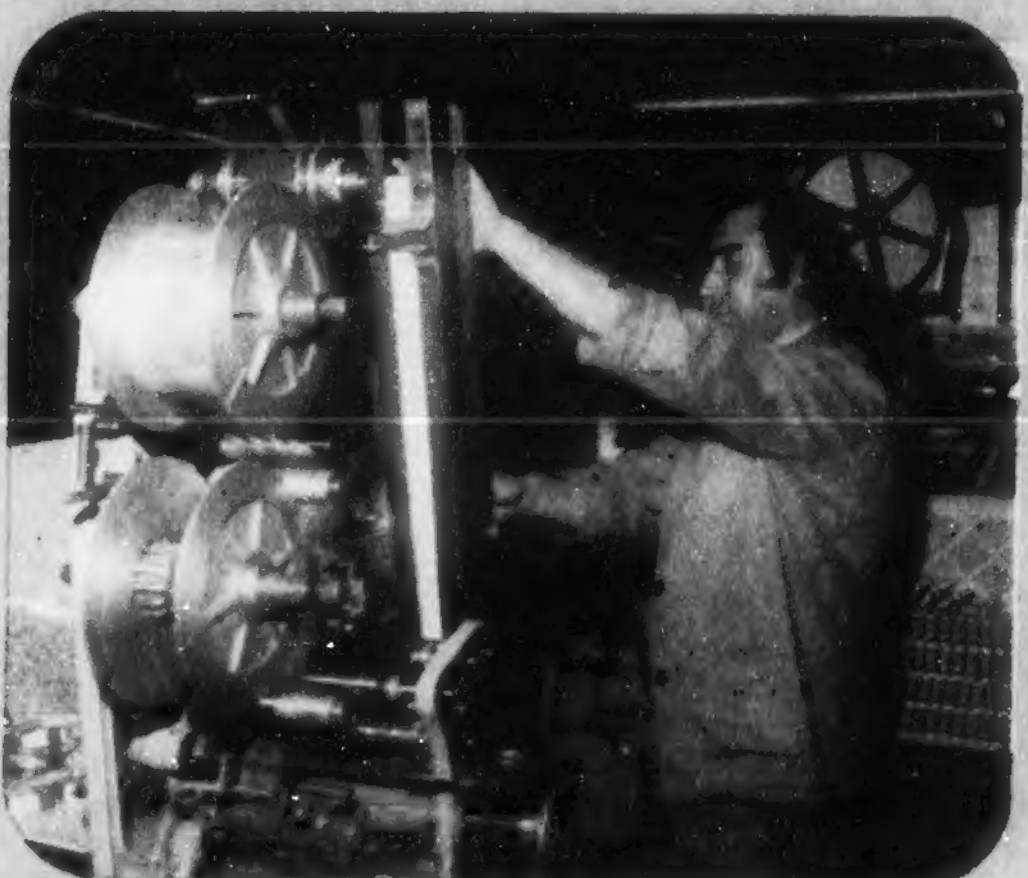

یکی دیگرازماشینهای جدید،و کارگری که در کارش تجربه بسیاردارد،تجربه‌این کارگر سرمایه کارخانه دخانیات ایران است .به گفته رئیس کارخانه ارزش تجربه اوصدهابار بیشتر از ارزش ماشینی است که باآن کارمی کند.

را به خانه بخت فرستاده است می‌پرسم، نمی‌خواهی بازنشسته شوی؟ می‌گوید: کار را دوست دارم.

با خیلی از کارگران صحبت می‌کنم، همه مثل هم جواب می‌دهند، حتی بعضی از آنها در پاسخ این سؤال که آیا از وضعشان راضی هستند، جواب می‌دهند که چرا نباشند. مثلاً یکی از آنها علی ابهری است که ۳۳ سال سابقه کار دارد و روزانه ۵۰۰ تومان مزد می‌گیرد. طوری جواب می‌دهد که از طرح سؤالم شرمنده میشوم و راهم را می‌کشم تا به سوی دیگری بروم.

کارگران زن نیز در کارخانه دخانیات مانند برادران خود چرخهای کارخانه را می‌چرخانند. فکر می‌کنم حرفهای فاطمه قربانی نمونه‌ای باشد از آنچه که دیگر زنان کارگران کارخانه به‌من گفتند.

۸ سال است کار می‌کنم، درماه ۲۶۰۰ تومان دریافتی دارم، چهار فرزندم را خوب اداره می‌کنم و همه‌اشان درس خوانده‌اند، حتی یکی از دخترانم سال آینده پرستار می‌شود.

از چگونگی کانونهای حزب رستاخیز در کارخانه می‌پرسم، مسؤل این کار در کارخانه می‌گوید فعلاً ۳ کانون حزبی داریم. از روزهای اول تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران کارگران در کانونها فعالانه شرکت کردند.

سؤال دیگری در این زمینه نمی‌کنم، چون در همین چند جمله تمام جوابهایم را گرفته‌ام.

به محل کار رئیس کارخانه می‌روم. در اینجا از افزایش تولید کارخانه صحبت می‌شود. کارخانه دخانیات در سال ۱۳۱۰، حدود ۵۰۰ هزار عدد تولید داشته است و اکنون از رقم ۵ میلیارد نیز گذشته است.

درمورد طرحهای آتی کارخانه می‌شنوم که همه در جهت بهبود کیفیت تولید است، صحبت از کارخانه جدید فیلتر سازی به میان می‌آید که مدت کوتاهی است فیلتر تولید می‌کند. از سیگارهایی که در آینده‌ای نزدیک با فیلترهای ذغالی به‌بازار عرضه‌خواهد شد سخن گفته‌میشودو به‌دنبال آن از بازارهای بین‌المللی. رئیس کارخانه می‌گوید با بهمنعف بودن به‌سلیقه‌های زمان پیش رفته‌ایم ما هر روز بیشتر سعی می‌کنیم تا کیفیت تولیدمان افزایش پیدا کندو جنسی‌را به‌مردم عرضه کنیم که می‌خواهند. چون دیگر نمی‌توان سیگار را با کیفیت سالهای گذشته به‌مردم عرضه کرد. او گله‌های زیادی‌هم دارد، مثلاً می‌گوید همین سیگار وینستون که‌در آمریکا بلمار که انحصار دخانیات ایران تولیدمی‌شودبه‌قیمت ارزان در دسترس‌مردم است‌ولی‌بازهم عده‌ای پیدا می‌شوند که سیگارهای کهنه‌قاچاق را بالیستی گرانتر می‌خرند، در صورتی که هردوسیگار از یک‌نوع است.

رئیس کارخانه اضافه می‌کند: مردم همه پولدار و ثروتمند هستندو یکی از علت‌ها همین پول است، با خرید سیگار قاچاق فقط پول بیشتری خرج می‌کنند، در صورتی که‌می‌توانند با پول کمتر همان سیگار را تازه‌تر و مطمئن‌تر در اختیار داشته باشندو جیب سودجویان و قاچاقچیان را پرنکنند.

کارگران کارخانه دخانیات جزو پرسابقه‌ترین کارگران این کشور هستند. آنان کار را با ماشینهای کوچک دستی آغاز کرده‌اند و اکنون درمرحله‌ای هستند که ماشینهای تمام اتوماتیک به کمکشان شتافته است. این یکی از آخرین ماشینهای نصب شده در کارخانه است که سیگار وینستون ایرانی را بسته بندی می‌کند

سیگار چگونه ساخته می‌شود؟

سیگاری که اکنون بعد از یک فنجان چای بالذت می‌کشید چگونه ساخته می‌شود؟

ابتدا عدلهای توتون با واگن‌های مخصوص داخل دستگاههای نم‌زنی میشود. این کار برای کشیدن هوا ونم دادن به‌توتون خام است. پس از ۳۰ دقیقه این مرحله به‌پایان می‌رسد وتوتون به‌دستگاه دیگری برای دمبرگ زدن، نم زدن دوباره وجدا کردن برگها منتقل می‌شود. توتون در این مرحله مدتی درسیلو نگاهداری می‌شود وهنگامی که رطوبت در همه جای آن یکسان شد ماشینهای برش کار خود را آغاز می‌کنند وبرگها را به‌صورت رشته‌های توتون درمی‌آورند.

توتونهای بریده شده ابتدا در دستگاه مخصوصی خشک می‌شوند ودر دستگاه دیگری با هوا خنک می‌شوند. توتون پس از آن خاک‌گیری ودر پی آن آماده بهره‌برداری می‌شود که ماشینهای سیگارسازی از یک سو این توتون را به‌داخل می‌کشند واز سوی دیگر سیگار آماده را بیرون می‌دهند. آخرین مرحله بسته‌بندی است،و در اینجا بسته‌های سیگار آماده توزیع می‌شود.

سیگارها سپس بار کامیونها،و به‌سراسر کشورفرستاده‌می‌شود.

تاریخچه توتون

و اما تاریخچه توتون در دنیا: توتون یکی از گیاهان بومی سرزمین آمریکاست که نظر به‌داشتن ماده مخصوصی از سایر فراورده‌های کشاورزی مشخص شده است. توتون در اواخر قرن پانزدهم از طرف بومیان آمریکائی به کریستف کلمب کاشف آمریکا هدیه شد و به‌دنبال آن پس از سالها بذرش وارد اروپا گردید.

تاریخچه توتون وسیگار در ایران به‌قرن هفدهم میلادی می‌رسد. در نیمه اول این قرن توتون وتنباکو وبه‌دنبال آن بذرشان از پرتغال وهند وارد ایران شد وبه‌تدریج کشت این دومحصول رواج پیدا کرد.

در ابتدای کارشاه عباس کبیر نیز مانند سلطان مراد چهارم پادشاه عثمانی در صدد تحریم کشت ومصرف توتون وتنباکو برآمد، ولی استقبال زیاد مصرف کنندگان سبب شد که کشت واستعمال آن آزاد شود، به‌این ترتیب رفته رفته میزان مصرف به‌قدری زیاد شد که محصول کشور کفاف مصرف را نمی‌داد ودر نتیجه مقداری هم توتون وتنباکو از خارج واردمی‌شد.

بذر توتون چپق هم در همان تاریخ ویا کمی بعد از آن از عثمانی آن زمان به‌ایران وارد شد که در نقاط غربی ایران کشت و مصرف‌آن رایج گشت.

درحال حاضر، توتون چپق وتنباکوئی که در بیشتر نقاط ایران کشت می‌شود، از همان بذرهایی است که در زمان سلاطین صفوی به‌ایران‌وارد شده است.

تاریخچه سیگار در ایران

از استعمال سیگار در کشور ما به‌صورت فعلی، دیر زمانی نمی‌گذرد واز سال ۱۲۴۹ شمسی کشت ومصرف توتون سیگار به‌صورت فعلی درایران‌متداول شد.

در سال ۱۲۶۹ شمسی امتیاز خرید و فروش توتون ایران برای ۵۰ سال به‌تالبوت انگلیسی درمقابل سالی ۱۵ هزارلیره انگلیسی و۲ سود ویژه به‌عنوان حق‌الامتیاز داده شد ولی این اقدام که در تاریخ کشورما به‌واقعه «رژی» معروف و نشانه اهمیت مردم برای این محصول است با مخالفت افکار عمومی وتحریم روحانیون نقش برآب شد.

قانون انحصار دخانیات ایران نخستین بار در سال ۱۲۹۴ شمسی وضع شد و بتدریج اصلاحاتی در این قانون به‌عمل آمد تا این که درسال ۱۳۰۵ انحصار دخانیات در کشورمان به‌صورت فعلی درآمد وکارخانه‌ها وتأسیسات صنعتی آن درسال ۱۳۱۰ به‌دست اعلیحضرت رضاشاه کبیر گشایش یافت.

کشت توتون در کشور ما در سالهای اخیر دگرگونی زیادی پیدا کرده است و کشاورزان روشهای سنتی را کنار گذارده‌اند و باآخرین روشهای دنیا آشنایی پیدا کرده‌اند.

مناطق عمده کشت توتون کشورما اکنون گیلان، مازندران، آذربایجان، مهاباد و کردستان است.

توتون چپق نیز در آذربایجان، گیلان، مهاباد، کردستان، کرمانشاه وپاره از دیگر شهرهای غربی کشورمان کشت می‌شود.

تنباکوی‌ایران که اکنون بهترین و پرخریدارترین تنباکوی دنیاست، در برازجان، شیراز، اصفهان، مشهد ودیگر شهرهای مرکزی کشورمان به‌عمل می‌آید.

باید اضافه کرد که در حال حاضر انواع توتونها از قبیل طرابوزان، ویرجینیائی و هاوائی هم در ایران کاشته می‌شود، ولی بیشتر محصول توتون که هرساله در ایران بدست می‌آید، از همان توتون سنتی شرقی است.

کشت توتون که در کشورمان اکنون درحال تحول است و روزبه‌روز بر مرغوبیت آن افزوده می‌شود هرسال بیش‌از هشت ماه از وقت کشاورزان توتونکار را می‌گیرد.

کشاورزان در روزهای اول فروردین بذر توتون را می‌پاشند وجوانه‌ها را درخزانه نگاهمیدارند و پس‌از یکماه تقریباً در اوائل اردیبهشتماه جوانه‌ها را بر زمین می کارند.

اول تابستان فصل برداشت شروع میشود واین برداشت تا پائیز ادامه می‌یابد.

به این‌صورت که کشاورزان از هر بوته توتون ۷چین برمی‌دارند، که این کار درست شبیه برداشت محصول چای است با این تفاوت که‌چین های اول چای مرغوب است وچین های بعدی چندان مرغوب نیست، ولی در برداشت توتون چین های اولیه نامرغوب هستند وچین‌های بعدی مرغوبتر، البته باید گفت که هر کدام ازچینها نیز طعم مخصوصی دارد.

فصل کاشت و برداشت که به‌آن اشاره‌شد باتوجه به شرایط جوی نقاط مختلف ایران ده‌روز زودتر یا دیرتر نیز شروع می‌شود.

انواع سیگارهای کارخانه دخانیات ایران را هرروز در بساطهای سیگار فروشی می‌بینم، سیگارهایی که برای هرنوع ذائقه‌وسلیقه ساخته شده‌اند و در همین روزها هم‌وینستون ساخت ایران به آن اضافه شده است.

درباره فروش سیگارهای ساخت کشورمان از رئیس کارخانه، مهندس حریرچیان سئوال می کنم، جواب می‌دهد که بازاریابی درسراسر دنیا شروع شده و هم‌اکنون تعدادی سیگار نیز به اروپا ومخصوصاً سوییس صادرمی‌شود.

رئیس کارخانه‌اضافه‌می‌کند‌سیگارهای ایران در دنیا مشتری زیادی دارد، چون مشابه آن در هیچ‌کشوردیگری دیده نمیشود و ساخت این نوع سیگار مختص ایران است.

وی سپس می‌گوید: البته نباید فراموش کرد که تنباکوی اصفهانی درنوع خود دردنیا بهترین است و کشورهای عربی مشتری پروپا قرص آن هستند.

کارخانه را ترک می‌کنم، ولی قبل ازآن، شاهد خیلی‌چیزها هستم، بهداشت، بیمه، شیرخوارگاه و مهد کودک، هنوز نیز چهره‌های کودکان مهد کودک کارخانه دخانیات را میتوانم جلوی چشمانم مجسم کنم، کودکانی که درسالهای پربار انقلاب شکوهمندشاه‌وملت به‌دنیا آمده‌اند و از هم‌اکنون برای ایران‌فردا و دوران تمدن طلایی نگاهداری میشوند، کودکانی که در تخت‌های کوچکشان به دنیای بزرگ آینده‌اشان لبخند مـی‌زنند، کودکانی که همه‌چیز دارند و خوشبختیشان تضمین شده است.

سالگرد طلوع خورشید رستاخیز ملت ایران

دهها هزارنفر، به نمایندگی ۳۳ میلیون جمعیت ایران، دراستادیوم یکصد هزارنفری آریامهر، پرشورترین احساسات را نثارشاهنشاه آریامهر وعلیاحضرت شهبانو کردند ویکصدا فریاد زدند: شاهنشاهاسپاس.... آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ودبیر کل حزب رستاخیزملت ایران افتخارحضور دارند.

یازدهم اسفند، درتاریخ کهن کشورما، یک روزفراموش نشدنی وجاودانی است. دراین روزشاهنشاه آریامهر، طراح ورهبربزرگ انقلاب ضمن مصاحبه‌یی که بوسیله خبرگزاریها به سراسرجهان مخابره شد، فرمودند:

«ما باید صفوف ایرانیان را بخوبی روشن و تمیز از هم جدا بکنیم. کسانی که به قانون اساسی و نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن عقیده دارند و کسانی که ندارند. آنهائی که دارند من امروز این پیشنهاد را میکنم که برای رود روایستی در بین نباشد، یک کسی ازقیافه یکنفر خوشش میآید، یک کسی خوشش نمیآید، برای اینکه هیچکدام ازاین ها نباشد ما امروز یک تشکیلات جدید سیاسی را پایه گذاری میکنیم و اسمش را هم بدنیست بگذاریم یا رستاخیز ایران یا رستاخیز ملی. ببینید که یک چنین سابقه‌ای بوده یا نبوده اگر یکی از این اسم‌ها بدون سابقه بوده انتخابش می کنیم، رستاخیز ایران درمرحله اول چون هم ایران اسم فارسی است. رستاخیز ملی درمرحله دوم بشرط اینکه تشکیلات حقوقی یا قانونی راجع به کلمه رستاخیز ایران نباشد.

و برای اینکه وقت را هم تلف نکنیم و همه یک تشکیلات خواهند داشت. درداخل هیچکدام ازاساس فعلی ما حتی برای یک ثانیه، یک ساعت متزلزل نشود، اینجا میگوییم امیر عباس هویدا نخست‌وزیر بجای خودش ولی اورا ما فعلا برای دوسال به دبیر کلی این تشکیلات جدید پیشنهاد می کنیم، شاید بازبرای دوسال اول رئیس هیات اجرائی این دستگاه و رئیس دفتر سیاسی را هم پیشنهاد بکنیم و این پیشنهادات را هرچه زودتر دریک اجتماعی که هرحزب سیاسی ایران که مایل باشد وارد این تشکیلات جدید بشود و دستجات دیگر که الحاق خودشان را باین تشکیلات جدید اظهار می‌دارند، دریک مجمع عمومی که لازم هم نیست خیلی مفصل باشد، ولی یک نماینده‌ای از هرکدام، لااقل یک یا چندین نماینده تام‌الاختیار ازاین دستجات باشنداین رابتصویب خودشان برسانند. پس فکر من این است هر ایرانی که صف خودش رامشخص کرده و باین دسته اول وگروه اول تعلق دارد، یعنی بقانون اساسی، نظام شاهنشاهی و به انقلاب ششم بهمن حتماً وارد این تشکیلات سیاسی بشود. ازوارع ایرانی دیگر صحبت اینکه، این دسته بـرود زارع را بسوی خود بکشد، آن دسته برود بکشد، دربین نخواهد بود، همه یکسان خواهندبود،

این تشکیلات بزرگ اختلافات سلیقه براساس آن سه اصل کلی کاملا مجاز است. ما می بینیم احزاب بزرگ دنیا همه بکلی یک کلمه ویک زبان نیستند، درداخل یک حزبی جناح های مختلف هست، بعضی اوقات این جناح پیش میرود بعضی اوقات آن جناح پیش میرود. پس درداخل این تشکیلات بزرگ سیاسی مسلماً بعد از ۲ سال بعد از ۳ سال افرادی که بیشتر با هم، هم سلیقه باشند درجناح های مختلف این تشکیلات سیاسی همدیگر را پیدا خواهند کرد وآنهائی که کم کم بعد از ۳ سال که ما تشخیص خواهیم داد در داخل این تشکیلات بیشتر اکثریت داشتند یا بیشترنزدیک بودند به مصالح مملکت ما میتوانیم برای امتحان ازآنها بخواهیم که در واقع مسئولیت اداری مملکت را بدست بگیرند بدون اینکه تشکیلات سیاسی مملکت بهم بخورد. این چیزی که الان دراحزاب سیاسی فعلی قانونی مملکت که ما میخواستیم اینها مواظب همدیگر باشند وبا انتقادات صحیح دستگاههای دولتی ومملکتی را هدایت بکنند درداخل خود تشکیلات خواهیم داشت.

<u>همه تحت یک پرچم</u>

ولی همه درتحت یک پرچم، درتحت یک فلسفه و با یک تشکیلات بسیارمنظم باید منافع این مملکت را درحال ودرآینده حفظ بکنید. فرد فناناپذیراست ومنهم یک فردی هستم. الان که با شما صحبت می کنم بطورطبیعی هیچ دلیل ندارد که من فردا اینجا نباشم. ولی هیچوقت، هیچ چیزی معلوم نیست چون عمرانسان بدست خداوند است. ما باید پیش بینی همه کاررا بکنیم. کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود ومعتقد ومومن باین ۳ اصلی که من گفتم نباشد ۲ راه برایش وجود دارد یا یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیرقانونی یعنی باصطلاح خودمان توده‌ای. یعنی باز باصطلاح خودمان وباقدرت اثبات، بی وطن اوجایش یا در زندان ایران است، یا اگر بخواهد فردا با کمال میل بدون اخذ حق عوارض گذرنامه را در دسترسش می گذاریم و بهرجائی که دلش می‌خواهد برود چون ایرانی که نیست وطن ندارد وعملیاتش هم که قانونی نیست، غیر قانونی است وقانون هم مجازاتش را معین کرده است، یک کسیکه توده‌ای نباشد بی وطن هم

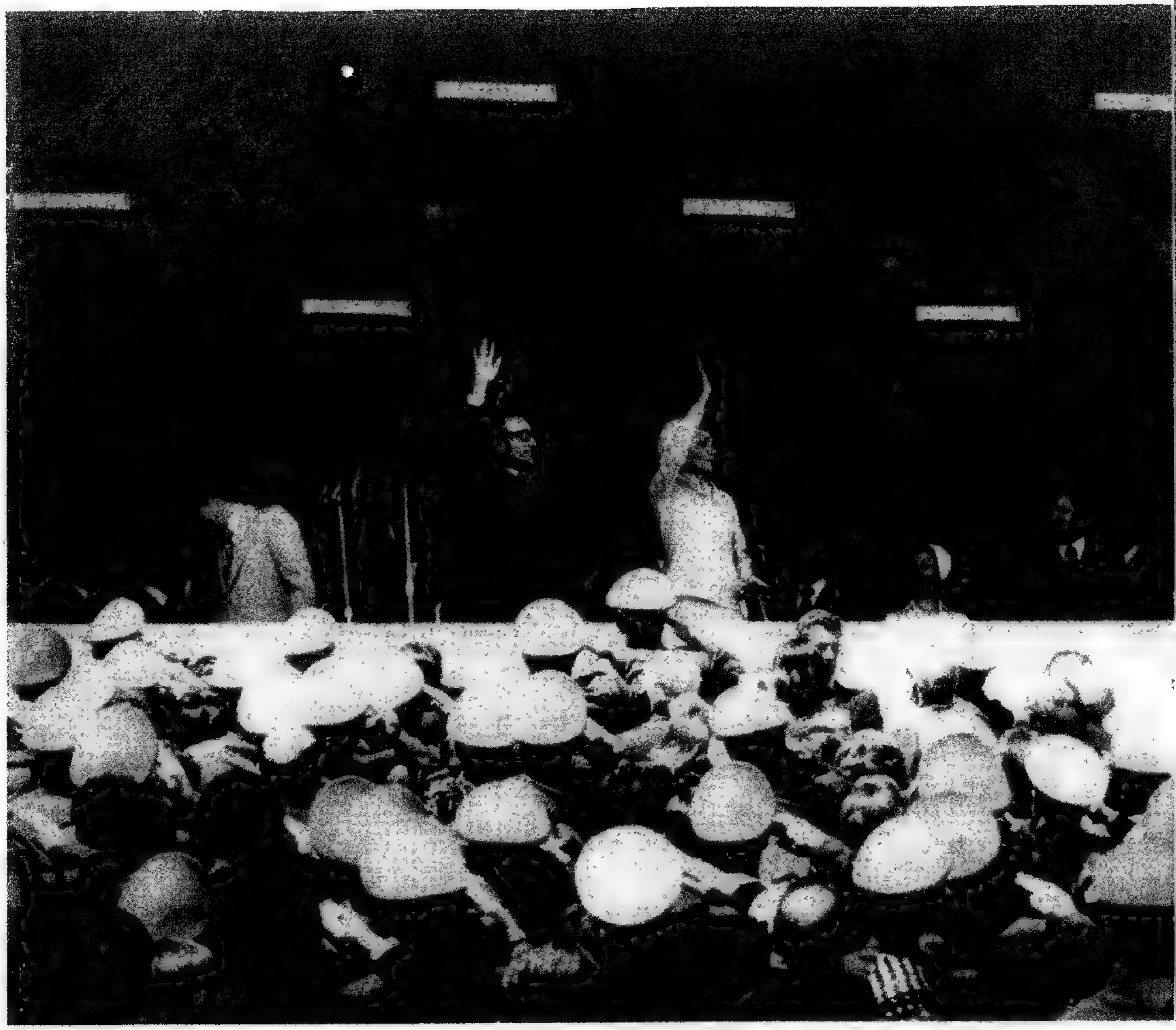

شاهنشاه آریامهر وعلیاحضرت شهبانوفرح ،دراستادیوم یکصد هزارنفری ،به پرشورترین احساسات نمایندگان طبقات مختلف مردم که نثارشان می‌شود ،پاسخ می‌دهند.

نباشد ولی با این جریان هم عقیده‌ای نداشته باشد، او آزاد است بشرطی که بگوید. بشرطی که علناً و رسماً و بدون پرده بگوید که آقا من با این جریان موافق نیستم ولی ضد وطن هم نیستم. ما با او کاری نداریم ولی باصطلاح دو دوزه بازی کردن و در هنگام وقوع یک خبر یا یک سروصدا پنهان شدن ، و این بازی هائی که بعضی اوقات ما می‌بینیم این دیگر قابل قبول نیست.»

بااین بیانات ، شاهنشاه آریامهر ، لزوم ادغام کلیه احزاب سیاسی ایران را یادآورشدند وبلافاصله بدنبال آن ،تمام طبقات وگروههای مختلف مملکت ، حتی دانشجویان و دیگر ایرانیان مقیم خارج ، یکدل ویکزبان بااعتقاد به نظام شاهنشاهی ـــ قانون اساسی و انقلاب شاه وملت پیوستگی خود را به رستاخیز ملت ایران اعلام داشتند، و خورشید رستاخیز ملت ایران ، برسراسر کشور پرتوافکن شد و مملکت با سرعتی بیش از گذشته بپیشرفت بسوی آرمان نهائی ملت، تمدن بزرگ را ادامه داد.

این چنین بود که حزب رستاخیز ملت ایران ، چتر در برگیرنده تمام طبقات کشور ، حیات سیاسی خود را اعلام کرد ، وملت ایران یکپارچه مشارکت خود را در این حرکت سیاسی اعلام داشت.

بدنبال اعلام تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران ، تمام طبقات به اظهارنظر درباره‌اساسنامه حزب دعوت شدند ، وپس از اظهار نظرهای لازم ، این اساسنامه در نخستین کنگره بزرگ حزب به تصویب رسید و آنگاه در یک اجتماع بی نظیر ، که در استادیوم آریامهر تشکیل شد، دهها هزارنفر ،به نمایندگی ازطرف ۳۴ میلیون ایرانی ،طی آئین بیمانندی سپاس خود را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معروض داشتند.

در این آئین پرشکوه ، شاهنشاه آریامهر طی بیاناتی خطوط اصلی فعالیت های حزب رستاخیز ملت ایران را ترسیم فرمودند وبا اشاره به مواهب انقلاب ششم بهمن فرمودند «میشود با فکر خود، البته بااطلاع ازآنچه در دنیا میگذرد ، بهترین راه حل‌ها، مبتکرترین عمل ها را خود ایرانی انجام بدهد. کارگران علاوه برآنچه که توسط قانون بیمه های اجتماعی به آنها تعلق میگیرد و ۲۰ درصد سود کارخانجات امروز با عرضه ۴۹ درصدسهام کارخانجات به آنها و کشاورزان و سپس دیگر طبقات مختلف مردم ، مظاهر استثمار احتمالی را ازمیان برداشتیم.»

شاهنشاه افزودند «پیشرفت ما ، موفقیت ما، این است که ما همیشه سعی کنیم چندین قدم در پیشاپیش وقایع برویم . کافی نیست که بازمانه پیش برویم ، برای اینکه مبهوت غافلگیر نشویم ، همیشه سعی کنیم چندین قدم پیش ازوقایع قرارداشته باشیم و این کاریست که امروز در ایران میشود.»

شاهنشاه در قسمت دیگری از بیاناتشان فرمودند : «ببینید ایران ، قبل از انقلاب ششم بهمن چه بود ودرظرف این سیزده سال چه شد ؟ وضع داخلیش به کجا رسید ووضع خارجیش به کجا ؟ وضع داخلی طوریست که با ترقیاتی که ما انجام دادیم ، با اهمیتی که دردنیا پیدا کردیم ، با درآمد هایی که بخواست خداوند بدست آورده‌ایم ، امروز ثروتهای ایران درواقع بطورعادلانه و بخصوص بمنظور پخش هرچه بیشتر درمیان عموم مردم مملکت بمصرف میرسد.»

در این مراسم پرشکوه شرکت کنندگان لوحه‌ای بعنوان سپاس ملت ایران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم داشتند.

وبالاخره حزب رستاخیز ملت ایران در راه تکامل خود مرامنامه واساسنامه وتشکیلات خود راتشکیل داد ودرراهی که برای آن تعیین شده بود گام برداشت.

اینک که یکسال از اعلام تنها تشکیلات سیاسی مان میگذرد ، هزاران کانون حزبی در نقاط مختلف کشور تشکیل شده و کمیته های مختلف در حزب مسائل گوناگون را تحت بررسی ورسیدگی دارند.

رستاخیز کارگران ،دومین سال طلوع رستاخیز ملت ایران را تبریک میگوید وضمن آرزوی موفقیت هر چه بیشتر ملت ایران از همگان، بویژه از کارگران عزیز که بانیرو و توان خود چرخهای اقتصاد مملکت را بحرکت در می‌آورند می‌خواهد بکوشند و از کمترین فرصت بیشترین بهره را بدست آورند.

بمناسبت برگزاری پنجمین دورهٔ مسابقات مهارت فنی

سه روز التهاب، برای ۵۴۴ قلب

صحنه ای از مسابقات مهارت فنی، در رشته جوشکاری برق

کارگران شرکت کننده در پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی

پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی کارگران

با شرکت ۵۴۴ نفر کارگر جوان کشور از دو سال ۱۶ ... کشور در شهر صنعتی اصفهان برگزار ... شد ... حضور ... استاندار اصفهان و ... این استان گشایش یافت. در پایان این دوره از مسابقات مهارت فنی ماهرترین کارگران دختر و پسر در ۱۶ رشته صنعتی و فنی انتخاب شدند و افتخار یافتند تا به پیشگاه والاحضرت همایون ولایتعهد ایران ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی شرفیاب و از دست مبارکشان گواهینامه های خود را دریافت دارند. خبرنگاران رستاخیز کارگران نیز در کنار این کارگران شاهد برگزاری مسابقات بودند، از چگونگی ... کمیته ملی مسابقات مهارت فنی گزارشی تهیه کرده اند که از نظرتان می گذرد.

پس از افتتاح این مسابقات کارگران برگزیده سراسر کشور در ... شهر اصفهان حضور یافتند و ... شاهنشاه آریامهر ... رهبر انقلاب شاه و ملت ... سپاس کردند.

در این اجتماع ... که در رشته نقشه کشی ساختمان از شهرستان تبریز در پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی کارگران شرکت کرده بود، طی سخنانی اظهار داشت امروز ما در اینجا گرد آمده‌ایم که بار دیگر مراتب حق شناسی و سپاس بی‌پایان خود را به پیشگاه رهبر اندیشمند ملت ایران، شاهنشاه آریامهر که پیوسته به فکر «سازندگان ایران اند»، یعنی کارگران شریف می‌باشند، تقدیم داریم.

وی اضافه کرد در این عصر شکوهمند رستاخیز و در آستانه بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی ما نمایندگان کارگران جوان کشور که ازسراسر مملکت برای رقابت سالم و انسانی، و بالا بردن سطح دانش و مهارت فنی خود در این استان تاریخی به پای سکوی رهبر بزرگمان گرد آمده‌ایم که یک بار دیگر هم صدا بگوئیم شاهنشاه سپاس، سپاس و باید سپاس بوزا ... و از اینکه بفرمان فرزند دلبندت والاحضرت همایون ولایتعهد به ریاست عالیه کمیته ملی منصوب گردیده‌اند این خود نشان بارز و توجه خاص آن شاهنشاه به طبقه کارگراست.

درپایان این مراسم کارگران با فریادهای جاوید شاه. پاینده ایران نسبت به رهبر انقلاب ادای سپاس کردند.

سابقه مسابقات مهارت فنی

در سال ۱۳۵۰ فرمان همایونی مبنی بر تشکیل کمیته ملی مسابقات مهارت فنی شرف صدور یافت و پس ازصدوراین فرمان والاحضرت همایون ولایتعهد، ریاست عالیه این کمیته را به عهده گرفتند و ازآن تاریخ کمیته کارخود را با این هدفها دنبال کرد:

۱ — ایجاد روحیه رقابت و برتری در کسب مهارت فنی و حرفه ای وتشویق جوانان به کسب مهارت و تخصص بیشتر و در نتیجه توسعه و گسترش برنامه های صنعتی کردن کشور و بالا رفتن بهره‌وری کار.

۲ — توسعه مبادله اطلاعات فنی میان کارگران جوان نواحی مختلف کشور.

۳ — ایجاد فرصت و امکان برای آشنائی و تفاهم هرچه بیشتر بین کارگران جوان و ایجاد صمیمیت بین آنان از راه رقابتهای دوستانه و شناخت طرز زندگی و علائق یکدیگر.

۴ — ایجاد امکانات لازم برای شرکت کارگران جوان ومتخصص کشوردرصحنه های رقابت بین‌المللی در زمینه مهارتهای فنی و آشنا ساختن آنان با جوامع پیشرفته صنعتی و تکنولوژی جدید.

بی‌تردید این هدفهای سازنده در تحلیل نهائی سبب خواهد شد که با افزایش مهارت کارگران در بهبود مهارت کار — رشد ملی، ازدیاد درآمد و بهبود وضع اقتصادی کارگران، بی‌نیاز ساختن صنایع کشور از خدمات فنی کارگران خارجی و در نتیجه حفظ سرمایه های ملی، تأثیر قطعی بگذارد.

کمیته ملی مسابقات مهارت فنی که با این خطمشی برنامه های خود را طرح ریزی کرده است، در سال اول تشکیل کمیته بـه طور آزمایشی مسابقاتی را در چند رشته محدود بین ۵۰۰ نفر از کارگران شهر تهران برگزار کرد و درسال بعد یعنی سال ۱۳۵۱ کمیته تصمیم گرفت برای گسترش این مسابقات با توجه به علاقه‌ای که کارگران جوان در واحدهای تولیدی و صنعتی سراسر کشور برای شرکت در این مسابقات نشان دادند از کارگران چهار قطب صنعتی، یعنی استانهای: مرکزی خوزستان آذربایجان شرقی و اصفهان دعوت نماید تا در این مسابقات شرکت جویند و این مسابقات را دردومرحله مقدماتی و نهائی برگزار کند. (مرحله مقدماتی در مرکز استانهای مذکورومرحله نهایی رادرتهران برگزارنمایند). در این سال ۷۵۰ شرکت کننده در ۱۲ رشته به رقابت پرداختند.

سال ۱۳۵۲ نیز با اضافه شدن کارگران استانهای خراسان — فارس — کردستان — در مجموع کارگران هفت استان با تعداد ۸۶۰ کارگر قدرت تخصصی و مهارت خود را بـه

۴۴۵ کارگر، در یک رقابت پرشور، مهارت فنی خود را بکار گرفتند

...یکره شاهنشاه آریامهر را گلباران کردند.

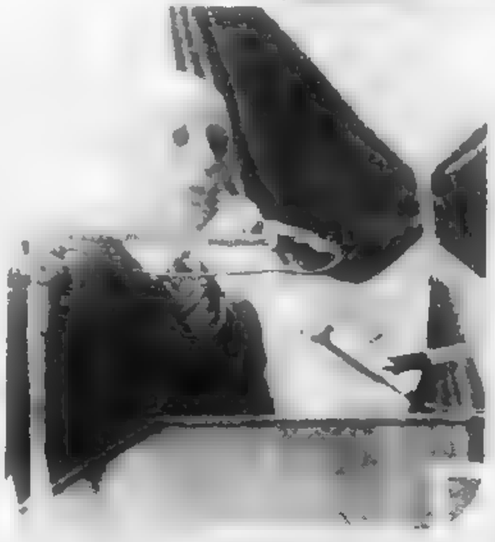

آقای اکبرزاده استاندار اصفهان و رئیس کمیته استانی مسابقات مهارت فنی، طی سخنانی پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی را بنام نامی شاهنشاه آریامهر افتتاح کرد.

نمایش گذاشتند.

توسعه سریع واحدهای تولیدی و صنعتی کشور از اوائل سال ۵۲ و احتیاج روزافزون آنها به افراد ماهر و کارآزموده، دلیل خاصی بود برای تربیت و تشویق کارگران جوان که در رشته‌های حرفه‌ای خود مهارت و تخصص بیشتری پیدا کنند. با اینکه در گذشته به این امر توجه می‌شد، ولی این توجه کافی و تکمیل کننده نیازهای عصر صنعتی ما نبود. به همین جهت کمیته مسابقات تصمیم گرفت دامنه فعالیت مسابقات را گسترش دهد، و برای رسیدن به این هدف، طی جلساتی که با صاحبان صنایع بخش خصوصی و رؤسای سندیکاهای کارفرمائی در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ترتیب یافت پس از بحث و تبادل نظرهایی به منظور تشویق و ترغیب کارگران جوان برای شرکت در مسابقات مهارت فنی، از یک طرف جلب همکاری کارفرمایان با هدفها و برنامه‌های کمیته ملی مسابقات مهارت فنی، تصمیم گرفته شد که در هر واحد تولیدی و صنعتی یک کمیته سه جانبه کارگاهی مسابقات تشکیل شود که این کمیته مرکب از: نماینده کارگر (به انتخاب کارفرما و با تائید کمیته ملی مسابقات) نماینده کارفرما (یکی از مهندسین و یا افراد فنی کارخانه) و نفر سوم نماینده فنی کمیته ملی مسابقات تشکیل شده بود. با این برنامه‌ریزی در سال ۱۳۵۳، یکصد و هفتاد کمیته کارگاهی در سراسر کشور تشکیل شد و از آن تاریخ انتخاب شرکت‌کنندگان در مسابقات ملی به صورت سه مرحله‌ای انجام گرفت، یعنی ابتدا کمیته‌های کارگاهی در بین داوطلبان، یک مسابقه ترتیب میدادند و سپس نفرات برگزیده در مسابقات استانی شرکت می‌کردند و در آخرین مرحله که مرحله نهائی بود نفرات اول تا سوم هر رشته به رقابت می‌پرداختند.

ضمناً در همین سال سه رشته به رشته‌های مسابقات مهارت فنی کارگران افزوده شد و این سه رشته عبارت بودند از ریسندگی، بافندگی و آهنگری. [illegible] ۱۹۵۲ نفر در سال گذشته از طریق ۱۷۰ کمیته کارگاهی معرفی و در مسابقات استانی شرکت کردند. در سال جاری با اضافه شدن رشته اتومکانیک به رشته‌های مذکور کارگران چهار منطقه دیگر (مازندران، کرمانشاهان، [illegible]) در مجموع کارگران شانزده استان در شانزده رشته مسابقات را برگزار کردند و از بین ۱۰۶۱۲ نفر که از طریق ۲۸۵ کمیته کارگاهی (۱۱۵ کمیته نسبت به سال گذشته اضافه، و تعداد داوطلبان نیز نسبت به سال گذشته ۵ برابر شده بود) مورد آزمایش قرار گرفته بودند، تعداد ۳۸۷۶ نفر در مسابقات استانی شرکت کردند و از بین این تعداد ۴۴۵ نفر به عنوان برگزیدگان رشته‌های مذکور در پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی در اصفهان به نبرد اندیشه و توان کارآئی خود پرداختند. این افراد در رشته‌های تراشکاری — فرزکاری — فرز کاری — جوشکاری برق — جوشکاری گاز — ورق کاری — لوله کشی ساختمان — سیم کشی ساختمان — تعمیر رادیو و تلویزیون — مدل سازی — ریخته گری — بنائی (سفت کاری) — ریسندگی — بافندگی — آهنگری و تعمیر موتور (اتومکانیک) در هفت کارگاه به این شرح از بامداد روز سه‌شنبه هفته گذشته، مسابقات خود را شروع کردند:

۱ — در مرکز تعلیمات حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی، کارگران شرکت کننده در رشته‌های جوشکاری گاز — قسمتی از فرزکاری — سیم کشی ساختمان — آهنگری — قسمتی از جوشکاری برق و ریخته‌گری به مسابقه پرداختند.

۲ — در مرکز کارآموزی صنعتی اصفهان که از مراکز صندوق کارآموزی است کارگران شرکت کننده در رشته‌های بنائی — اتومکانیک — مدل سازی — و قسمتی از تراشکاری به رقابت پرداختند.

۳ — هنرستان حرفه‌ای رضا پهلوی وابسته به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، محل برگزاری مسابقات لوله کشی — فلز کاری قسمتی از [illegible] و قسمتی از فرز کاری بود.

۴ — در هنرستان صنعتی [illegible]، آموزش و پرورش مسابقات قسمتی از تراشکاری و فرز کاری انجام شد.

۵ — در هنرستان [illegible] رشته‌های ریسندگی، بافندگی و سیم کشی [illegible] مسابقه دادند.

۶ — در کارخانه ذوب‌آهن آریامهر در ۴۴ کیلومتری اصفهان [illegible] بود که کارگران جوان و ورزیده کشور [illegible] در رشته‌های تراشکاری و فرز کاری به رقابت پرداختند.

۷ — در [illegible] شرکت کنندگان در [illegible].

چگونگی سئوالات

در این دوره مسابقات از شرکت کنندگان دو نوع آزمایش به عمل آمد:

۱ — آزمایش کتبی.

۲ — آزمایش عملی.

بدین منظور خبرنگار ما [illegible] گفتگویی با دبیر کمیته ملی مسابقات مهارت فنی به عمل آورد و وی اظهار داشت در دبیرخانه کمیته مرکزی به نام بانک سؤال وجود دارد که در این محل سئوالات مسابقات جمع‌آوری می‌شود و مهندسین و افراد فنی تمام واحدهای تولیدی و صنعتی می‌توانند سئوالهائی را طرح و برای این مرکز ارسال دارند تا به هنگام مسابقات از این پرسشها استفاده شود و سئوالاتی که در این دوره از مسابقات برای شرکت کنندگان در نظر گرفته شد، از همین نوع سئوالات بود که پس از رسیدگی و بررسیهای لازم از طرف شورای فنی کمیته برای هر رشته چندین سؤال طرح و آماده و در اختیار شرکت کنندگان مسابقه قرار گرفت.

وی یادآوری کرد معمولا سئوالات کاملا محرمانه طرح و تکثیر می‌شود و تا آخرین مرحله مسابقه کسی از مضمون آن اطلاعی نخواهد داشت.

قسمت دیگر مسابقات که آزمایش عملی کارگران بود، برای هر رشته با توجه به حرفه‌ای که دارند، یک مورد کار را در شرایط مساوی و امکانات مساوی در اختیارشان گذاشته شده بود و با تعیین حداکثر زمان که برای هر رشته متفاوت بود کارگران موظف بودند کار خود را به بهترین شکل تحویل دهند.

در این مسابقات حداکثر وقت را شرکت‌کنندگان رشته فرز کاری با زمان ۹ ساعت در اختیار داشتند و حداقل زمان برای شرکت‌کنندگان رشته جوشکاری برق معادل ۴ ساعت بود.

خبرنگار ما در گزارش خود می‌افزاید برای نظارت در کار شرکت کنندگان برای هر رشته ۳ نفر به عنوان اعضای ژوری و یک نفر به نام سرپرست داوران تعیین شده بود که کار کارگران را کنترل می‌کردند و در [illegible] افرادی موفق شدند که به نکات زیر توجه بیشتری مبذول داشتند:

۱ — دقت.

۲ — تمیز کاری.

۳ — استفاده صحیح و به موقع از ابزار کار.

۴ — نقشه خوانی.

۵ — سرعت عمل (زمان)

بقیه در صفحه

این زن میگوید :

اجتماع ما به کار کردن زنان نیاز

* وقتی سر کار هستید چه کسی از بچه ها مراقبت می کند ؟

* کسی را لازم ندارند ، چون همه به مدرسه میروند .شب‌ها ، غذای ظهر روز بعدشان را حاضر می کنم . از مدرسه که بر میگردند ناهارشان را می‌خورند و تا دوباره به مدرسه بروند و عصر بر گردند ، منهم به خانه رسیده‌ام .

* پدر بچه ها چه می کند ؟

* پدری در کار نیست . ما متارکه کرده‌ایم . شوهرم حتی خرجی بچه هایش را هم نمیدهد و همه این مخارج به عهدهٔ من است با دستمزدی‌که می گیرم . ولی ، خوب ، ناراضی هم نیستم . بالاخره اگر قرار است ما زنها ثابت کنیم که چیزی از مردها کم نداریم ، نباید آه و ناله هم سر بدهیم ...

* * *

اینها ، تنها نمونه هایی از گفتوگوهای اعضای گروه گزارشگران‌ما با زنهای کارگر بود. حرفها ، اگر چه در ظرایف و دقایق ، که نتیجه‌گیری کلی از آنها را با یکدیگر متفاوت می کند ، با هم فرق هایی دارند ، ولی در تصویر کلی ، تقریباً یکسانند و تکرار آنها ، چیزی بیش از این را روشن نمی کند . آنچه در این میان می‌تواند روشنگر باشد ، نتیجهٔ این گفتوگوهاست .

گروه گزارشگران ، در دهها کارخانه ، که قسمت عظیمی از کاربرد دستگاههای آن مرهون تلاش و کوشش زنان است ، با صدها زن کارگر گفتوگو کرده‌اند و به نتایجی تعمق‌انگیز دست یافته‌اند :

* حدود ۵۶ درصد زنان کارگر ، با میل و رغبت و حتی با عشق و اشتیاق در بیرون از خانه کارمی کنند.

* بیش از نیمی از زنان کارگر شوهر ندارند ، یا هنوز ازدواج نکرده‌اند ، یا از شوهرشان جدا شده‌اند .

* ۳۰ درصد از زنان کارگر (مجردها) قصد دارند پس از ازدواج — یا دست کم پس از بچه دارشدن — دست از کار بکشند و دقت و نیروی خودرا یکسره وقف شوهرداری ، خانه‌داری و بچه‌داری کنند .

* ۲۰ درصد از زنهای کارگر صرفاً به‌خاطر نیازمالی کار می کنند و اگر گشایشی در زندگیشان پیدا شود ، دست از کار خواهند کشید .

* ۱۰ درصد از زنها هر گاه شوهرشان — یا شوهر آینده‌شان — با کارکردن آنها مخالف باشند ، دست از کارخواهند کشید.

* ۵ درصد از زنها ، با کارکردن در بیرون خانه اصلا موافق نیستند ، منتهی خود را مجبور به کار کردن می‌بینند.

* ۶۰ درصد از زنها برای کمک به خانواده — خانوادهٔ پدری یا شوهری — کار می کنند .

* ۴۰ درصد از آنها تنها نان‌آورخانواده

دارد

هستند : زن‌های مطلقه که سرپرستی بچه‌هایشان را به عهده دارند ، دخترانی که در خانواده‌یی بدون اولاد ذکور بدنیا آمده‌اندو لازم می‌بینند در تأمین معاش خانواده به پدر و مادر پیر و بچه‌های کم سن وسال‌تر خانواده کمک کنند .

* ۷۰ درصد زنان کارگر زیر ۳۰ سال هستند .

این آمارگیری ، از آنجا که پس از گفت‌وگو با دویست زن کارگر ، در چندین کارخانه ، بدست آمده ، نمی‌تواند قاطع و کاملا صحیح باشد ، ولی می‌تواند نمایی کلی ، ازوضع زنان کارگر ایرانی به دست دهد .

با توجه به نتایج همین گفت‌وگوها ، وضع زن کارگر ایرانی را — نه از دیدگاه آمارگیری دقیق علمی ، که از لحاظ ، رپورتاژ — بررسی، مطبوعاتی — تجزیه‌وتحلیل کرده‌ایم و این نتیجه‌گیری ، حاوی نکاتی در زمینه های گوناگون مسائل ، مشکلات ، حرفها درددل‌های زنان کارگر ، طرز برخورد کارگران مرد و کارفرمایان و مدیران کارخانه‌ها با آنها ، و مسائل و درگیریهای آنان درخانواده واجتماع ومحیط کاراست که می‌تواند روشنگر مسائل بسیاری باشد .

* فاطمه اسدی ، بیست‌وپنج‌ساله، در یکی از کارخانه‌های سازندهٔ لوازم آرایش کارمی کند. وقتی ازاو می‌پرسم :

— خانم اسدی، شما بچه هم دارید؟

پاسخ می‌دهد :

— بله یک دختر ۵ساله دارم که کودکستان می‌رود .

ازخانم اسدی سؤال می کنم : ازاینکه کارمی کنی راضی هستی؟

جواب او این است:

— یک‌زمان بود که کارکردن زن در خارج از خانه را نمی‌پسندیدند . شایدهم در آنوقت نه‌اجتماع ما، و نه‌خانواده‌ها نیازی به کارکردن زن در بیرون از خانه داشتند، اما الان درشرایطی هستیم که اجتماع هم‌به کار زن‌ها احتیاج دارد . در کشوری که اینقدر کار هست، و اینهمه کارگر دارد، چرا زن‌ها درگرداندن چرخ صنعت مملکت، و یا درانجام امور دیگر کشورشان شرکت نکنند ؟ ازطرفی، این روزها مثل صدسال پیش نیست که یک خانواده بادرآمدی مثل یک آب باریک بسازد و برای وسعت‌بخشیدن به زندگی خانواده‌اش تلاش نکند . یک‌خانواده، دائما باید کوشش کند که به‌درآمدش ازراه‌مشروع اضافه کند تا رفاه بیشتری داشته‌باشد . خوب ، دریک چنین شرایطی که کاربرای زنها هست، و ازطرفی لازم است که به درآمد خانواده‌هم کمک کرد، چرامن کارنکنم؟...

ازخانم اسدی می‌پرسم :

— باین ترتیب تاچندسال کارمی کنید ؟

جواب میدهد :

— این را نمی‌توانم پیش‌بینی کنم . شاید تاوقتی بازنشسته شوم، و یا روزی برسد که نیازی بکارنداشته‌باشم و اگر یک بچه دیگرهم داشته‌باشم، بچه‌هایم به‌ماندن من در خانه بیشتراحتیاج داشته‌باشند.

* از خانم فاطمهٔ اسدی دورمی‌شوم ، زنی که سی‌وچهار-پنج‌ساله بنظر می‌رسد، توجهم را جلب می کند . او سرگرم کنترل محصولات کارخانه‌است . اسمش طیبه محمدی است ، دیپلم دارد، و هشتسال است دراین کارخانه کارمی کند . ازاو سؤال می کنم ازدواج کرده است، جواب مثبت می‌دهد، و می‌گوید که دو فرزند هم دارد... طیبهٔ محمدی ضمن گفتگوی‌مان، می گوید:

— من وقتی دراین کارخانه مشغول بکار شدم، تا ششم ابتدائی درس خوانده بودم . اما ضمن کار، و باآنکه درآنوقت یک بچه‌داشتم به درسم ادامه دادم و دیپلمم را گرفتم.

طیبه خانم از کارش ابراز رضایت می کرد . او در آغاز یک کارگر ساده کارخانه بوده. اما به‌یاری استعداد و نیروی پشتکار، توانسته لیاقت خود را نشان دهد، بطوریکه کارفرمایش اورا مسؤول کنترل محصولات کارخانه کرده است. طیبهٔ محمدی می گوید :

— من اکنون روزی پنجاه تومان دستمزد دارم، که با اضافه کار و پاداش و سود ویژه، تقریباً ماهی دوهزارتومان می‌شود . گرچه بیرون ازخانه کار کردن برای زن هزینه هائی هم دارد چون اگر درخانه بودم، مجبور نبودم مثل حالا لباس ووسایل دیگری که برای یک‌زن که در خارج از خانه کارمی کند، بخرم. ولی از آن گروه هم نیستم که هرروز یکدست لباس بپوشم و به آرایشگاه بروم . من ساده می‌پوشم و ساده هم میروم ومیآیم، اما رویهمرفته ، اگر درطول سال بگیریم، ماهی هزارو سیصدتومان به درآمدشوهرم کمک می کنم . البته بقیه‌اش هم خرج ایاب‌وذهاب و کفش و لباس خودم می‌شود. همین مسأله بمن غرور می‌بخشد . دستم جلوی شوهرم درازنیست، واوهم ازاینکه اینطور صادقانه در وسعت دادن به زندگیمان کمک می کنم ازمن راضی است ، ولی‌خوب، آن‌مقدار که بنظرم لازم است نمی‌توانم به‌بچه ها برسم . برای اینکه وقتی بخانه می‌روم، مثل یک‌زن خانه‌دار انرژی‌ندارم که بابچه‌ها سرو کله‌بزنم . اما خوشحالم که از جهت دیگر به بچه‌هایم کمک‌می کنم.

* ثریا تهرانی، کارگر یک کارخانه عروسک سازی‌است. اوازکارش دلخوشی زیادی‌دارد ، چون اصولا ازدوختن لباس عروسک‌لذت‌میبرد .

ثریا تهرانی، بیست‌وسه‌ساله ومجرداست . ماهی نهصدتومان حقوق می‌گیرد . وقتی ازاو می‌پرسم «بعدازازدواج‌هم کارخواهی کرد ؟» جواب‌می‌دهد» :

— فکر نمی کنم شوهرم باکارکردن من مخالفت کند، و خودم‌هم دلم می‌خواهد بکارم ادامه دهم . میدانید ، آخر مگر زن‌ها بامردها چه‌فرقی دارند که کارنکنند. مخصوصاً اینکه مثلا همین‌لباس عروسک را فکرمی کنید یکمرد میتواند بااین شوق بدوزد یا یک‌زن ؟ شاید اگر یک مرد بنشیند لباس عروسک بدوزد پس‌ازمدتی کسل و خسته شود . اما یک زن خصوصاً که مثل من علاقه‌هم به دوختن لباس عروسک داشته‌باشد، هم سلیقه بیشتری دراین کار که زنانه است بخرج می‌دهد و هم خسته و کسل نمی‌شود.

من سکوت می کنم . خانم تهرانی وقتی سکوت مرا می‌بیند ، بکارمشغول می‌شود، ومن اورا زیرنظرمی گیرم ومی‌بینم که باشوروعلاقه خاصی لباس عروسک‌ها را می‌دوزد ، باآن شوق‌وذوقی، که دختربچه‌یی برای عروسک خودش لباس می‌دوزد.

این شماره، دربارهٔ کارگران شرکت مخابرات

کارگرانی که وسیله ارتباط من و شما را برقرار میکنند

دیروز

آگاهی از اخبار و اطلاعات و انتقال افکار و اندیشه ها از راه دور یکی از آرزوهای بشر بود و بشر برای دست یافتن به این مهم، از هیچ نوع تلاش و کوشش فروگذار نکرده است.

از زمانی که قبایل بدوی با گماردن قراولانی در ارتفاعات، با کمک علائم و صوات قراردادی، از خطرات و بعضی اطلاعات دیگر در محدوده خود آگاه میشدند و از زمانی که بشر افروختن آتش و برپا کردن دود [illegible] دور اطلاعات خود را [illegible] میکردند [illegible] هنوز هم که گاه مورد استفاده قرار میگیرد - . آرزوی بشر این بود که وسیله ای بهتر بیابد. مبادله بوسیله قاصدان پیاده و یا سواره را که در امپراتوری بزرگ هخامنشیان برای نخستین بار در جهان بصورت یک سازمان رسمی در آمد با نظم و سرعتی که امروز هم شگفت انگیز مینماید و بعدها نیز در مدتها بی نظیر باقی ماند و ارتباط وسیعترین قلمرو جهان آن عصر را تأمین میکرد، باید بنیانگذاری پست دانست.

***با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، درآمد کارگران شرکت مخابرات افزایش یافته است**

در امپراتوری وسیع ایران آن عصر ترتیبات وتجهیزاتی که برای ارتباطات فراهم شده بود، با چنان نظم و مهارتی توأم بود که چابک سواران مأموریت فاصله حدود سه هزار و دویست کیلومتری «سارد» و «شوش» را در مدت فقط یازده روز طی میکردند.

«هرودوت» مورخ یونانی در تعریف و ستایش پست آن روزگار ایران می نویسد:

«... نه برف، نه باران، نه گرما و نه تاریکی شب پیکهای پست را از زود رسیدن بمقصود باز نمیدارد...»

پست جدید ایران در حدود یک قرن پیش ایجاد گردید و اولین خط پستی در سال ۱۲۹۲ قمری (۱۲۵۴ شمسی) در مسیر تهران — تبریز- جلفا شروع بکار کرد. برقراری پست جدید در ایران بیش از هرچیز مدیون اقدامات اساسی و تحول آمیز «میرزا تقی خان امیر کبیر» است.

درسال ۱۲۹۷ قمری — ۱۲۵۸ شمسی - اداره پست که بسیار جوان بود به وزارت پست تبدیل گردید و امین الملک بعنوان نخستین وزیر وزارتخانه جدید شروع بکار کرد.

درسال ۱۲۸۸ شمسی این وزارتخانه بنام وزارت پست و تلگراف تغییر نام داد و صور اسرافیل نخست کفالت آنرا و بالاخره وزارت پست و تلگراف را بر عهده گرفت و [illegible] آنرا [illegible] که در دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر [illegible] این سازمان چون دیگر سازمانهای مملکتی راه ترقی و تکامل پیمود.

***

***— : آقای مهندس «ملک ابهری» .... شرکت مخابرات ایران، در واقع یکی از سازمانهای وسیع و گسترده کارگری کشور است. از اینرو چه بهتر که در این نشست، گفت و شنود را از تعداد کارگران این واحد و مسائل استخدامی آنان شروع کنیم؟**

رستاخیز کارگران می‌پرسد...
کارفرما پاسخ می‌دهد...

مختصری در باره مهندس «شمس‌الدین ملک ابهری» از زبان خودش:

من در سال ۱۳۱۶ در خراسان بدنیا آمدم، دوره ابتدائی را در مازندران و متوسطه را در تهران به پایان رساندم سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم و در رشته‌ی مهندسی الکترونیک فارغ التحصیل شدم.

بعد از پایان تحصیل مدت هفت سال در استخدام شرکت عمران ومنابع آمریکا بودم... آنگاه به سازمان آب و برق خوزستان رفتم. زمانی که سد «محمدرضاشاه پهلوی» در دست ساختمان بود، جهت همکاری به آن سازمان دعوت شدم و بعنوان مهندس کارشناس در سیستم‌های الکترونیکی انجام وظیفه کردم، تا این که مسئولیت مخابرات و الکترونیک سازمان آب و برق خوزستان به من واگذار شد... چهار سال در آن پست بودم... پس از آن بنا به تقاضای وزارت آب و برق مسئول طرحهای اجرائی آن وزارتخانه شدم...

سپس به تهران آمدم و مسئول طرح مخابرات شبکه بهم پیوسته نیروی برق سراسری کشور شدم... آنگاه مسئولیت اجرای طرح کامپیوتر کنترل برق بمن واگذار شد... اوایل برنامه چهارم عمرانی بود که بمدیریت امور مخابراتی سازمان برنامه انتخاب شدم... اوایل برنامه پنجم بعنوان مشاور عالی وزیر پست و تلگراف کار خودرا در این وزارتخانه شروع کردم و همان هنگام مجری اجرای طرح یکپارچه مخابراتی کشورشدم، و از اوایل اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ در سمت فعلی انجام وظیفه میکنم.

***

ملک ابهری: — در شرکت مخابرات ایران در حال حاضر ۷۰۵۶ نفر کارگر مشغول کارند که از این عده ۲۵۵۶ نفر در شهرستانها و ۴۵۰۰ نفر در تهران انجام وظیفه می کنند.

و اما درمورد وضع استخدامی آنها. در این شرکت ۵۰۰ نفر بطریق روزمزد مشغول هستند بقیه عنوان «کارگران بیمه ای» دارند.

***—: ممکن است درباره کارگران بیمه‌ای کمی توضیح بدهید؟**

ملک ابهری: — البته... شرکت مخابرات دو نوع کارگر دارد، کارگران حفار و کابل کش که عنوان روزمزد دارند و دیگر کارگران که ثابت هستند «بیمه‌ای» خوانده میشوند... در شرکت مخابرات واحدی بنام «اداره کل کارکنان بیمه‌ای» داریم که وظیفه آن تلاش در راه بهبود وضع کارگران — بهداشت محیط کار — مسائل رفاهی و دیگر ضروریات شغلی ومعیشتی کارگران است.

از جمله اقدامات بسیار مؤثری که برای بهبود وضع کارگران صورت گرفته، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل آنان است. این طرح که در نیمسال اول سال جاری پیاده شده بادرنظرگرفتن تخصص و مهارت کارگران و رده‌بندی آنان شکل گرفته. با بررسی‌های کافی که البته با همکاری وزارت کار و اموراجتماعی صورت گرفته، کارگران ما احکام جدیدی دریافت کرده‌اند که دراین احکام هم ردهٔ شغلی آنان مشخص شده و هم درآمد آنان بطور محسوس و قابل توجه افزایش یافته است.

نکته‌ای که دراینجا بایستی به آن اشاره کنم، اینست که در طرح طبقه‌بندی مشاغل در، رده‌بندی «عامل مهارت» **پیش‌بینی‌های لازم در جهت ترقی کارگران بعمل آمده.. خصوصاً این که امکانات بسیاری از طریق اداره «آموزش شرکت‌مخابرات ایران» در راه مهارت‌آموزی و تخصص اندوزی بیشتر دراختیار کارگران قرار گرفته، که نتیجتاً کارگران‌را از طبقه‌ای که در آن قرار گرفته اند به طبقه بالاتر خواهد رساند.**

***—: چون دراینجا سخن درباره مهارت و تخصص رفت، اشاره به این نکته ضروری مینماید وآن اینکه کشورما با پیشرفت سریع همه جانبه، خصوصاً درامر صنعت، بیش از پیش احتیاج به کارگر ماهر ومتخصص دارد.. گرچه قبلا سخن از «اداره آموزش» شرکت مخابرات ایران رفت، اما چنانچه توضیح بیشتری درباره چگونگی پیشرفت مهارت و تخصص کارگران بفرمائید متشکر میشوم.**

ملک ابهری: — مشاغل کارگری شرکت مخابرات تا حدودی متنوع است و به رشته های گوناگون تقسیم میشود. از اینروست که سعی و تلاش مسئولین امر دراین است که حتی‌المقدور کارگران‌را در حین کار آموزش بدهند، و از کارگرساده، کارگرمتخصص بسازند، چنانچه درعمل مشاهده‌شد که کارگری قدرت جذب کارهای دقیق تر و اساسی‌تررا ازخود نشان میدهد.. آنوقت برایش دوره‌های آموزشی در سطح بالاتر، ترتیب میدهیم.

درقسمت «سرمتوری» تعدادی از کارگران را در دوره‌های تخصصی کوتاه مدت تعلیم دادیم... درقسمت «مفصل بندی» مسئولین شرکت کارگران‌را آموزش میدهند... در قسمت «سر کشیک» هم درحین کارمهندسین و متخصصین شرکت کارگران‌را آموزش میدهند. ازآن گذشته دراینجا آموزشها طبقه بندی‌شده‌اند لذا با توجه به گسترش روزافزون تکنولوژی جدید و پیشرفته، چنانچه شرکت مخابرات به مهارت بیشتر وتخصص بالاتر نیازداشته باشد، شکی نیست که تعدادی از کارگران بااستعداد را بخاطر مهارت اندوزی بیشتر به خارج از کشور خواهیم فرستاد. در پایان‌این پاسخ بایستی اضافه کنم که من و دیگر مسئولین شرکت کاملا از ذوق و استعداد برادران کارگرمان راضی هستیم واین آنها هستند که هر روزمرا و دیگر همکارانم‌را بکاربیشتروتلاش گسترده‌تر وامیدارند. این فکر و عمل کاملا درآنها پرورانده‌شده که روزبروز بدنبال «نظام‌سرویس» دهی بهتر وصحیح تر باشند، زیرا بدون شک مسئولین این سازمان و تمام نیروهای انسانی کارگران آن به این امر وقوف کامل داشته و دارند که تا آنجا که امکان دارد، حتی از توان بیشتر خودشان استفاده کرده، بمردم و اجتماع خدمت نمایند واین روحیه خدمتگزاری‌رامن در چهره‌ی فرد فرد برادران کارگرم می‌بینم.

***—: سخنان شما که بدینگونه بی‌آلایش و صادقانه ابراز میشود و رضایت داشتن مسئولین از کارگران باعث خوشحالی است.. ازاینرو رشته کلام‌را به مسائل رفاهی کارگران میبرم، چون‌سخن دراین بود که عده‌یی از کارگران‌این شرکت روزمزد هستند، این سئوال مطرح میشود که نحوه‌ی کارآنها چیست، وچه مزایائی دارند.؟**

ملک ابهری: — اکثر کارگران روز مزد شرکت مخابرات ایران به کارهای حفاری و کابل کشی اشتغال دارند و از تمام وسایل رفاهی، ازقبیل بیمه، درمان‌و بهداشت، بهمان نسبت استفاده‌می کنند که دیگر کارگران این شرکت. دیگر این که همانطور که قبل از این گفت وشنود، اشاره نمودید که گزارشگران‌مجله رستاخیز کارگران پیش از پرسش از کارفرما، بمیان کارگران میروند و با آنها درباره‌مسائل کارگری و غیره صحبت می کنند و از نزدیک با آنان آشنا می‌شوند. حتماً دوستان کارگر به گزارشگران شماگفته‌اند که سطح حقوق ومزایای آنان تاچه میزان است، وتاچه اندازه‌قابل توجه.

***—: کاملا صحیح است. کارگران این سازمان ازلحاظ حقوق ومزایا هیچ نوع ناراحتی نداشتند، اما موردی که بر روی آن اشاره داشتند، مسئله مسکن بود ممکن است بفرمائید تا کنون چه اقداماتی انجام گرفته یا انجام خواهد گرفت.؟**

ملک ابهری:- دراین مورد اجازه‌می‌خواهم کمی درحاشیه صحبت کنم تا بپردازیم به اصل مطلب. یکی ازمسائلی که باعث کندی کار مادر امر خانه‌سازی شده، اصول کنترل کننده و یا به معنی دیگر ترمز کننده اعتبارات این شرکت است، که واقعاً با کمبود اعتبار روبرو هستیم، که امیدوارم با کوشش هائی که درآینده ازطرف دوستان کارگرانجام خواهد گرفت و گشایش در امر اعتبارات این مشکل حل شود، که البته متذکر خواهم شد چرا همکاری کارگران باعث پیشرفت کار در امر خانه های سازمانی خواهدشد.

و اما مشکلی که ما را پیچیده‌تر می کند، گسترش ووسعت واحدهای کارگری این‌سازمان است. شرکت مخابرات ایران در پانصد نقطهٔ کشور به طور پراکنده سرویس و کارگاه‌وانبار وغیره دارد... پس در درجه اول ما احتیاج به یک مطالعه دقیق و حساب شده داریم، که چگونه و به چه ترتیب طرح خانه‌سازی بریزیم.. آیا واحدهای مسکونی کارگران را در یک نقطه بنا کنیم، یا انفرادی و یا این که چند دستگاهی بسازیم. از آن گذشته با این وسعت و پراکندگی چگونه به کارگران سرویس بدهیم ؟

اما چگونه کارگران می‌توانند در امر ساختن خانه‌های سازمانی شرکت را یاری دهند؟ بر هیچ کس پوشیده نیست که کشور ما نه این که روز به روز، بلکه، لحظه به لحظه در تمام زمینه ها رو به گسترش و دگرگونی است، این دگرگونی سریع و چشمگیر، وسایل رفاهی سریع و چشمگیرتری را به دنبال می‌آورد، که یکی از آنها مخابرات یا به زبان ساده وسیله ارتباط مردم با مردم است. دنیای امروز برای یک صاحب صنعت، یک تولید کننده و یا هر سازمان اقتصادی این امکان را فراهم آورده است، که در ظرف چند لحظه با دورترین نقاط جهان تماس گرفته، تا سفارش وسایل مورد لزومش را بدهد و یا مشکلاتش را حل کند، یا اینکه بازار فروش برای کالایش بدست آورد. پس می‌بینیم که این سرعت، بدون سرویس سریع ودقیق امکان پذیر نیست.

شرکت مخابرات هر روز بر تعداد مشترکین و متقاضیانش افزوده میشود. پس اگر ما دست به دست هم‌بدهیم ومرتباً سرویس بیشتر و بهتری به مردم بدهیم، شکی نیست که درآمدشرکت افزونتر و افزونتر خواهد شد و این همکاری و همیاری باعث میشود تا حدودی مشکل اعتبارات حل شود.

بدون شک شما در باره تفریح، سرگرمی، سالن ورزش، سینما و دیگر زمینه های تفریحات سالم کارگران هم سئوال خواهید کرد، که در جواب آن هم باید بگویم، در کنار واحدهای مسکونی شرکت مخابرات، تمام مسائل را در نظرخواهیم گرفت.

***—: درمورد بهداشت محیط کار و بیمه و درمان کارگران، شرکت مخابرات ایران چه اقداماتی به‌عمل آورده است؟**

ملک ابهری: — کلیه کارگران شرکت مخابرات از نظر بهداشت زیر پوشش درمانی هستند. در گذشته کارگران ما از بهداری شرکت استفاده‌می کردند، ولی چندی است که کارگران و خانواده آنان در زیر پوشش سازمان خدمات درمانی کشور قرار گرفته‌اند و تا امروز دفترچه های بهداشتی صادر شده از مرز پانصد گذشته است وبقیه نیز دردست انجام است.

در مورد بهداشت محیط کار، شرکت مخابرات سالها است بهداشت محیط کار و سلامت کارگرانش را مورد نظر قرار داده، از این روما اداره‌ای به نام «اداره بهداشت‌صنعتی» داریم که وظیفه این واحد نظارت بر بهداشت و شرایط محیط کار و بررسی وضع کارگاهها و کانتین ها و بالاخره سایر مسائل بهداشتی کارگران است.

***—: آیا نکات دیگری به نظرتان می‌رسد تا خوانندگان و دوستان کارگر را در جریان بگذاریم ؟**

ملک ابهری: — گفتنی‌ها گفته شد، ولی نکته‌یی را که باید یادآوری نمایم اینست که کلیه کارگران ما در تهران وشهرستانها هزینه ایاب و ذهاب دریافت می کنند و به آنها پول ناهار داده میشود، همچنین به کارگرانی که با سرب و سیمان سرو کار دارند، روزانه شیر می‌دهیم. *—: متشکرم.

مرخصی استعلاجی
با دریافت حقوق و مزایا

نمایندگان کارگران یک واحد تولیدی در استان گیلان نظریات و مسائل خود را درمیزگرد رستاخیز کارگران عنوان کردند:

نماینده کارگران یک واحد تولیدی صنعتی، مدیر کل اداره کار استان و سرپرست سازمان تامین خدمات اجتماعی گیلان در میزگرد رستاخیز کارگران که درشهرستان رشت تشکیل شد شرکت کردند و پیرامون مسائل کار و کارگری، بهداشت و درمان به بحث وگفتگو پرداختند. در آغاز شرکت کنندگان در این جلسه از طرف نماینده رستاخیز کارگران در شهرستان رشت باین شرح معرفی شدند:

آقای عبدالمجید باقری مدیر کل کار استان گیلان، آقای منوچهر دماوندی سرپرست سازمان تامین خدمات اجتماعی گیلان، آقای حمزه موفق رئیس سندیکای کارگران پارس توشیبا، سید ابراهیم هاشمی عضو سندیکا، آقای مهدی ابریشم چی عضو سندیکا، حسین خدابخشی عضو سندیکا، محمد باقر ظهورطلب عضوسندیکا، هادی قناعتگر عضوسندیکا.

پس از معرفی شرکت کنندگان نماینده رستاخیز کارگران با اشاره به هدف از تشکیل این میز گردها اظهار داشت همانطوریکه کارگران عزیز اطلاع دارند مجله رستاخیز کارگران یکی دیگر از خواستهای کارگران کشورمان را برآورده کرد و درمدت کمی که از انتشار ین مجله میگذرد ماشاهد علاقه و استقبال شما کارگران از این مجله بوده‌ایم. چرا که هدف از انتشار مجله بالا بردن سطح دانش کارگران بصورت تئوریک است مضافاً اینکه هر گاه کارگران در هر نقطه‌ای از کشور با نارسائی هائی مواجه شدند از طریق این ارگان حزب نظرات خود را بیان میکنند و مسئولین امر را در جریان می‌گذارند. جلسه امروز نیز درپی این هدف است. اکنون شما کارگران که بعنوان نماینده دو هزار کارگر یک واحدتولیدی و صنعتی در این میز گرد شرکت کرده‌اید اگر مشکلی یا نظراتی دارید‌میتوانید عنوان کنید.

مهدی ابریشم‌چی — برای کارگران در مواردیکه حادثه‌ای در محیط کار پیش می‌آید از نظر مرخصی واجازه رفتن به‌درمانگاه مشکلاتی وجود دارد مثلا ما در کارخانه‌مان درمانگاهی داریم که اگر برای کارگری حادثه‌ای پیش آید به آنجا مراجعه میکند در آنجا نیز کارگر به بیمارستان بیمه های اجتماعی معرفی می‌شود، کارگر مورد نظر برگی را که از درمانگاه گرفته به رئیس قسمت میدهد وایشان اظهار میدارند اول مرخصی بگیرید و پس از آن به بیمارستان بروید و در چنین موقعیتی برای کارگر برگ مرخصی بدون حقوق صادر می‌شود. اگر ممکن است بفرمائید آیا چنین قانونی وجود دارد؟

دماوندی — من فکر میکنم وقتی کارگر به درمانگاه مراجعه کرد و دکتر درمانگاه تشخیص داد که احتیاج به استراحت دارد برایش استراحت مینویسد، در غیر اینصورت بحساب مرخصی او گذاشته میشود. در ضمن معمولا مراجعه به پزشک اگر درمجموع بیش از دو ساعت بطول نیانجامد باید با حقوق باشد اما اگرطولانی‌تر از این زمان باشد به قانون بیمه های اجتماعی برخورد میکند که ۳ روز اول آن‌بدون حقوق خواهد بود.

رئیس اداره کار متن قانون را باین شرح قرائت کرد:

۱— ماده ۴۲ قانون کار در این خصوص میگوید: غرامت دستمزد از اولین روزی که بیمه شده براثر حادثه یا بیماری حرفه‌ای و بموجب تشخیص سازمان تامین خدمات درمانی‌قادر بکار نباشد پرداخت خواهد شد. در مواردیکه عدم اشتغال بکار ومعالجه سبب بیماری باشد در صورتیکه بیمار در بیمارستان بستری نشود غرامت دستمزد از روزچهارم پرداخت خواهدشد بنابراین این موضوع در قانون هم ذکر شده است بهر حال اگر موضوع آن یکی دو ساعت است ایرادی ندارد.

قناعت گر — در قانون کار مرخصی ۱۲ روز است، در مورد مرخصی‌های استعلاجی مثلا کارگری یکساعت برای انجام کارش مرخصی میخواهد که به درمانگاه برود آیا برای این زمان محدود بایداز مرخصی بدون‌حقوق استفاده کند؟

دکتر باقری — معمولا برای این زمان محدود که برای انجام کارهای پزشکی‌صرف میشود نباید حقوقی از کارگر کسر شود البته اگر به پزشک مراجعه کرده وگواهی‌نامه‌ای نیزداشته باشد.

قناعت گر —اگر کارگر به پزشک مراجعه کرده وپس از آن سر کارش برگشته باشداما بااین وجود مریض باشد بظاهر کارگر این مساله رانشان میدهد مع الوصف در این موارد مرخصی بدون‌حقوق صادرمیکنند.

باقری —معذرت می‌خواهم که‌این را میگویم کارگران هرچقدر بیشتر کارکنند و وابستگی بیشتری بکار داشته باشند منافعش متوجه خودشان است. فکر میکنم اگر موارد خیلی خاص (اورژانس) وجود داشته باشد یعنی خدای ناکرده یک بیماری ناگهانی‌پیش بیاید مسئولان درمانی سازمان خدمات درمانی تقریباً در تمام ۲۴ ساعت کارمیکنند و کشیک دارند. کارگران باید سعی کنند اگر درصبح کسالتی دارند که قابل تحمل است درمواقع فراغت از کارمثلا شبها به درمانگاه یا بیمارستان مراجعه کنند یا برعکس اگر صبحها

دکتر عبدالمجید باقری

بیکارند در این زمان برای معالجه به پزشک مراجعه کنند. در کارگاهی که ۲۰۰۰ کارگر فعالیت می کنند طبیعی است که گاهی از این مسایل پیش می‌آید اما اگر کارگری دائماً خود را به بیماری بزند یعنی برای نمونه میگویم از ۳۰ روز ۲۵ روز آن به بهانه بیماری سر کار خود حاضرنشود نمیشود به‌وی کمک کرد.

بهر حال بیماری وجود دارد واگر در حد عادی ومعمولی باشدما به کارفرما گفته‌ایم که مرخصی کارگر را با مزایای حقوق بحساب آورد.

قناعت‌گر — سئوال دیگر مربوط میشود به جلساتی که اعضای سندیکا برای شرکت‌در کلاسهای آموزشی، شورای کارگاه حل اختلاف ویا مسائل کارگری دعوت میشوند باید برای این مدت که شاید بیشتر از حدود ۲ ساعت طول بکشد از مرخصی بدون حقوق استفاده کرد؟.

باقری —خیر، ساعاتی که اداره کار برای تشکیل شورای کارگاه حل اختلاف، یا مسائل کارگری‌دعوت می کند، نیازی نیست که از مرخصی بدون حقوق استفاده شود برای

اینکه چنین مشکلی هم دیگر موجود نباشد دستور میدهیم رونوشتی از دستور العمل این مورد را به کارخانجات بفرستند شاید بعضی از کارخانه‌ها از این جریان بی اطلاع باشند. کسانی که برای شرکت در جلسات بررسی مسائل کارگری دعوت میشوند بایدحقوقشان پرداخت شود چه بسا که شما را به تهران

*وزارت کار درمورد باشگاه ورزشی کارگران گیلان اقدام می کند

*اگر کارگری بطور مداوم خود را بیمار نشان دهد و تمارض کند نمیتوان به وی کمک کرد.

حمزه موفق

رمضا نعلی‌گر

سید ابراهیم هاشمی

مهدی ابریشم‌چی

ـمد باقر ظهورطلب

نماینده رستاخیز کارگران

احمد موحدی

جمال حیدری

حسن خدابخشی

بفرستیم ودراین مدت که بمنظور مأموریت یا دیدن دوره‌های خارج از محیط کارخانه را ببینید حقوق شما کاملاً پرداخت می‌شود.

حمزه موفق — اگر کارگری بیمار شود مثلا به مرض روانی یا یک مرض دیگر که مدت مداوای آن طول بکشد دچار شود پس از درمان وبهبودی برای کار مجدد به کارخانه مراجعه میکند، کارفرما اورا نمی‌پذیرد با وجودیکه ۶ یا ۷ ماه تحت نظر دکتر معالج بوده است. آیا چنین کارگری را اصولا میتوان اخراج کرد؟

باقری — اگر چنین کارگری را اخراج کردند، ترتیب سرکار گذاشتن کارگر نامبرده را خواهیم داد.

حمزه موفق — کارگرانیکه مریض میشوند و به بیمارستان مراجعه میکنند، وبه تشخیص بیمارستان آنها را روانه تهران میکنند تادر آنجا بستری شوند. به هر کدام از این کارگران برای سفر به تهران ۱۰۰ ریال میدهند او با این ده تومان چه باید بکند؟

باقری — همانطور که میدانید از تاریخ ۵۳/۵/۱۰ هزینه درمان کارگران از سازمان بیمه‌های اجتماعی جدا شده وبه عهده سازمان تأمین خدمات درمانی محول شده است واین سازمان ترتیب اعزام کارگر مریض را خواهد داد. منتها طبق قانون جدید آن مبلغی که بعنوان هزینه سفر پرداخت میشد افزایش یافته قبلا ۵۰ درصد دستمزد بعنوان هزینه سفر به بیمار پرداخت می‌شد که اکنون آن ۵۰ درصد به ۱۰۰ درصد دستمزد تبدیل شده است که نسبت به سابق بازهم تفاوت کرده است. بابت همراه هم فکر میکنم پولی پرداخت میشود که در این مورد نظر شما را تأمین میکند بشرطی که نظر پزشک این باشد که همراه هم بامریض به تهران برود.

ظهورطلب — کارخانه ما در تمام رشته های ورزشی ورزشکار دارد وحتی در بعضی از رشته ها ورزشکارانی وجود دارند که صاحب چندین مدال طلا هستند اما کارخانه ما هیچ گونه تأسیسات ورزشی برای کارگران ندارد تا کارگران بتوانند در زمان فراغت از آنها استفاده کنند. شما دراین مورد اقدامی انجام داده‌اید.

باقری — بعضی از کارخانجاتی که از چند سال قبل ایجاد شده‌اند امکانات رفاهی ندارند از جمله همین امکانات ورزشی، یکی از کارفرمایان چند روز قبل پیش من آمد واظهار کرد زمانی که ما این کارخانه را احداث میکردیم حساب نمیکردیم که تا این حد توسعه یابد وحالا مثلا میخواهیم باشگاه درست کنیم، سالن سرپوشیده احداث نمائیم احتمالا برای کارگران خانه‌های سازمانی بسازیم. اما با مشکلاتی روبرو میشویم. زمین در اطراف کارخانه وجود دارد، زارع هم میتواند زمین مورد نیاز هم بما واگذار کند اما موانعی برسر راه است. بنابراین در کارخانه شما نیز باید چنین مسائلی باشد. ماسعی میکنیم بطریقی امکاناتی به کارخانجات بدهیم مخصوصاً به کارخانه شما که خودتان می‌گوئید که ورزشگاه در رشته‌های مختلفی دارد وباید چنین اقدامی حتماً بشود. اما برای اینکه چنین نقیصه‌ای رفع شود قسمت امور اجتماعی اداره کل کار استان با اداره تربیت‌بدنی صحبت کرده، حالا آنها سالن وامکانات در اختیارما می‌گذارند وجای خوشوقتی است که باطلاع آقایان برسانم که خوشبختانه کارگران استان گیلان همانطور که خودتان اشاره کردید در رشته‌های مختلف مقام قهرمانی کسب کرده‌اند. من به آقایان قول میدهم مسئله ورزش که حائز کمال اهمیت است حل می‌شود من با کارفرماها و وزارت کار مذاکره خواهم کرد شاید بتوانم یک باشگاه اختصاصی شامل تمام تأسیسات ورزشی برای کارگران این استان درست کنم.

ظهورطلب — نماینده کارگر درشورای حل اختلاف یا درشورائی که باصطلاح بخواهد از کارگر دفاع کند باید ایفاگر چه نقشی باشد؟ زمانیکه رأی به اخراج کارگر صادر میشود آنهائی که در شورا یا کمیسیون حل اختلاف تصمیم گیرنده‌اند نه بمن که نماینده کارگرانم حق میدهند نه بکارگرانیکه این تصمیم را درباره او گرفته‌اند و این توهم پیش می‌آید که همیشه حق به کارفرما داده میشود بنابراین نقش من دراین میان چیست؟ وزارت کار درمقابل نمایندگان کارگران چه‌وظیفه‌ای دارد؟

باقری — رسیدگی به شکایت کارگران در بدوامر با شورای کارگاه است درچنین جلسه‌ای کارگر یا نماینده او علت اختلاف را توضیح میدهد و سپس کارفرما نظر خود را اعلام میدارد که بچه مناسبت چنین تصمیمی گرفته است، اگر درسخنان او تناقض گوئی مشاهده شد موضوع به بازرسی ارجاع میشود. بازرس به محل کارگاه میرود و به اظهارات کارگر و کارفرما رسیدگی میکند و شورای کارگاه براساس اظهارات کارفرما و تحقیقاتی که انجام شده رای صادر میکند این رای را اداره کار صادر نمیکند بلکه ناشی از اظهارات طرفین است و بازرسی هایی که شده نشاندهنده این است که رای صادره واقعیت داشته است. چه بسا استنباط کارگر و اظهاراتی که میکند صحیح نبوده و همینطور کارفرما و اکثرا اگر شما آمار را ملاحظه کنید مثلا در مورد شما چنین بوده است. اگر ما در روز ۷ تا ۸ شورای کارگاه داشته باشیم شش‌تای آن بنفع کارگر بوده است. درضمن چه بسا که بعضی ازشکایتها وارد نیست و تازه این شورای کارگاه که رای صادر میکند ظرف ۱۰ روز برای طرفین قابل اعتراض است اما در مورد کمیسیون حل اختلاف بحث اداره کار و نماینده آن کارگاه مطرح نیست درآنجا یک هیات دیگری نشسته‌اند. کمیسیون دارای هیچ گونه نظر خاصی نیست فقط باتوجه به محتویات پرونده و واقعیت امر تصمیم گرفته میشود.

بی احتیاطی در کار،

گزارش از: محمود احبائی

حوادث کارگاهها در سال ۵۳:

۵۰۳ نفر یک یا چند انگشت خود را از دست دادند.
۱۰۴ نفر از بلندی سقوط کردند.
۹۵ نفر بعلت سقوط از بلندی جان سپردند.
و مبلغ ۲۹/۸۶۹/۶۱۴ ریال خسارت به بیمه‌شدگان حادثه دیده یا بازماندگان آنها پرداخت شده است.

حوادث کار

حادثه در کارگاه کوچک، کارخانه [illegible] صنعتی محل کار دو کارگر، گاه حوادث [illegible] را باعث شده است. در واقع سرعت [illegible] و دستیابی به امکانات بیشتر در تولید، [illegible] را به وجود می‌آورد که نتیجه تحول [illegible] ابزارهای مکانیکی و وسائل [illegible] است.

[illegible] وسائل حفاظتی [illegible] و [illegible] های حفاظتی و بسیاری وسائل دیگر به [illegible] احتیاطی کارگران [illegible] و [illegible] وقوع حادثه را [illegible] می‌کند.

بررسی [illegible] رویدادهائی که در طول سال گذشته در کارگاهها، کارخانه‌ها و مجتمع‌های [illegible] اتفاق افتاده است، [illegible] حوادثی است که [illegible] از کار افتادگی دائم و موقت افرادی را در پی داشته است.

در طی سال گذشته [illegible] ۹۰۶ مورد حادثه ناشی از کار در کارگاههای مشمول مقررات بیمه‌های اجتماعی اتفاق افتاده و جمع [illegible] به عنوان خسارت به بیمه شدگان حادثه دیده یا بازماندگان آنها پرداخت شده، مبلغ ۶۱۴، ۶۹ [illegible] ریال بوده است.

نوع حوادث [illegible] و مبالغ پرداخت شده برای هر کدام به این شرح است:

۱- از کارافتادگی کلی دائمی [illegible] ۱۶۴، [illegible] خسارت پرداخت شده ۶۶۶ ۵۰۷ ریال.

۲- از کارافتادگی جزئی دائمی از کار ۶۳ مورد، خسارت پرداخت شده ۸۸۲ ۱۳۷ [illegible] ریال.

۳- [illegible] از کارافتادگی دائم ۱۰۹ مورد، خسارت پرداخت شده ۲۸۹ ۲۶ [illegible] ریال.

۴- فوت ناشی از کار ۳۰۵ مورد، خسارت پرداخت شده ۴۶ ۰۹۶ ۲ ریال.

قطع یک یا چند انگشت به وسیله پرس که منجر به از کارافتادگی دائم یا موقت شده، ۳۰۵ مورد، یعنی بیشترین تعداد حوادث سال گذشته را شامل می‌شود.

کار کردن با وسیله پرس های گوناگون در عین حال که [illegible] را در جهت آسان شدن کار [illegible]، کاری حساس و نیازمند به دقت [illegible] و استفاده از وسائل حفاظتی است [illegible] به کوچکترین بی احتیاطی یا نبودن حفاظ [illegible]، ممکن است به جای [illegible] قطع انگشت

با دست کارگر را قطع کند.

پرسهای مجهز به ردکننده، دو دستی، نوری از انواعی به شمار می‌رود که در حال حاضر بیشترین استفاده را در کارگاهها و کارخانه‌ها دارد. اما بسیاری از کارگران که برای زودتر انجام شدن کار بدون به کار انداختن این وسائل حفاظتی، کار را شروع می‌کنند و همین امر بارها حوادث ناگواری را باعث شده است.

از ۵۰۳ حادثه قطع انگشت به وسیله پرس که در سال گذشته اتفاق افتاده است ۴۰۸ فقره آن نتیجه همین عدم استفاده از وسائل موجود حفاظتی ویژه دستگاه پرس بوده است.

از سوئی نبودن وسائل حفاظتی پرس که بیشتر در کارگاههای کوچک خصوصی به چشم می‌خورد، علل دیگر حوادث منجر به قطع انگشت است.

کارگاههائی هستند که باوجود بازرسی‌های مامورین وزارت کار و مشاهده موجود وسائل

حادثه می‌آفریند

حفاظتی ... کارکنان ... کارگاهها، وسایل حفاظتی ... نمی‌شد و ... بی‌توجهی به ... و استفاده از وسایل ایمنی و حفاظتی خود، ... حوادث ناگوار می‌آفرینند، به‌صورتی که ... درصد از رویدادهای منجر به قطع انگشت در سال گذشته، علتی جز همین عدم استفاده از وسائل حفاظتی نداشته است.

از ۳۰۰ ... در سال گذشته ... انگشتان دست‌های خود را از دست داده‌اند، و ... آن‌ها طوری دچار ... افتاده تشخیص داده شده‌اند. این گروه از ... هستند که انگشتان یک دست خود را از دست داده‌اند و بقیه به ... از کار معاف شده‌اند.

سقوط از بلندی ... مورد ... از رویدادهای مربوط به ... ترین ... حوادث ... در سال گذشته به وجود آورده است. ... از این عده جان خود را از دست داده و بقیه بطور دائم یا موقت از کار افتاده تشخیص داده شده‌اند.

این گونه حوادث را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. اول سقوط از بلندی در کارگاه و کارخانه و دوم پرت شدن از بلندی در محیط بیرون از کارخانه. علت وقوع بعضی از حوادث را در داخل کارگاه، در مرحله اول باید علت نبودن نردبان‌های مطمئن و محکم ... کرد. در کارگاههای ... کارگران به ... و در ... مجبور به بالا و پائین رفتن هستند، وجود نردبان‌های مطمئن وسیله‌ای ... به شمار می‌رود، در حالیکه در بعضی از کارگاهها نردبان‌هائی استفاده می‌شود که پله‌های آن به علت استفاده زیاد فرسوده شده و ... شکسته ... روی آن نمی‌توان ... وجود ...

... مورد سقوط از بلندی ... نبودن حفاظ و نرده در اطراف ماشین‌ها و دستگاه‌های ... هم ... حوادث زیادی را به بار آورده است.

البته در مورد سقوط از بلندی بی‌احتیاطی برخی از کارگران را هم باید در نظر داشت ... که حتی در بسیاری از کارگاههای مجهز به ... وسائل احتیاطی ... تنها به‌علت همین غفلت کارگران حوادثی رخ می‌دهد.

درسال گذشته ۲۴۰ حادثه مربوط به‌سقوط از بلندی در بیرون از کارگاه اتفاق افتاده است و کارگران ساختمانی و کارگران حفر چاه قربانیان اصلی این گونه حوادث بوده‌اند.

در این سال جمعاً ۲۲ ... کارگر حفر چاه به‌علت سقوط در چاه و ۸۵ نفر کارگر ساختمانی به‌علت پرت شدن از روی دیوار و پشت‌بام جان خود را ازدست داده‌اند.

بی‌احتیاطی کارگران در وقوع این گونه حوادث بیش از دیگر رویدادها مؤثر بوده است، چون علت سقوط بیشتر مقنی‌ها در چاه، پاره‌شدن طناب بوده است، درحالیکه آزمایش طناب پیش ازشروع کار و اطمینان از استحکام آن می‌توانست تا حد زیادی از بروز حادثه جلوگیری کند.

اما در مورد کارگران ساختمانی باز عدم استفاده از نردبان‌های محکم مهمترین علت سقوط به‌شمار می‌رود و ۱۷۰ نفر از کارگران که در سال گذشته براثر سقوط از بلندی مجروح شده یا جان خود را از دست داده‌اند، تنها به‌علت همان محکم نبودن پله‌های نردبان بوده است.

البته همانطور که در بالا گفته شد تعدادی از کارگران ساختمانی که از پشت‌بام‌ها و از روی دیوار به‌زمین سقوط کرده‌اند، ناشی از بی‌احتیاطی خود آن‌ها بوده‌است.

ریزش دیوار کارگاه، ساختمان‌های در دست تعمیر و دیواره چاه بعد از دو مورد ذکر شده بیشترین تعداد حوادث سال گذشته را شامل می‌شود.

به کار بردن تیرآهن و حفاظهای ویژه نگهدارنده، در ساختمان کارگاههائی که در آن‌ها از ماشین وموتورهای بزرگ استفاده می‌شود، امری ضروریست، چرا که صدای مداوم این موتورها وهمچنین سنگینی وسائل موجود در کارگاه می‌تواند بزرگترین صدمه را بردیوار وسقف کارگاه وارد کند. بهمین علت بیشتر حوادثی که براثر ریزش دیواره و سقف کارگاه به‌وجود آمده، علتی جز همان عدم استفاده ازوسائل ایمنی نداشته است.

در مورد ریزش دیوار ساختمان‌های در حال تعمیر وهمچنین دیواره چاهها می‌توان گفت به کار بردن تیرهای آهنی (شمع) علت اصلی بوده و این امر در سال گذشته ۳۹۰ حادثه به‌بارآورده‌است.

انفجار در کارگاه و کارخانه، بروز آتش سوزی و سقوط اشیاء برسر کارگران، قطع دست به‌وسیله تسمه وصدمات ناشی از کار با جراثقال ازحوادث دیگری بوده‌است که در سال گذشته حدود ۱۲۲ نفر کارگر را مجروح، از کار افتاده و قربانی کرده است. این گونه حوادث به‌ویژه انفجار وآتش‌سوزی در عین حال ... موارد ... می‌شود، صدمات وارده ... دیگر حوادث کارگاههاست.

* بطوریکه از ۱۲۲ ... که گرفتار این گونه حوادث شده ... نفر از آنها جان خود را از دست داده‌اند و ... نفر بطور دائم از کار افتاده تشخیص داده شده‌اند.

در وقوع این گونه حوادث هم بی‌احتیاطی کارگر وهمچنین به کار نبردن وسائل احتیاطی از جانب کارفرمایان کارگاههای کوچک ... از علت‌های اصلی به‌شمار می‌رود.

بررسی این حوادث به‌خوبی روشن می‌کند که ... همکاری کارگر و کارفرما در ایجاد محیط سالم و تجهیز کارگاه به‌وسائل احتیاطی و نیزبکارگرفتن این‌گونه وسائل از جانب کارگر می‌تواند حوادث محیط کار را به حداقل ممکن کاهش دهد.

زیرنظر: گوئل کهن

پمپ «بوش» ساده‌ترین و متداول‌ترین پمپ تزریق در موتورهای انژکتوری است

«انژکتور» وچگون

یکی دیگر از دستگاههای سوخت‌رسانی، پمپ اصلی تزریق است که در اینجا به شرح [illegible] آن می‌پردازیم:

۶ — پمپ اصلی تزریق

چگونگی ساختمان و طرز داخلی پمپ [illegible] بستگی کامل به [illegible] و [illegible] سازنده، چرا که هر مؤسسه [illegible] و صنعتی اتومبیل وابسته به [illegible] و روشهای طراحی و برنامه‌[illegible] خود، محصولات [illegible]

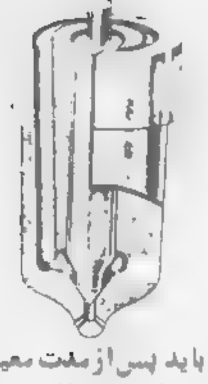

شکل ۲

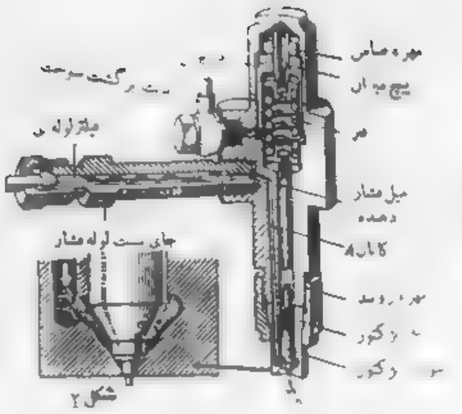

شکل ۳

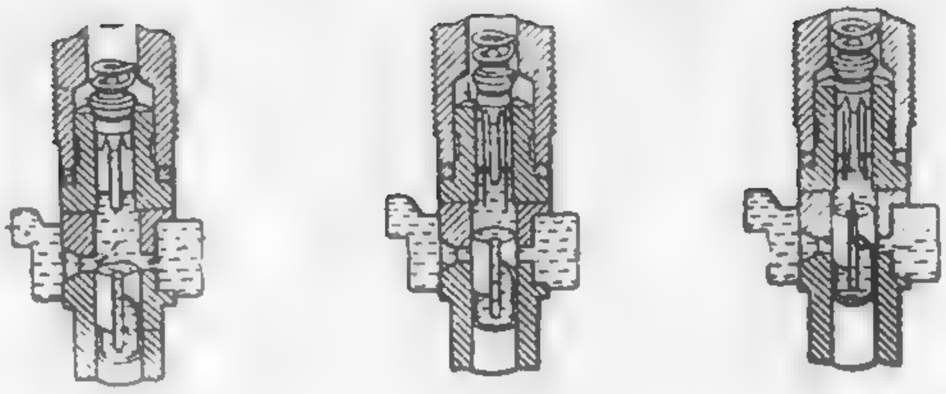

«ج» «ب» «الف»

در اینجا باید پس از مدت معینی ، استوانه پشمی را شستشو داد و پس از روغن زدن به آن ، درجای ابتدایی اش قرار داد.

مرحله بعدی در دستگاه سوخت رسانی ، پمپ اصلی تزریق وانژکتور است که در شماره آینده پیرامون آن بحث خواهیم کرد.

سوزن انژکتور مهم ترین عامل سیستم عملیاتی سوخت پاشها بشمار میرود

ی کار سوخت پاشها

ین زمینه عرضه می دارد.

یکی از معمولترین پمپهای انژکتوری که در اکثر موتورهای کوچک مورد استفاده قرار می گیرد «پمپ «بوش» است که درشکل (۱) مشاهده می کنید.

همچنانکه دربرشهای این پمپ دیده می‌شود، همچنانکه درشکل (۱ ـ الف)می بینید ابتدا سوخت از میان سوراخهای A و B وارد محفظه سیلندر می‌شود. پس از آن با بالاآمدن «پلانجر»، مجرای ورودی بوسیله بدنه پلانجر بسته میشود وباین ترتیب سوخت زیر فشار زیاد قرار می گیردوسوپاپ تخلیه C راباز کرده، وارد لوله متصل به انژکتورمیشود(شکل ۱ـب)

درقسمت سوم (باتوجه به شکل ۱ ـ ج)، وقتیکه پلانجر بالاتر آمد با تماس سطح منحنی شکل روی پلانجر با سوراخ B_1 ، سوخت از مجرای B_2 به کانال اصلی برگشته و سوپاپ C_2 به محض کاهش فشار باردیگر بسته می‌شود.

تغییرمیزان سوخت

حال باید دید چگونه مقدارسوخت تزریقی تغییر می کند؟

ـ تغییر مقدارسوخت که توسط پمپ بوش تزریق می‌شود وابسته به گردش پلانجر حول محور خود است. به این ترتیب که اگر شیار عمودی روی پلانجر، مقابل ومطابق با مجرای A یا B باشد، سوخت دیگر تحت فشار نبوده و درنتیجه عمل تزریق انجام نمی‌گیرد. که البته این حالت درخاموش کردن موتورهای دیزلی و نیم دیزل صورت می‌پذیرد.

بالارفتن پلانجر توسط میل بادامک پمپ انژکتورانجام می‌شود و به عکس، پائین آمدن آن توسط فنری که روی آن کارگذاشته شده ، عملی می‌شود.

گردش پلانجر حول محور خود برای کم یا زیاد کردن مقدارسوخت تزریقی است که توسط یک دسته شانه‌ای که به «گاورنر» و پدال گاز متصل است وظایفش را انجام می‌دهد.

برای هر سیلندر موتور، یک «بارل» و یک پلانجر وجود دارد وازاین نظر این نوع پمپ را ازنوع سیستم «انفرادی» بشمار می‌آورند.

***سوخت پاش یا انژکتور**

پس از پمپ تزریق، انژکتور قرار دارد که در شکل ۲ جزئیات نشان داده شده است. این انژکتور که ازنوع معمول وساده است ازسه جزء سوزن، فنروبدنه تشکیل شده است.

***سوزن انژکتور**

سوزن در داخل بدنه سیلندر قرار دارد و کاملا آب بندی شده نوک آن در محل نشیمن، بوسیله فنر ویژه‌ای، بطور استوار نشسته است. نکته مهم دراینجا تغییر محل قراردادن سوزن در داخل سیلندر است که گاهی در بدنه سوخت پاش وگاهی درانتهای سیلندر قرار می‌گیرد.

سوخت از مجرای A با یک فشار معینی می گذرد و به زیر سوزن می‌رسد. روش کار به این ترتیب است که درست در زمانیکه، فشار سوخت بیشتر از فشار فنر شد، سوزن به طرف بالا حرکت کرده و سوخت را با فشار زیادی از سوراخ های ریز سرانژکتور به خارج می‌پاشد

*** انواع انژکتور**

با توجه به اینکه انژکتور می‌تواند یک سوراخه باشد یا چند سوراخه، نوع موتورو نوع انژکتور متفاوت است و همچنانکه درشکل ۳ دیده می‌شود، سوزن و سیلندر موتورهای تندرو چندسوراخه است.

نعداد سوراخهای سوخت پاش و شکل آن به چگونگی ساخت وشکل اتاق احتراق بستگی دارد. اگرسوزن انژکتور درمحل آببندی نبندد و یا فنر کم شده باشد، مقداری سوخت بصورت قطره از انژکتور چکه کرده و موجب پس سوز احتراق می‌گردد که از نتایج آن ایجاد دود و دوده در موتور، افزایش مصرف سوخت و عیب های متعددی رادر کار موتورپدید می آورد.

***عوامل مؤثردر کارانژکتور**

میزان و اندازه ذرات پاشیده شده از سوخت پاش وابستگی کامل به عوامل زیردارد:

*** افزایش فشار تزریق که سبب کوچک شدن اندازه چکه ها می شود.**

*** افزایش چسبندگی سوخت که سبب افزایش اندازه چکه ها می شود.**

*** افزایش قطر سوراخ، که سبب زیادشدن اندازه چکه ها می شود.**

*** بالارفتن سنگینی (چگالی) هوا که سبب کوچک شدن اندازه چکه ها می شود.**

درشماره آینده پیرامون اتاقهای احتراق در موتورهای دیزلی بحث مشروحی خواهیم داشت.

«ادامه دارد»

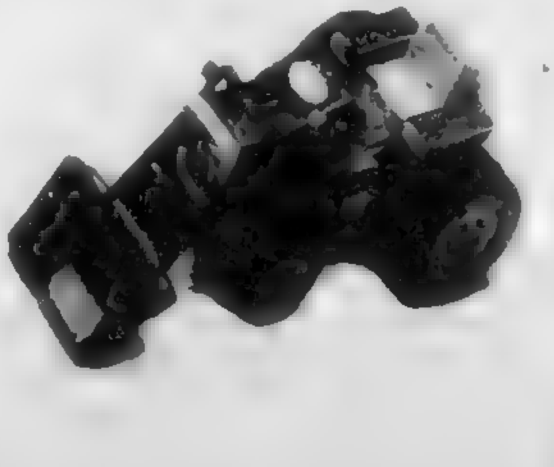

روغن موتور ماشین خود را بوسیله یک کیسه پلاستیکی ساده عوض کنید

به کمک دستگاه تعویض میتوان در کمترین زمان روغن چند اتومبیل را عوض کرد.

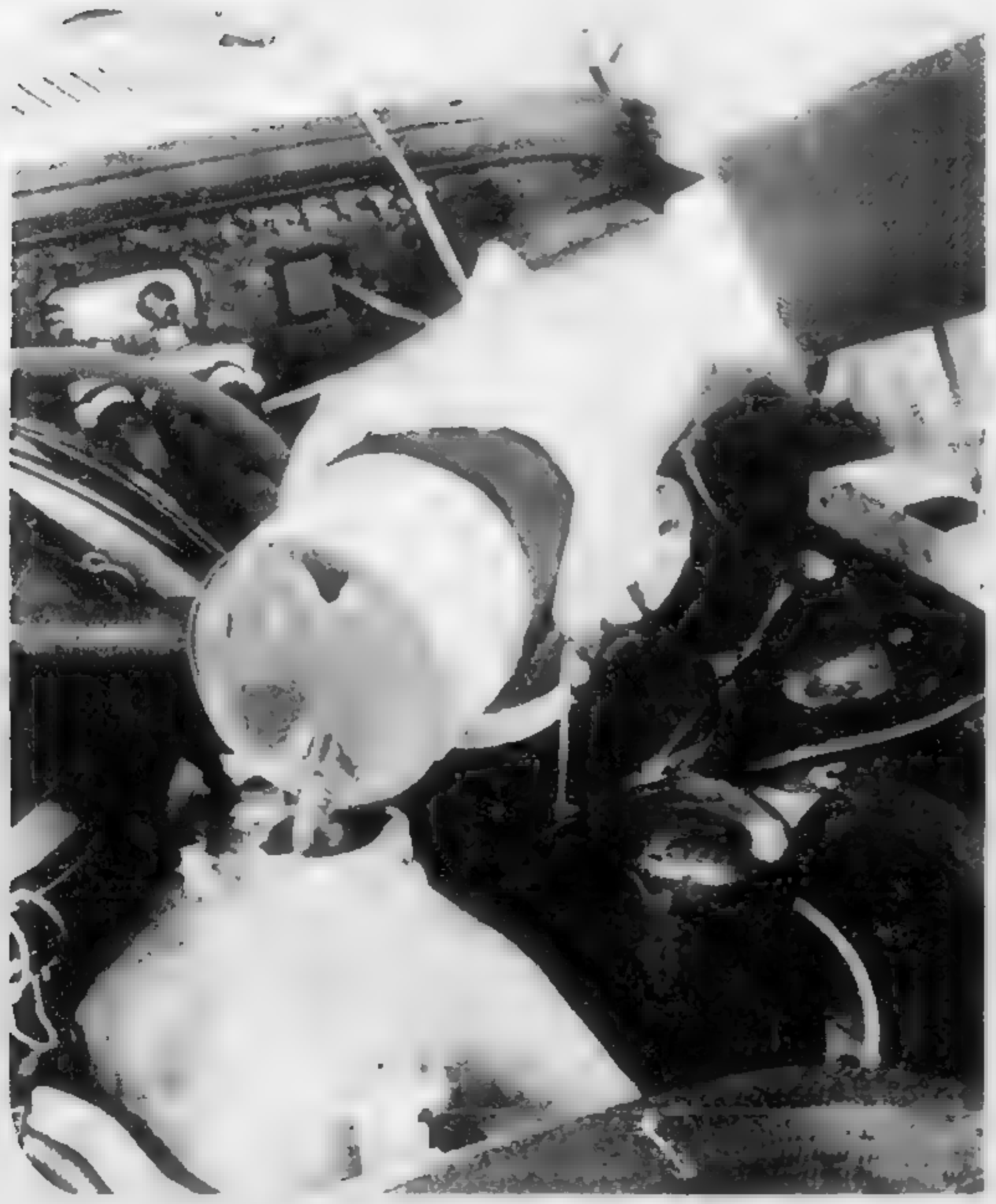

اگر به روش زیر عمل کنید بهتر باین نکته پی میبرید که شما و تصویرتان در آینه کاملا به هم شبیه نیستند. آینه‌ای به طور قائم روی میزی بگذارید و جلو آن بنشینید. کاغذی را جلو خود بگذارید و سعی کنید که فقط با نگاه کردن در آینه و دیدن تصویر دست شکلی مثلا یک مربع مستطیل با اقطارش را روی کاغذ بکشید، خواهید دید که این عمل ظاهراً ساده درواقع فوق العاده مشکل است.

به تدریج که انسان رشد میکند و بالغ میشود تصاویر ذهنی بصری او و احساس محرک آن‌ها دراو به حد معینی از سازگاری میرسد. وقتی آینه تصویر نادرست حرکت دستشما را نشان میدهد این هم‌آهنگی بکلی به هم میخورد. لذا درمقابل هرحرکتی که میکنید فریاد مخالف نیروی عادت بلند میشود: میخواهید خطی به سمت راست بکشید، دست شما مداد را به سمت چپ میبرد. اگر بخواهید بااین روش تصاویر پیچیده‌تری رسم کنید یا چیزی بنویسید به نتیجه بازهم عجیب‌تری میرسید. یقیناً چیزهای خنده‌آور و مسخره‌ای خواهید کشید.

آثار جوهر روی کاغذ خشک کن نیز مانند عکس نوشته های شما در آینه است. سعی کنید نوشته های روی خشک کن را بخوانید.

حتی وقتی که حروف به طور کاملا مشخصی روی خشک کن مانده باشد بازهم قادر به تشخیص یک حرف آن نیستید. میل نوشته ها در خلاف جهت معمول است و حروف کلمات وارونه نوشته شده‌اند ولی بمحض اینکه این نوشته های کپی شده را روبه آینه بگیرید و تصویر آن را نگاه کنید کلمات وضع عادی خود را باز می‌یابند. و شما خط خود را میشناسید و میتوانید بخوانید. درواقع آینه باانعکاس خود قرینه چیزی را نشان میدهد که خودآن قرینه خط شما است.

روشهای گوناگون جوشکاری با گاز

همچنانکه درشماره گذشته دنباله روشهای جوشکاری را تشریح کردیم. جوش کوره، درز جوش، جوش بوسیله مقاومت الکتریکی، جوش بوسیله جریان القایی و جوشکاری مواد پلاستیکی، معمولی‌ترین روشهای جوشکاری و عملیات وابسته به‌آن است که البته با پدید آمدن جوشکاری بوسیله گاز از اهمیت آنها کاسته شده‌است.

در جوشکاری بوسیله گاز، مواد فلزی (و گاه غیر فلزی) بخوبی مورد عمل قرار می‌گیرند و نتیجه کار، رضایتبخش است. از این شماره کوشش می کنیم از ابتدایی‌ترین روشهای جوشکاری با گاز تا مدرنترین روشهای آن، کارگران وعلاقمندان ارجمند را آگاه کنیم.

در این شماره پس از یک مقدمه پیرامون ساخت چگونگی عملیات جوشکاری با گاز مختصری از جوش اکسیژن — استیلن را درج می کنیم و در شماره‌های آینده به‌پایان می‌رسانیم.

جوش کاربیت

دراین نوع جوشکاری دو قطعه مورد نظر را بوسیله حرارتی که ازسوختن مخلوط گازهای قابل احتراق و گاز اکسیژن تولید میشود گرم می کنند تا در محل جوش دوقطعه فلز ذوب شده وباهم مخلوط شوند. حفره‌ویا درزهای ایجاد شده درمحل جوش را میتوان بوسیله فلز ثالثی از همان جنس (سیم جوش) پر کرد تا گرده جوش بشکل دلخواه ایجاد شود. درجوشکاری بوسیله گاز، گازهای سوختنی متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: گاز هیدروژن — گازذغال سنگ — گاز نفت — گاز استیلن — گاز بوتان — گاز پروپان و مخلوطی از دو گاز مختلف [illegible] و مخلوط گاز ذغال سنگ و [illegible].

[illegible] گازهای نامبرده بالا گاز [illegible] مورد استفاده بیشتری دارد و علت [illegible] شعله آن بوده است.

این حرارت زیاد و همچنین خاصیت [illegible] از گاز استیلن [illegible] است. بدین مناسبت اغلب جوشکاری‌های با گاز توسط گاز استیلن انجام می‌گیرد.

جوشکاری بوسیله گاز هیدروژن در گذشته مورد استفاده داشته ولی امروزه بندرت فقط برای جوشکاری ورق‌های نازک و یا جهت جوش دادن آلومینیوم و سرب بکار می‌رود.

۱ — جوشکاری بوسیله گاز استیلن و اکسیژن: در این نوع جوشکاری گاز استیلن و گاز اکسیژن استفاده میشود، بدین ترتیب که این دوگاز باهم درداخل دستگاهی بنام مشعل و یا پک جوشکاری به‌نسبت معینی مخلوط شده وهنگام سوختن، حرارتی معادل ۳۰۰۰ درجه سانتیگراد تولید می کنند. این مشعلها اندازه‌های گوناگونی دارند و نسبت به‌ضخامت فلز مورد نظر میتوان آنها را انتخاب نمود.

وسائل ومواد لازم جهت جوش اکسیژن واستیلن

۱ — اکسیژن: اکسیژن گازی است بی‌بو وبی‌رنگ در حالت مایع رنگ آبی کمرنگ دارد. وزن مخصوص آن ۱۱۴۳ کیلوگرم در هر متر مکعب است و این گاز قابل احتراق نیست ولی سبب سوختن ویا اکسیداسیون تمام عناصر می‌گردد.

اکسیژن خالص را میتوان بمقدار کم بوسیله تجزیه الکتریکی آب تهیه کرد. اکسیژن در قطب مثبت الکترولیت تولید میشود ویا بوسیله ترکیبات شیمیائی مثلا بوسیله گرم کردن سدیم کلرات تهیه کنیم.

هرگاه اکسیژن بمقدار زیاد جهت مصارف صنعتی لازم باشد بوسیله مایع کردن هوا وتقطیر مجدد آن تولید می‌شود. برای اینکار ابتداء هوای تصفیه شده که از ۲۱ درصد اکسیژن و ۷۸ درصد ازت وسایر گازها تشکیل شده است [illegible] برای سرد کردن هوای [illegible] مجدد قسمتی از هوای مایع شده استفاده میشود تا [illegible] هوای مایع را که درجه حرارتش ۲۰۰— درجه سانتیگراد رسیده است گرم میکنیم. ابتداء ازت که درجه تبخیرش ۱۹۶— درجه سانتیگراد است متصاعد میشود و اکسیژن خالص بصورت مایع آبی رنگ باقی می‌ماند. اکسیژن مایع را گرم می کنند جهت سرد کردن سایر مواد [illegible] از اکسیژن مایع استفاده میشود تا بخار شود وسپس بوسیله کمپرسورهای مخصوص در کپسولهای فولادی فشرده شده وجهت مصارف صنعتی آماده میشود.

ناتمام

تعویض روغن موتور نه تنها برمیزان بازدهی وفایده رسانی موتور می‌افزاید بلکه در صرفه‌جوئی هزینه‌های اتومبیل نیز مؤثر است. تعویض روغن موتور، بعنوان کاری کثیف، بندرت بوسیله افراد عادی و اتومبیل سواران انجام می‌گیرد.

اخیراً یکی از شرکتهای آمریکائی، وسیله‌ای را اختراع کرده است که می‌تواند روغن موتور را بسادگی تعویض کرده و از آلوده‌ساختن دست جلوگیری کند.

این دستگاه از یک کیسه پلاستیکی ویژه، یک لوله، اتصال وسیر پیچ ومهره‌ای تشکیل شده است وهمچنانکه در شکل‌ها می‌بینید پس از قراردادن اتصال، روغن بسادگی در کیسه پلاستیکی خالی می‌شود. پس از خالی شدن مخزن روغن در موتور، کیسه را از لوله‌اش جدا کرده، همراه روغن کثیف وبلااستفاده دور می‌اندازیم.

برای انجام عملیات [illegible] روغن موتور، می‌توان از کیسه‌های [illegible] استفاده نمود.

ارزش تعیین شده برای این دستگاه ساده، حدود ۵ دلار (۳۴ تومان) است که اگر وسایل دیگری نیز به‌عنوان مکمل همراه داشته باشد تا ۱۵ دلار نیز افزایش می‌یابد.

از: م- ممتاز

کامیونها و رانندگان بیابانی

به‌تجربه ثابت‌شده که مسائل خشک و جامد نظیر مسائل فنی، ریاضی، هندسه و غیره، در قالب داستان و بشکل قصه و سرگذشت بازگو شود هر خواننده و شنونده کم‌حوصله‌ای را بخود مجذوب کرده و منظور نهائی خود را به‌وی بهتر تفهیم خواهد کرد.

اتومبیل «من و شما»

اتومبیل من و شما سلسله مقالاتی است که گوینده و تعریف کننده اصلی آن خود اتومبیل است. این اتومبیل برای من و شما تعریف خواهد کرد از روزی که وارد ایران شده و بطور مثال یکی از ما — حسین آقا — آنرا خریداری کرده تا روزی که پیر و از کار افتاده شده چه‌ها دیده، چه بسرش آمده و با چه مشکلات فنی و غیرفنی مواجه بوده است. او طی یک سلسله داستانهای سرگرم کننده و پرانتریک، برای من و شما بطور مستند و معتبر تعریف خواهد کرد که تا همین دیروز و تا قبل از دگرگونی عظیم انقلاب اجتماعی ایران یک اتومبیل و یک راننده حرفه‌ای و یا غیر حرفه‌ای، اعم از کامیون و اتوبوس و سواری و غیره با چه مشکلات و محرومیت‌ها روبرو بوده بعبارت دیگر، راننده‌ای که امروز در شاهراههای مدرن و اسفالته و اتوبانهای کشور، کلاهش را بکوری میگذارد و با خیال راحت پایش را تا تخته، بر روی گاز فشار میدهد و در هر قسمتش یک پمپ‌بنزین، یک تعمیرگاه، یک‌لوازم‌یدکی فروش و یکدنیا کالا و وسایل رنگارنگ دیگر ریخته و در هرگذرش چندین پاسگاه‌پلیس راه، پاسگاه‌ژاندارمری، و مأموران‌پلیس‌راه، که نظم جاده‌ها را کنترل می کنند، و چندین هتل، متل و رستوران و چایخانه وجود دارند و ماموران بهداشتی کنترل کننده مواد غذائی مواظب سلامت و تندرستی اوست، بخودی‌خود به این مقایسه‌منطقی و به‌این حقیقت غیرقابل انکار واقف خواهد شد که دیروز کجا بوده و امروز کجاست و پی خواهد برد که اگر امروز از ترا کم کالا و موانع ترافیک می‌نالد درعوض دیروز یک اتومبیل و یک راننده‌حرفه‌ای با چه ناامنی، با چه بی‌نظمی واجحاف‌واسطه‌های کاراژدارنما دست‌وپنجه نرم میکرده و برای تهیه یک پیچ و مهره ساده چطور مجبور بوده که یا اتوبیسی را در بیابانها به امان‌خدا رها کند و صدها فرسنگ راه را بخاطر تهیه آن ابزار و وسیله ساده‌طی کند، و یا با وصله‌پینه‌و سرهم‌بندی کردن و تمهیدات ابتدائی با هزاران خون‌دل خوردن و سرگردانی، لنگان‌لنگان خود را به شهرهای عمده و محل تهیه ابزار و تعمیرگاه برساند.

بنابراین، کتاب اتومبیل من و شما آنطور که از ظاهر اسمش پیداست، چندانهم یک کتاب فنی و صرفاً حرفه‌ای نیست، بلکه تحقیقی و تاریخی و بازگوکننده حقایق خاطرات تلخ و شیرین رانندگان و کارگران کامیون هم هست. مسائل فنی مورد بحث او مسائل فنی لازم و مبتلابه روزانه رانندگان است و راه‌حل‌های او ساده، اضطراری و کار راه‌انداز است. سلسله وقایعی که تعریف میکند هر چند مجموعه خاطرات است ولی بهم پیوسته و بطور یادداشت‌های روزانه نیست، بلکه هر یک از خاطره‌ها داستانی مستقل و جداگانه‌است.

اتومبیل «من و شما» سرگذشتش را به دوبخش تقسیم کرده، یکی بخش اول، که مربوط است به ابتدای ورود او به ایران با موتور بنزینی، و دیگری بخش دوم، که «حسین آقا» موتور آنرا به «دیزل» تبدیل میکند. پس از نظرفنی هم اتومبیل من و شما کلیه جوانب امر را رعایت کرده و باصطلاح هم از موتورهای بنزینی بحث میکند و هم از موتورهای گازوئیلی. رویهمرفته ما یقین داریم که اگر حوصله داشته باشید و یکی دوشماره همراه «حسین آقا» وماشین سخنگوی او را ول نکنید، دیگر تا آخر داستان دنباله‌اش را رها نخواهید کرد. با درنظرگرفتن این اشاره کوتاه، اکنون رشته سخن را بدست قهرمان اصلی کتاب میدهیم...

یعنی اتومبیل من و شما:

دشت اول

- دوستان‌سلام! ....

امیدوارم که حال همه‌تان خوب باشد. قبل از هرچیز اجازه بدهید خودم‌را خدمتتان معرفی کنم. اسم من **Mack** «ماک» متولد سال ۱۹۴۹، بچه «نیوجرسی» آمریکا، معروف به ماك بنزینی ۳ تن تک دیفرانسیال هستم. ما ده دستگاه بودیم که در یک روز متولد شدیم و کارخانه سازندهٔ ما را بطور تیکه تیکه پیچید توی قنداق و گذاشت توی جعبه و یکراست با کشتی فرستاد به ایران. حالا کاری نداریم که چند وقت توی کشتی‌بودیم و چند مدت توی محوطه گمرك خرمشهر معطلی و سر گردانی کشیدیم و چه بلائی توی آن ظل گرمای داغ و گردوخاك و باد بسرما آمد. و رفقای دیگرم چه شدند و کجارفتند. فقط این را میتوانم بگم که یکروز صبح اول وقت متوجه شدم که یک جرثقیل غول‌پیکل، باسر و صدای زیاد آمد بطرف قنداق و جعبه من، و توقف کرد و یکهو دهن گشادش را باز کرد و دندانهایش را چفت کرد به بدنهٔ جعبه من و مرا مثل یک گنجشک ازجا بلند کرد و انداخت روی یک کامیون کفی، و آن کامیون کفی هم مرا آورد توی یک محوطه‌ای که چندتا عرب و هندی سیاه چهره آچار بدست — از همان آچار بدست های دوره‌گردی که آنوقت‌ها بهشان «ماشین فیت کن» میگفتند — ایستاده بودند و در اینجا مجدداً یک جرثقیل دیگر آمد جلو و مرا با جعبه‌ام از روی کامیون بلند کرد و ناگهان‌انداخت روی زمین بمحض آمدن روی زمین، در یک چشم بهمزدن، آچار بدستهای سیاه چهره، مثل لاشخور ریختند بسر و کولم و درعرض یک آب خوردن‌قنداقم را باز کردند و مرا که هر تیکه‌ام یکجا افتاده بود، شروع کردند به «فیت» و یا بقول امروزی ها به «مونتاژ» کردن و خلاصه تا وقت ظهر و موقع ناهار بشه همه جام بهمدیگر سوار شده و آماده بکار شده بود. عصر همانروز چند لیتر بنزین ریخته توی باک و رادیاتورم را از آب پر کردند و یکی از همان‌سیاه چهره ها آمد نشست پشت فرمانم و بعد یک‌نیش استارت، فوراً روشنم کرد!

حالا شده بودم یک تیکه عروس، یعنی یک کامیون‌نو و آخرین‌سیستم، و آن مکانیک سیاه چهره بعد از یک دور جولان دادن دور محوطه رفت و رفت و رفت تا رسید به یکنفر آدم ترکه مرکه‌ای که در آن دوردست توی سایه دیوار ایستاده و با لهجه خراسانی با یکنفر دیگر مشغول گپ زدن بود توقف کرد و یکهو از پشت فرمان پرید پایین و رو کرد به آن مرد لاغر ترکه‌ای و گفت «بفرما، حسین آقا، اینم ماشینت!» و داستان من وزندگی پرماجرای من از همینجا شروع شد....

ادامه دارد

با توجه به موقعیت محل کار، از این پس

[illegible]

احمدفرح بخشی

میرزاآقاموسوی

عبدالمجیدعنبری

جوادبابائی

میزگرد رستاخیز کارگران، با حضور نمایندگان کارگران نماینده وزارت کار و امور اجتماعی— نمایندگان سازمان خدمات درمانی و نماینده سازمان تأمین اجتماعی

رستاخیز کارگران: [illegible] همواره در جهت [illegible] و نارسائی‌های [illegible] خود را مباهی و مفتخر میداند. خواهشمندیم، چنانچه مطلبی دارید بیان بفرمائید.»

احمدفرح بخشی (نماینده کارگران): [illegible]

[illegible]

میرزاآقا موسوی [illegible]

[illegible]

دکتر انوشیروان معالی [illegible]

[illegible] ... تعداد بیمارستانهای موجود [illegible]

شرکت کنندگان در میزگرد کارخانه ارج :

حبیب‌اله حسامی، نماینده وزارت کار و امور اجتماعی
احمدفرح بخشی، نماینده کارگران
مرتضی شکیبا، نماینده سازمان تأمین اجتماعی
انوشیروان معالی، مسؤول روابط عمومی سازمان خدمات درمانی
عبدالمحمد عنبری، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران
میرزا آقا موسوی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران
جواد بابائی، دبیر سندیکا

[illegible] نشکیل شده است، درمانگاه وزارت آب و برق، می‌خواهد، که البته سعی میشود حتی‌المقدور این زمان کوتاه باشد. هم‌اکنون علاوه بر تعدادی پزشک که از خارج می‌آیند وضع اقتصادی وسیاسی مملکت درشرایطی قرارگرفته که پزشکان ایرانی مقیم خارج با اشتیاق برای کار به ایران برمیگردند. برعکس گذشته که اطبای متخصص ترجیح میدادند درخارج بمانند، درحال حاضر سیل پزشکان بسوی ایران سرازیر شده است. تا اسفند ماه سال جاری یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی در شیراز گشایش خواهد یافت که ۲۰ دکتر ایرانی مقیم امریکا آنرا اداره خواهند کرد. گروه پزشکی «به‌آورد» در تهران تشکیل شده است، درمانگاه وزارت آب و برق، بیمارستان دادگستری و بالاخره درمانگاه دخانیات بزودی مجهز میشوند. چون در تحویل آنها را باید پایان یافته تلقی کرد. درمانگاه دروس تا آخر سال جاری تکمیل و افتتاح میشود. این تحولات انجام شده است انشاءاله سازمان تأمین خدمات درمانی کاری خواهد کرد که بکارگران امکان داده شود با توجه به موقعیت ومحل کارشان به نزدیکترین مراکز درمانی و پزشکی مراجعه کنند و هیچ بیماری مجبور نباشد مسافت زیادی را طی کند.

درمورد استفاده از پزشکان آزاد باید عرض کنم که سازمان مشغول تبدیل سیستم درمانی مستقیم به غیر مستقیم است که این مرحله نیز

حبیب‌الله حسامی

اصغر شکیبا

انوشیروان معالی

خود نیاز به زمان دارد. درسیستم درمانی مستقیم کارگر، بدرمانگاهی میرفت، چه خوب وچه بد، دکتر نسخه ای به او میداد و بیمار از درمانگاه خارج میشد، اما درسیستم درمانی غیرمستقیم، وضعیف چنین نیست. بیمار خود حق انتخاب دارد، در بهره مندی از خدمات درمانی سرپائی، ۲۰ درصد «فرانشیز» ازجیب بیمار خرج میشود و همین پرداخت ۲۰ درصد «فرانشیز» یک سیستم کنترل کننده در داخل بیمه است، بیمار آموزش میبیند، تفاوت بین دو سیستم را درک خواهد کرد وپس ازآن با استفاده ازحق انتخاب خودش داوطلب میشود که برود از این سیستم استفاده کند. اما درمورد اینکه چرا دفترچه های بیمه توزیع نشده، درآغاز کار تعداد کسانیکه پرسشنامه ها را پرمیکردند، ده نفر بودند و ده نفر هم روزانه نمیتواند بیش از ۳۰۰ پرسشنامه پر کند که این تعداد فقط متعلق به ۸۰۰ کارگر میشود. سپس براین تعداد افزوده شد و همینطور زیاد و زیادتر میشوند تا وقتی که انشاءاله توانستیم به بسیاری از کارگران سرویس بدهیم و امیدواریم بیش از یکسال طول نکشد.»

میرزا آقا موسوی (عضو هیات مدیره سندیکا) عده زیادی از کارمندان دفترچه بیمه گرفته اند. شاید در همین حد کارگران دفترچه نگرفته اند.

دکتر رحمانی: البته مقداری از کارگران هم دفترچه بیمه گرفته اند، همانطوریکه اشاره کردم، بیکار نشسته ایم. حق می دهید برای صدور ۶ میلیون دفترچه وقت لازم است. مطلبی را که لازم بود قبلا یادآوری میکردم اینکه خواهش می کنم توجه داشته باشید که افزایش حق بیمه مربوط به حق درمان شمانیست و همان مبلغی را که درگذشته برای این منظور میپرداختید، هم اکنون نیز خواهید پرداخت. اجازه بدهید مطلب را بهتر برایتان روشن کنم. درسابق ازمجموع ۱۸ درصد حق بیمه ۹ درصد بصندوق درمان ریخته میشد وحالا هم همین مبلغ ریخته میشود، به عبارت دیگر، شما فعلا ۷ درصد حق بیمه میدهید، با مبلغی که کارفرما و دولت روی آن میگذارند، اگر در مجموع ۳۰ درصد شود، بازهم همان ۹ درصد بصندوق درمان اختصاص می یابد وبقیه برای بیمه شدن مستمری بگیران، بازنشستگی ومستمری است که بهیچوجه بکار درمان شما ارتباطی ندارد.»

عبدالمحمد عنبری (رئیس هیات مدیره

بقیه درصفحه ۶۰

* تب خفیف ، گلودرد و وجود پرده سفید رنگ در روی لوزه‌ها از علائم اولیه بیماری دیفتری است.

دیفتری بیماری عفونی و خطرناکی است که بصورت همه گیر و بومی بسرعت عده زیادی راگرفتارمی کند کودکان ۳-۱ ساله بیش از افراد دیگر آمادگی پذیرش بیماری دیفتری را دارند . در کودکان مایه کوبی شده‌تظاهرات بیماری بسیار خفیف است . نوزادانی که از مادران ایمن شده متولد می‌شوند تا ۶ ماهگی مصون می‌مانند این ایمنی از راه جفت درهنگام جنین به طفل منتقل می شود . کسانیکه از بیماری دیفتری شفا یافته‌اند هرگز مجدداً باین بیماری دچار نمی شوند و مصونیت دائمی می‌یابند.

میکرب این بیماری بیشتر در گلو موضع می‌گیرد و ایجاد پرده سفید یا خاکستری رنگ می کند در پاره‌ای موارد این پردهٔ سفید یا خاکستری به سمت حنجره یورش میبرد (خناق) ونیز ممکنست بینی یاگوش را نیز دربرگیرد.

آنچه سبب می‌شود خطرات ناشی از این بیماری را افزایش دهد عوارض بیماری است که همه آنها ناشی از سم میکرب مولد بیماری است این سم اثرات نامطلوبی روی قلب ، کلیه ها واعصاب دارد.

* سابقه و تاریخچه

گرچه بیماری دیفتری راقبل ازقرن دوم میلادی می‌شناختند ولی مسلم است که تاقبل ازقرن نوزدهم میلادی کسی ازعلت بیماری خبری نداشت تا اینکه « لفلر » میکرب آنرا کشف کردو درهمین قرن بود که دانشمندان دریافتند این سم میکرب است که ایجاد عوارض دیفتری رامی کند نه خود میکرب . امروزه این بیماری در سراسر جهان حادث می‌شود . درسالهای اخیر از تعداد مرگ ومیر و افراد مبتلا به دیفتری بمیزان قابل ملاحظه‌ای کاسته شده است وعلت آن تنها بالا رفتن سطح بهداشت و توجه به وضع واکسینه کردن افراد ونیز درمان بیماران است.

* راه سرایت

سرایت بیماری معمولا مستقیماً یعنی براثر تماس افراد سالم با بیماران حاصل می‌شود تکلم سرفه ، عطسه ، بوسه و پاک کردن بینی باعث سرایت می‌شود . سرایت غیرمستقیم بتوسط وسایل آلوده بیماران امکان پذیر است (لباس ، کتاب ، ، ملافه و غیره) آلودگی شیر هم‌میتواند سبب سرایت بیماری شود . گرد وخاک اطاق آلوده بیماران بویژه اگر تاریک باشد مدتها میکرب دیفتری‌را زنده نگهمیدارد و امکان سرایت بیماری دیفتری را آسان می کند. بیماران شفا یافته ممکن است تا مدتها حامل میکرب باشند (معمولا سه هفته پس ازبهبودی).

* نشانه های بالینی

دوره پنهانی بیماری دیفتری خیلی کوتاه است. بطوریکه بیش از دوالی سه روز ازتماس بامیکرب نمی‌گذرد و علائم بروز می کند . معمولا بیماری باگلودرد شروع می‌شود .گاهی درروی لوزه‌ها ، حنجره و بینی مستقرشده‌و بصورت پرده سفید رنگی درروی لوزه‌ها منتشر می‌شود. غشاسفیدرنگ ابتدا نازك وسفید است ولی‌بزودی ضخیم وتیره‌رنگ وچسبیده می‌شود. اگردرمان‌بشود بزودی پرده‌نازك‌شده و ناپدید می‌شود نشانه‌های بالینی دردرجه‌اول تبعیت از شدت پدیده‌بیماری(ازیک آنژین معمولی تا دیفتری‌سخت ویاخطرناك) ودردرجه دوم محل‌ایجاد ضایعه‌اولیه می کند .ضایعه اولیه اغلب در لوزه‌ها پدید می‌آید ولی‌ممکن است به‌طرف بینی گسترش یابد و یاحنجره‌رانیز گرفتار کند (خناق) ونیز ممکن است اصولا دردستگاه تنفس نباشد مثلا چشم‌ویاپوست را گرفتار کند که امروز اهمیت کمتری دارد .

* انواع بالینی دیفتری برمبنای شدت بیماری

دیفتری به‌سه صورت سبک ، دیفتری سختو خطرناك تقسیم می‌شود:

۱ — نوع سبک (آنژین‌معمولی) — شروع

«ازموهای خشک سرم چگونه نگهداری کنم»

پاسخ به پرسشهای پزشکی

دوستانم مرتب می‌گویند که موهایت خشک است و درخشندگی موی معمولی را ندارد . خودم نمیدانم که واقعاً موهای من خشک است یانه . خواهش می کنم توضیح دهید که چگونه موهای خشک از موهای طبیعی تشخیص داده می‌شود و اگر موهای من خشک است، چگونه از آن مواظبت کنم ؟

برورس — د

دوست عزیز ، بطور کلی موهای خشک متعلق به پوست سرخشک است که اینگونه پوست‌ها اغلب شوره می گذارد وازشوره‌هایش که رنگی خاکستری دارد شناخته می‌شود و اگرشناختن آن دشوار باشد باید سررا خاراند تا بتوان ازآن‌شوره‌ها بدست آورد. معمولا خشکی پوست سرسبب بوجود آمدن جوشهای پوست می‌شود وحتی گاهی عفونت‌هائی مثل زردزخم بطور راحت دراین‌گونه پوست‌ها جایگزین میشود.

دراین‌گونه پوستها ریزش مو کمتر اتفاق میافتدو شستشوی مو باید هر هشت‌تاپانزده روز یکبار انجام شود.درشستشو هیچگاه نباید صابون قلیائی بکاربرد و اگر بطور کلی ازصابون استفاده می کنید ازنوع اسیدی آن بکار برید و درغیر اینصورت بهتراست از شامپو استفاده کنید و بازهم توصیه میشود شامپوی اسیدی. همچنین باید مرتب موها را روغن زد و هروقت موها خشک می‌شود آنرا چرب کرد.

سشوار وفر سرد وگرم و بیرنگ کردن نیز موها را بیشتر خشک می کند. برای انجام اعمال فوق هنگام حمام کردن بهتر است موها را با روغن بادام شیرین ماساژ دهید.

جوانی ۲۲ساله هستم مدتی است حس می کنم سرم گیج می‌رودوقدرت انجام کارهای همیشگیم را ندارم از گرمای بدن بمیزان قابل‌ملاحظه‌ای کاسته شده استو این مسئله بخصوص در انتهای انگشتانم بچشم می‌خورد. در هنگام کارکردن عرق‌سرد فراوان نواحی پیشانی‌و بدنم را فرا می‌گیرد. وجلو چشمانم سیاهی‌میرود و گاهی در نوک انگشتان احساس مورمور بمن دست میدهد. نمیدانم چه کار بکنم‌وعلت آن‌چیست.

حمید—الف

* دوست عزیزشما در پرسشتان مدت این عارضه را قید نکرده‌ایدو ضمناً ازچگونگی تغییر دروزن خود سخنی بمیان نیاورده‌اید.و نیز معلوم نکرده‌اید آیا بتازگی اشتهای شما کم شده است و یا به عللی مثلا کمبود وقت صبحانه بمیزان کافی نمی‌خورید. بهرحال آنچه مسلم است علائم کمبود فشارخون را نشان میدهیدو بایدعلت این کمبود فشارخون را دریافت.

ممکن است بعلت کم‌غذائی مقدار لازم آهن را دریافت نمیداریدو همین امرسبب کم‌خونی‌و در نتیجه کمبود فشار خون می‌گردد. و یاممکن است علل دیگر سبب این کم‌شدن فشارخون‌باشد که باید به پزشک مراجعه کنید تا در برطرف کردن آن هرچه زودتر اقدام‌عملی انجام‌شود.

چگونه ازموهای‌چرب‌خودنگهداری کنم؟

* دختر بیست ودوساله‌ای هستم که موهای چربی دارم وهمین مسئله برایم‌مشکل بزرگی شده است . باین ترتیب که اکثرمواقع موهای من تمیز وشفاف نیست . ازطرفی‌موهایم را بیش ازیکبار درهفته نمی‌شویم چون فکر می کنم زیاد شستن باعث شکنندگی موها میشود وازسوی دیگرشفافیت موهایم‌علاقمندم خواهش می کنم‌مرا راهنمائی کنید که‌چگونه ازموهای‌چرب خود نگهداری کنم؟

*: « — درموردانیکه موهای خودرا بیش ازیکبار درهفته نمی‌شوئید اشتباهی کنید. موهای چرب‌را باید حداقل هفته‌ای دوالی سه بار شستشو داد وحتی اگر لازم باشد هر روز این کار را کرد ، زیرا چربی زیاد ازحد موها باعث ریزش آن می‌شود . بهترین نوع صابون یاشامپو برای موهای چرب ، صابون وشامپوهای‌اسیدی است وهمچنین نباید ازمواد چربی‌زا مثل زردهٔ تخم مرغ درشستشو استفاده کرد . ضمناً بهتر است افرادی چون شما از کلاه وروسری نیز استفاده نکنند وهمچنین از شانه کردن زیاد بپرهیزند . ازسوی دیگر سنجاق ویا هر وسیله

ان‌اراه وتدریجی است. نب مختصر محوانی کودک سقس بند. احساس سر‌بارس بی اسهابی، بهوع همراه با کردن درد از سنده‌های اصلی دراین نوع بیماری است.

در معاینه در روی لوزه‌ها یک قشر سری رنگ دیده مسود که بتدریج توسعه یافته و ضخیم می‌سود و اگر پرده روی لوزه‌ها را بردارند دوباره تشکیل می‌سود. ۲ الی ۶ روز بعد نشانه‌ها واضح‌تر و شدیدتر می‌سود. قشر لوزه‌ها مایل بزرد شده و بطرف زبان کوچک وقسمت عقب حلق انتشار پیدا می‌کند. ممکن است در عین حال التهاب بینی یک طرف نیز با حالت زکام خودنمائی کند غده‌های اطراف گردن کمی بزرگ مسود. اگر درمان صورت بگیرد در عرض ۴۸ ساعت بیماری بهبود می‌یابد وگرنه ادامه می‌یابدو نشانه‌های مسمومیت مانند رنگ پریدگی ناراحتی قلب ،نبض تندونشانه‌های عصبی پیدا شده وسرانجام سبب بیجانی کودک می‌شودو بندرت بدون درمان بیماری بهبود می‌یابد. و اگر هم،چنین شود اغلب همراه عوارض بیماری است.

۲ — نوع سخت دیفتری: در این مورد علائم بیماری چه از نظر وضع عمومی وچه موضع بیماری(گلو)شدیدتر و پیشرفت سریع‌تری دارد .بزرگی غدد زیرگردن‌آشکارتر است قشر لوزه‌ها بسرعت انتشار می‌یابد وضخامت آن‌واضح‌تر بوده و رنگش زرد کثیف خرمائی یا سبز رنگ است اطراف پرده گلو قرمز ولکه های خونریزی دارد. واگر کنده شود بسرعت زیاد دو باره تولید می‌شود بطورکلی‌از تمام‌علائم سخت‌تروخطرناک‌تراست.

اگرمعالجه شدید وسریع انجام نشود مرگ بزودی فرا می‌رسد. تزریق سرم ومداوی لازم هم زودی سبب بهبودی می‌سود یعنی ۷ تا ۱۰ روز طول می‌کشد تا خوب شود. دراین نوع دیفتری امکان دارد فلجها به سبب مسمومیت ناشی ازسم میکرب وجود دارد و بهوع بعدی دراین نوع بیماری علامت خطر است،گاهی شروع این نوع دیفتری سخت نیست و ناگهان نشانه‌های بدخیمی با پریدگی شدید رنگ و نشانه‌های قلبی و استفراغ ظاهر می‌سود آنژین دیفتری معمولاً ابتدا یک طرفه است و سپس بطرف دیگر بسط می‌یابد.

۳ — دیفتری خطرناک: با سرعت پیشرفت کرده و به اشکال مختلف : باخونریزی . مسمومیت و نشانه‌های قلبی سبب مرگ می‌شود و گاهی درمان دارونی و سرمی نیز مؤثر واقع نمی‌شود.

*خناق (دیفتری حنجره

علاوه بر عوارض قلبی و عصبی دیفتری . ابتلا حنجره به دیفتری یکی ازعوارض مزاحم دیفتری گلو بشمارمیرود،پیشرفت پرده سفید بطرف عقب حلق اغلب سبب خناق می‌شود. علائم خناق در مرحله ابتدائی اختلال در صدا است سپس سرفه خشک همراه تنگی نفس بیمار را رنج می‌دهد اگر درمان صورت نگیرد ممکن است بسته شدن مجرای تنفسی بطور کامل صورت گیردوسبب خفگی بیمارسود.

*روشهای پیشگیری

درسالهای اخیر از تعداد افرادی که به این بیماری مبتلا میشوند به میزان قابل ملاحظه‌ای کاسته‌شده‌است.

توجه به نکات زیرنه کاهش ابتلای دیفتری کمک‌فراوان می کند:

کلیه کودکان برای پیشگیری باید از واکسیناسیون (مایه کوبی) استفاده کنند برای این منظور اولین مایه کوبی را در سه ماهگی انجام میدهند (واکسن دیفتری را با واکسن های کزازوسیاه‌سرفه مخلوط می کنند این تزریق درسه نوبت با فاصله ۱۵ روزصورت می‌گیرد . برای پایداری ایمنی دو سال و چهار و هفت

بقیه درصفحه ۹۱

زبس دیگر به موهد فشار وارد می کند وباعث حدت حربی به وسیله موهد می‌سود که درنتیجه زبرش اینها راآسان می کند . سه استفاده از سمو ... دیرهای دائم برای موهدی حرسیعی ندارند.

عوارض کمبودویتامین‌ب‌دو(B_2)

*جوانی بیستساله‌ام.مدت‌زیادی‌است که مرتب لبهایم خشک وپوسته پوسته‌می‌شود. بعلاوه بتازگی در گوشه لبهایم شکافهای کم‌و بیش عمیق بوجود آمده که دردناک استواز آن بارهای مواقع خون جاری میشود .بهرجهت تا کنون از کرم‌های مرطوب کننده برای رفع این عارضه،زیاد استفاده کرده‌ام ولی گویا مؤثر نیست . خواهش می کنم مرا راهنمائی کنید.

م.بیات

*: دوست عزیز شما باحتمال قوی به کمبود ویتامین ب‌دو(B_2)مبتلا شده‌اید . بخصوص اگرهمراه نشانه‌های که ذکر کردید علائم دیگری ازقبیل سوزش چشم و کم شدن نور چشم هم مشاهده شود. ضمن اینکه بشما توصیه میکنیم به یک پزشک مراجعه کنید این نکته راهم اضافه کنیم که عارضه مذکورتنها باصرف ویتامین‌ب‌دو— برطرف می‌شود ومقدار احتیاج روزانه انسان به این ویتامین ۱/۵ (یک‌ونیم) میلی‌گرم میباشد. مواد غذائی که بمقدار زیاد حاوی این نوع ویتامین هستند . عبارتند از: شیر ، جگر وقلوه گوساله‌وگاو ، زرده تخم‌مرغ ،گل کلم،برگ ترب ، برگ چغندر ، پنیر ، گردو ، فندق، بادام، عدس،نخود خشک ، اسفناج ، نخود فرنگی ، سعی کنید ازاین مواد بیشتراستفاده کنید تا پس ازمدتی عارضه مذکوربرطرف‌شود.»

حفاظت و بهداشت در محیط کار

* برای ضد عفونی ساختن چشم باید از پمادها و روغنهای مخصوص استفاده کرد.

* استفاده از عینک های حفاظتی مهم‌ترین روش برای جلوگیری از نفوذ ذرات به درون چشم است.

وجود اجسام خارجی در چشم بر اثر بی‌احتیاطی و یا اتفاقی از جمله حوادث مهم کار به شمار می‌آید. جسم خارجی ممکن است در قرنیه یا ملتحمه فرو رفته یا به آن بچسبد و ایجاد ناراحتی سخت، اشک‌ریزی و ترس از نور بکند. در این موارد هرگز نباید چشم را دستکاری کرد یا شست زیرا ممکن است بدتر بشود. تنها باید چشم را به آرامی معاینه کرد و محل چسبندگی جسم خارجی را یافت. اگر این ذره در پلک بالا ویاپائین و یا در بن‌بستهای چشم باشد پس از مشاهده آن با پنبه یا پنس تمیز می‌توان آن را خارج کرد. دستکاری بیجا ممکن است باعث کوری شود بنابر این باید هرچه زودتر به پزشک یا بیمارستان مراجعه کرد تا ناراحتی وارده زیادتر نشود. برای ملاحظه اجسام خارجی به بیمار می‌گویند بالا و پائین را نگاه کند به همین جهت، پلک پائینی کشیده و گوشه های پائین چشم را بررسی میکنیم و یا با برگرداندن پلک بالائی (اگر بیمار پائین را نگاه کند) قسمتهای بالای کره چشم و پشت پلک بالا نمایان و بررسی میشود پس از آنکه جسم خارجی را مشاهده کردیم اگر این جسم بسیار کوچک بود دستها را با صابون می‌شوئیم و سپس پلک بالائی را به سمت بالا و پائین کشیده واز هم باز می کنیم به این ترتیب اشک، تخم چشم را شستشو خواهد داد.

پس از این مراحل پلک بالا را پائین کشیده و روی پلک زیرین قرار می‌دهیم و تخم چشم را بسمت بالا می‌گردانیم و پلک بالائی را رها می کنیم و پس از بیرون آوردن جسم خارجی برای ضد عفونی کردن و نیز به عنوان داروی مسکن از محلول یا پماد «اسید بوریک» ونیز «وازلین ساده» یا «روغن کرچک» استفاده می کنیم.

*نکات مهم

هرگز برای خارج کردن اجسام خارجی از چاقو، چوب کبریت و خلال دندان نباید استفاده کرد بلکه با یک پنس نرم و تمیز یا پیچیدن یک پنبه به دورچوب کبریت و مرطوب کردن آن جسم خارجی را خارج می‌سازند. در صورتی که این اقدامات موثر واقع نشدند باید بیدرنگ به پزشک چشم مراجعه کرد تا با عکس برداری و سایر اقدامات تخصصی، جسم خارجی را بیرون آورد. در هر حال اندکی بی‌احتیاطی سبب کاهش دید، کوری و یا چرک کردن کره چشم می‌شود. پزشک متخصص ابتدا چشم را بیحس می کند سپس با نگاه دقیق محل جسم خارجی را درمی‌یابد.

پس از خارج کردن جسم خارجی بهتر است چشم را مدتی بسته و استراحت داده برای جلوگیری از خطر ورود جسم خارجی به‌چشم، باید ازعینکهای حفاظتی استفاده کرد.

*عینکهای حفاظتی

عینکهای حفاظتی باید سبک بوده وبه آسانی بتوان آن را به چشم زد و به هنگام کار جابجا نشود و هیچگونه ناراحتی در دید چشم ایجاد نکند. چشم، عضو بینهایت حساس بدن است و از دیگر اعضای بدن بیشتر در معرض خطر قرار دارد.

یک ذره گرد یا یک پشه ریز می‌تواند به چشم زیان برساند و هرگاه دانه شن، براده فلز یا تراشه چوب با ضربه شدید به چشم اصابت کند ضایعات عمیق‌تری ایجاد خواهد کرد و چه بسا که چشم را کور کند. چنانچه هنگام کار با ماشین تراش و سمباده براده های فلز که با شتاب زیاد به اطراف پراکنده میشود به چشم بی‌حفاظ برخورد کند می‌تواند زیان غیرقابل جبرانی بدان برساند.

به منظور پیشگیری از این گونه حوادث در بسیاری از ماشینها حفاظ صورت و چشم کارگذارده شده است. مانند سپر حفاظتی در ماشین تراش و سمباده. اما به این سپرهای حفاظتی ماشین نمیتوان همیشه و در هر مورد صد درصد اطمینان داشت.

تنها حفاظ مؤثر چشم عینک حفاظتی است که باید هر کارگری هنگام کار آن را به کار برد تا از اصابت ذرات گرد و خاک، دانه شن، براده

اکثر انفجارهای لوله های گازرسانی براثرنارسائیها و عیوب شبکه گازرسانی است

این دستگاه قابل حمل و نقل [illegible] ... می‌تواند وسیله حساسی [illegible] پی بردن به وجود [illegible] ماشینهای مخصوص [illegible] هر دقیقه ۱۲ سر لوله را بازرسی

تهران تا یکی دوسال آینده، صاحب سیستم گازرسانی «لوله‌ای» می‌شود. در بهره‌برداری از طرح لوله کشی گاز، مسایلی پدید می‌آیند که گاه موجب نابسامانیها و ناراحتیهای عدیده‌ای می‌شوند. چرا که عدم اطلاع مصرف کنندگان و دست اندرکاران «گازطبیعی» در بیشتر اوقات سبب «حادثه» و رخدادهای ناگواری شده، بازدهی فزاینده گاز را دچار اختلال می کند.

با توجه به همین نکات است که باید همراه با پیشرفت فعالیتهای گازرسانی، آموزشهای مربوط در جهت استفاده بجا و شایسته از گاز برای گروه کارگران مجری از یکسو و مصرف کنندگان و مشترکان شبکه گاز مورد توجه قرار گیرد تا حوادث ناگوار کاهش یابد و حفاظت صنعتی در این راه به اجرا درآید.

تکیه بر آمار و چگونگی حوادث در شهرهای بزرگ بر اهمیت این مساله می افزاید: متأسفانه تمام انفجار لوله‌ها بر اثر عیب خود لوله اتفاق نمی‌افتند. در ۱۱ دسامبر سال ۱۹۷۰ انفجار عظیمی در رستوران «ربان» واقع در شهر نیویورک اتفاق افتاد و ۱۲ کشته و ۶۰ نفر مجروح برجای گذاشت. این انفجار بر اثر خوب نبستن شیر گاز بوجود آمده بود. حوادثی از این نوع را به هیچوجه نمی‌توان جبران کرد.

* دستورات حفاظتی

برای محافظت و پیشگیری از این نوع خطرات برای خود و خانواده‌تان دستورهای زیر را بکار ببندید:

۱ــ اگر ملاحظه کردید شرکتی در حال حفاری در نزدیک خانه شماست، مطمئن شوید که آنها قبلا با شرکت گاز رسانی برای تعیین محل لوله های گاز تماس گرفته باشند.

۲ــ اگر بوی گاز را حس کردید فوراً به شرکت گاز تلفن کنید. در این موارد نیازی به تخلیه خانه نیست (باید توجه داشت گاز طبیعی خالص بی بو است. برای اینکه وجود گاز در فضا زود فهمیده شود از طرف شرکت گاز موادی شیمیائی برای بودار کردن آن اضافه می کنند).

۳ــ اگر بوی خیلی تند گاز را حس کردید دستورهای زیر را بکار ببرید.:

* کاری نکنید که جرقه تولید شود. چراغ برق را روشن و یا خاموش نکنید وسایل خانه را جابجا نکنید بهتر از همه کبریت به هیچوجه روشن نکنید. از تلفن می توانید استفاده کنید.

۴ــ اگر نزدیک پنجره قرار دارید آنرا باز کنید (و اگر لازمست آنرا بشکنید) تا هوای اتاقها عوض شود. ولی آنقدر آنجا نمانید تا همهٔ پنجره‌ها را باز کنید.

خود و خانواده‌تان باید هرچه زودتر خانه را ترک کنید. برای عوض شدن بهتر هوا وقت بیرون رفتن در خانه را باز بگذارید.

سپس به اداره آتش نشانی و شرکت گاز تلفن کنید. وقتی به اداره آتش نشانی تلفن زدید به آنها اطلاع دهید وسایل مخصوص برای جلوگیری از انفجار گاز به همراه بیاورند. چون معمولا مأموران آتش نشانی زودتر از مأموران شرکت گاز به محل می رسند.

فلز، تراشه چوب و غیره به چشم مصون بماند. عینکهای حفاظتی همگی یک شکل و یکسان نیستند برای پیشگیری هرنوع خطر عینک نوع مخصوص باید به کاربرده شود. شیشه عینکهای حفاظتی از شیشه معمولی نیست بلکه از مواد پلاستیکی مقاوم، شفاف و یا از شیشه سخت نشکن است. شیشه عینکهای ساده و آنها که برای تصحیح دید چشم بکار می رود در مقابل ضربه شدید خرده فلز مقاوم نبوده و می‌شکند در نتیجه خرده فلز می‌تواند از شیشه به چشم صدمه برساند. علاوه بر این خرده شیشه عینک نیز چشم را زخمی می کند و به همین علت کارگرانیکه جهت تصحیح دید خود عینک نمره‌دار از شیشه معمولی به چشم می‌زنند باید

بقیه در صفحه ۹۲

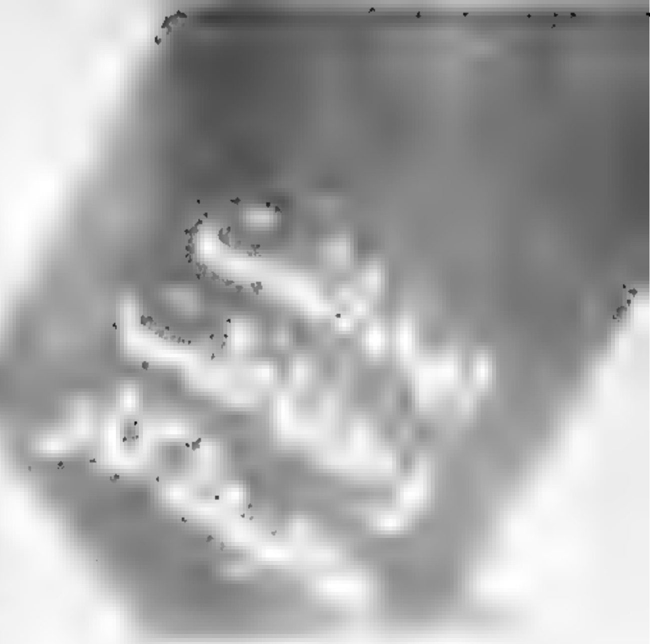

سیلیکوز بیماری شغلی است که بر اثر استنشاق گرد و غبار بر کسانیکه سیلیس بوجود می‌آید. این بیماری در بالای بیماریهای شغلی در ردیف ۵۲ قرار دارد که باید گفت رقم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. در فرانسه هر سال بطور حدود ۶۰۰۰ مورد این بیماری دیده شده است.

بیماریهای ریوی ناشی از گرد و غبار را پنوموکونیوز می‌گویند سردسته این بیماریها سیلیکوز است. علاوه بر سیلیکوز آنتراکوز ناشی از استنشاق گرد و غبار ذغال آسبستوز ناشی از پنبه گرد و غبار الیاف پنبه کوهی و [illegible] ناشی از

گرد و غبار آهن و سیلیکو توبرکولوز ناشی از گرد و غبار سیلیس‌دار قرار دارد که در شماره‌های آینده در مورد یکایک این بیماریها توضیحاتی داده خواهد شد.

*** مشاغلی که خطر سیلیکوز در آنها وجود دارد**

۱ - کارگران معادن سنگ به ویژه کارگران حفر سنگهایی که این کارگران آنها را می‌شکنند و سوراخ می‌کنند که [illegible] در معرض ابتلا به سیلیکوز قرار دارند. پس از همه کارگرانی که با [illegible] سنگهای [illegible] کار می‌کنند به این بیماری مبتلا می‌شوند همچنین کارگرانی که به کار کندن اشتغال دارند در معرض خطرند.

۲ - کارگران صنایع [illegible] و [illegible] سازی بویژه آنهایی که در قسمتهای [illegible] و صاف کردن و برطرف کردن نواقص ظروف کار می‌کنند

۳ - در صنایع فلزی کارگرانی که در قسمت ریخته‌گری [illegible] دارند و ماسه‌ای را که دارای سیلیس به روی قالب می‌ریزند پاک می‌کنند در معرض ابتلا قرار دارند.

۴ - صنایع [illegible] سازی، آجرسازی و غیره.

لازم به تذکر است خطر ابتلاء به این بیماری بلافاصله پس از کار در این قسمتها بوجود نمی‌آید بلکه باید سالها در معرض گرد و غبار خاک سیلیس قرار گرفت تا علائم مرض ظاهر شود. این مسئله نیز در افرادی که وسائل حفاظتی را به کار می‌برند صادق است. درصورتیکه از وسائل ایمنی و حفاظتی مناسب استفاده شود این ذرات نمی‌توانند مضر باشند.

*** عوارض ریه‌ی بیمار**

عمل تنفس در روی ریه‌ها در نتیجه تماس با ذرات سیلیس در سطوح ریه به وجود آمده در این نواحی سبب میشوند نسوج ریه خاصیت انعطاف پذیری خود را که به هنگام تنفس لازم دارد از دست بدهند این نواحی ممکن است پیشرونده بوده و به نمو خود ادامه دهند حتی به محض اینکه تماس با گرد و غبار قطع شود پیشرفت مرض قطع نشود.

*** تشخیص بیماری**

در مورد تشخیص بیماری باید سه عامل درنظر گرفته شود.

۱ - سابقه تماس با گرد سیلیس

۲ - نشانه‌های کلینیکی

۳ - علائم رادیوگرافیک عکس برداری

همانطور که اشاره شد علائم سالها پس از تماس زیاد با گرد و غبار حاصل میشود. به همین علت کمتر به این بیماری توجه میشود. اولین علامت سیلیکوز سرفه خشک است توجه به این علامت در کسانیکه بنحوی با مشاغلی که در خطر ابتلاء به بیماری سیلیکوز قرار دارند فوق‌العاده اهمیت دارد که کم کم تنگی نفس بدان اضافه میشود. اگر در این مرحله کارگر متوجه شود و اقدام به عکس برداری رادیوگرافی از سینه خود کند متوجه بیماری شده و درمان قطعی حاصل میشود. رادیوگرافی تنها وسیله‌ای است که به وسیله آن می‌توان سیلیکوز را به موقع تشخیص داد. اگر بیمار در این مرحله درمان شود، ضعف میشود و از قدرت بدنی او به میزان قابل ملاحظه‌ای کاسته میشود.

در مراحل پیشرفته این بیماری عفونت نیز بدان اضافه میشود تا به حدی که ممکن است بیمار دچار سل ریوی شود. نارسائی نسوج سبب میشود قلب نتواند کار خود را بطور مطلوب انجام دهد و بیماریهای قلبی نیز بروز کند. و اگر پیشرفت بیماری زیاد شود حتی اگر بیمار دست از کار کردن با ترکیبات سیلیس بردارد سیر بیماری همچنان ادامه یابد.

* سرطوب کردن هوای محیط کار یکی از مهم‌ترین روشهای پیشگیری از بیماری سیلیکوز است

*** پیشگیری از سیلیکوز**

پیشگیری شامل مراحل زیر است

۱ - معاینات پزشکی.

الف - معاینه استخدامی. کسانی را که ضعف قلبی و ریوی دارند نباید برای استخدام این مشاغل درنظر گرفت.

ب - معاینات دوره‌ای. باید از کار کردن افراد جوان که در مدت کوتاهی صدمات زیادی را نشان می‌دهند در این محیط جلوگیری شود و اشخاص پیر را نیز که علائم بیماری در آنها به کندی پیشرفت می‌کند باید تحت نظر داشت.

*** پیشگیری فنی**

باید از تولید گرد و غبار جلوگیری شود مرطوب کردن محل کار.

از پخش گرد و غبار حاصله ممانعت بعمل آید کار کردن در محیط بسته یکدندگی و خارج کردن گرد و غبار از محیط کار.

باید کارگر در مقابل گرد و غبار حفاظت شود و استعمال ماسک روپوشهای کارده‌دار ماسک. ممانعت از فعالیت بدنی زیاد به منظور جلوگیری از تنفسهای عمیق به کمک یکنواخت کردن وسائل کار به عمل آید.

وظایف عضو در یک شرکت تعاونی

«قوانین ومقررات بخودی خود هیچ ارزشی ندارند اما انسانها میتوانند باین قوانین ومقررات روح وارزش بخشیده یا ازاهمیت وارزش شان بکاهند»

حسین سالکی

بسیاری ازما مردم که فرضا علاقمند بشرکت تعاونی بوده ، دانسته یا ندانسته وجود آنرادر زندگی مادی ومعنوی خود مؤثرمیدانیم، تصورمیکنیم که کارتشکیل وتشکل یکشرکت تعاونی باین محدود میشود که چند نفر دور یکدیگر گردآئیم، اساسنامه‌ای تهیه کنیم وآنرا مطابق قانون‌و مقررات تعاونی کشور به ثبت رسانیم وسپس توقع داشته باشیم که چنین شرکتی برای مامعجزه براه‌اندازد و همه دردها وگرفتاریها یمان راسامان بخشد.

در باره شرکت تعاونی و اتحادیه تعاونی ظاهراً چنین به نظر میرسد که در پشت این عبارتهای متفاوت لابد معانی گوناگونی نهفته است درحالی که درست عکس آن صدق‌میکند زیرا عبارت شرکت تعاونی و اتحادیه تعاونی دارای معنی و مفهوم واحدی هستند . بدون هماهنگی و یگانگی هیچ همکاری بوجود نمی‌آید.

همانگونه که شرکت تعاونی اجتماعی افراد دارای نیاز مشترك می‌باشد ، اتحادیه تعاونی نیز مظهر وحدت و همکاری شرکتهائی است که افراد دارای نیازمشترك درآن عضویت دارند.

همانگونه که اجتماع افراد مصرف کننده در یک شرکت تعاونی مصرف از راه گردآوردن سرمایه های کوچک حداقل سرمایه لازم را برای یک کاروفعالیت اقتصادی امکان پذیرمیسازد که درغیراین صورت برای افراد دارای سرمایه و پس‌اندازهای کوچک غیرممکن بود با عضویت در اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف همین کارگران میتوانند از خدمات زیادتری برخوردارگردند که انجام آن ازعهده یکا یک این شرکتها به تنهائی میسر نبوده است . همانگونه که گفته شد یک اتحادیه تعاونی با تسهیلات مادی و معنوی که در اختیار دارد به آسانی میتواند کارهای متعدد تولیدی‌صورت دهد که یک واحد تعاونی کوچک فاقد توانائی مربوط به آن است .

شرکت تعاونی چیست ؟

شرکت تعاونی اجتماعی ازافراد است که برای برآوردن نیازهای مشترک که دور یکدیگر جمع میشوندو مطابق قوانین‌و مقررات جاری روزبکارو فعالیت می‌پردازند.

بطوریکه از تعریف بالا برمیآید ، شرکت تعاونی را اجتماع افراد نامیده‌اند نه مجموعه سرمایه‌و ثروت. پس باید روی عبارت «افراد» یا «اجتماع افراد» بسیار تعمق‌و تأمل کرد، زیرا اهمیت‌قضیه درهمین عبارت است.

صرفنظر از نداشتن آگاهی نسبت‌بهشناسائی صحیح شرکت تعاونی‌و نقش سازنده عضودر آن احتمال زیاد دارد که شرکت تعاونی را با سایر مؤسساتی که نام سازمان باشرکت‌را بدنبال خود میکشند اشتباه کنیم.ازهمین رو پیش از اینکه موضوع عضو را در شرکت یا مؤسسات تعاونی بدقت بررسی کنیم به‌تعریف ماهیت‌و طرزکار دیگر سازمانهای موجود میپردازیم ،زیرا به تکرار دیده‌و برخورده‌ایم که کارگران بویژه توقع‌و انتظار دارند تادولت رأساً امور شرکت تعاونی را از ابتدا تا انتها به نفع آنها تشکیل دادمو اداره کند. از این رو تا وقتی این اشتباه اصلاح نشود تعاون بمعنی نهضت درجامعه ما پدید نمی‌آید ، زیرا خاصیت و اثروجودی یک نهضت اجتماعی‌واقتصادی دگرگون ساختن امور به نفع جامعه است نه‌عکس آن.

تفاوت شرکت تعاونی بامؤسسات دیگر

آنچه شرکت تعاونی را درمقایسه باسایر مؤسساتی نظیر بخش انتفاع فردی—مؤسسه خیریه‌و سازمان دولتی متفاوت ومتمایز جلوه میدهد این است که شرکت تعاونی از همان ابتدای کارتوسط‌عده‌ای ازافراددارای‌احتیاجات مشترک تشکیل شده‌ودرهرامری ار امورمتکی باعضای‌خود میباشد.

وظیفه دولت،خدمت بهمه مردم است‌اعم از اینکه افراد ملت عضوشرکت تعاونی باشند وابسته به بخش انتفاعی بوده یا درسایرقسمتها و تحت‌هرنام‌و عنوانی فعالیت مشروع داشته باشند.

هدف بخش انتفاعی کسب سودودرآمد هرچه بیشتر براساس نفع نامحدودو صرفاً خدمت به سرمایه‌داران است‌و بنیاد های خیریه کارشان خدمت بافرادی است که قادر بکارو فعالیت نبوده تهی‌دست ، غیرفعال‌و محتاج استعانت دیگران هستند. درحالیکه هدف‌شرکت‌تعاونی برآوردن نیاز اعضا،چه‌از راه تولید ، مصرف ، خرید یافروش بوده باشد.

در بخش انتفاعی یا انتفاع فردی (شرکتهای تجارتی) سود نامحدود است در حالیکه شرکت تعاونی بسود محدود قناعت میکند. شرکت تعاونی‌صرفاً باعضاو سهامداران خود خدمت میکند نه دیگران مگرآنکه دیگران هم بعضویت‌آن درآیند.

درشرکت تعاونی قبل از اینکه افرادجزو سهامداران آن‌محسوب‌شوند بایداحرازعضویت کنند پس مسئله عضویت ، شرکت تعاونی را بصورت یک سازمان اجتماعی درمیآورد یعنی شرکت تعاونی پیش از اینکه یک مؤسسه کسب وکار باشد، یکواحداجتماعی‌بشمار می‌رود.

یک مؤسسه‌خیریه‌و عام‌المنفعه باالهام از اصول معنوی‌و انسانی باعرصه وجود میگذارد‌بدون آنکه نفع یا فعالیت اقتصادی ویژه‌ای را برای مؤسسین خود ازپی آوردو یک شرکت تعاونی درعین دست‌زدن بفعالیتهای اقتصادی باین اصل معنوی و انسانی‌ملهم میگردد که اعضای آن‌هرچند که ممکن است تهی‌دست باشند اما هرگز در انتظار کمک و اعانت بدون‌عوض دیگران نمی‌باشند.

حال که عده‌ای از افراد جامعه بمنظور رفع مشکلات زندگی وفراهم‌آوردن حداقل امکانات اقتصادی خودو همنوعان‌شان در شرکت تعاونی عضو میشوند تا مشکلات‌جمعی خود را با همت وکار وهمکاری جمعی حل کنند پس مسؤولیت‌های مربوط بآنرا نیز باید میان خود تقسیم کردمو هریک انجام بخشی ازاین مسؤولیت را برعهده خود گیرند.

سقراط حکیم که برای سعادت نسل‌بشر ایجاد یک شهر تعاونی را در نظرگرفته بود، گفته است: یک هیأت اجتماعی که میکوشد پیش از هرچیز نیازهای مادی خود را برآورده کند تاافراد آن شهر تعاونی بتوانندازحداقل زندگی برخوردارگردند لازم است وظایف‌اداره چنان شهر تعاونی‌هم میان اهالی آن شهرتقسیم شود که هرکس به فراخور استعدادوتخصصی که دارد وظیفه خاصی راعهده‌دارگردد.

سقراط میگوید پس از اینکه احتیاجات اولیه مردم شهرتعاونی براساس اصل تقسیم وظایف مرتفع گردید،آنگاه میتوانندبامورفرهنگی وسایرنیازهای تجملی‌وفوق برنامه بپردازند.

همانطورکه یک عضوجامعه بدون‌استفاده ازهمکاری‌سایرافراداجتماع نمیتواند احتیاجات خود را برآورده سازد پس لازم میاید که هرفرد جامعه یا عضو شرکت تعاونی سهمی از این همکاری را بدوش کشد.

رهبران جامعه بشری، عضو وظیفه‌شناس و معتقد باصول زندگی دسته‌جمعی را بایک انسان کامل برابر دانسته‌اند. یکی ازمتفکرین بنام تعاونی معتقد است که توسعه سالم‌شرکت تعاونی تنها درگرو تولید و توزیع کالا نیست بلکه شرط اصلی‌و اساسی چنین توسعه‌ای‌داشتن اعضا و تربیت عضو تعاونی است. درحقیقت متفکر تعاونی مورد بحث ما یکی ازظریف‌ترین جنبه‌های نهضت تعاونی یا شرکت تعاونی توجه نموده است زیرا شرکت تعاونی اعم از مصرف ، تولید ، بدون آنکه دارای اعضائی وظیفه شناس باشد هرگز توسعه وگسترش اقتصادی نخواهد یافت وبفرض هم که یک مدیریت خوب بتواند چنین آرزوئی را ازقوه‌بفعل درآورد دوام آن موقتی بوده وآینده آن مبهم پیش بینی میشود. شارل ژید متفکر دیگر نهضت تعاونی در یک عبارت مختصر وپرمغز نقش واهمیت عضو را درشرکت تعاونی چنین بیان‌داشته است : بهترین محصول یک کارتعاونی عضوتعاونی است.

ممکن است بعضی از خوانندگان محترم تصور کنند که منظور از عضوتعاونی کسی است که ازشرکت تعاونی خود یک یا چندسهم خریداری کرده باشد. البته خریدسهم ازشرکت تعاونی دلیل مشارکت مادی و سرمایه‌ای در یک کار تعاونی است اما عضو تعاونی بودن بمراتب دارای معنائی وسیع تروبعبارت ساده‌تر انسان تعاونی بودن است . یک انسان تعاونی نفع یا زیان خود را درنفع و ضرراجتماع وسایر افراد واعضاء شرکت تعاونی جستجو میکند . چنین انسانی میکوشد برای بهبود وتوسعه کار شرکت تعاونی بخشی از وقت روزانه خود را صرف و وقف پیشرفت کارشرکت تعاونی خود سازد . درمیان اعضاء عده زیادی ازشرکتهای تعاونی مشاهده شده است که آنها فقط با خرید یک یا دوسهم ازسهام شرکت تعاونی وابستگی خود را بشرکت نشان داده‌اند بدون اینکه احتیاجات اقتصادی خود را ازطریق همان شرکت تعاونی تأمین نمایند.

اینگونه شرکاء نه تنها هیچ رابطه اقتصادی با شرکت تعاونی خود ندارند بلکه درهیچ یک ازمجامع عمومی سالیانه ویا مجمع فوق‌العاده که برحسب ضرورت گاهی تشکیل میشود حضورنمی‌یابند.

حاضر نشدن عضو یا عده‌ای از اعضاء درمجامع عمومی شرکت تعاونی که سرنوشت یک یاچند سال کاروفعالیت شرکت را تعیین میکند بافراد ابن‌الوقت وسوء استفاده‌چی امکان‌میدهد درکار شرکت رخنه کنند و از راه فریب دیگر اعضاء زمام امورآن را بدست گیرند.

درقانون تعاونی متأسفانه شرط عضویت در شرکت تعاونی را فقط خرید و پرداخت بهاء لااقل یک سهم را تعریف کرده است . اگرچه این شرط لازم بوده اما نظر با همیتی که عضو در شرکت تعاونی دارد شرط کافی نخواهد بود ازاهمیت نقش عضو درشرکت تعاونی همین بس که درقسمت های دیگرقانون تعاونی‌برای عضومقام و برتری زیادی درنظر گرفته شده‌است اینکه مجمع عمومی‌شرکت که با حضور اعضاء باید تشکیل شود نشان دهنده این واقعیت است که قانون اعضاء شرکت را تنها مقام تصمیم گیرنده می‌شناسد وبه رأی و نظر آنان اهمیت میدهد.

همین قانون‌میان‌اعضائی که‌سهام بیشتری دارند و اعضائی کهبسبب نارسائی های مادی قادربخرید سهام زیاد نیستند تعاونی قایل نشدهٔ است . در حالیکه در شرکتهای غیر تعاونی افرادیکه سرمایه زیادتردارند به نسبت افراد کم سرمایه ارجحیت و برتری بیشتری دارند . واین امر نشان میدهد که شرکت تعاونی تا چه اندازه بااصول انسانیت دمسازوهمراه است. درشرکت تعاونی همه افراد اعم ازاعضاء کم سرمایه یا پولدار یکسان و در یک ردیف قرار میگیرند و هرعضو ازحقوق زیادی برای‌فعالیت برخورداراست.

کارگر زحمتکشی که
عالیترین مدارج

زنگ آسانسور صدا کرد ، دو نفر مسافر وارد شدند . در آسانسور را که در طبقه هفتم ایستاده بود بست . در مقابل مسافران سری فرود آورد و آسانسور را به راه انداخت . وقتی آسانسور به طبقه هم کف رسید پل در آسانسور را باز کرد دو مرتبه در مقابل مسافران سری فرود آورد و به محض اینکه آنها خارج شدند ، کاغذ و قلمش را از جیب بیرون آورد و روی شعری که هنوز آن را تمام نکرده بود مشغول کار شد . معمولا پل به محض این که مشغول نوشتن شعری میشد خیلی زود آنرا به پایان میرساند ، ولی این شعر که نام « اکتبر » را روی آن گذاشته بود به دلیل نامعلومی از چهار سال پیش هنوز کامل نشده بود . چند لحظه در سکوت فکر کرد بعد در حالی که لبهایش را با طنین موسیقی باز و بسته میکرد قلم را به روی کاغذ به حرکت درآورد . معمولا این گونه لحظات خیلی کم به دست می‌آمد و ورود و خروج کارمندان اداره وقتی برای پسرک آسانسورچی باقی نمیگذاشت آن روز هم همین طور بود و به زودی وقت ناهار کارمندان اداره فرا رسید و گروه گروه به طرف آسانسور هجوم آوردند . پل همیشه کارش را با لبخند انجام میداد و همان طور که جلوی مسافران آسانسور سر تکان میداد کلمات شعر آینده اش را نیز در ذهن خود پس و پیش میکرد و یا کتابی را مورد مطالعه قرار میداد . آنروز وقتی که آسانسور خالی شد روی یکی از پله ها نشست تا غذایی را که صبح مادرش در قابلمه کوچکی گذاشته بود ، بخورد . او هیچ وقت برای رفتن به رستوران پول نداشت و معمولا با تکه‌ای نان و پنیر سد جوع میکرد و با سرعت به آسانسور باز میگشت و کارش را ادامه میداد . آن روز هم مثل همیشه بعد از صرف غذای فقیرانه خود ، فوراً به آسانسور بازگشت و مشغول مطالعه یکی از نمایشنامه های شکسپیر شد که زنی وارد آسانسور شد و خواهش کرد او را به طبقه چهارم ببرد . پل به آن زن نگاهی انداخت . او زیبا و خوشپوش بود و به محض اینکه نگاه پل را به روی خود دید لبخندی زد و با مهربانی گفت :

— از اینکه مطالعه تان را قطع کردم معذرت میخواهم . داشتید چه می‌خواندید ؟

— این یکی از نمایشنامه های شکسپیر است .

زن با حیرت گفت : خیلی عجیب است که یک پسر آسانسورچی نمایش شکسپیر را بخواند ؟

پل خنده کنان گفت : من یک شاعر و نویسنده‌ام . ولی حتماً میدانید که شاعر و نویسنده هم باید از یک راهی نان بخورد .

زن سرش را به علامت تفاهم تکانی داد . آنها در طبقه چهارم بودند ولی زن فوراً از آسانسور پیاده نشد برای اینکه میخواست با آثار پسرک آسانسورچی آشنا شود . و وقتی فهمید اشعار او در مجله (هرالد) چاپ میشود نامش را پرسید و بعد از شنیدن نام پسرک چند بار آن را تکرار کرد . پل لارنس دانبار ، و به دنبال آن گفت : بله — بله ، من اشعار شما را چند بار خواندم و حتی از یکی دو تای آن انقدر خوشم آمد که آنها را بریده و نگاه داشتم ولی نمیتوانستم فکر کنم ممکنست شاعر محبوب من تا بدین حد جوان باشد . پل که برای اولین بار طعم شهرت و محبوبیت را میچشید ، حالت عجیبی داشت . شنیدن این که آدمی شعری را که او سروده ، خوانده است واقعاً حیرت‌آور بود . آن زن ، خانم فرانک کونور بود . اتفاقاً پل شوهرش را به خوبی میشناخت و با او که یکی از معروف ترین وکلای شهر بود از دور آشنائی داشت . خانم کونور گفت : متاسفانه من حالا عجله دارم و باید بروم ولی پل لارنس دانبار ما باز همدیگر را خواهیم دید و من پیشرفت های ترا دنبال خواهم کرد . پل از خانم کونور تشکر کرد و با خوشحالی به طبقه اول برگشت و چند خط دیگر از شعر ناتمام اکتبر را نوشت و وقتی که نوبت تعطیل اداره رسید و هجوم کارمندان به آسانسور شروع شد دیگر آن شعر را تمام کرده بود . هر وقت پل شعر یا داستان کوتاهی را تمام میکرد آن را اول برای مجله‌ای به نام « سنتوری » که معروف ترین مجله شهر بود ، میفرستاد . و وقتی که آنها آن شعر یا داستان را پس میفرستادند و معمولا هم همیشه این کار را میکردند ، آن وقت آنها را برای مجلات و روزنامه‌های گمنام شهر میفرستاد و به همین دلیل چون

از فقر اجتماع بپاخاست و ادبی را پیمود

آثارش در نشریات کم بیراز منتشر شده بود با آن رمان شهرتی به دست نیاورده بود . آن نشریات معمولا در مقابل آثار چاپ شده به نویسنده پولی هم نمیدادند ولی پل با همه فقر و بی پولی تنها آرزوی انتشار آثارش را داشت و دلش میخواست یک روز شاعر و نویسنده معروفی بشود.در آن روز محققاً آثارش به قیمت بسیار خوبی به فروش میرفت و از فقر و تنگدستی نجات می یافت . او تقریباً هر هفته داستان تازه‌ای مینوشت و بلافاصله هم آن را پست میکرد و هر روز غروب به محض اینکه وارد خانه میشد از مادر پیرش میپرسید — مادر پست برایم چیزی آورده ؟ مادر معمولا با سرش را به علامت نفی تکان میداد یا از گوشه‌ای بسته ای را که حاوی یکی از داستانهای پس فرستاده‌شده پل بود به دستش میداد . ولی پل هرگز از رو نمیرفت و روز بعد همان داستان را برای مجله دیگری میفرستاد و باز به انتظار می‌نشست .

یکی از روز های ماه آوریل با احساس تازه‌ای اداره را ترک گفت در قلبش بشارتی بود و احساسی مثل یک شادمانی قریب‌الوقوع سراپایش را احاطه کرده بود آن روز قبل از این که وارد خانه بشود از پشت در فریاد کشید مادر پست برایم چیزی نیاورده است و مادر هم مثل همیشه بسته‌ای را به دست او داد که سنگین به نظر می آمد . پل با اندوه پرسید : همه‌اش همین بود ؟ و مادر که درد پسر را میفهمید با ملایمت جواب داد : همه‌اش همانست پسرم .

پاکت از روزنامه دانشگاه آمده بود . پل برای آنها دو داستان فرستاده بود و حالا داشت از وزن نامه حدس میزد که کدام یک از داستانهایش را پس فرستاده‌اند و آنقدر در تخیلاتش اسیر بود که باز کردن در پاکت را از یاد برده بود . مادر بالاخره گفت :

— چرا آنقدر پاکت را وزن میکنی ؟

پل خندید . آن طور حدس زدن واقعاً احمقانه بود . در پاکت را باز کرد چیزی نرم و سفید از میان پاکت خزید و به زمین افتاد . پل خم شد تا آن را بردارد و بلافاصله فریاد کشید مادر نگاه کن .... مادر یک چک . .. و بعد آن قطعه چک را در برابر چشمان مادر مثل یک پرچم به حرکت درآورد . مادر هم مثل پسرش به هیجان آمده بود اما با این وجود پرسید مبلغش چقدر است ؟

وقتی که پل بالاخره به چک نگاه کرد باز حالت چشمانش عوض شد چون آن چک یک چک شش دلاری بود و در دوره‌ای که نویسندگان معروف بابت هر داستان دویست و پنجاه دلار میگرفتند — دریافت شش دلار شادی آفرین نمیبود . اما با این همه پل اصلا احساس ناراحتی نمیکرد و با دریافت آن چک شخصیتش بکلی عوض شده بود ، او دیگر آن پسرک آسانسورچی‌ای نبود که هر روز غروب از سر کار به خانه میامد و هر شب در کنار مادرش شام میخورد ، و در یک آن یک قطعه چک او را از پسرکی که برای رسیدن به هدفی روز و شب تلاش میکرد به جوانی که سرانجام به موفقیت رسیده بود تغییر داده بود . روز بعد پل نوشتن داستان تازه‌ای را شروع کرد . و چند هفته بعد روزنامه انجمن دانشگاه آن داستان را خرید و سردبیر مجله طی نامه‌ای مهارت پل را در داستان نویسی تقدیر کرد و چند ماه بعد وقتی که پل مثل همیشه در آسانسور مشغول کار بود خانم « هلن بروسل » معلم انگلیسی او در دبیرستان وارد آسانسور شد و از پل خواست در مجلسی که به افتخار نویسندگان دنیای وسترن یک هفته دیگر در دبیرستان برپا میشود شرکت کند و سخنرانی افتتاحیه مجلس را به عهده بگیرد و در مقابل نگاه های متحیر پل اضافه کرد : من از زمانی که معلمی ترا در دبیرستان به عهده داشتم به آینده تو امیدواری زیادی داشتم و امروز هم از این که ترا به این مجلس دعوت میکنم بسیار خوشحالم . موفق باشی پسرم .

ولی پل چطور میتوانست متن سخنرانی را تهیه کند و چگونه میتوانست چند ساعتی کارش را رها کرده و آسانسور را تنها بگذارد ؟ یک دفعه فکری به خاطرش رسید . اگر میتوانست نطق افتتاحیه را به شعر درآورد کار تازه‌ای را انجام میداد . ولی البته باید قبلا از کارفرما هم تقاضای چند ساعت مرخصی میکرد . به این ترتیب شاید میتوانست در جاده موفقیت قدم‌های تازه‌ای بردارد و خود را به اجتماع ادیبانه آن شب بشناساند.

بقیه در صفحه ۸۹

زیرنظر: شاهرخ تویسرکانی

دوستانی که برای ما مطلب فرستاده‌اند

دوستان کارگری که برای صفحه خودمان داستان و لطیفه فرستاده‌اند ولی به علت زیاد بودن مطالب و محدود بودن تعداد صفحات تاکنون موفق به چاپ آنها نشده‌ایم، عبارتند از.

جمشید مختاری — کارگر ساختمان

م — ج — جودری — سرپرست انبارهای مرکزی کارخانه ایران کاوه

فخرالدین توکلی — کارگر صافکار

عزت‌الله آزاد — کارگر ماشین‌سازی اراک

محمد ابراهیم الدامی — کارگر تلمبه خانه شرکت نفت (اراک)

دو بیت شعر

با اینکه معمولا باید آثار منظوم شماسروران گرامی در صفحه «شکوفه‌هایی از باغ شعر» چاپ شود، معهذا همانطور که قبلا به عرض رساندیم، لازم می‌دانیم در این صفحه نیز بخشی را به اشعار کارگران اختصاص دهیم، تا هرگاه برخی از اشعار رسیده نقایصی داشته باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا گوینده آن راهنمایی شود. از این رو شعر آقای مهدی شکوهی را به صفحه خودمان کشاندیم و به جایش مفتخر شدیم. اینک چند بیتی از آن را که حاکی از احساسات پاک ایشان است. نقل می‌کنیم.

رستی از دام ملامت، بعد از این ای کارگر
خاطر آسوده شدی از بغض و کین ای کارگر
شامل لطف خدا گشتی ز مهر شهریار
زین سبب کن سعی و کوشش، بیش از این ای کارگر

مشهد — مهدی شکوهی کارگر کارخانه قند

بگو الف، خودتو راحت کن

طفلی را به مکتب بردند هر قدر آخوند به او گفت بگو الف نمی‌گفت و چوب می‌خورد به او گفتند که الف گفتن کاری ندارد چرا نمیگوئی گفت می‌دانم ولی می‌ترسم همینکه گفتم الف بگویند بگو (ب) و آنهم دنباله دارد و دیگر تا آخر راحتی نخواهم داشت از اول نمیگویم و جان خود را نجات می‌دهم.

نوکر راستگو

طلبکار. آقا منزلند؟ نوکر خیر آقا
طلبکار. کی تشریف می‌آورند؟ نوکر والله تا هر وقت دستور بدهند که بگویم خانه نیستند دیگر برگشتنشان با خداست

احمد اکبرزاده کارگر سازمان آب بهبهان

امتحان دیوانه‌ها

دو نفر دیوانه در حیاط تیمارستان قدم می‌زدند اولی گفت رفیق ما دیوانه نیستیم دومی گفت چطور، اولی گفت بیا خودمون را امتحان کنیم. دومی با چی، اولی من چیزی را توی دستم قایم می‌کنم تو بگو توی دستم چی هست. بعد اولی یک پوست پسته توی دست خود قایم کرد و به‌دومی گفت خوب بگو ببینم توی دست من چیه؟ دومی گفت خودتو لوس نکن هواپیمای چهار موتوره دیگه، اولی این قبول نیست تو دیدی من از جیبم درآوردم.

عوضعلی رخشنده کارگر نساجی فخر ایران

نوری در تاریکی

در این ستون شما کارگران عزیز خاطره‌هائی را میخوانید که ضمن کار و بهنگام برخورد با مشکلات فنی و کارگری با آن‌ها روبرو شده‌اید و با یک ابتکار جالب و یا پیش‌آمد غیرمنتظره ولی خوش هنگام بر مشکلات فائق آمده‌اید. البته ناگفته نماند که هر خاطره‌ای لازم نیست حتماً مربوط به خودتان باشد بنابراین میتوانید از قول دیگران هم برای مجلهٔ خودتان ماجراهای جالب را بنویسید.

در این شماره داستان کوتاهی از زندگی یک کارگر نقاش را مطالعه خواهید کرد که از نیمه راه بدبختی و فلاکت و نیستی، بازگشته و با اراده‌ای محکم و تلاش و کوشش چشمگیر گام در شاهراه خوشبختی و سعادت نهاده است. امیداست که همواره موفق و مؤید باشد. (رسانیز کارگران).

از شب تاریک به صبح روشن

هیچ تصمیمی نمیتوانستم بگیرم، آنقدر سرگردان شده بودم که حتی حوصله نداشتم درباره آینده‌ام فکر کنم، غالبا وقتم را در قهوه‌خانه نزدیک خانه‌مان میگذرانیدم با آدم‌های جوراجور، شاید شما کمتر آدم‌های یک قهوه‌خانه کثیف را دیده باشید زهوار در رفته‌ها، بی‌خانمان‌ها و مخصوصا معتادین به‌قرص و مواد مخدر در این جوراما تن گردهم می‌آیند آدم توی این افراد چه میشود؟ تنها چیزی که نمیشود صاحب یک زندگی آرام و خوشبخت است. من از فقر زندگی، از مکافات پدر ناچار به‌گریز بودم، با سرکوفت لقمه غذائی میخوردم و بقیه روز را در قهوه‌خانه به‌سر میاوردم، گاهی هم اگر کاری پیش میآمد باروزی ده پانزده تومان دیواری را رنگ میکردم. این زندگی صبح تا شب من بود که فکر میکنم هیچ جای بحثی ندارد، تا اینکه یک روز «آقا حسین» پیر مرد قلیانی قهوه‌خانه با دیدن مکرر من آمد طرفم و روی صندلی نشست وبعد در حالیکه به‌من خیره شده بود گفت: تا کی میخوای تو این بیغوله بمونی؟ اینجا بهت چی میدن، اصلا از دنیای بیرون خبر داری، میدونی کی بارون میاد، کی هوا آفتابیه، مردم واسه چی خوشحالن و واسه چی عزادار؟! چرا دنیای خودتو در این قهوه‌خانه پر دود و کثیف از بین میبری؟ دیدم آقا حسین پیر قهوه‌خانه راست میگه، تا آنروز فکر نکرده بودم که اصلا چرا هوا آفتابیه، چرا بارونیه، بخودم، بمردم به‌هیچ چیز فکر نکرده بودم، ولی باید چه میکرد! طرف‌های عصر زدم بیرون، تو خیابون برای خودم راه میرفتم و فکر میکردم، آدم‌های جورواجور، زن‌ومرد، کوچک و بزرگ، تلاش می‌کردند، تفریح میکردند، می‌خندیدند، حس مرموزی در من پیدا شد، احساس اینکه منهم از این جامعه هستم، از این مردم هستم.

*

روز بعد به‌اولین رنگ‌فروش سر خیابان مراجعه کردم. وقتی مرا دید با تعجب نگاهم کرد و حیرت او وقتی فزونی گرفت که گفتم میخواهم کار کنم، پیر مرد باور نمی‌کرد. ولی من دیگر از بو و دود و قفس تاریک قهوه‌خانه خسته شده بودم، میدانم برای آزمایش مرا سر کار فرستاد ولی یک هفته بعد مشتری‌ها برای بردن من مرتبا سفارش میدادند، از دنیای تاریک وپوسیده قهوه‌خانه و ذلت تنهائی ناگاه میان رنگ‌ها، رها شده بودم، کار من با رنگ بود و با رنگ هم زندگیم شروع شد، در همین اوقات اتفاق جالبی در زندگیم رخ داد. یکی دو سال قبل که هنوز در پیله تنهائی فرو رفته بودم، مادرم برای سر وسامان بخشیدن بزندگیم بخواستگاری دختر دلخواهم رفته بود ولی پدر او که حساب همه چیز را می کرد این خواستگاری را قبول نکرده بود، چرا که من نه شغل معینی داشتم و نه از احترام اجتماعی بعنوان یک فرد ثمر بخش برخوردار بودم. فعالیت من در زمینه کار نقاشی، در تازه‌ای را نیز برویم باز کرد، حاجی آقا پدر همان دختر مورد علاقه‌ام خواست که مرا ببیند، دیدار ما برای این بود که رنگ خانه‌اش را عوض کنم و همین دیدار باعث شد تا حس کنم دارای آن احترام و شخصیت کافی برای اجتماع شده‌ام، حرفهای حاجی یادم نمیرود که گفت:

من باندازه کافی مال ومنال دارم، منهم یک روز مثل تو از صفر شروع کردم واگر با ازدواج تو ودخترم مخالفت کردم فقط باین دلیل بود که تو دارای کار مشخصی نبودی، اگر جای من بودی باین قمارتن درمیدادی؟ دختر من هنوز شوهر نکرده، حالا این من هستم که بتو پیشنهاد میکنم، اگر میخواهی زندگی جدیدی را درست کنی باموافقت من میتوانی با او ازدواج کنی.

* * *

حالا شب است ومن بخانه آمدم، همسرم دارد چای در فنجان میریزد، خیلی خانم است وبچه کوچکمان نیز با شیطنت‌هایش شب ما را گرم‌تر کرده است. اگر یک روز با کارگری شروع کردم حالا دارای یک مغازه هستم و کار میکنم. درآمدم هم آنقدر خوب است که در خانه‌ای که مال خودم است زندگی راحتی را کنار همسر وفرزندم میگذرانم. هر وقت یاد گذشته تاریکم میافتم هزار بار خدا را شکر میکنم که توانستم از تاریکی رهایی پیدا کنم.

کارگر برنده

نسل‌جوان امروز که باماشین و تکنیک دمخور شده است گاه ازاین الفت به خلاقیت های تازه‌ای دست‌میابد که شگفتی آفرین است و گاه نیز این همکاری مسائلی را پیش میاورد که چندان خوشایند نیست. بهرجهت علاقه و پشت کار توأم با هوشیاری واستعداد در تمام کارها سبب می‌شود که شخص به موفقیتهائی دست یابد که واقعاً جالب توجه است.

آقای رضا مدنی دوست کارگر ما که درشرکت سهامی (سنگ‌آهن مرکز ایران حوزه بافق) راننده جرثقیل است ازاین جمله است که با کوشش و تلاش مداوم بقول دوستان خودش « کارگر برنده شده است » و همانطور که درعکس ملاحظه می کنید باموتورسیکلت از روی ۹ پیکان که به کنارهم ردیف شده‌اند مانند یک پرنده پروازمی کند.

درگفتگوئی که با رضا مدنی داشتیم میگفت اگرمسابقه‌ای دراین زمینه برگزارشود بدون‌شک نفراول ایران خواهم شد چرا که دربعضی مواقع از روی ۹ تا ۷ ۹ اتومبیل هم پریده‌ام، وحاضرم این کار را درمراسمی که مقامات ورزشی هم حضور داشته باشند انجام دهم، باشد که قهرمانی سرشناس شوم وبرای کشورعزیزم « ایران» افتخار کسب کنم.

رستاخیز کارگران برای چنین کارگرانی که در رشته‌های گوناگون از جمله رشته های ورزشی موفقیت هائی بدست آورده‌اند آرزوی سلامتی می کند و امیدوار است که مقامات مسؤل به‌این استعداد ها توجه بیشتری داشته باشند.

انسان مافوق انسان

سرگذشتی ازمحمودسلیم پور کارگرمکانیک

برای نصب کردن یک‌موتور برق باتفاق یکی ازهمکارانم بایک‌لندروربه یکی ازآبادیهای عشایرنشین اطراف مریوان رفته بودم. کارمان که تمام‌شد و خواستیم مراجعت کنیم به‌شب‌افتادیم. راما یک کوره‌راه‌بود که در چندجا به‌دوراهی ، سه راهی و تقاطع برمیخورد و چون‌شب‌بودو برای اولین بار بود که گذرمان به‌اینجاافتاده‌بود ، راه‌راگم کردیم. آنقدردورخودمان چرخ خوردیم که کم کم بنزین‌مان نزدیک‌به اتمام بود ولی‌هیچ آبادی وآدم‌وعالمی‌بچشممان نخورد. ازشدت یأس و نومیدی تصمیم گرفتیم توی‌همان‌اتومبیل تاصبح بیتوته کنیم و درروشنائی صبح ازکسی راه را بپرسیم ولی‌شدت‌سرمای‌آن‌منطقه ییلاقی، به‌حدی‌بود که به‌ما امکان چرت زدن‌وحتی ایستادن نمیداد. درمانده و ناامید باز هم براه‌افتادیم ولی این بار بدبختانه چرخ ماشین ما در گودالی افتاد و درنتیجه به کلی ازراه رفتن بازماندیم. وحشت گمشدن وسرمازدگی لرزه بر اندامهان انداخته بود که به ناگاه ازپای تپه‌ای دردوردست چشممان به کورسوی چراغی افتاد.

نومیدانه پای پیاده به اتفاق ، به طرف آن کورسو به راه افتادیم. پیاده‌روی سخت و کشنده‌ای بود وطول مسافت بیش ازآن بود که ما درابتدا حدس زده بودیم. بالاخره رسیدیم. کلبه روستائی کوچکی بود با یک برکه آب وآغلی درپشت کلبه. سگ پیر و لرزانی عوعو کنان به طرف ما پارس می کرد و متعاقب پارس کردنش ، کامله مردی‌فانوس بدست ازتوی کلبه بیرون آمد و مقصد ومقصود ما را جویا شد. وقتی حال قضیه را به او گفتیم وازاو خواهش کردیم به‌ما پناه بدهد بدون‌منت‌قبول کرد. به داخل کلبه رفتیم او بود و زنش خوشبختانه بچه کوچک‌نداشت. مختصری نان وماست دربساط داشت آورد ، خوردیم و من ازاو پرسیدم آیا اجازه می‌دهد که درهمین گوشه کلبه‌من و رفیقم تا صبح بیتوته کنیم. مرد روستائی خیلی سخاوتمندانه پاسخ داد ، شما درهمین اطاق راحت بگیرید بخوابید من و زنم به اطاق دیگر میرویم. گفتم مگر اطاق دیگر هم دارید ؟ گفت بله ، آن پشت یک اطاقک دیگر هم هست. ازخوشحالی انگاردنیا را به‌من ورفیقم دادند. آنها گلیم و لحافی هم به ما دادند و رفتند هنگام خواب به رفیقم گفتم «نوری درتاریکی» که می‌گفتند همین است. صبح که بلند شدیم یادت باشد ازخجالت این مرد روستائی بدرآئیم. راحت گرفتیم خوابیدیم و با همه سختی و زمختی کلبه و رواندازمان گونی در رختخوابی از پرقو آرمیده‌ایم. صبح ، خیلی زود، قبل از دیگران بیدار شدم و دیگر خوابم نبرد. شروع به قدم زدن در هوای‌آزاد کردم‌ونمیدانم چطور شد که حس کنجکاویم تحریک شد بروم ببینم مرد روستائی‌وزنش درچه‌حالی هستند و آن اطاق‌عقبی که می‌گفتند، کجاست وچگونه‌جائیست.

اما بامنظره‌ای روبرو شدم که تا عمر دارم فراموش نمیکنم — مرد روستائی دریک مرغدانی کوچک چمباتمه زده بود و زنش هم درحالیکه قبای او را به عنوان روانداز به روی‌دوش خودانداخته بود روی زانوی شوهرش ، زانو به بغل به خواب رفته بود. با دیدن آن صحنه و آن همه‌جوانمردی‌و انسانیت نمیدانستم چگونه پاسخ این همه محبت آن دو را بدهم و به واقع گذشت‌والا کاری این زن‌و مرد روستائی آنقدروالا بود، که با هیچ معیاری‌قابل سنجش نبود.

بررسی وتجزیه وتحلیل قانون کار

شرایط اضافه کاری

از: دکترعلی الله همدانی

در مقاله گذشته در مورد چگونگی تعیین مدت کار ومقامات ومراجع ونیز طرق تعیین مدت کار بحث کردیم ، اینک به بحث درمورد مقررات قانون کار درزمینه مدت کارمیپردازیم:

بموجب ماده ۱۱ قانون کار : ساعات کار کارگران در کارگاه ها ، جز درموارد مذکور در این قانون ، نباید از هشت ساعت درشبانه روزو چهل وهشت ساعت درهفته تجاوز کند ، مقصود از ساعات کار مدتی است که کارگر بمنظور انجام کار در اختیار کارفرما میباشد و اوقات استراحت وصرف غذا جزء ساعات کار محسوب نمیشود.

بدین ترتیب ملاحظه میگردد ، برطبق روش معمول وخارج ازموارد استثنا ، مدت کار روزانه هشت ساعت وهفتگی ۴۸ ساعت میباشد.

باتوجه به آنچه بیان گردید ، مسائلی در این ماده بچشم میخورد که باید مورد توجه قرارگیرد .

۱ — بطوریکه مشاهده میشود قانونگزار گفته است « جز درموارد مذکور در این قانون » ساعات کار کارگران هشت ساعت میباشد ، بعبارت دیگر ممکن است ضرورت ایجاب نماید که برخی موارد مدت کار در روز از هشت ساعت بیشتر باشد وما در مورد بیان استثنا ها باین مسائل اشاره خواهیم کرد.

ولی نکته‌ای را که باید در این زمینه خاطرنشان ساخت ، اینست که باتوجه به پیشرفت‌های اقتصادی ونیز گسترش صنایع و استفاده از تکنولوژی جدید ، بتدریج مدت کار هفتگی در برخی از کشورهای جهان کاهش یافته است، بنحوی که مدت کار هفتگی به۳۶ ساعت بالغ گردیده است واین اندیشه وجود دارد که در سالهای آینده وبویژه بعد از سال دوهزار ، ممکن است مدت کار هفتگی از این رقم هم کمتر گردد. درچنین صورتی ، چگونه میتوان ایام فراغت کارگران را پر کرد. مساله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد ، اینست که ممکن است دریک کشورمدت کار هفتگی در صنایعی کمتر از صنایع دیگر باشد واین امر بستگی به قرارداد کاریا پیمانهای دستجمعی منعقده بین سندیکاهای کارگری و کارفرمایان دارد.

موازینی که در قانون کار پیش‌بینی گردیده است ، موازین حداقل میباشد و سندیکاهای کارگری و کارفرمائی میتوانند مدت کمتری برای ساعات کار روزانه و هفتگی قائل گردند.

۲ — مساله دیگری که در این ماده خودنمائی میکند، بدست دادن مفهوم « ساعات کار» است که میگوید: « مقصود ازساعات کار مدتی است که کارگر به منظور انجام کار در اختیار کارفرما باشد» زیرا کاملا آشکار و مشخص نیست که منظور از « در اختیار کارفرما » بودن چیست واین ماده هیچگونه ضابطه‌ای بدست نمیدهد .

ضوابطی که معمولا ممکن است وجود داشته باشد اینکه کارگر با اتومبیل کارخانه وکارگاه بر سر کار بیاید . آیا از هنگامی که کارگر در ماشین کارفرما قرار میگیرد میتوان آنرا « دراختیار بودن » تلقی کرد ؟ بدون تردید جواب منفی است ، زیرا اولا اتومبیل ممکن است متعلق به کارفرما نباشد ، بلکه واحدهای دیگری اتومبیل را اجاره بدهند ، ازطرف دیگر اگر قانونگزار نظرش آن بود که چنین حالتی را در اختیار بودن بداند همانطور که در قانون تأمین اجتماعی پیش‌بینی گردیده است ، صراحتاً در قانون کار نیز بدین امر اشاره می‌شد ، زیرا در قانون تأمین اجتماعی پیش‌بینی گردیده است که ازلحاظ حوادث ناشی از کار، هرگاه کارگر در طی مدتی که با اتومبیل کارفرما در راه رفتن بکارگاه است حادثه ببیند حادثه ناشی از کار تلقی میگردد وحال آنکه درقانون کار صراحتاً بدین مورد اشاره نشده است . مساله دیگری که دراین زمینه خودنمائی میکند ، اینکه ممکن است کارگر با اتومبیل کارخانه تا محل کار برود ، ولی برسر کارخود نرود . وانگهی چه فرق است بین موردی که ماشین اجاره کارفرما ، کارگر را بر سر کار ببرد یا ماشین ها ووسائط نقلیه عمومی.

بدین ترتیب مدتی‌را که کارگربا اتومبیل کارگاه بسر کارمیرود ، جزء مدت کارمحسوب نمیشود ، دلیل دیگری که در رد این عقیده وجود دارد ، اینست که ممکن است فاصله محل اقامت کارگر و کارگاه یک یا دو ساعت به طول انجامد . آیا این مدت را میتوان ساعات کار تلقی کرد ، وانگهی ، اگر رفتن برسرکار را بتوان « به منظور انجام کار » تلقی کرد ، بازگشت از کار را بهیچوجه نمیتوان چنین تلقی کرد.

نظر دیگری که در این زمینه وجود دارد اینست که کارگر به محوطه کارگاه وارد گردد ، در اختیاربودن است . ولی این نظرنیز قابل قبول نیست ، زیرا ممکن است کارگر بمحض ورود به کارخانه به‌سر کار نرود . برخی معتقدند « در اختیاربودن » کارگرازهنگامی‌است که لخت شود و لباس کار به‌پوشد و پشت‌ماشین قرار بگیرد .

باوجود نظرات مختلفی که در مورد « دراختیاربودن » وجود دارد ، معذالک باید خاطرنشان‌ساخت که‌این مساله‌امری نظری است و بستگی به‌توافق طرفین دارد و ممکن است درقرارداد کاریاپیمان دستجمعی این مساله پیش‌بینی گردد .

مساله‌دیگری که درماده‌مذکورپیش‌بینی گردیده اینست که مدتی که کارگران صرف غذا میکنند جزمدت کار تلقی نمیگردد واین خود میتواند قرینه‌ای باشد براینکه مدتی که کارگر بااتومبیل کارگاه برسرکار می‌آید ، جزمدت کارتلقی‌نمیگردد.

باتوجه به‌آنچه‌بیان گردید ، آشکار میشود که مدت کار روزانه در مواردعادی هشت ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته میباشد . ولی‌براین اصل کلی که بیان گردید موارد استثنای بسیار وجود دارد که‌باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

این‌موارد استثنا عبارتنداز:
— اضافه کار،
— کارهای سخت‌و زیان‌آورو خطرناك
— کارنوبتی،
— موارد ضروری وفرس ماژور

الف: اضافه کار

بطوریکه ضمن‌بحث‌درمورد ماده ۱۱ قانون کاربیان شد ، مدت کارروزانه ۸ساعت میباشد ولی‌مواردی پیش‌می‌آید که مدت کار ازمدت یادشده‌تجاوزمی کند.

این‌تجاوز ازمدت کارروزانه ممکن‌است ناشی‌ازدوعامل باشد :
۱ —نیاز کارگر
۲ —ضرورت کار کارگاه

غالباً اتفاق می‌افتد که به لحاظ پائین بودن سطح‌مزدها ، کارگرنیاز به کار بیشتری داشته‌باشد تا بتواند بدینطریق باافزایش مدت کارخود مزد بیشتری بدست آورد . ازسوی دیگر ممکن است ضرورت کار کارخانه وبویژه کارظرفیت کارگاه‌ایجاب کند که کارگاه‌همواره بکاراشتغال داشته‌باشد ودر نتیجه ضرورتاً کارگران کارگاه‌مدت بیشتری بکار اشتغال ورزند . درچنین‌صورتی ، کار اضافی و یا اضافه کارمطرح میگردد.

قانون کار این‌موضوع راپیش‌بینی کرده است . ماده۲۱ این‌قانون در مورد اضافه کار چنین‌مقرر میدارد :

کاراضافی ، باموافقت‌طرفین ورعایت شرائط زیرمجاز خواهد بود :

۱ — برای هرساعت کاراضافی باید سی‌وپنج درصداضافه برمزد هرساعت کاربه کارگر پرداخت شود.

۲ — کاراضافی نباید ازچهارساعت در روزتجاوزنماید .

۳ — درمورد کارهای‌سخت‌و زیان‌آور کاراضافی ممنوع است.

بدین‌ترتیب ملاحظه‌میگردد که‌برای انجام اضافه کاردومساله اساسی ضرورت می‌یابد :

۱ —رضایت طرفین ، یعنی کارگرو کارفرما.

۲ — افزایش حقوق ایام کار اضافی .

قانون کار مقرر داشته است که برای کاراضافی رضایت دوطرف ضرورت می‌یابد ، زیرا اگر هدف انجام کاراضافی برای بدست آوردن پول ودرآمد بیشتر باشد ، لذاضرورتاً رضایت دوطرف لازم است .

زیرا کارفرما که باید مقداری بیشتر ازمزد کارگر (۳۵ درصد) بپردازد ضرورتاً لازم‌است رضایت‌دهد و کارگرنیز که‌باید کاراضافی انجام دهد باید بدین‌امر رضایت دهد ولذا انجام کاراضافی نیاز به رضایت دوطرف دارد .

مسأله دیگر پرداخت مزد بیشتر میباشد ، زیرا هنگامی که کارگر ، به کاری‌بیش‌ازحد معین‌قانون میپردازد ، نیازبه صرف‌انرژی بیشتری دارد و برای تهیه وجبران چنین‌انرژی نیاز به‌درآمد بیشتری دارد و لذاباید مزد وی افزایش یابد.

ناگزیر باید خاطرنشان ساخت که‌انجام اضافه کار تنها ناشی از نیاز کارگر نیست ، بلکه ضرورت صنعتی و نیاز کارفرما نیز ایجاب‌می کند که کارگر کاربیشتری انجام دهد . چه‌وضع یک کارگاه وبویژه‌تکنولوژی پیشرفته ایجاب می کند که کارگاهی باتمام ظرفیت خودبکار اشتغال ورزد واین امر خود ایجاب می کند که کارگر کاراضافی انجام دهد .باتوجه به‌چنین ضرورتی کارفرما باید مزدی بیشتر به کارگر بپردازد و لذاقانونگزار مقرر داشته‌است که برای هرساعت کاراضافی ۳۵ درصدمزد بیشتری به کارگرپرداخت‌شود . ولی‌درزمینه اضافه کاردومساله متضاد ومتناقض‌خودنمائی می کند:

ضرورت‌سلامت کارگر
نیاز اقتصادی کشور،

ناتمام

محیط تربیتی، مهمترین نقش را در پرورش هوش بچه‌ها بر عهده دارد

از: منوچهر هنرمند

وجدان کار

محیط و هوش

کارگران عزیز مطلبی که در تشکیل طرز فکر و تفکرات بعدی انسان بی‌نهایت مؤثر است هوش است. بد نیست ابتدا ببینیم که اصولاً هوش تا چه اندازه‌ای ارثی است و یا تا چه حد تحت تأثیر محیط، پرورش پیدا می‌کند. علمای روانشناسی برای پیدا کردن این اندازه‌ها دست به آزمایشهای مشکل و عجیبی زده‌اند که، چند تای آنها را برایتان نقل می‌کنیم.

هوش در بچه‌های نامشروع

«اسلوداک» ۱۵۴ بچه را که ۱۰۴ نفر آنها بچه‌های نامشروع بودند در محل مناسبی که بهتر از محیط خانوادگی آنها بود قرار داد. سن این بچه‌ها بین شش ماه الی ۴۸ روز بود. پدرهای واقعی بعضی از این بچه‌ها به کارهای پست مشغول بودند و به‌طور کلی پدر و مادرهای حقیقی همه بچه‌ها، از لحاظ اجتماعی عقب‌افتاده و کم استعداد بودند، و معدل متوسط هوش آنها از ۸۸ تجاوز نمی‌کرد. اگر چه معدل هوش بچه‌ها را به علت خردسالی در ابتداء نتوانستند اندازه بگیرند، ولی دو سال بعد که این امکان میسر گردید معلوم شد معدل هوش آنان ۱۱۶ است و دوباره بعد از چهار سال که از کودکان مزبور آزمایش به عمل آوردند معدل ۱۱۲ بدست آمد که هر دو معدل بیشتر از هوش بچه‌های معمولی است. علما معتقدند که اگر این بچه‌ها نزد پدر و مادر خود بزرگ می‌شدند از لحاظ روانی عقب‌افتاده‌تر از بچه‌های همسن و سال خود می‌شدند.

هوش بچه‌های عقب‌افتاده

در ایالت ایلینویز آمریکا آزمایش دیگری به وسیله «اسپیر» به عمل آمد که موضوع اثر محیط را در بچه‌ها روشنتر می‌کند. این دانشمند، ۸۴ بچه محتاج و فقیر را که مادران آنها عموماً عقب‌افتاده و کم هوش بودند، مورد آزمایش قرار داد. تمام این مادرها در مؤسساتی مخصوص نگهداری افراد نامتعادل روانی زندگی می‌کردند و معدل هوش آنها بین ۳۸ تا ۴۴ بود. بچه‌ها به طور شبانه‌روزی تحت نظر اتحادیه خدمات مربوط به بچه‌ها، قرار گرفتند. باید دانست که پدران این بچه‌ها عموماً دچار نقص‌ها و بیماریهائی از قبیل: بی‌مسئولیتی، اعتیاد به مشروبات الکلی - بیماری صرع و امراض مقاربتی بودند. اسپیر با آزمایشاتی که به عمل آورد، معلوم کرد آن بچه‌هائیکه در محیط سالم زندگی می‌کردند از معدل هوشی متوسط برخوردار شدند، در صورتیکه بچه‌هائی که نزد مادران کم هوش خود زندگی می‌کردند کم هوش بار آمدند و باز معلوم شد که عقب‌افتادگی بچه‌ها متناسب با سالهائی است که نزد مادر خود بزرگ شده بودند، نتیجه آزمایشات این دانشمند ثابت کرد که محیط در تربیت هوش و رشد هوش بچه‌ها مؤثر است.

هوش در بچه‌هائیکه از تمدن دور هستند

«گوردون» دانشمند انگلیسی آزمایش دیگری روی بچه‌هائیکه از تمدن دور هستند و دسترسی به وسایل اجتماعی ندارند انجام داد. به این ترتیب که: در انگلستان عده‌ای هستند که دائم در کشتی‌های کوچک روی آب زندگی می‌کنند و بیشتر کارشان ماهیگیری است این عده در کشتی به دنیا می‌آیند، در کشتی زندگی می‌کنند و در کشتی میمیرند و فقط وقتی به ساحل نزدیک میشوند که بخواهند کالای خود را که عبارت از ماهی‌های صید شده است. با کالاهای اولیه مورد نیاز خود تعویض کنند. بچه‌های این جماعت ماهی یکی دو روز درس می‌خوانند ولی این بچه‌ها خیلی کم با بچه‌های شهری تماس دارند و تقریباً از تمام مظاهر تمدن بی‌بهره‌اند. گوردون روی این بچه‌ها آزمایشات زیادی کرد و به این نتیجه رسید که معدل هوش آنها ۶۹/۵ است یعنی عموماً دارای هوشی کمتر از متوسط هستند. نتیجه دیگری که گرفت عبارت از این بود که هرچه سن این بچه‌ها بیشتر میشد، معدل هوشی آنها پائین‌تر می‌آمد و اعتقاد پیدا کرد که ارتباط بین کم شدن هوش و بالا رفتن سن مخصوصاً در بچه‌هائیکه در یک خانواده بسر میبرند، ارتباطی با وراثت ندارد یعنی ارثی نیست بلکه مربوط به نداشتن محیط مناسب برای رشد هوش است، مثل مدرسه و سایر وسایلی که در اختیار بچه‌های شهری هست ولی برای این دریانشینان وجود ندارد.

هوش در بچه‌های کوهستانی

«کی» و «شرمن» دو دانشمند دیگر روی بچه‌هائیکه در کوهستانها زندگی میکنند آزمایشاتی بعمل آوردند. آنها هوش این بچه‌های کوهستانی را با بچه‌های یک شهر کوچک مقایسه کردند معدل هوش بچه‌های شهری ۹۶/۱ بود و معدل هوش بچه‌های کوهستانی ۶۱/۲ این دانشمندان نیز به این نتیجه رسیدند که هرچه سن بچه‌ها بیشتر میشود، از میزان هوش آنان کاسته میگردد در صورتیکه این تناسب در میان بچه‌های شهری دیده نمیشد. بنظر این دانشمندان زیاد شدن هوش فقط بوسیله یاد گرفتن و جمع‌آوری اطلاعات و پیدا کردن مهارت‌های فنی امکان‌پذیر است و بدین ترتیب زیاد شدن هوش مربوط بمحیط تربیتی بچه‌ها است و بدون شک مدرسه در آن رل اساسی بازی میکند.

هوش در خانواده‌های با هوش

«گالتن» دانشمند انگلیسی، در باره خانواده‌هائیکه افراد بسیار با هوش داشتند مطالعه کرد و نتیجه مطالعه‌اش این بود که در میان فرزندان این خانواده‌ها افراد با هوش بیشتر از خانواده‌های معمولی است و معتقد شد که عوامل ارثی در میزان هوش تأثیر دارند.

هوش در خانواده‌های فاسد

دانشمند دیگری بنام «دوگدال» وضع ۵ نسل از فامیلی بنام «ژروک» را که در حدود ۱۲۰۰ نفر بودند مورد بررسی قرار داد و چنین نتیجه گرفت که در حدود نصف این عده کودن، فاسد و فاحشه از آب درآمدند.

هوش در خانواده نوابغ

سه نفر دانشمند وضع ۱۳۰۰ نفر از افراد نابغه و بسیار با هوش را مورد مطالعه قرار دادند و متوجه شدند که فقط ۹ درصد فرزندان آنها نسبت به افراد معمولی دارای هوش زیاد بوده‌اند و ۹ بچه کم هوش نیز در میان آنها وجود داشته است.

هوش در بچه‌های یتیم خانه

میدانید که در پرورشگاه‌ها، نوع تربیت - لباس - تغذیه و تقریباً تمام عوامل محیطی برای بچه‌ها یکسان است، علما پیش از آنکه در این مورد آزمایشی انجام دهند فکر میکردند که چون محیط برای همه بچه‌های یک پرورشگاه یکسان است بچه‌ها با اختلاف هوشی کمی با هم برابر خواهند بود، ولی وقتی آزمایشات آنها از همه بچه‌ها تمام شد، متوجه شدند، معدل هوشی بچه‌ها با هم خیلی تفاوت دارد و بعضی با هوشتر و بعضی دیگر کم هوشتر هستند و در نتیجه وضع هوشی این بچه‌ها که در یک محیط تربیت شده بودند با بچه‌های دیگر که در محیط‌های مختلف رشد کرده بودند هیچ تفاوتی نداشت. البته این دانشمندان نتیجه گرفتند که فقط عامل ارثی سبب زیادی و کمی هوش بچه‌ها است و محیط هیچگونه تاثیری در هوش بچه‌ها ندارد، در حالیکه آنها هم اشتباه کردند، زیرا امروز علم تعلیم و تربیت ثابت کرده است که استعداد پذیرش افراد متفاوت است و نمیتوان با یک روش همه چیز را به همه کس فهماند. مثلاً یک معلم خوب با هر بچه‌ای از راه خواستهای باطنی او وارد میشود و نمیتواند با همه بچه‌ها یکسان عمل کند. چرا راه دور برویم، هر کدام از ما در دوره کودکی همسالانی داشتیم که در آنموقع بهیچوجه نمیتوانستیم آنها را جزء افراد با هوش بحساب آوریم ولی با گذشت زمان عکس این مسئله ثابت شد خود من در کلاس ششم ابتدائی رفیقی داشتم که بسیار کودن بود. مدیر مدرسه که واقعاً معلم دلسوزی هم بود و بما درس حساب میداد، برای اینکه با هوشترها بتوانند به رفقای کم هوش خود کمک کنند بهر کدام از شاگردان با هوش دو الی ۳ شاگرد ظاهراً کم هوش سپرده بود و هر روز هم از بچه‌های کم هوش درس می‌پرسید و اگر درس خود را یاد نگرفته بودند ما را تنبیه میکرد. تا اواسط سال من مرتباً تنبیه میشدم زیرا واقعاً قادر نبودم حتی یک جمع و تفریق ساده را به این دوهم کلاسی یاد بدهم، در اواسط سال معجزه‌ای شد و آن این بود که بعد از تمام شدن درسها من و یکی از شاگردانم به گوشه کلاس رفتیم و شروع کردیم به حل مسائل، این بار هر چه من میگفتم او یاد میگرفت بطوریکه روز بعد مایه حیرت همه همشاگردیها و آقای مدیرمان شد. زنگ تفریح مرا به دفتر خواست و دقیقاً از وضع دیروز سئوال کرد. این سئوال و جواب شاید یکساعت طول کشید. او میخواست که بداند چه چیزهای تازه‌ای سبب شد که رفیق ما بخوبی بتواند درس را یاد بگیرد؟ مثل یک بازپرس مرتب جویای نحوه درس حاضر کردن ما شد، تا جائی که من گفتم مقداری خوراکی در جیب داشتم اول آن را روی میز ریختم و محمود موقعی که من مسئله‌ها را برایش حل میکردم با دقت گوش میداد و دائم از نخودچی کشمش میخورد. موضوع از نظر

ادامه دارد

پرسش های طویل و پاسخ های کوتاه

بدون تعارف باید به عرض عالی برسانم که این مجله یک نشریه استثنائی است، زیرا کارگران کشور مجله یی را با نام خود و با نازلترین بهاء و با چاپی بسیار توجه‌برانگیز دریافت می کنند و بدین ترتیب بر اطلاعات خویش می افزایند. جداً باید بگویم که اگر این نشریه به‌وجود نمیامد، ما هرگز با قانون کار، وظایف خود نسبت به جامعه و کارفرما و پیشرفت های عظیم میهنی تا این حد آشنا نمی‌شدیم. امید است شما و تمامی همکارانتان در پیشبرد این مجله و انجام وظایف مقدس خویش، بیش از پیش موفق و کامیاب باشید.

قزوین — سید حمزهٔ موسوی

*آقای سردبیر،

جای بسی خوشوقتی است که از برکت وجود رهبر عالیقدر ملت ایران، شاهنشاه آریامهر پادشاه عادل و نیک‌بخت، طبقه کارگر صاحب نشریه یی شده است که بوسیلهٔ آن می‌تواند برای رسیدن به اهداف خویش و شناختن وظایف خود کاملا کامیاب شود. این مجله خواهد توانست ما را با قوانین، پیشرفت ها و رویداد های کشور و جهان آشنا سازد و از طبقهٔ کارگر ایران افرادی مطلع و آگاه بسازد. من با اینکه نمایندگی همکاران خود را در کارخانهٔ قند پارس ندارم، اما این حق را بخود می‌دهم که از سوی تمامی همکاران و کارگران شریف کشور به شما و همهٔ همکارانتان تبریک و تهنیت بگویم.

شیراز — محمدعلی امامی

*آقای سردبیر،

من ضمن عرض تبریک بمناسبت انتشار مجلهٔ افتخاربرانگیز رستاخیز کارگران، آرزومندم در وظیفهٔ بزرگ و خطیری که به عهده گرفته اید پیروز و کامیاب شوید. با اینکه طی چند شماره نشان دادید که بخوبی از بوتهٔ آزمایشـــی برآمده‌اید، باوجود این امیدوارم در آینده موفق‌تر و مؤیدتر باشید. سالها بود که جای چنین مجله یی در جامعهٔ نوین کشور خالی بود و من حالا خوشوقتم که به عنایت شاهنشاه و همت شما سربازان رستاخیز، این کمبود برطرف شده است. در پایان استدعا دارم ترتیبی دهید که مختصر اشکال توزیع مجله رفع شود تا همهٔ کارگران کشور بتوانند از مجلهٔ محبوب خود در کوتاهترین فرصت استفاده کنند.

بروجرد — مرتضی عبدلی

*آقای سردبیر،

هنگامی که از طرف کارخانه به بنده ماموریت داده شد که مجله رستاخیز کارگران را میان همکارانم تقسیم کنم، هرگز فکـر نمی کردم که این نشریه تابدین‌حد مورد استقبال کارگران قرار گیرد. اکنون که با این واقعیت روبرو شده‌ام، با نهایت غرور و افتخار بـــه شمـــا زحمتکشـــان واقعـــی کشور تبریک و شادباش می گویم. در اینجا می‌خواهم از فرصت استفاده کرده در پاسخ جناب آقای نخست‌وزیر که ما را به کوشش بیشتر دعوت کردند بگویم خوشبختانه از برکت انقلاب شاه و ملت زندگی ما درخشان است، اما بخدا- وندی خدا، وضع ما کارگران چه خوب باشد چه نباشد، با تمام وجود برای پیشبرد کشور کار می کنیم و از هیچگونه فداکاری دریغ نداریم. زیرا مهر شاه و میهن با وجود ما عجین شده است.

شاهی—سیف‌الله روحی

قروه — آقای محمدعلی مالکی

تبریک صمیمانه سرکار بمناسبت سالروز ششم بهمن را زیارت کردیم. احساسات صادقانه شما درخور تقدیر است.

نطنز — آقای حسنعلی شفیعی

قربانت گردم شفیعی جان، حقیر فقیر نازک‌تر از حریر، هرچه فکر کردم که جنابعالی با ۱۹ سال سن چگونه دیپلمه شده‌یی عقلم بجایی قد نداد. بنابراین معتقدم که سرکار باید برای این تعجیل بی‌سبب چوبش را هم بخوری و دو سال بیکار بگردی تا موعد رفتن به خدمت مقدس وظیفه فرا رسد. زیرا اگر بنده هم باشم بتو که معالی نداری شغلی نخواهم داد! با وجود این عین نامه‌ات را به وزارت کار فرستادیم تا شاید زعمای آن وزارتخانه فکری به‌حالت بکنند. دست‌ پاچگی ات را با تمامی وجود ستایش می کنم.

تهران — آقای رضوان‌الله ابولقاسمی

و علیکم السلام آقای بهشت خدا! شعر مبارک راهی صفحه پر رونق گل شد تا مسؤول اشعار رسیده وحال دیده فکری بحالش بکند. ضمناً توفیق آنجناب را در فعالیت های اجتماعی مسئلت داریم.

همدان — آقای اسدالله صادق محمدی

جانثار هم قبول دارم که با ثقل سامعه، کرفتن کار مشکل است. اما هنگامی که شما مدعی هستید با بهره‌گیری از سمعک الکترونیکی بخوبی می‌شنوید، دیگر نباید کارفرمایان شهر بهانه‌یی بتراشند. بهر تقدیر، شما دو صفحه کاریابی روزنامه رستاخیز کارگران را که در وسط مجله ماست ملاحظه کنید، انشاءاله شغل مورد نظر خودتان را خواهید یافت. ضمناً اگر از بنده می‌شنوید با اینکه گوش مبارک با سمعک خالی از نقص است، معهذا پیشنهاد کارهایی مانند تلفنچی وامثال این را ندهید!

رشت — آقای رحمت حمیری

چاپ شعر مطول سرکار به علت همین طولانی بودن، ماند برای شماره بعد. ضمنا حضرتعالی که چنین طبعی روان و احساسی ظریف و لطیف دارید، چرا برای چاپ اثر خود، دست به پارتی بازی می‌زنید و نمایندهٔ ما را شفیع قرار می‌دهید؟ مطمئن باشید که شعر سرکار بهرحال چاپ می‌شود. حالا خوبست طرف از ما دلخور شده باشد که امیدوارم خدا نکند.

پیربست لولمان — آقای یوسف حمیدی

شکوائیه جنابعالی را برای بررسی به وزارت کار فرستادیم، به شرطی که پس از این تنها به شکایت اکتفا کنید و مرتکب شعر، آنهم اینچنین عریض و طویل نشوید! در ضمن به سرکار اطمینان می‌دهیم که به شکایت شما حتماً رسیدگی خواهد شد.

برادران عـــزیـــز کارگـر حریـر بافی کارخانه مخمل وابریشم کـــاشان شکوائیه شما، عیناً به وزارت کار و اموراجتماعی ارسال شد.

سندیکای کارگران محترم سازمان آب و فاضلاب اصفهان.

نامه شما کارگران عزیز عیناً به وزارت کار و اموراجتماعی ارسال شد.

تهران — آقای سیامک مرادی

اولا بنده هم سلام عرض میکنم و از احوال‌پرسی اسباک میورزم، چرا که دکتر نیستم. ثانیا، آموزش کاراته همانطور که خودتان اشاره کرده‌اید، در شمارهٔ دوم به «علت» تراکم مطالب چاپ نشد. اما درشمارهٔ سوم به «سبب» تراکم مطالب درج نشد، و درشمارهٔ چهارم به «دلیل» تراکم مطالب به چاپ نرسید. ولیکن درشماره‌های بعد باز هم به «علت» تراکم مطالب نشد که نشد. زیرا ادامهٔ چاپ آموزش کاراته همان، و بی‌چک‌وچانه شدن مردم صبور وغیور ونجیب وطن، همان! ثالثاً پیشنهاد شما را «بتنی برگشایش صفحه‌یی بنام «پاسخ سرگرمی و مسابقات» به منظور سرگرم کردن حل کنندگان مسابقات و «بالا رفتن فهم» آنان به عرض و نظر جناب سردبیر می‌رسانم تا تصمیم لازم را اتخاذ فرمایند. رابعاً، از احساسات صمیمانهٔ آنجناب نسبت به محتویات مجله، سخت ممنون و ممنون هستیم و از بدی خط نیز عذر می‌خواهیم.

تبریز — آقای ایرج جهان‌بین

با اینکه از نامهٔ بدون عنوان و مقدمه و تعارف حضرتعالی، هیچ خوشم نیامد اما از نام با مسمایتان سخت خوشمان‌آمد که‌الحق ـ والانصاف جهان بین تشریف دارید. چرا که هرکس غیراز سرکار عالی بود محال مینمود ضمن عبور از خیابان، پریدن برادهٔ سرب و جرقه جوش جوشکاری را به چشم یک کودک رهگذر ببیند و این‌سان لب به انتقاد گشاید که چرا بعضی از همکاران عزیز کارگر عاجز از درک مسؤولیت و بی‌توجه به جان مردم هستند! واقعاً این مساله هم از آن مسایل است که سازمانهای مربوط باید کاملا به آن توجه داشته باشند و برخی از کسبه را به وظایف خویش آشنا سازند. از این رو این بندهٔ حقیر کم تقصیر ولی واجب‌التعمیر همزمان با سرکار می‌عرضم که الهی خداوند رحمی و انصافی به دل بعضی از هموطنان ما بیندازد تادریابند که در زندگی اجتماعی رعایت وضع و حق و حقوق دیگران جزو واجبات واجبات است!

اصفهان — آقای بهادر کیانی

الهی پیش مرگت شوم بهاجان تا شاید بتوانم از خجالت لطفی که نسبت به ما ابراز کرده‌یی درآیم بیرون! و اما پس از پیش‌مرگ شدن، ناچارم خاطر مبارك را مستحضر دارم اولا کی گفته چاپ نمی کنیم و چرا حق‌التحریر نـــمی‌دهیم؟ هان، چرا؟ وقتی مطلب یا شعر از لحاظ سطح ومعنی درحدی باشد که بتواند با آثار نویسندگان وطن برابری کند، صدد رصد درمجله به چاپ می‌رسد و هنگامی که رسید مشمول دریافت حق‌التحریر هم می‌شود. زیرا سردبیر هر نشریه، مطلب خوب می‌خواهد خواه نویسنده‌اش کارگر باشد و خواه کارفرما. لکن شعر نمونهٔ تو دوست نازنین را به مسؤول «صفحه خودمون» سپردیم تا آن را خودمانی انگاشته، بچاپانندش. بنابراین آرزو می کنم تا همواره موفق ومؤید باشی.

اصفهان — آقای حسن ناهید

قربانتان گردم و از این راه دور نفس زنان و تشنه‌لب، دورتان بگردم تا شما همچنان مطالب مجلهٔ ما را مرور فرمائید و کیف کنید. و اما دربارهٔ پیشنهادتان راجع به چاپ عکس هنرمندان در وسط مجله و یا تمثال فوتبالیست‌ها در وسط‌تر آن، باید «توضیح مند» شوم که ای بچشم. اما اگر در وسط وسط نشد، آیا اجازت هست که آن را درآنوروسط چاپ کنیم؟ هرچند که نمی‌دانم آیا انجام این کار ضرورت دارد یا ندارد، معهذا بررسی می کنیم تا سرانجام به‌نوه‌ و نتیجه‌یی برسیم. باوجود این عجالتاً رخصت دهید که پیش از بررسی، توفیق شما را خواستار شویم.

همدان — آقای کارگر ۳۳۳!

اخی‌جان خودمانیم که حضرتعالی پاك رفقا را خیط‌اندید! باوجود این پیرامون توضیح جامع سرکار دربارهٔ شعر «زشوخی بپرهیز ای باخرد — که شوخی تو را آبرو می‌برد.» باید عرض کنم که اولا بنده با این مدعا که شعریاد شده کار شادروانان حافظ و سعدی و فردوسی نیست، سخت موافقم، زیرا نیست دیگر! ثانیا بانظر دوستان که اصل این شعر «مکن شوخی

ای جان من زینهار— که شوخی کند مرد را بی‌وقار» است، بازهم موافقم. و اما اینکه فرموده‌اید شوخی هرگز کسی را بی‌آبرو نمی‌کند موافق نیستم. چرا که وقتی بتواند انسانی را بی‌وقار کند، حتماً عرضه دارد که بی‌آبرو هم بفرماید. ضمناً شوخی داریم تا شوخی. بعضی شوخی‌ها هست که حاصلش نه تنها بی‌آبرویی، بلکه از رسوایی هم بالاتر است ضمناً صدالبته بهتر بود که جنابعالی حداقل نام شاعر شعردوم را میفرمودید تابعداز چاپ این پاسخ، زبان جان‌نثار هم در برابر معترضان دراز ودرازتر باشد. ثالثاً از توجه آن‌دوست مطلع وآگاه‌نسبت به مندرجات مجله صمیمانه سپاسگزاریم و انتظار دریافت‌نامه‌های دیگری را داریم، البته‌ازسوی‌شما.

مسجدسلیمان— آقای هوشنگ کاظمی

عرض کنم که ماهم‌سلام‌عرض‌می‌کنیم واز اینکه بقول سرکار برای این نشریه بسیار زحمت می‌کشیم جداً خوشحالیم. هرچند که دندهمان نرم، پول می‌گیریم وباید کارکنیم. بگذریم که سدمعبر ممنوع است و بگوییم نقصیهٔ جزیی‌مجلهٔ شما، جنبهٔ استثنایی داشته است زیرا در میان‌هزاران نسخهٔ منتشر شده تنها همان یک نسخه بوده که سنجاقش تا نداشته است که صفحات را نگه‌داری کند. دیگراینکه دربارهٔ آسان‌ترگرفتن سطح جدولهای مجله به‌آقای‌میز جهانگیرخان پارسال‌خوب توصیه کردیم ومطمئنیم که‌در طرحهای بعدی این نکته را رعایت خواهندکرد. تاسعاً! نویسندگان پاورقی‌های‌زندگانی‌حضرت علی «ع» وشاهنامهٔ از تمجید وستایش سرکار غرق درعرق شدند وکلی وزن کم کردند. و حالا رابعاً چون به‌عللی صدورکارت خبرنگاری برای شما مقدور نیست‌لطفاً همکاری خود را بصورت‌گرفتن تماس بانمایندهٔ مادرمسجد سلیمان وعرضهٔ اخبار جالب به‌ایشان آغاز فرمائید تاخداوند قادر متعال به جنابعالی و دوستان رحمت آورد ! خامساً از راه دوردست مبارك رامی‌حلانم.

رضائیه— خانم مهین افتخاربخش

ماهم خوشحالیم آبجی‌جان که چنین مجله‌یی را در دسترس کارگران نجیب و زحمتکش وطنمان قرار داده‌ایم. ضمناً پیش‌از هرچیز به‌سرکارعلیه توصیه می‌کنیم که برای بهرمندشدن فرزندان کوچکتان از مطالب این مجله، بهتراست آنان را تشویق کنید که مطالبی‌مانند زندگانی حضرت علی‌علیه‌السلام، شاهنامه ودیگر نوشته‌های قصه‌مانند را بخوانند تاتدریجاً به‌این کار پسندیده عادت کنند. اماخودتان بایدبدانید که:

اولا، جامعهٔ ملل بسال ۱۹۱۹ میلادی براساس پیشنهاد «ویلسون» رئیس جمهوری وقت امریکا بوجودآمد.

ثانیاً، مبتکر لقب تزار، درکشورروسیه، ایوان چهارم بود که براثرسفاکی بیحد وحصر ایوان مخوف نامیده شد. این جناب «بالکن!» مخوف به‌تقلیداز سزارهای روم، کلمهٔ تزار رابوجودآورد.

ثالثاً، اولین نخست‌وزیر بعداز مشروطیت در ایران میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله‌بود.

سایه‌ولطف‌شمامستدام.

شیراز— آقای منصورشتابزده

آقای کجا ؟ آقای آقای دستپاچه کجا می‌روی جانم ؟ بیادشو باهم‌برویم. مگر نمی‌خواهی بدانی که:

۱— آریوبرزن سردار دلاور هخامنشی بود که‌در زمان، غش وحملهٔ اسکندر مقدونی به‌ایران، مدافع در بندپارس بود. این سردار نامدار همراه باهمراهانش تاآخرین لحظه در برابر اسکندر مانند سدسکندر ایستادگی کرد.

۲— بزرگترین الماس بدون تراش جهان، دریای‌نور است که در موزهٔ جواهرات‌سلطنتی واقع دربانک‌مرکزی تهران‌قراردارد.

۳— نشد، اصلا نشد. زیرا دو نهضت «فنلا» و«اونیتا»ی‌آنگولا، چون . کمک غرب بهرمند نشدند، تقریباً از بین رفتند. بنابراین فعــــلا در این کشور، «مپلا» قدرت یافته‌است.

در اینصورت دیگرنگویی « فنلا» قوی‌تر است یا «اونیتا»؟

۴— حمدالله مستوفی بسال ۶۸۰ هجری قمری در «گزوین!» چشم به جهان‌هستی گشود. ایشان علاوه برتاریخ‌نویسی، رئیس مالیهٔ قزوین وابهر وزنجان نیز بود، البته بدون خانم‌سر که‌نری!

۵— عمرت درازباد.

تهران— آقای سیدعلی احمدی زاده

قربان باوربفرمائید که‌اگر جان‌نثارپربخار، تمبر کشورگل وبلبل را روی پاکت‌نامهٔ‌سرکار ندیده بودم، بدون تردید به‌این نتیجه می‌رسیدم که مرقومهٔ جنابعالی از کره‌ماه واردسردبیرخانه مجله شده است. زیرا در روز وروزگاری که کارگران وطن از برکت قوانین کامل و مترقیانه به رفاه متعارف رسیده‌اند، کارکردن کارگر زحمتکشی مانند شما بااین خط وربط و ۱۲ سال سابقه ومواجبی معادل‌دوهزارودویست تومان تمام، پاك مایهٔ تعجب است. و اما شگفت‌انگیزتراز این لطف موقت کارفرمای جنابعالی است که چندماهی براثر درخواست سرکار سه‌هزارو پانصد ریال کمک اجاره به شماپرداخته وبعد بیخود وبی‌جهت همصدا باخانم حمیرا زده زیرآوازکه : پشیمانم، پشیمانم پشیمان! لیکن تحیرانگیزتر از همهٔ اینها، پیشنهاد دوگانهٔ‌طرف در برابرکسب تکلیف آنحضرت است که‌فرموده :« یااستعفا دهید، یاخودکشی‌فرمایید !»بهر تقدیر، بنده‌یک نفر در عین حال که نامهٔ آنجناب را برای رسیدگی به‌وزارت کار واموراجتماعی می‌فرستم، بامرکب پررنگ اعلام می‌دارم که اجرای پیشنهاد دوم ایشان بی‌نهایت بهترترتر است. البته برای‌خودشان!

راستی این راهم عرض کنم که چون حریف حد ... حقوق راکه دوازده هزارریال است بشما می‌پردازد، هنگام بازخواست می‌تواند بگوید که‌ازکاروی(یعنی شما) رضایت‌نداره. اینجاست که قانون شروع می‌کند به‌لنگیدن، هرچند که حرف طرف اگرمنصفانه باشد، پربیراه‌نیست!

آبادان- آقای غلامرضا بهبهانی‌زاده

پدرجان جان ، ضمن عرض سلام متقابل زحمت‌افزا میشوم که اولین ولاً ! مگرقرارنبود که برای دریافت مجلهٔ مورد نیاز، ده ریال تمبر باطل نشده پست برفستی ؟ ! پس این یک تومانی چیست که روی نامهٔ حضرتعالی چسبیده‌است؟

دومین ولاً ! ما بمیریم کج نشین، راست حرف بزن که این یک تومانی را باچه ماده‌یی چسبانده‌یی که هیچ‌جور کنده نمی‌شود ؟ ببین چگونه است که این سکه پس از هشت دست گشتن ،همچنان روی مرقومهٔ‌حضرت مستطابعالی چسبیده که چسبیده ! بی‌گمان دلیل ثابت ماندنش اینست که اگر کسی بخواهد آن را بزور دربیاورد ، مقداری از کاغذ نیز باآن کنده خواهد شد وآنوقت ده ریالی تقلبی بحساب‌می‌آید. زیرااین پول تنهاسکه‌یی خواهد بود که فقط یک رو دارد . بهرجهت ، بدان وآگاه باش که باتمسی این احوال مجلهٔ درخواستی آنجناب بوسیلهٔ پست فرستاده شد . باتقدیم احترامات‌واحتراگیج فائقه !

ورامین— آقای اسحاقعلی هراتی.

اجازه بده قبلا بگوییم که اگر خدای نخواسته ، زبانم لال، هفت کوه‌درمیان، تاآخر عمر چهار چنگولی ماندی ، بنده مسئول آن نخواهم بود حالا که پذیرفتی باید عرض کنم بحضورمهرظهورآقای خودم که ورزش یوگا از "ورازش !" ابتکاری‌جوکیان هندوستان است که چندی است به اکثر نقاط جهان سرایت کرده است .بااینکه طبق گواهی خود حضرتعالی ، ما درمجلهٔ خودمان‌به آموزش این ورزش پرداختیم ، معهذا اعتراف داریم که یادگیری این کاربصورت عملی ، نتیجهٔ مطلوب تری دارد . ازاین رو دربرابر پرسش تو کارگر شریف یوگا دوست خاطرنشان می‌سازم که اخیراً مرکزی زیر عنوان ورزش یوگا در تهران تأسیس شده که اگر اشتباه نکنم ریاستش با خانمی بنام نمازی است . از آنجا که نشانی دقیق این یوگاخانه را فراموش کرده‌ام ، دراینجا طی چند کلمه ازسرورانی که آدرس این مرکز را می‌دانند ، درخواست می کنم آن را دراختیارما قرار دهند تاجان‌نثار بیقرار برای آگاهی تمامی دوستداران یوگا چاپش کنم . همین‌والسلام!

تهران— آقای محمداحدی

جناب‌احدی ،جداً خوب‌شد که یادآوری فرمودید ،چراکه‌اگر نگفته بودید که لطفا جواب نامهٔ مرا درمجلهٔ رستاخیز کارگران چاپ کنید ، ما بدون شک پاسخ نامهٔ شما را در دفتر تلفن شهر بی‌درو دروازه تهران میدرجیدیم ! باری ، جانم برایتان بگوید که حقیرهم با چاپ برنامه‌های تلویزیونی درمجله موافقم . لیکن دلیل عدم اجرای این امر در رستاخیز کارگران اینست که اولا متأسفانه سازمان تلویزیون‌خانه برنامه‌های رادیوتلویزیونی را بصورت هفتگی تحویل‌جـــراید می‌دهد . بنابراین از آنجایی که مجلهٔ ماهرپانزده روزیکبار منتشر میشود ، بدون تـردیـد چـاپ‌نیـمه کارهٔ بـرنـامه ـ هـای تـلـویـزیـون ،اعـصاب داغـان کن خــواهـد شد . ثـانیـاً بـه‌عـلـلی ،بسیاری از برنامه‌های یادشده‌ضمن کار تغییرمی‌کند ، که البته اختیار این کار با سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران است . دراین صورت انصاف عنایت فرمائید که دوگونه از کار درآمدن خبرمورد بحث ، چندان لطفی نخواهد داشت . لذا(لغت را باش !) بله ، لذا ازفدوی به شما نصیحت که برنامه‌های مذکور را از طریق روزنامه رستاخیز که همه‌روزه به چاپ آن مبادرت می‌ورزد ،ملاحظه فرمائید وموجبات خجالت احتمالی ما را فراهم نکنید . خدا یارو نگه‌دار وغمخوار شماباد ! استغفرالله ربـ العالمین.

ساری— دوشیزه‌مرجانه الف

حق باشماست واز کارگر دانش اندوخته وروشنفکری مانند پدر سرکارعلیه بعید است که بیخود وبی‌جهت نورچشمی شانزده سالهٔ خود را از تحصیل بازدارد ودرضمن مجبورش کند که به عقدمرد چهل ونیم ساله‌یی درآید ! بخداوندی خدا خیلی دلم می‌خواست که هم اکنون ابوی اینجا تشریف داشتند تا به عرض‌شان می‌رساندم که پدرجان ، من مرده ، شما زنده که ازدواج اینچنینی اگر هم به زور وتلقین حضرتعالی سربگیرد ، ادامه یافتنی نخواهد بود . چرا که گذشته از وجود اختلاف سنی وحشتناک میان شاداماد وعروس خانم ، علاقه‌یی هم ازسوی دختر نسبت به داماد که همسن وقد پدرعروس است ، مشاهده نمی‌شود . حیف وصد حیف که ایشان درخدمت‌جان‌نثار نیستند . بنابراین بنده تصور می کنم که اگر شما چندتن ازبزرگران خانواده را وادارید که باایشان به مذاکره بشینند ، نتیجهٔ مطلوب به دست خواهید آورد . ضمناً اگر نتوانستید هردونظر خود را به ایشان بقبولانید ، حداقل ترتیبی بدهید که از بستن عقد شما وآن مرد منصرف شوند . بهر تقدیر ، خانم‌مرجانه خانم اهل ساری ،آی‌ام ساری که بیش از این نتوانستم لگدی برای‌شما بردارم.

بهبهان— آقای احمداکبرزاده

با تقدیم علیک وعرض یکدنیا مرسی ، زحمت‌افزا می‌شوم که ما سخت از لطف شما نسبت به مندرجات مجله ممنونیم وجداً از اینکه محتویات این نشریه خاطرحساس سرکار را شادمان می‌سازد بی‌نهایت مسرور وخرسندیم بهمین علت ، در برابر درخواست جنابعالی مبنی براَرسال مجله ،سرتعظیم فرودآوردیم ومجله رافرستادیم ،مگه نه ؟ !

مشهدمقدس— آقای مهدی رضوی

خدا شاهداست ماهم بی‌نهایت خوشحالیم که دوران پیش ازانقلاب گذشت وکارگرایرانی به درجه ومنزلت سزاوارخویش رسید . بی‌تردید نیازی به تشریح روزهای گذشته نیست ، چراکه تمامی مردم ایران شاهد وناظر وضع کارگران ایرانی درآن روزهای سیاه ونکبت‌بار بودند . اما در برابر تحسین شما از مجله خودتان، ضمن ابراز سپاس مصدع می‌شوم که خوش به حال این آقای‌احمدی نمایندهٔ کارگران کارخانه کوکاکولای مشهد که تا این حد مورد لطف وعنایت همکارانش قرار گرفته است . ایکاش فدوی بجای ایشان بودم واز زبان جناب رضوی اینهمه تعریف وتمجید می‌شنیدم. آره‌والله !

بهشر— آقای قربانعلی حسین پور

محشر است. منظورم مسؤولیت جدید حضرتعالی است که صرفاً براثرحس میهن‌پرستی حاضرشده‌اید علاوه برکاری که در کارخانجات چیت‌سازی بهشر دارید ، فروشنده یا توزیع کنندهٔ مجلهٔ رستاخیز کارگران نیز باشید. ببینیدجناب حسین‌پور ، شماهرقدرکه بتوانید سطح دانش همکاران خود را بالا ببریدو در این رهگذرفرد کارآمدی ازطبقهٔ کارگر بسازید ، کلی‌به‌میهن و همکاران میهن‌پرست خود خدمت کرده‌اید. بنابراین به تلاش خود در امـــر توزیع‌مجلهٔ خودتان بیفزائید تا تمامی ۱۸۱۴ کارگـر کارخانه در متن پیشرفت‌های اعجاب‌انگیز وطن‌شان قرار گیرندو به فعالیت‌های ثمربخش خویش بیفزایند. موفق ومؤید باشید.

تأمین اجتماعی

وسائل کمکی پزشکی

بند ۱۰ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی وسائل کمکی پزشکی را که مترادف دو لغت غیر فارسی « پروتز » و « ارتز » میباشد چنین تعریف میکند:

« وسائل کمکی پزشکی (پروتز و ارتز) وسائلی هستند که بمنظور اعاده سلامت یا برای جبران نقص جسمانی یا تقویت یکی از حواس بکار میروند.

اگر ملاحظه می‌شود که اضطراراً در متن این قانون و قانون بیمه‌های اجتماعی سابق از این دو لغت غیر فارسی استفاده شده است صرفاً بدلیل آنست که اولا ایندو کلمه مانند بسیاری از لغات فنی دیگر هنوز در زبان فـــارسی مترادف خود را با چنان وسعت مفهوم که کاملا مبین مقصود باشد ندارد و ناگزیر مادام که رسماً در زبان فارسی واژه‌ای بجای اینگونه لغات انتخاب و متداول نشده است چنانچه احیاناً لازم باشد از ذکر این دو کلمه احتراز شود ناچار بایستی یک جمله طولانی جایگزین هر کلمه شود و تازه معلوم نیست چنین جمله‌ای وافی بمقصود باشد. بهرحال چون بحث لغوی خارج از موضوع این مقال است در اینجا فقط به بیان مقصود میپردازیم.

به بیان ساده: منظور از « پروتز » و « اورتز » انواع وسائل کمکی پزشکی و اعضاء مصنوعی است که در داخل یا خارج از بدن انسان جایگزین یک عضوی از اعضاء طبیعی بدن که بهرعلت خراب شده و ازحیز انتفاع افتاده است میگردد، تا بانسان امکان دهد حتی‌المقدور در زندگی روزمره و یا فعالیت شغلی متناسب وضع موجود جسمی خود مشارکت کند.

بطور مثال: آنچه را که از اشیاء مصنوعی از نوع فلز یا پلاستیک و امثال آن درداخل بدن جای یک عضو طبیعی خراب و غیرقابل استفاده را بطور ثابت و تقریباً همیشگی میگردد درعلم پزشکی پروتز می گویند. نوع دیگری از اینگونه وسائل را در اصطلاح پزشکی « ایمپلانت » میگویند مانند پیچ و پلاک که در داخل بدن بمنظور وصل کردن اعضاء و جوارح شکسته مخصوصاً استخوانها بکار برده میشود و پس از برطرف شدن ضایعه و اتصال عضو شکسته، وقتی دیگر بوجود آن احتیاج نیست، از بدن خارج میشود.

مراد از « ارتز » آنگونه از وسائل کمکی پزشکی است که به تشخیص پزشک برای اعاده سلامت انسان در خارج از بدن وصل یا نصب میشود از قبیل دست و پای مصنوعی، کرست طبی، کفش طبی، وسایر وسائل کمکی پزشکی از این قبیل. ضمناً بعضی از وسائل دیگر برای کمک باعضاء و جوارح آسیب دیده یا معلول بکار گرفته میشود بدون اینکه به بدن وصل گردد. مانند صندلی چرخدار، عصای مخصوص معلولین کـه آنها را ارتز کمکی میگویند.

درقانون سابق بیمه های اجتماعی از بابت اعطاء اعضاء مصنوعی ووسایل طبی محدودیت‌هائی وجود داشت (تبصره یک ماده ۱۵ قانون سابق) باینصورت که اینگونه اعضاء و وسائل فقط به شخص بیمه شده داده میشد آنهم مشروط براینکه بیمه شده در تاریخ لزوم استفاده از این اعضاء و یا وسایل حداقل دارای سابقه دو سال پرداخت حق بیمه را بسازمان داشت و یا اینکه بیمه شده بعلت حادثه ناشی از کار و عوارض حاصله از اینگونه حوادث یا در نتیجه انواع بیماریهای ناشی از کار به استفاده ازچنین وسائل و اعضاء مصنوعی نیاز پیدا میکرد. باینصورت بیمه‌شدگانی که دارای سابقه دوسال پرداخت حق بیمه نبودند یا اینکه نیاز آنها باینگونه وسائل کمکی پزشکی بعللی غیر ازعلل ناشی از کاربود سازمان بیمه های اجتماعی برابر مقررات ازاین لحاظ تعهدی درقبال بیمه شده نداشت.

ضمناً همانطورکه اشارهشد درقانون سابق این حق تحت شرائط مذکور منحصراً برای خود بیمه‌شدگان وجود داشت و هیچیک از افراد خانواده تحت تکفل بیمه شده حق استفاده از وسائل کمکی پزشکی را نداشتند ولی درقانون جدید (قانون تأمین اجتماعی) ازجمله امتیازاتی که درمقایسه باقانون سابق برای بیمه شدگان و خانواده آنها شناخته شده است حق استفاده از وسائل کمکی پزشکی است. طبیعی است چون

> «دهقانی که بسن پیری وفرتوتی میرسد و دیگر نمیتواند کار کند و امرار معاش نماید، باید از حقوق بازنشستگی استفاده کند و بدین ترتیب دهقانی که امروز برای زمین خود فعالیت میکند و دربرداشت محصول زحمت میکشد، درآمد خود را بالا میبرد و توانائی مالی پیدا میکند باید موجبات رفاه او فراهم گردد سطح زندگیش ترقی کند و ازمزایای اجتماعی و بهداشتی و تأمین سلامت خانواده خود با شرکت دربیمه های اجتماعی و پرداخت حق بیمه مختصر بهرمندشود.»
>
> **«ازبیانات شاهنشاه آریامهر ــ مهرماه ۱۳۴۳»**

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه‌شدگان ازمزایای « قانون تأمین اجتماعی » رستاخیز کارگران، هرهفته ضمن گفتگو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون تأمین اجتماعی وزارت رفاه اجتماعی و رئیس هیات مدیره ومدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرارمی‌دهد وفلسفه وجودی هریک ازمواد را ضمن مقایسه باوضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می‌توانند نظرات وحتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را درهمین صفحه ملاحظه کنند.

پرداخت غرامت دستمزد

ب ــ درصورتیکه بیمه شده به سبب بیماری وطبق گواهی پزشک احتیاج به استراحت مطلق یا بستری شدن داشته باشد و در تاریخ اعلام بیماری مشغول بکار بوده ویا در مرخصی استحقاقی باشد.»

ملاحظه میشود باوجود اینکه در تعریف غرامت دستمزد (بند۹ ماده ۲) به ایام بارداری هم اشاره شده است معذالک درماده ۵۹ که در مقام بیان شرائط برخورداری بیمه شده ازغرامت دستمزد میباشد فقط مواردی ذکرشده است که بیمه شده تحت معالجه و یا درمانهای‌توان بخشی قرارمیگیرد و ازبارداری یاد نشده است. ولی قانونگزارحکم این مورد خاص و کمک نقدی مربوط بانرا باقتضای اینکه بارداری و نقاهت و استراحت ناشی از آن ازنظر پزشکی و و نیز عرفاً در زمره انواع بیماریها قلمداد نمیشود جداگانه در ماده ۶۷ قانون معین کرده است، بشرح زیر:

«بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتیکه ظرف یکسال قبل از زایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته باشد میتواند بشرط عدم اشتغال بکار از کمک بارداری استفاده نماید ....» بهر حال ملاحظه میشود که در این مورد نیز شرط عدم اشتغال بکار برای استفاده از کمک بارداری که عبارتست از دوسوم آخرین مزد یا حقوق بیمه شده برای مدت دوازده هفته قبل و بعد اززایمان وبمنزله نوعی غرامت دستمزد است از شرائط اصلی استحقاق قلمداد میشود.

بدیهی است تاکید براین امر درنظام‌تأمین اجتماعی ناشی ازدوضرورت اساسی میباشد: یکی اینکه بیمه شده ملزم باشد وقتی طبق

بقیه ازشماره قبل

دستور پزشک معالج باید استراحت کند وبکار نپردازد ازاین دستورسرپیچی نکند واین ضرورت پزشکی را که متضمن سلامت خود بیمار وحفظ و حراست نیروی انسانی جامعه میباشد رعایت نماید. دیگر اینکه احیاناً موجب سوء استفاده قرار نگیرد. چون در کلیه کشورهای عالم بتجربه رسیده است اگر در سیستمهای تأمین اجتماعی و یا برنامه های رفاهی بعضی ازکنترل ها وقید وشرطها وجود نداشته باشد، ازیکطرف به افرادتن پروروتنبل فرصت سوءاستفاده میدهد وازطرف دیگر فرضاً موجب میشود بیمه شده‌ای در حالیکه بعنوان بیماری جواز استراحت و خود داری ازکار دردست دارد و ازاین بابت غرامت دستمزد دریافت میکند بخاطر دریافت پول بیشتری نزد کارفرمای دیگری بکارمشغول گردد و مزد دریافت نماید و در نتیجه در نظم دستگاههای تولیدی جامعه اختلالاتی بروز کند. مضافاً براینکه وقتی بیمه شده‌ای بلحاظ بیماری در ردیف استفاده کنندگان از غرامت دستمزد قراردارد بجای استراحت وطی دوران نقاهت درفعالیت دیگری که آنهم بهرحال در نظام فعلی تأمین اجتماعی ایران مشمول قانون میباشد بکار مشغول شود لزوماً حق بیمه سهم خود او وسهم کارفرمای جدید او بایدبسازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود و ایندو حالت یعنی دریافت غرامت دستمزد و در عین حال پرداخت حق بیمه بسازمان تأمین اجتماعی‌عملا مشکلاتی ببار میآورد که بعداً بموقع خود در بحث مربوط به ترتیب و چگونگی پرداخت غرامت دستمزد به تفصیل در باره آن بحث خواهیم داشت.

ازدکتر حیدرقلی عمرانی رئیس هیات‌مدیره‌ومدیر عامل سازمان‌تامین اجتماعی

این وسائل درواقع دنباله عملیات درمانی است انجام این تعهد ازوظائف سازمان تأمین خدمات درمانی بشمار میرود.

کمک‌ازدواج

طبق تعریف بند ۱۱ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی کمک ازدواج مبلغی است که طبق شرایط خاص برای جبران هزینه های ناشی از ازدواج به بیمه شده پرداخت میگردد.

این مبلغ بموجب ماده ۸۵ قانون معادل یکماه مزد یا حقوق متوسط بیمه شده یعنی جمع دریافتی بیمه شده ظرف دوسال‌قبل ازازدواج که بماخذ آن حق بیمه پرداخت شده است تقسیم بر بیست و چهار میباشد و شرایطی که برای پرداخت این کمک بایداحرازشود عبارتست‌از:

۱ ــ درتاریخ ازدواج رابطه استخدامی او با کارفرما قطع نشده باشد.

۲ ــ ظرف پنجسال قبل از تاریخ ازدواج حداقل حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را بسازمان تأمین اجتماعی پرداخته باشد.

۳ ــ عقد ازدواج دائم بوده و در دفتر رسمی ازدواج به ثبت رسیده باشد.

این کمک درصورتیکه طرفین عقد ازدواج هر دو بیمه شده باشند با رعایت شرایط مربوط بهر دو نفر قابل پرداخت است.

کمک‌عائله‌مندی

تعریف کمک عائله‌مندی بموجب بند ۱۲ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی عبارت از مبلغی است که طبق شرایط خاص درقبال عائله‌مندی بیمه شده توسط کارفرما به بیمه شده پرداخت میشود واین مبلغ معادل سه برابرحداقل دستمزد روزانه کارگر ساده در مناطق مختلف برای هر فرزند درهرماه‌میباشد.

شرایط استحقاق این کمک را که منحصراً تا دو فرزند پرداخت میشود ماده ۸۶ قانون تأمین اجتماعی بشرح زیرمعین کرده است:

۱ ــ بیمه شده حداقل سابقه پرداخت حق حق بیمه هفتصد وبیست روز کاررا داشته باشد.

۲ ــ سن فرزند بیمه شده ازهیجده‌سال کمتر باشد و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته باشند. تا پایان تحصیل یا دراثر بیماری یا نقص عضوطبق گواهی کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی قادربکارنباشند.

کارفرما مکلف است کمک عائله‌مندی را در موقع پرداخت مزد یاحقوق به بیمه شده پرداخت کند وچنانچه درمورد پرداخت کمک عائله‌مندی اختلافی بین بیمه شده و کارفرما بروز کند بترتیب مقرر درفصل حل اختلاف قانون کار رفتارخواهد شد. باینصورت که این اختلاف در مرحله اول ازطریق سازش مستقیماً بین کارفرما و بیمه شده و یا نماینده بیمه شدگان حل و فصل خواهد شد و در صورتیکه اختلاف از طریق سازش حل نشود بیمه شده میتواند باداره کار محل رجوع کند و اداره مزبور ظرف سه روز از تاریخ وصول شکایت موضوع را بشورای کارگاه مربوطه ارجاع خواهد کرد. شورا موظف است ظرف یک هفته باختلاف رسیدگی کند و نظر خود را اعلام نماید. تصمیم شورای کارگاه در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا است (رجوع شود به فصل نهم ومواد ۳۷ و ۳۸ قانون کار).

شماره هشتم
دوشنبه یازدهم اسفندماه ۱۳۵۴

روزنامه رستاخیز

کارگر

در اوائل برنامه ششم عمرانی:

ظرفیت تولید فولاد کشور به حدود ۱۰ میلیون تن خواهد رسید

* تولید سیمان کشور تا پایان برنامه پنجم عمرانی بیش از ۱۴ میلیون تن خواهد شد
* ارزش تولیدات صنعتی کشور در سال گذشته از مرز ۱۰۰۰ میلیارد ریال گذشت و در سال جاری نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت

آقای سیروس کرمانج معاون اداری وپارلمانی وزارت صنایع و معادن در اجتماع کارکنان این وزارتخانه ضمن تشریح پیشرفتهای اقتصادی وصنعتی کشور درطول ۱۳ سالی که از آغاز انقلاب شاه وملت میگذرد گفت: رشد متوسط سالانه اقتصاد ایران پس از انقلاب، مداوماً رو به افزایش بوده است بطوری که این رشد درسال ۱۳۴۱، از ۱/۷ درصد به قیمت های ثابت شروع شده بود در سال ۱۳۵۰ به ۱۴/۳ درصد رسید و درسال گذشته به ۱۴ درصد بالغ گردید که در سراسر جهان رشدی کم مانند بود. واهمیت آن اینکه متوسط رشد سالانه تولید در کشور های صنعتی در دهه مقارن با دهه انقلاب ایران معادل ۴/۸ درصد و در کشور های درحال توسعه معادل ۲/۵ درصد بوده وحال آنکه این رشد در کشور ما به رقم خیره کننده‌ای بالغ شده است.

معاون وزیرصنایع ومعادن افزود: ارزش تولیدات صنعتی کشورمادرسال گذشته از مرز ۱۰۰۰ میلیارد ریال گذشت و این افزایش در سال جاری وسالهای آینده نیز همچنان ادامه خواهد داشت و درسال جاری میزان سرمایه‌گذاری در رشته های صنعت ومعدن به حدود ۲۲۰ میلیارد ریال بالغ میشود واین رقم ازمیزان پیش بینی شده سرمایه‌گذاری در رشته های صنعت ومعدن بمیزان قابل توجهی فراتر رفته است وبا سرمایه گذاری مشابه در سال شروع انقلاب قابل مقایسه نیست.

براساس کوششهایی که درسالهای پس از انقلاب صورت گرفت، ایران توانست دررشته‌های صنایع اساسی و «مادر» مانند صنایع فولاد، ذوب آلومینیوم، پتروشیمی و صنایع ماشین سازی موفقیت های بسیاری بدست آورد.

در همین مدت، عظیم ترین ذخایر مس جهان، معدن مس سرچشمه کرمان باذخیره‌ای برابر با ۸۰۰ میلیون تن در ایران کشف شد که باحفاری درعمق های بیشتر ذخیره مذکور به ۸۰۰ میلیون تن بالغ خواهد شد و مهمتر آنکه بابرنامه های گسترده‌ای که مورد توجه قرارگرفته کلیه مس استخراج شده به فرآورده هایی تبدیل خواهد گردید که علاوه برتأمین نیازهای داخلی قسمتی ازآن نیز به خارج صادر خواهد شد وباین ترتیب ایران نیز بزودی به حرگه صادرکنندگان فرآورده های مسی خواهد پیوست.

معاون پارلمانی واداری وزارت صنایع و معادن اضافه کرد که اشاره باین نکته لازم است که باتوسعه سریع وروز افزون صنایع و سرمایه گذاریهای عظیمی که در این رشته وسایر رشته ها صورت میگیرد، رعایت حال مصرف کننده بطریق جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمتها و همچنین حفظ حمایت معقول ازصنایع، مورد توجه دولت قرار دارد و در زمینه واردات نیز با توجه به نیاز های اساسی جامعه، ارزش واردات کشور از ۱۴ میلیارد ریال درسال ۱۳۴۱ به ۵۷/۲ میلیارد ریال درسال ۱۳۵۰ وبیش از ۴۴۸ میلیارد ریال در سال گذشته افزایش یافت و در ترکیب واردات نیز تغییرات اساسی ظاهر شد، بطوریکه در حال حاضر قسمت اعظم واردات کشورما را کالا های سرمایه‌ای وواسطه‌ای تشکیل میدهد.

دامنه نفوذ انقلاب سفید همچنان گسترش یافت، وبنابراصل سیزدهم ۴۹ درصد از سهام واحد های تولیدی غیر دولتی و ۹۹ درصد از سهام واحد های تولیدی دولتی باستثنای صنایع اساسی و مادر به کارگران، کشاورزان و دیگر طبقات مختلف مردم تعلق گرفته که بتدریج با تسهیلات مالی که جهت فروش سهام این کارخانجات برای کارگران فراهم شده، باین گروه کثیر وسولد فروخته خواهد شد.

آقای کرمانج افزود که طرحهای عظیمی در دست اجـــرا است کــــه نتایـــج حاصل از اجرای آنها در سالهـــــای آینده روشن خواهد شد. اما از هم اکنون میتوان دورنمای حاصل از اجرای طرحهای مذکور را به‌اختصار ترسیم کرد.

درسالهای اول برنامه ششم ظرفیت تولید فولاد کشور به رقمی حدود ۱۰ میلیون تن خواهد

کارگران عزیزکشورمان با تلاش و کوشش خود هدفهای اقتصادی کشور را برآورده می کنند. دست کارگر ایرانی دل کوهها را می‌شکافد تا مواد اولیه واحد های تولیدی را فراهم آورد

رسید و این رقم در پایان برنامهٔ ششم به ۲۰ میلیون تن افزایش خواهد یافت.

تاکنون اجازهٔ تأسیس چندین کارخانه سیمان به متقاضیان داده‌شده و تا پایان برنامه پنجم تولید سیمان از ۱۴ میلیون‌تن فراتر خواهد رفت.

بطور خلاصه طی سالهای آینده میزان تولیدات در کلیه رشته‌های صنایع و معادن همراه با جهشی‌سریع خواهد بود و تولیدات اتومبیل های سواری در سالهای آتی به ۵۰۰ هزار دستگاه، لاستیک اتومبیل به ۱۵۰ هزار تن، یخچال ۷۰۰ هزار دستگاه، تولید سالانه تابل ۱۵۰ هزارتن، ارزش تولیدات سالانه مس در کنار معدن ۲۰۰ میلیون دلار، ساخت تراکتور ۲۰ هزار دستگاه، وموتورهای پرکینز مورد مصرف در تراکتور به ۳۰ هزار دستگاه خواهد رسید. آقای کرمانج در پایان یادآور شد که همزمان با افزایش ظرفیت تولیدات واحد ها صنعتی و معدنی با بکارگرفتن تکنولژی پیشرفته، کیفیت تولید نیز بالا خواهد رفت و موجبات صدور کالا های صنعتی وفرآورده‌های معدنی ایران بیش ازبیش فراهم خواهد گردید.

آقای هویدا نخست وزیر در جلسه مشترک نمایندگان مجلسین گفتند:

انقلاب ایران تساوی را در رفاه همه مردم جستجو میکند

آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در جلسه مشترک سناتورها و نمایندگان مجلس شورایملی اظهار داشتند که مسئله تشکیل سازمانهای عمران منطقه‌ای که همه امور را در مناطق روستائی مختلف کشور زیر نظر بگیرد، تحت بررسی است.

در این جلسه که بحث اساسی آن درباره توسعه کشاورزی بود چند تن از نمایندگان درباره مسائل مختلف کشاورزی بویژه در سطح روستاها سخن گفتند و پیشنهادهایی دادند.

آقای نخست وزیر در پاسخ اظهار نظر نمایندگان گفتند: برنامه‌های تهیه شده درمورد توسعه کشاورزی بگونه‌ای است که میتواند بتدریج ضمن تأمین نیازمندیهای مملکت روستائیان را از رفاه مطلوب برخوردار کند.

آقای هویدا اظهار داشتند که هدفهای پیشرفت مملکت را شاهنشاه تعیین میفرمایند و برنامه ریزیهایی که میشود ما را بسوی این هدفها پیش می‌برد.

آقای نخست وزیر افزودند که شتاب پیشرفت کشور باعث بوجود آمدن تنگناهایی شده که بعضی از آنها حل شده است و برای بقیه نیز محققاً راه حل‌هایی پیدا خواهد شد. در مورد قیمت‌ها آقای نخست وزیر تأکید کردند که باید قیمت‌ها را در سطح بین‌المللی بررسی کرد و اگر منظور صادرات است باید قیمتی در نظر گرفته شود که در جهان، بازار پیدا کند.

آقای نخست وزیر در پاسخ یکی از نمایندگان اظهار داشتند که باید دید نظر و هدف ما چیست. میخواهیم یک کشور کشاورزی باشیم یا صنعتی یا مخلوطی از هردو. چون هدف آن است که از جمله چند کشور قدرتمند جهان باشیم باید بهمان تناسب برنامه‌های خود را پیاده کنیم.

آقای هویدا گفتند: ممکن است در اجرای این سیاست کمبودهایی هم وجود داشته باشد ولی باید آنرا بررسی کرد.

آقای هویدا تأکید کردند که بازده محصولات ما در هر هکتار باید زیادتر شود و بالا بردن قیمت تولیدات کشاورزی درآمد بیشتری برای کشاورز تأمین نمیکند چون کشاورز هم، خود یک مصرف کننده است و اگر قیمت تولیدات کشاورزی بالا برود به تبعیت از آن قیمت سایر کالاها نیز بالا خواهد رفت و در نتیجه درآمد بیشتری عاید کشاورز نخواهد شد.

نخست وزیر افزودند که باید راهی در پیش گرفت که درآمد روستانشین به درآمد شهرنشین نزدیک شود که البته این کار با بالا بردن سطح درآمد روستانشین تأمین خواهد... چرا که انقلاب ایران تساوی را در رفاه همه جستجو میکند.

آقای هویدا گفتند که دولت قصد ندارد جانشین بخش خصوصی شود و همه محصولات را بخرد یا وارد بازار شود، بلکه دولت باید مباشر سیاستی باشد که قیمت‌ها را در سطح معتدلی نگهدارد. در دوازده سال اخیر شواهد بسیاری بوده که حرکت غیر معقول قیمت یک کالا تغییر قیمت سایر کالاها را در پی آورده است.

آقای هویدا با قاطعیت افزودند که با اجرای اصل عدم تمرکز میتوان بر بسیاری از نارسائیها غلبه کرد چرا که تصمیم گیری در خود محل صورت میگیرد.

آقای نخست وزیر در پایان سخنان خود اعلام کردند که سال آینده از چندین شهر کوچک کشور و روستا دیدار خواهند کرد. در جلسه مشترک نمایندگان مجلسین رؤسای دو مجلس، وزیران تعاون و امور روستاها، نیرو، مشاور و قائم مقام دبیر کل وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر نیز شرکت داشتند.

مسئولان رابط استانها معرفی شدند

با حضور آقای هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران جلسه ماهانه قسمت امور نظارت و ارزشیابی حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل شد.

در این جلسه که آقایان مهدوی وزیر مشاور و قائم مقام دبیر کل حزب و آقای شادمان وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر در آن شرکت داشتند رضا ملک زاده مسئول نظارت و ارزشیابی، نتایج کار و فعالیت های گروهها و کمیته های نظارت و ارزشیابی را مطرح کرد که مورد تائید دبیر کل حزب قرار گرفت.

سپس اعضای هیات نظارت و ارزشیابی مرکزی معرفی شدند. اعضای این هیات عهده‌دار دریافت نظرات و مشخص کردن اولویت‌های موضوعات مشمول نظارت و ارزشیابی و تدوین دستورالعمل های لازم و ارائه خط مشی ها بمنظور فراهم کردن موجبات مشارکت هرچه بیشتر مردم و تجزیه و تحلیل مسائل مملکتی بر اساس خواست ملت ایران و تشریک مساعی و ارائه طریق در جهت بهسازی و بهزیستی جامعه خواهند بود.

سپس مسؤولان رابط استانها باین شرح معرفی شدند: آقای اسماعیل نوری رابط استان آذربایجان شرقی در تبریز.

آقای هوشنگ رئیسی رابط استان آذربایجان غربی در رضائیه.

آقای محمد مدیر قاسمی رابط استان ایلام در ایلام.

آقای بهروز جلایر رابط استان بوشهر، در بوشهر.

آقای همایون مجد رابط استان چهارمحال بختیاری در شهر کرد.

آقای ناصر دانی‌زاده رابط استان سیستان و بلوچستان در زاهدان.

آقای علی رضا رستگار رابط استان زنجان، در زنجان.

خانم آذر غفار رابط استان ساحلی و رئیس دبیرخانه در بندرعباس.

آقای ایرج روشنی رابط استان خوزستان در اهواز.

آقای شاهرخ مختاری رابط استان فارس در شیراز.

آقای هاشم معادی رابط استان کردستان در سنندج.

آقای بوذر اصغری رابط استان کرمان در کرمان.

آقای فریدون نصیری رابط استان کرمانشاهان در کرمانشاه.

آقای مهدی آئینه چیان رابط استان گیلان در رشت.

آقای عنایت‌الله دست غیب رابط استان ... و رئیس دبیرخانه امور نظارت و ارزشیابی در خرم‌آباد.

آقای نظام‌الدین مرعشی رابط استان مازندران در ساری.

آقای اکبر عمرانی رابط استان همدان در همدان.

آقای محمد دهستانی رابط استان یزد در یزد.

آقای سرکیس قاراپتیان رابط فرمانداریکل سمنان در سمنان.

آقای ایرج فخریه رابط فرمانداری کل کهکیلویه و بویراحمد در یاسوج.

آقای حسین خونساری رابط استان خراسان در مشهد.

آقای ابوالفضل علیرضائی فررابط استان اصفهان در اصفهان.

هیأت مدیره سازمان کارگران تهران انتخاب شدند

[illegible] و دبیران سندیکاهای [illegible] تهران در یک گردهمآئی اعضاء هیأت مدیره سازمان کارگران تهران را انتخاب کردند.

در جریان این انتخابات [illegible] هیأت [illegible] سازمان [illegible] در مجلس شورای [illegible] حضور [illegible].

در این [illegible] در مجلس شورای [illegible] پیشرفتهای جامعه کارگری را درعصر انقلاب شاه وملت تشریح کرد وگفت: ارکان امور کارگری ایران درانتخاب وگزینش اعضای هیأت مدیره سازمان کارگران تهران هیچگونه نظری ندارند واین [illegible] هستند که با رای خود اعضاء هیأت مدیره را انتخاب خواهند کرد وبا روح تفاهم وهمبستگی و اتحادی که در جامعه کارگری ایران [illegible] داریم شک نیست که به بهترین و کارآمدترین افرادی [illegible].

[illegible] به تشکیل کنگره کارگران اشاره کرد وافزود: کارگران ایران از هم اکنون خودرا اماده این روز پر افتخار میکنند سپس آقای ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران با اشاره به ارزش های انتخابات آزاد وگزینش صحیح واصولی گفت: کناررفتن بعضی از کاندیداها به نفع دوستان وهم سندیکائی های خود ضمن آنکه نشانه رشد کامل فکری کارگران است، از اتحاد واتفاق جامعه کارگری ایران حکایت میکند. همین هماهنگی و همفکری ودرعین حال یگانگی واتفاق نظر است که توفیق هرچه بیشتر جامعه کارگری را در راه خدمت به شاهنشاه ومیهن عزیز میسر ساخته واین امکان را داده‌است که کارگران همواره در صف مقدم انقلاب، در راه نیل به آرمانهای رهبر خردمند ایران گام بردارند.

رئیس سازمان کارگران ایران افزود: خوشبختانه این انتخابات زمانی انجام میشود که جامعه ما درآستانه برگزاری سومین کنگره بزرگ کارگری ایران است ومسلما افرادی که بعنوان اعضاء هیأت رئیسه سازمان کارگران تهران برگزیده میشوند نقش [illegible] دربرگزاری این کنگره برعهده خواهند [illegible].

آنگاه آقایان پوربردباری والداغی نمایندگان کارگران درمجلس‌شورایملی به ترتیب درباره‌اقدامات هیأت‌مدیره گذشته و خدماتی که انجام داده‌اند ونیز نحوه‌برگزاری انتخابات صحبت کردند واظهار امیدواری کردند افرادی که دردوره‌آینده امورسازمان کارگران تهران رابرعهده می‌گیرند بتوانند [illegible] دراه [illegible] رفاه کارگران [illegible] موفق [illegible].

[illegible] انتخابات رای گرفته شد ودر نتیجه آقایان حمید خانبابائی بعنوان رئیس، حسن سالاروند نایب رئیس، خانمها فرهنگی واسلامی بعنوان‌منشی و آقای صلواتی ومخصوص بعنوان اعضاء انتخاب شدند. گذشته‌از هیأت نظارت، یک هیأت‌عالی مرکب ازآقایان پوربردباری، الداغی، حاتمی، قربانی نسب، عباس میرزائی وامیر علی‌سیفی نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی بعنوان ناظربر کارانتخابات نظارت داشتند.

سپس اخذ رای بعمل آمد واعضاء هیات مدیره‌سازمان کارگران تهران‌به‌این‌شرح:

آقای عبداله بلند قد رئیس، داودافشاری نایب رئیس، سید محمد رضوی، احمدی‌مقدم، خانم ایمانی، آقای حسین توحیدی، کوهی، هدایت نوری‌جلالی، جعفر زاده بعنوان‌اعضاء اصلی وآقایان عباس حسنخانی، حسین‌سادات حسینی وابراهیمی بعنوان اعضاء علی‌البدل‌و آقایان حسینی راد، فریدون رضوانی ومروت‌جو بعنوان بازرسان انتخاب‌شدند.

اجرای اصل پانزدهم انقلاب، فرزندان کارگران را به تحصیلات عالی میرساند

درجلسه همگی سازمان کارگران شعبه‌مشهد از اصل پانزدهم انقلاب شاه و ملت بعنوان یک موهبت عظیم آسمانی یاد شد.

عباس احمدی دبیرسازمان‌کارگران شعبه مشهدکه‌دراین باره سخن میگفت افزود: اصل پانزدهم انقلاب ورق زرین دیگری بر تاریخ پرافتخار شاهنشاهی پهلوی افزود، زیرا شاهنشاه آریامهر باصدوراین فرمان و اعلام تحصیلات رایگان، امکان تحصیل را برای همه جوانان با استعداد کشورفراهم فرمودند و حرکت ملت و توفیق مملکت را درنیل به تمدن بزرگ سریع ساختند. درواقع صدوراین فرمان خصوصاً برای طبقه کارگر وهمه‌افرادیکه قادر نبودند امکانات تحصیل فرزندان خود را در سطح دانشگاهی و مدارج‌عالی فراهم آورند موهبتی عظیم بشمار می رود.

کارگران سنندج ازدستآوردهای انقلاب تجلیل کردند

هیجدهمین جلسه سازمان کارگران استان کردستان‌باحضور گروهی از رؤسا و دبیران سندیکاهای کارگری و به ریاست محمد زارعی تشکیل شد.

در این جلسه ابتدا آقای نصرت‌الله‌نوید عضو هیئت مدیره سازمان ضمن تشریح پیشرفتهای همه‌جانبه مملکت که تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه‌آریامهر حاصل شده است به‌ترقیات روزافزون طبقه کارگر اشاره کرد و گفت: زندگی طبقه کارگرپس از انقلاب شاه‌وملت آنچنان دستخوش تغییرو دگرگونی شده و درجهت پیشرفت و ترقی گام برداشته که نمی‌توان آنرابهیچ‌وجه بادوران قبل از انقلاب مقایسه کرد. کارگرایرانی بخوبی می‌داند رفاهی که امروز ازآن‌برخوردار است تنها با لطف و توجه شاهنشاه‌آریامهر حاصل شده و در واقع موهبتی است که رهبر خردمندایران به طبقه کارگر ارزانی داشته‌اند. لذا کارگر ایرانی که قدراین‌موهبت‌شاهانه رامی‌شناسد همراه و همدل با همهٔ مردم این مرزوبوم، همواره شاه را سپاس میگویند و برای سلامت شاهنشاه دست دعا برآسمان دارند.

برای کارگران شاهی استفاده ازبیمه درمانی تشریح شد

چگونگی اجرای طرح‌مستقیم و غیر مستقیم بیمه‌کارگران، در جلسه‌ای‌که با شرکت رؤسا، دبیران سندیکاها و نمایندگان واحدهای کارگری شهرستانهای شاهی و ساری‌تشکیل شده بود مطرح گردید.

دراین جلسه‌مدیرتأمین خدمات‌درمانی این استان‌ضمن‌اشاره به‌ویژگی های سیستم های تازه‌بیمه درمانی کارگران اظهارداشت:

ازاین پس درمورد درمان کارگران و بیمه‌آنان، دو روش‌مورد عمل قرارمی‌گیرد. اول روش درمان مستقیم است که درحال حاضر نیز مورد عمل می‌باشد و کارگرانی که تحت پوشش این سیستم ازبیمه درمانی قرارمی‌گیرند مانند گذشته می‌توانند بهرمرکز درمانی که اداره آنرا مستقیماً سازمان تأمین خدمات درمانی برعهده دارد مراجعه کنند و بدون پرداخت وجهی، تحت معاینه و درمان قرارگیرند وازداروی رایگان وخدمات آزمایشگاهی نیزاستفاده نمایند. روش دوم درمان غیرمستقیم است. براساس این روش، کارگران بهرپزشک و یا مؤسسه درمانی که مایل هستند می‌توانند مراجعه و تحت معاینه ومداوا قرارگیرند. منتهی برای انتخاب این روش، کارگران باید چند نکته مهم واساسی‌را زیرنظرگیرند. اولین نکته این است که کارگران برای مراجعه به پزشک آزاد و یا مراکز درمانی باید «فرانشیز» که رقم آن ۲۰٪ حق ویزیت و درمان پزشک معالج و یا مرکز درمانی است، شخصاً پرداخت نمایند.

درپایان این جلسه ازنمایندگان کارگران خواسته شد تا هرچه زودتر لیست و تعداد کارگران بیمه شده و اعضاء خانواده آنها و نیز تعداد افرادی که مایل به استفاده از هریک از دوسیستم درمان مستقیم و غیرمستقیم هستند، به سازمان تأمین خدمات درمانی منطقه اعلام نمایند.

برای پیشبرد هدفهای حزب باید کوشا باشیم

جلسه همگی‌سازمان کارگران کرج با حضورقاسم‌ظهوری دبیرحزب رستاخیز کرج و اعضای هیات‌مدیره‌سازمان و گروهی ازنمایندگان کارگردرمحل سازمان تشکیل شد. دراین جلسه درمورد اسناد و مدارك برگزاری جشنهای پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی — کانونهای‌حزبی کارگران و تربیت معلم جهت پیکاربابیسوادی، اطلاعاتی در اختیارشرکت کنندگان قرارگرفت و درپایان قاسم ظهوری درمورد لزوم مشارکت و اهداف‌حزب به تفصیل سخن گفت و یادآورشد که باید باپشتکار و تلاش هرچه بیشتر کارکنیم و همه نسبت به پیشبرد هدفهای‌حزب کوشا باشیم.

قابل توجه جویندگان کار

مرکز کاریابی و اشتغال کشور به‌تعدادی کارآموز در رشته‌های ملوانی، آشپزی، کارگری سالن و کارگر فنی کشتی نیاز دارد ازجویندگان کار واجد شرائط زیر دعوت مینماید جهت مصاحبه وراهنمائی شغل به‌نزدیکترین مرکز کاریابی و اشتغال محل سکونت خودمراجعه نمایند.

۱ـ داشتن گواهینامه ششم ابتدائی.

ـ برگ پایان خدمت‌وظیفه یامعافیت دائم ازخدمت‌وظیفه.

۳ـ حداکثرسن ۲۵ سال.

۴ـ دارا بودن‌ضامن معتبر.

داوطلبان‌باید هنگام ثبت نام مدارك زیر را همراه داشته باشند: اصل شناسنامه، اصل آخرین مدرك تحصیلی، اصل برگ پایان خدمت وظیفه یا معافیت دائم ازخدمت وظیفه.

اداره کل اشتغال—وزارت کارواموراجتماعی

۵۰۳۱۲رم‌الف

سندیکاهای کارگری

بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی کار

***سی میلیون ریال مابه التفاوت حقوق به کارگران پرداخت شد.**
***شرکت های تعاونی مصرف و اعتبار کارگران با ۱۷ میلیون ریال فعالیت می کند.**
***شیرخوارگاه کودکان زنان کارگر گشایش یافت**

همانطوریکه کارگران عزیز اطلاع دارند، سندیکاهای کارگری مناسبترین محیط برای ارائه عقاید و سالمترین محل جهت بارورشدن عقایدی است که هم تأمین کننده منافع حرفه‌ای ومادی کارگران میباشد و هم به حرکت چرخهای صنعتی و اقتصادی کشور توان بیشتری میبخشد.

لذا چنین تشکیلاتی باویژگیهای مربوط به خود و باتوجه به اهمیت خاص مادی و معنوی آن مطالعه هرچه وسیعتری را ایجاب میکند.

بدین منظور، رستاخیز کارگران علاوه بر نشرمقالات و مطالب قانونی مختلف در زمینه مسائل کلی و عمومی سندیکا، برای آگاهی بیشتر کارگران، اثرات وجودی سندیکاها را مورد بررسی قرار میدهد و ضمن آن به معرفی اعضاء فعال هیأت مدیره سندیکاهای کارگری و تشریح اقدامات آنان می پردازد.

دراین هدف این بار ضمن بررسی خواستها و برنامه های آتی سندیکای کارگران کارخانجات پارس الکتریک با نحوه و نمونه های اقدامات ثمربخشی که تاکنون برای کارگران این کارخانه و از طریق سندیکای وابسته انجام شده آشنا میشویم.

سابقه سندیکا

دبیر سندیکای کارگران این کارخانه طی گفتگوئی به خبرنگار رستاخیز کارگران گفت سندیکای کارگران این کارخانه در تاریخ ۲۱/بهمن ماه/۱۳۵۰ طی شماره ۶۶۰/ در سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت رسید و از این تاریخ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد.

تلاش اعضاء هیأت مدیره این سندیکا از ابتدا متوجه تأمین خواستهای جمعی کارگران بوده است با این هدف که محیط صمیمانه‌ای ایجاد شود تا در سایه حسن تفاهم و ارتباط سالمتر، همه کارگران مشکلات خود را مطرح و با اتکاء به پشتوانه سندیکا برای تأمین بیشترین خواستهای منطقی خود اطمینان خاطر داشته باشند. خوشبختانه سندیکا تاکنون در کار خود موفق بوده و توانسته است نظر کارگران عضو را که در حال حاضر بر ۲۱۳۰ نفر هستند تأمین نماید.

اعضاء هیأت مدیره سندیکا

اعضاء اصلی و علی البدل هیأت مدیره این سندیکای کارگری ۱۱ نفر میباشند که در تلاشی پیگیر، بیشتر اوقات خود را برای تأمین نیازهای کارگران این کارخانه مصروف میدارند.

* منصور سربانی (رئیس هیأت مدیره) در سال ۱۳۲۶ متولد شده و تا کلاس چهارم متوسطه تحصیل کرده است وی که کارگر تکنیکی است فعالیتهای کارگری خود را در سال ۱۳۴۶ آغاز کرده و در اسفند ماه ۱۳۵۳ بعنوان رئیس هیأت مدیره این سندیکا برگزیده شده است.

نامبرده در حال حاضر علاوه بر فعالیت سندیکائی، سرپرستی قسمت پرسکاری کارخانه را برعهده دارد و مسؤولیتی را نیز در قسمت تولید کارخانه پذیرفته است.

*داود تهرانی (نایب رئیس هیأت مدیره) در سال ۱۳۰۲ در شرح متولد شده است وی پس از اتمام تحصیلات ابتدائی فعالیتهای کارگری خود را شروع کرد. و در سال ۱۳۴۷ بعنوان کارگر متخصص برق به استخدام این کارخانه درآمد و اکنون علاوه بر اینکه سرگروه قسمت برق و تأسیسات میباشد مسؤولیتهای سندیکائی خود را کاملا جدی تلقی میکند.

*خانم پوران عطاریان (خزانه دار سندیکا)

در سال ۱۳۲۳، در شهرستان سبزوار متولد شده و تحصیلاتش را تا سال چهارم دبیرستان ادامه داده، ولی بعلت مشغله فراوان زندگی و قبول مسؤولیتهای آن موفق به ادامه تحصیل نشده است.

عطاریان در سال ۱۳۴۵، کارخود را بعنوان یک کارگر فعال در این کارخانه شروع کرد و اکنون کمک سرپرست قسمت کوئیل پیچی، میباشد. وی که همیشه سعی کرده در شمار بهترین کارگران باشد در سال جاری موفق به کسب مدال درجه ۲ کار شد.

خانم عطاریان از بدو تأسیس سندیکا در این واحد تولیدی، با آن همکاری داشته و اکنون یکی از اعضاء فعال آن میباشد.

*عباس برابی (نماینده رسمی کارگران)

در سال ۱۳۲۱ در کاشان بدنیا آمد و تحصیلات خود را تا پایان دوره ابتدائی ادامه داد و پس از آن بعنوان متخصص درودگری کار خود را شروع کرد و اکنون مدلساز درجه یک است. وی در سال جاری نماینده کارگران شد و با سمت نماینده کارگران در شورای کارگاه و وزارت کار و عضو اصلی سندیکا فعالیت میکند.

* مرتضی نوری (عضو اصلی) در سال ۱۳۲۱ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در رشته درودگری هنرستان حرفه‌ای به پایان رساند و موفق به اخذ دیپلم این رشته شده است. نامبرده در سال ۱۳۴۵، کارخود را آغاز کرد و علاوه بر تصدی کمک سرپرستی قسمت درودگری و برعهده داشتن مسؤولیت ۸۰/ کارگر این رشته، در زمینه وظایف سندیکائی نیز فعالیت گسترده‌ای دارد.

*محمود معدنچیان (عضو اصلی)

متولد سال ۱۳۲۳، شهرستان قزوین است. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدائی کارخود را در سال ۱۳۴۴ در این کارخانه شروع کرد و سمت کمک سرپرستی را دارا میباشد. نامبرده از بدو تأسیس سندیکای واحد تولیدی خود در آن فعالیتهای پرثمری داشته است.

*سیدحسن حسینی راد، (دبیر سندیکا)

در سال ۱۳۲۰، در یزد بدنیا آمد و تحصیلات خود را تا پایان دوره اول دبیرستان ادامه داد، لیکن بعلت مسؤولیتهای اجتماعی موفق به ادامه آن نشد.

فعالیت کارگری وی در سال ۱۳۳۴ آغاز شد و در سال ۱۳۴۵، بعنوان کارگر حرکه‌ای خود را در این واحد تولیدی شروع کرد و در اسفند ماه ۱۳۴۷، بعنوان نماینده کارگران انتخاب گردید و از آن پس سه دوره پیاپی بعنوان نماینده اصلی کارگران در شورای کارگاه خدمت کرده است وی از سال ۱۳۵۳، بعنوان دبیر سندیکا فعالیتهای ثمربخشی دارد.

اعضای علی البدل و بازرسین این سندیکا عبارتند از قاسم کلانتری، سیدبهرام هاشمی سیدمهدی مجدی پور—عباسعلی تصدیقی مقدم.

سندیکا تاکنون چه اقداماتی کرده

اعضاء هیأت مدیره این سندیکای کارگری در پاسخ خبرنگار رستاخیز کارگران اظهار داشتند اهم کوششهای سندیکا علاوه بر ایجاد روابط حسنه بین گروه کارگران و کارفرما، مسائل رفاهی و بهبود وضع اقتصادی یکایک آنها را دربرمیگیرد.

این سندیکا تاکنون موفق شده است ضمن تبادل نظر و کمک گرفتن از کارفرما در زمینه تشکیل شرکتهای تعاونی، تامین وامهای متفرقه، مسئله سوادآموزی و آموزش

گران ازهدفهای اساسی سندیکاست

حرفه‌ای، تهیه سرویسهای ایاب‌وذهاب، ایجاد باشگاههای ورزشی، خدمات درمانی فعالیت گسترده‌ای داشته باشد. اهم کارهائیکه تاکنون برای رفاه کارگران انجام شده بدین شرح است.

میزان دستمزد وطبقه‌بندی مشاغل

در سال ۱۳۵۲، با اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، کارگران این کارخانه مشمول مزایای مربوطه شدند واز این رهگذر رقمی در حدود سی میلیون ریال مابه‌التفاوت حقوق از مهر ماه ۱۳۵۰ تا خرداد ماه ۱۳۵۲، به کارگران تعلق گرفت که بین آنها به‌نسبت دستمزدها تقسیم شد.

ضمناً بدنبال تقاضا وپی‌گیری سندیکا و بموجب یک قرارداد دسته جمعی در سال ۱۳۵۱، کارگران از مزایای اضافه حقوق برخوردارشدند ودستمزد هریک ازآنها بمیزان ۲۰ روز حقوق نسبت به‌سال گذشته افزایش یافت.

شرکتهای تعاوني ووامهای ضروری

دبیرسندیکای کارگران این واحد تولیدی ابتدا به‌خدمات ارزنده شادروان محمدرضا کیانی بنیانگزار تعاونیهای کارگران این کارخانه اشاره کرد وافزود در حال حاضر کارگران این کارخانه دارای شرکتهای تعاونی مصرف، اعتبار، ومسکن هستند.

بدین ترتیب که درسال ۱۳۵۲، شرکت تعاونی مصرف کارگران تاسیس شده ودرحال گسترش است. درحال حاضر شرکت تعاونی مصرف کارگران باسرمایه‌ای بیش از ده میلیون ریال، موجبات تسهیلات بیشتر کارگران را فراهم آورده و آنها میتوانند اجناس مصرفی و موردنیازخود را بطور اقساط ازشرکت تعاونی خود خریداری کنند.

دبیرسندیکا افزود — فعالیتهای شرکتهای تعاونی اعتبار نیز به‌نوبه خود رضایتبخش بوده و این تعاونی باسرمایه‌ای متجاوز از هفت میلیون ریال در خدمت تامین نیازهای ضروری و مادی کارگران میباشد. به‌این ترتیب که هر کارگر میتواند درصورت لزوم نیازمندیهای مادی خود را از طریق دریافت وامهای کم بهره وبه‌اقساط ۲۰ ماهه تامین کند. علاوه براین، مبلغی در حدود ده میلیون ریال بعنوان پشتوانه وامهای اضطراری از طرف مدیریت عامل کارخانه در نظر گرفته شده تا درصورت ضرورت بدون دریافت بهره در اختیار کارگران قرارگیرد.

وی یادآور شد که مدتی است فعالیت شرکت تعاونی مسکن بعلت عدم تامین اعتبارات کافی مسکوت‌مانده وادامه اقدامات ثمربخش برای کارگران در این خصوص، دربرنامه رفاهی گنجانیده‌شده است.

مسئله آموزش

دبیرسندیکا دراین زمینه گفت: از ابتدا مسئله آموزش کارگران در تمام زمینه‌ها مورد توجه قرار گرفته وتا کنون کلاسهای متعدد سوادآموزی، آموزش‌های حرفه‌ای، حفاظتی، بهداشتی وپیش‌آهنگی برای کارگران تشکیل شده است. نامبرده اضافه کرد سندیکا از بدو تاسیس مسئله سوادآموزی کارگران را امری مهم واجتناب ناپذیر تلقی کرد و به‌تشکیل کلاسهای پیکار با بیسوادی مبادرت نمود.

تاکنون با کمک اداره کل سواد آموزی وزارت کار وامور اجتماعی، کلیه کارگران بیسواد کارخانه دراین کلاسها شرکت کرده‌اند وتااین تاریخ ۲۵۰ نفر از کارگران موفق به‌اخذ گواهینامه دوره دوم پیکار با بیسوادی شده‌اند.

کوشش براینست که هیچ‌کارگر بی‌سوادی در این واحد تولیدی وجود نداشته باشد و مسئله بیسوادی به‌سرعت ریشه کن شود. ضمناً با همکاری سازمان بهداشت وتنظیم خانواده، هرسال چندین دوره کلاس برای ارشاد کارگران در زمینه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده تشکیل میشود ودر هردوره ۱۵۰ نفر از کارگران در این کلاس‌ها آموزش می‌بینند. از سوی دیگر بمنظور آشنا کردن کارگران باسائل ایمنی وحفاظتی با کوشش مرکز تحقیقات وحفاظت بهداشت کار هرسال درچند نوبت کلاس های حفاظت وایمنی در این کارخانه تشکیل میشود تا از طریق سخنراني ونمایش فیلم به کارگران آموزشهای لازم داده شود. همچنین هرسال عده‌ای از کارگران در کلاسهای سازمان مدیریت صنعتی شرکت میکنند ودر زمینه مدیریت ووسائل فنی تعلیم می‌بینند علاوه بردوره‌های آموزشی ذکر شده باید از تشکیل کلاس آموزش پیش‌آهنگی برای این کارگران نیز یاد کرد و افزود تاکنون سه دوره پیاپی این کلاسها تشکیل شده و در هرنوبت عده‌ای از کارگران بااصول و هدفهای پیشاهنگی آشناشده‌اند.

بیمه وخدمات درماني

حسینی‌راد دبیر سندیکای کارگران این کارخانه گفت: امور بهداشتي و درماني کارگران این واحد صنعتی دقیقا مورد توجه قرارمیگیرد و گذشته از تأمین درمان کارگران، درحال حاضر یک واحد درمانگاه کمکهای اولیه در زمینی به وسعت ۷۵ مترمربع درمحل کارخانه تأسیس شده و دارای تمام‌تجهیزات اولیه درمان میباشد و درصورتیکه کارگری مصدوم شود بلافاصله به‌این درمانگاه منتقل خواهد شد و پس‌از معاینه و معالجات مقدماتی توسط پزشکیار مسؤول‌این درمانگاه، درصورت نیاز ترتیب اعزام وی به مراکز درمانی داده میشود. ضمناً امور بیمه کارگران کارخانه با مسؤلیت و پرسنل اداری جداگانه، بطور تمام وقت کارهای‌مربوط به بیمه کارگران جدید و قدیم و نیز امور مربوط به پرداخت غرامت دستمزد آنها را انجام میدهند.

مضافا در صورت بروزسانحه برای هریک از کارگران، این‌قسمت بلافاصله بایکی ازمراکز تأمین خدمات درمانی تماس گرفته و مقدمات معالجه و درمان وی رافراهم می‌آورد.

ازطرفی دو مدد کاراجتماعی زن‌ومرد در دوواحد جداگانه ازطریق بحث و گفتگو واظهار نظرهاو تماس مشکلات کارگران را رسیدگی میکنند.

شیرخوارگاه

بمنظور تأمین آسایش خاطر زنان کارگر شاغل دراین کارخانه درسال جاری، مهد کودک این کارخانه گشایش یافت. این‌مهد کودک دارای ۱۰ تختخواب و تعداد زیادی وسایل بازی و سایر تجهیزات برای نگهداری و سرگرمی کودکان کارگران میباشد تا کارگران بتوانند بافراغت بیشتر به کارپردازند.

فعالیت ورزشي

حسینی‌راد دبیر سندیکای کارگران دراینمورد گفت:

دربین کارگران این کارخانه، کارگران ورزشکار و ورزش‌دوست فراوان دیده میشوند. بهمین‌منظور و درجهت فراهم‌آوردن موجبات تشویق کارگران و پیشبرد چنین هدفی تا کنون فعالیتهای وسیعی صورت گرفته بطوریکه در سال ۱۳۵۰ یک باشگاه ورزشی سرپوشیده برای کارگران بوجود آمد تا محیطی مناسب برای تقویت بنیه و آزمون نیروی کارگران ورزشکار این کارخانه باشد. سالن این باشگاه مجهز به تشک کشتی، رینگ‌بوکس، چهار میز پینگ‌پنگ، محوطهٔ وزنه‌برداری و پرورش اندام و شطرنج میباشد. علاوه براین این باشگاه دارای سالن رخت کن، دفتراداری، ودستشوئی بهداشتی است. ضمناً سندیکا به تشکیل یک کمیتهٔ ورزشی مبادرت‌ورزیده‌که وظیفهٔ‌آن بارور ساختن استعداد و قدرت‌های کارگران درجهت فعالیتهای ورزشی میباشد. مسؤلیت این کمیته به مصطفی محبی (یکی از کارگران قهرمان) محول شده و بدین‌ترتیب کارگران ورزشکار میتوانند مشکلات احتمالی خود را باوی درمیان بگذارند.

لازم به یادآوری است که پیروزیهای ورزشکاران و کارگران قهرمان این کارخانه تابحال قابل توجه‌بوده و تاکنون کارگران این‌واحد تولیدی در رشته‌ورزشهای دسته‌جمعی بین باشگاههای کارگران تهران به مقامهای دوم وسوم دست یافته‌اند و همچنین در قسمت انفرادی در رشته‌مشت‌زنی نیز کارگران این کارخانه مدالهای طلا و نقره دریافت کرده‌اند.

برنامه های آینده سندیکا

دبیرسندیکا واعضاء هیات‌مدیره کارگران این‌واحد تولیدی به مشکلات و برنامه‌های آتی اشاره کردندوگفتند:

ایجاد یک سیستم منظم درامور سندیکائی ونیزآمادساختن زمینه های همکاری و همفکری بیشتر کارگران ازمسائلی است که مورد توجه دقیق سندیکا میباشد.

سپس مسئله مسکن کارگران مورد اشاره قرار گرفت و گفته‌شد باید از طریق تقویت و توسعه تعاونی مسکن برای کارگرانیکه‌خانهٔ شخصی ندارند واحدهای مسکونی ایجاد شود. ایجاد شورای سازش در کارخانه جهت حل‌و فصل اختلافات احتمالی کارگران بصورت مسالمت‌آمیز، از دیگر برنامه‌های آینده این سندیکا بشمارمیرود.

همچنین‌سندیکا کوشش دارد باایجاد همبستگی سندیکائی مقدمات تشکیل اتحادیه الکترونیک را بوجود آورد واعضاء این سندیکا معتقدند که بوجودآمدن چنین تشکیلاتی رفع مشکلات وتأمین نیازمندیهای اجتماعی وسیعتری راامکان‌پذیرمیسازد.

کارگران ومجله آنها

در پایان گفتگوی خبرنگار ما نظرآنها راجع به مجله رستاخیز کارگران پرسیده‌شد.

آنهااظهارداشتند که تاکنون استقبال بی‌نظیری ازطرف کارگران این کارخانه ازاین مجله بعمل آمده و همه اعتقاد دارند این همان نشریه‌ایست که سالها آرزوی آن‌راداشته‌اند وعلاوه براینکه میتوانند آزادانه نظرات و انتقادات خودرا در آن منعکس کنند. بطور پی‌گیر و مستمر در جریان رویدادها و خبرهای کارگری نیز قرارمی‌گیرند.

این کارگر جوان تاکنون:

نوزده ابزار کار، طراحی کرده و ساخته است

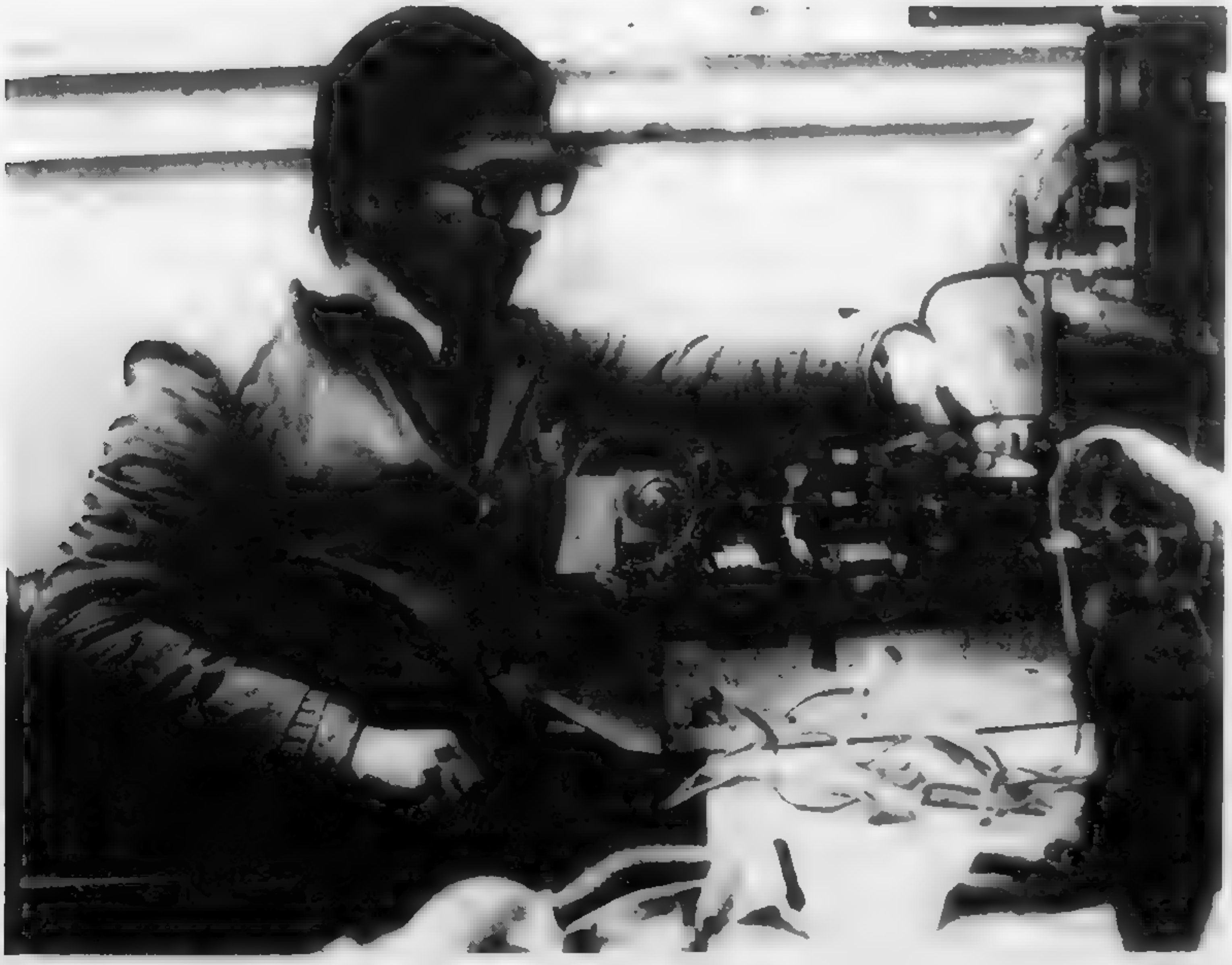

[illegible] و
پرورش [illegible] وجود [illegible]
[illegible]
که بواسطه فکر و ابتکار خود [illegible]
اندیشه‌های خوبی [illegible]
[illegible] بعنوان [illegible]
[illegible] نوزده ابزار و وسیله مختلف
طرحی و ساخته است.
[illegible] کارگر
[illegible] الکتریک و [illegible] و
[illegible] و
[illegible]

سرآغاز زندگی

برای اینکه با نحوه فعالیت و چگونگی زندگی این کارگر موفق آشنا شوید خبرنگار کارگران با او گفتگو نشست و نتیجه را که خواهید خواند ماحصل این گفتگو است.

علی‌اکبر صباغیان در سال ۱۳۲۳ در یکی از روستاهای قزوین متولد شد. پدر و مادر او کشاورز بوده و او نیز در کودکی ضمن کمک به خانواده در کشاورزی شرکت میکرد: در همین زمان به کارهای فنی علاقه بسیار داشتم و [illegible] و اوقات فراغت [illegible] میکردم و [illegible] الکتریکی [illegible] و [illegible] آگاه شوم و [illegible] کرده [illegible] بدهم [illegible]

تحصیلات

از او میپرسیم [illegible] تحصیلات [illegible] در پاسخ این سؤال میگوید: چند کلاس درس خوانده بودم که [illegible] ادامه تحصیل [illegible] کلاسهای شبانه [illegible] و در مدت چند سال توانستم به تحصیل در دبیرستان بپردازم و در این دوره از تحصیل متوجه شدم که استعداد [illegible] و علاقه [illegible] و اصولاً [illegible] و [illegible] الکتریکی [illegible] و [illegible] و [illegible] انجام

بدهم واختراع جالبی بکنم ولی از نظر مادی در تنگنا بودم. علی‌اکبر صباغیان اضافه میکند که در سال ۴۵ بخدمت مقدس سربازی رفتم. انقلاب شاه وملت در سال ۱۳۴۱ بخوبی مرا آگاه ساخت که در مسائل اجتماعی و میهنی شرکت کنم و بدین لحاظ خدمت سربازی را برای خود وظیفه‌ای میدانستم وخوشبختانه در مدت دو سال سربازی با بسیاری از مسائل زندگی آشنا شدم. ناگفته نماند که بعد از اصلاحات ارضی ارباب ما از ده فرار کرد ومن از جمله کسانی بودم که یک قطعه زمین بدست آوردم و از این زمان وضع زندگی ما روز بروز بهتر شد بطوریکه با آسودگی خیال از [illegible] پس از پایان خدمت سربازی به [illegible] در آموزشگاه حرفه‌ای شماره [illegible] تعلیمات مربیان ورزیده کارگران مشغول تحصیل شدم وبخوبی توانستم مهارت لازم را بدست آورم وبا وجود اینکه کارگر درجه یک الکترونیک شناخته شدم ولی علاقه زیادی به کارهای مکانیکی داشتم وبالاخره از سال ۱۳۴۹، کار خودم را در این واحد تولیدی شروع کردم وهمیشه کارهای مکانیکی قسمت لابراتوار، دستگاههای سنجش واندازه‌گیری را از نظر طرح وتهیه و ساخت بتنهائی انجام میدهم ودر مدت پنج سالی که در این کارخانه کارمیکنم امکانات زیادی برای اجرای طرحهائی که دارم در اختیارم گذاشته شده که از این وسایل در کارخانه‌های دیگر نیز میتوان استفاده کرد.

فن نقشه کشی

از علی‌اکبر صباغیان سئوال میکنم: برای پیاده کردن یک طرح چه نکاتی را رعایت میکنی؟

بطور خلاصه میگوید: بررسی، طرح، تهیه مواد لازم وساخت. بدین ترتیب که نخست درباره آنچیزی که باید بسازم بررسیهای لازم را از نظر بازده، هزینه وموارد استفاده آن انجام میدهم وپس از این بررسی مقدماتی طرح مربوط به‌آنرا تهیه میکنم وبالاخره پس از تهیه لوازم به‌ساختن آن میپردازم. البته لازم به‌توضیح است که کار طراحی بسیار مهم است وبایستی نقشه‌های لازم تهیه شود ولی چون اطلاع کافی از فن نقشه کشی ندارم ناچاراً در زمینه کشیدن نقشه بامشکلاتی روبرو میشوم ولی بهرجهت آنچه را که میخواهم بسازم باسعی و کوشش وجدیت باهمان وسائل اولیه که در اختیار دارم میسازم البته برای تمام این مراحل که ذکر شد حداکثر ۱۵ روز وقت صرف میکنم.

برنامه‌ریزی

در مورد وسائل مختلفی که علی‌اکبر صباغیان ساخته است نظر آقای مهندس مرتضی وثوق رئیس قسمت کنترل مرغوبیت را جویا میشویم. او میگوید: علی‌اکبر این کارگر با استعداد سعی می کند مطالب را خودش حل کند حتی روزانه مشکلات خود را بروی یک صفحه کاغذ یادداشت می کند وجالب اینکه راه‌حلهای آنها را نیز خودش پیدا می کندوهرگز در کارهایش بدون برنامه‌ریزی قبلی اقدام نمی کند. طرز کار این کارگر همانند یک کامپیوتر است چون قبل از اینکه کار را شروع کند، برنامه‌ریزی میکند. البته باید اضافه کنم برای ساخت وسائل، اول باید به‌قسمت طراحی و بعد به‌قالبسازی مراجعه کرد وسپس طرح را پیاده کرد ولی این کارگر بتنهائی طرح می کند وسپس قالب میسازد وبعد خودش پیاده می کند. بارها دیده شده کاری را که یک طراح وقالبساز درعرض ده روز انجام داده‌اند علی‌اکبر صباغیان آنرا در مدت دو روز تمام کرده است. از خصوصیات علی‌اکبر صباغیان اینکه، بسیار حساس، نکته‌بین واهل مطالعه است. درموقع کار همیشه تنها است، باکسی حرف نمی‌زند ومشغول کار خود میباشد واگر طرحی را بخواهد پیاده کند آنقدر می کوشد که بدون عیب ونقص باشد. اگر او یک دوره رسم فنی ببیند در پیشرفت کارش بسیار موثر خواهد بود.

وزیر کار و امور اجتماعی در جمع افسران دانشجوی دانشگاه پلیس گفت:

در سال جاری ۵۰۰۰ پیمان دسته جمعی منعقد شده است

آقای معینی وزیر کار و امور اجتماعی برای بیش از ۱۵۰ نفر از افسران دانشجوی دوره‌ی عالی مدیریت (فوق لیسانس) دانشگاه پلیس اصول چهارم و سیزدهم انقلاب را تشریح کرد.

وزیر کار و امور اجتماعی گفت: آنچه که از رهآورد اصل چهارم انقلاب حاصل شده تلاش بیشتر نیروی کار، ازدیاد محصول، تقلیل ضایعات، ایجاد محیط سالم کار و افزایش انس و الفت بین نیروی کار و مدیریت میباشد و بعلاوه همانطور که شاهنشاه آریامهر فرموده‌اند اجرای این اصل موجب اعطای حیثیت و شان و ارزش به نیروی کار و برطرف شدن استثمار فرد بوسیله فرد است و در اجرای این اصل در سال جاری تا کنون بیش از ۵۰۰۰ پیمان دسته جمعی منعقد شده و بیش از ۹ میلیارد ریال حق سهم کارگران نیز پرداخت شده است.

وزیر کار سپس به اصل سیزدهم پرداخت و گفت: توسعه مالکیت واحد های تولیدی سبب میشود تا سرمایه گذاری در مملکت جنبه سالمی پیدا کند و بجای آنکه عده معدودی سرمایه گذاری کنند از اندوخته های کوچک افراد نیز در یک جهت صحیح استفاده شود.

وزیر کار افزود: اجرای این اصل دارای اثرات فراوان اقتصادی و اجتماعی است و چنانچه باید تا پایان سال جاری ۳۲۰ واحد تولیدی سهام خود را عرضه کنند و از این تعداد تا کنون ۶۷ واحد تولیدی سهام خود را عرضه کرده‌اند و بقیه تا آخر سال به اینکار مبادرت خواهند ورزید و همانطور که میدانید در روز ششم بهمن کارگران بیش از ۶۲ کارگاه رسید سهام خود را از دست مبارک شاهنشاه آریامهر دریافت داشتند. در پایان وزیر کار و امور اجتماعی به سئوالات متعدد افسران دانشجوی دانشگاه پلیس پاسخ گفت.

کمیته هماهنگی کنفرانس ملی کار تشکیل شد

کمیته هماهنگی کنفرانس ملی کار بریاست آقای امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل شد.

در این جلسه تحولات کارگری در پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی — انگیزهٔ ارتقاء سطح بهره‌وری، آموزش، تربیت و تحرك نیروی انسانی — دلپذیر کردن محیط کار بعنوان دستور هشتمین کنفرانس ملی کار که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ تشکیل خواهد شد بتصویب رسید.

آموزش مسائل کار و سندیکائی

دوره آموزشی مسائل کار و سندیکائی برای نمایندگان کارگران و اعضاء هیأت مدیره سندیکاهای کارگری استان ساحلی که در بندرعباس تشکیل شده بود پایان یافت و شرکت کنندگان گواهینامه های خود را دریافت داشتند.

در این دوره که به مدت شش روز ادامه داشت کارشناسان مؤسسه کار و تأمین اجتماعی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی شرکت کنندگان را با شرایط کار — تعطیلات و مرخصیها و نوبت کاری — شرایط کار زنان و اطفال در کارگاهها — قرارداد کار و فسخ آن — مراجع حل اختلاف — مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی — وظایف و هدفهای سندیکاها — تشریح قانون سهیم کردن کارگران و روشهای سهیم کردن — نحوه انتخاب نمایندگان کارگران و کارفرمایان با مسائل مربوط به طبقه بندی مشاغل و روشهای مختلف آن — شرکت‌های تعاونی و نقش آن در بالا بردن سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی کارگران و بازرسی کار و حفاظت صنعتی آشنا کردند.

کارگری که همکاران خود را آموزش میدهد

خانم سید کبری حسینی کارگری که بعنوان معلم همکاران خود را آموزش میدهد

اولین دوره کلاسهای پیکار با بیسوادی کارگران کارخانه داروگر بپایان رسید و شرکت کنندگان پس از امتحانات پایان دوره موفق به دریافت کارنامه و گواهینامه شدند.

در اولین دوره ۳۲ نفر در کلاس اول و ۱۷ نفر در کلاس دوم شرکت داشتند. مدت این دوره شش ماه بود و شرکت کنندگان در دوره اول پس از قبولی در کلاس دوره دوم که هم اکنون تشکیل است شرکت کرده‌اند.

دفتر باسواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی که عهده‌دار باسواد کردن کارگران در سراسر کشور است از طریق اعزام معلم و وسائل کمک آموزشی، کارگاهها و کارخانجاتی را که کارگران بی‌سواد دارند تشویق و ترغیب مینماید تا در محیط کارگاه و در زمانی معین کلاسهای مبارزه با بیسوادی تشکیل دهند از اینرو در اولین دوره کلاسهای پیکار با بیسوادی این واحد تولیدی دفتر باسواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی آموزگاری جهت تعلیم کارگران این کارخانه اعزام داشت، لیکن در دومین دوره که هم اکنون تشکیل شده است یکی از کارگران باسواد این کارخانه عهده‌دار تعلیم کارگران بیسواد شده است. این کارگر خانم سید کبری حسینی است که تحصیلات دبیرستانی دارد و پس از طی دوره آشنائی با روش تدریس بیسوادان، کار خود را آغاز کرده‌است.

در دومین دوره کلاسهای پیکار با بیسوادی کارگران کارخانه داروگر ۹۰ کارگر درسه کلاس که دو کلاس آن دوره اول و یک کلاس دوره دوم است تحصیل میکنند.

از این تعداد ۶۲ نفر در دو کلاس اول هستند که ۱۴ نفر آنان را زنان و بقیه را کارگران مرد کارخانه تشکیل میدهند و ۲۸ نفر بقیه نیز در دوره دوم سرگرم آموزش میباشند که از این عده ۸ نفر زن و بقیه مرد هستند و همچنین کارگرانیکه موفق به دریافت گواهینامه دوره دوم پیکار با بیسوادی می‌شوند به میزان ۵ درصد اضافه حقوق دریافت میدارند.

خود ساخته؟

بالاخره در پاسخ این سئوال که علی‌اکبر صباغیان کارگری خود ساخته است، خودش میگوید: هیچکس خود ساخته نیست و هر کس وظیفه اجتماعی مربوط به خودش را انجام میدهد که چگونگی انجام کار ودقت نظر در آن و همچنین یافتن روشهای جدید است و با این تعریف باید بگویم من یک دهقان‌زاده بودم که در سایه اوامر شاهنشاه آریامهر توانستم فرصت تحصیل را بدست آورم و از آنچه که در اختیارم قرار گرفت بهترین استفاده را کردم بنابراین باید اذعان کنم که من همه چیز خودم را مدیون رهبر دوراندیش وجامعه خود میدانم و در حال حاضر آرزو دارم که امکاناتی جهت تعلیم یک دوره رسم‌فنی برایم فراهم شود تا بتوانم طرحهائی را که میکشم از نظر فنی صحیح وقابل درك برای همگان باشد.

رستاخیز کارگران: ضمن آرزوی موفقیت بیشتر برای آقای علی‌اکبر صباغیان که توانسته با کوشش وپشتکار خود توفیق بسیاری در زمینه کار مربوط به خود بدست آورد چند وسیله‌ای را که این کارگر بااستعداد ساخته است معرفی میکند.

۱ — طراحی جیک وتعمیر رادیوماشین.
۲ — طراحی وساخت جیکهای تنظیم واریومتر رادیوماشین فرانکفورت.
۳ — طراحی وساخت جیک‌های تنظیم بلاته های مربوط به رادیوماشین فرانکفورت.
۴ — طراحی وساخت میزهای UHF
۵ — طراحی وساخت انواع دستگاههای الکترونیکی ازنظر مکانیکی.
۶ — طراحی وساخت پربومات تلویزیون فیکرساچ.
۷ — طراحی جیک رادیو تلویزیون FM دار که درحال ساختن است.
۸ — طراحی جیک تعمیر رادیو کلف.
۹ — طراحی وساخت جیک I.F شاسی تلویزیون.
۱۰ — طراحی وساخت فیش های چندتای تلویزیون.
۱۱ — طراحی جیک تنظیم بلاته‌ای که ازفاصله دور تلویزیون را خاموش وروشن میکند و کانال عوض میکند.
۱۲ — طراحی دستگاههای فرستنده داخلی ازنظرمیکانیکی.
۱۳ — طراحی قسمتی از جیک تنظیم رادیو کلف.
۱۴ — طراحی وساخت جیک تنظیم و آزمایش پربومات فینگر تاچ ازنظرالکتریکی.
۱۵ — طراحی وساخت جیک کنترل یونیت.
۱۶ — ساخت جیک های تنظیم دیود تیونر تلویزیون جدید.
۱۷ — طراحی وساخت انواع میزهای الکترونیکی ازنظرمکانیکی.
۱۸ — طراحی وساخت چهار عدد میز بزرگ برای تنظیم شاسی تلویزیون.
۱۹ — طراحی دستگاهی که میتواند انواع فیلترهای رادیو را ازجعبه چیده ۱۵×۱۰ بردارد واز نظر خرابی کنترل کند وتعداد آنرا بشمارد وهمچنین بطور اتوماتیک تنظیم کند ودوباره درجعبه ۱۵×۱۰ بچیند.

مراکز آموزشی جوار کارخانه ها توسعه می یابد

صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی که در جهت افزایش سطح مهارت و آماده کردن نیروی انسانی ماهر برای [illegible] کوشش میکند، توسعه است [illegible] بخش خصوصی به ایجاد مراکز [illegible] تخصصی در جوار کارخانه ها اقدام [illegible] وجود نیروی انسانی ماهر [illegible] رشد سریع صنایع کشور احساس میشد [illegible] صنایع و کارگران دست به بهره گیری از [illegible] ها و امکانات نیروی انسانی دستگاههای صنعتی به تأسیس مراکز کارآموزی تخصصی [illegible] ساختند تا از این طریق نیروی انسانی متخصص واحد های خود را تأمین کنند. نخستین [illegible] از این مراکز [illegible] شده این است که علاوه بر تأمین احتیاجات واحدهای تولیدی [illegible] کارگرای کارگاههای کوچک [illegible] موجود [illegible] است [illegible] صندوق کارآموزی [illegible] صنایع [illegible] میشود.

[illegible] که در [illegible] مراکز آموزشی جهت [illegible] کوشش میکند این مرکز یکی از این مراکز که در گروه صنعتی [illegible] احداث شده [illegible] میکند. در این واحد تولیدی [illegible] کامیونها، وانت بار و وراد یاتور جهت [illegible] داخلی ساخته و مونتاژ میشود بالغ بر [illegible] کارگر به تولید اشتغال دارند و برای افزایش مهارت و کارآئی آنان نیز دوره های آموزشی برگزار میشود.

مرکز آموزشی این واحد تولیدی در زمینی به وسعت ۱۲۵۰ متر مربع با هزینه‌ای بالغ بر ۱۵/۳۰۰/۰۰۰ ریال احداث شده و شامل یک کارگاه همراه با وسائل و ماشین آلات لازم برای تعلیم کارآموزان، کلاسهای آموزشی تئوری و کلاس آموزش فیلم و اسلاید میباشد.

صندوق کارآموزی از طریق اعزام مربی و همچنین در اختیار گذاشتن جزوه های [illegible] آموزشی تاکنون کمک مؤثری به [illegible] هدفهای این مرکز برای آموزش و [illegible] کارگر ماهر و نیمه ماهر [illegible] کرده است.

[illegible] این مرکز از اول [illegible] اولین گروه کارآموزان آن مرکز [illegible] سال گذشته دوره آموزشی خود را [illegible].

گروه مذکور که تعدادشان [illegible] مدت [illegible] کارآموزی در رشته های فنی [illegible] جوشکاری برق و گاز [illegible] و [illegible] کمک مربیان [illegible] صندوق کارآموزی و زیر نظر سرپرست آموزشی کارخانه خود با روشهای جدید آشنا شدند و پس از خاتمه دوره از طرف اداره آزمون صندوق کارآموزی مورد آزمایش قرار گرفتند و گواهینامه های خود را دریافت داشتند.

دومین گروه کارآموزان که تعدادشان ۴۸ نفر بود در اوایل سال ۲۵۳۶ [illegible] کارآموزی خود را آغاز کردند.

در این دوره [illegible] کارآموزان در رشته های [illegible] [illegible] خود و [illegible] جوشکاری برق و گاز زیر نظر مربیان صندوق [illegible]

کارآموزی آموزش دیده و در پایان دو دست از رشته [illegible] در رشته [illegible] موفقیت چشمگیری بدست آمد. [illegible] کارگران که تعدادشان در حدود ۳۰ نفر است هم [illegible] مشغول کارآموزی هستند. [illegible] مرکز آموزشی این واحد تولیدی [illegible] کارآموزی [illegible] [illegible] هر رشته آموزشی [illegible] [illegible] بهداشت و درمان [illegible] تأمین اجتماعی و [illegible] کارگری، لوازم [illegible] و وسائل [illegible] کار و [illegible] بهره‌مند میشوند.

اعزام کارگران و سرپرستان به خارج

[illegible] این مرکز که حدود یکسال از تأسیس آن میگذرد واحد تولیدی مذکور برای [illegible] سطح مهارت و آشنائی کارگران خود با [illegible] های جدید علم و صنعت و همگام شدن با تکنولوژی معاصر همه ساله عده‌ای از کارگران و سرپرستان واحد های مختلف را به کشور های [illegible] اعزام [illegible] و [illegible] [illegible].

[illegible] کارگران و سرکارگران [illegible] آشنائی با روشهای جدید تکنولوژی در دوره های فشرده و کوتاه مدت که از [illegible] خواهد بود زیر نظر مربیان و [illegible] کشورهای [illegible] آموزش می بینند.

آموزش سرپرستان

علاوه براین نوع آموزش هرچند یکبار بنابه تقاضای مسئولان این واحد تولیدی عده‌ای از مربیان صندوق کارآموزی برای آموزش سرپرستان و آشنائی آنان با روشهای صحیح [illegible] به این مرکز اعزام میشوند.

[illegible] آموزش برای سرپرستان ۸ هفته است و تاکنون ۵۰ نفر از آنان با کمک مربیان اعزامی [illegible] آموزش دیده‌اند.

آموزش حین کار و افزایش حقوق

یکی دیگر از انواع آموزش که بدان توجه میشود و موجب افزایش حقوق برای کارگر میگردد آموزش حین کار است.

[illegible] مجتمع تولیدی زیر نظر مرکز آموزش خود برای آشنائی کارگران با روشهای صحیح کار و [illegible] مهارتها، از طریق سرپرستان هر واحد که قبلا آموزش سرپرستی دیده است [illegible] آموزش میدهند و [illegible] برای افزایش [illegible] [illegible] میشود.

[illegible] نوع آموزش که حین کار [illegible] [illegible] میشود کارگران ضمن آشنائی و [illegible] و افزایش مهارت فنی خود، این [illegible] را [illegible] میشوند که تغییر شغل دهند و یک درجه ترقی دریافت کنند که در این [illegible] طرح طبقه بندی مشاغل به میزان [illegible] آن افزوده میشود. [illegible] و افزایش حقوق در صورتی میسر خواهد بود که سرپرست و [illegible] گروه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible].

آموزشهای حفاظتی و کمکهای اولیه آتش نشانی

علاوه برآموزشهای حرفه‌ای که بمنظور بالا بردن سطح مهارت و تبدیل کارگر ساده به کارگر ماهر و نیمه ماهر از طریق مرکز آموزش کارخانه صورت میگیرد یکسلسله کلاسهای آشنائی با اصول آتش نشانی و جلوگیری از آتش سوزی در کارخانه، آشنائی با مقررات حفاظتی و ایمنی در محیط کار، و آشنائی با کمکهای اولیه برای کارگران این مجتمع تولیدی از طرف مرکز تحقیقات حفاظت و بهداشت محیط کار وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی در نظر گرفته شده است و [illegible] تاکنون تعداد زیادی از کارگران این مجتمع در این دوره‌ها شرکت کرده و آموزشهای لازم را فرا گرفته‌اند.

شرکت کنندگان این دوره ها نیز پس از پایان و شرکت در امتحانات موفق به دریافت گواهینامه خواهند شد.

۳۰ مرکز آموزش حرفه‌ای تأسیس میشود

با اعتبار ۱ میلیارد ریال ۳۰ مرکز آموزش حرفه‌ای برای تربیت کارگر فنی در ۳۰ شهرستان احداث می گردد.

یک مقام آگاه در وزارت کار و امور اجتماعی گفت هم اکنون عملیات ساختمانی مرکز از ۳۰ مرکز مذکور رو به اتمام است که در سال آینده بهره‌برداری از آنها آغاز خواهد شد. زمین و طرح ساختمانی بقیه مراکز نیز آماده شده و بتدریج عملیات ساختمانی آنها شروع خواهد شد.

پیش بینی میشود که در سال آینده در ۷ مرکز موجود پنجهزار کارگر فنی تربیت شوند و در کنار آموزش این عده از ۱۳۰ مربی در مراکز تربیت مربی کرج آزمایش به عمل خواهد آمد. با تکمیل و بهره‌برداری از ۳۰ مرکز آموزش حرفه‌ای سالانه ۱۲ هزار کارگر آموزش فنی دیده و به بازار کار معرفی می شوند.

آشنائی با مراجع حل اختلاف

دوره آموزشی مراجع حل اختلاف برای کارمندان ادارات کار و امور اجتماعی شهرستانهای استان خوزستان که ۰ را هواز تشکیل شده بود پایان یافت.

در این دوره که به مدت شش روز ادامه داشت پنجاه نفر از کارمندان ادارات کار و امور اجتماعی استان خوزستان زیر نظر کارشناسان موسسه کار و تأمین اجتماعی با شرایط کار—قرارداد کار و پیمانهای دسته جمعی—و دیگر امور مربوط به قوانین کار و همچنین نحوه انتخابات نمایندگان کارگران و وظایف آنها آشنا شدند.

بازدید دانشجویان از مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار

دانشجویان سال چهارم انستیتو عالی پرستاری بمنظور آشنائی با فعالیتهای مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار و اخذ تعلیمات لازم در زمینه مسائل حفاظتی و بهداشتی از این مرکز دیدن کردند. در این دیدار قسمتهای مختلف مرکز و نمایشگاههای وسایل حفاظت فردی و همچنین نحوه فعالیت آزمایشگاههای مرکز مورد بازدید دانشجویان قرار گرفت.

بعد از این بازدید دانشجویان در سالن سینمای مرکز تحقیقات از چند حلقه فیلم حفاظتی دیدن کردند و در پایان این دیدار که سه ساعت بطول انجامید، به سئوالات دانشجویان پاسخ گفته شد.

فعالیت کمیته های حفاظت و بهداشت کار در واحدهای تولیدی

کمیته حفاظت کارخانه حریر اقدامات وسیع و دامنه داری درباره پیشبرد مسائل حفاظتی و بهداشتی بعمل آورده است و در زمینه حفظ و حراست کارخانه از گزند آتش‌سوزی علاوه بر تهیه وسایل اطفاء حریق، گروهی از کارگران این واحد تولیدی را با نحوه مبارزه با آتش و جلوگیری از آن آموزش داده است. در سالهای اخیر بارها شاهد حوادث ناگوار آتش سوزی بوده‌ایم که در اثر آنها کارخانه ها و انبارهای بسیاری در اثر سهل انگاری و عدم توجه به مسائل ایمنی مبدل به خاکستر شده‌اند و میلیونها ریال ثروت ملی از بین رفته است. برای جلوگیری از آتش سوزی، مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار توصیه های مختلفی را به واحد های تولیدی ارائه داده و از کارفرمایان خواسته است تا با آموزش کارگران خود بمقابله حوادث آتش سوزی به پردازند و به مسائل حفاظتی در کارگاههای خود توجه بیشتری بکنند و چنانچه مسائل و مشکلاتی داشته باشند آنرا با مرکز تحقیقات درمیان گذارند و از سرویس رایگان این مرکز استفاده کنند تا نسبت به حفظ نیروی انسانی و سرمایه های ملی مملکت همگام با گسترش صنایع توفیق خدمت بدست آید.

علل وقوع چند حادثه، در سی و پنجمین جلسه کمیته حفاظت بررسی شد

سی و پنجمین جلسه کمیته حفاظت و بهداشت واحد تولیدی میرال با شرکت کلیه اعضای کمیته های حفاظت در این کارخانه تشکیل شد در این جلسه اقدامات انجام شده و پیشنهاد های اعضاء درمورد بهبود وضع ایمنی در این کارخانه مورد بررسی قرار گرفت و علل وقوع چند فقره حوادث جزئی تجزیه و تحلیل شد، همچنین تصمیم گرفته شد نسبت به شبکه آب رسانی کارخانه اقدامات لازم بعمل آید تا تکمیل و آماده بهره‌برداری شود ضمناً جهت آموزش افراد و نگهبانان با اصول آتش نشانی — کلاسهای علمی و عملی دائر گردید و قرار شد هرماه یکبار در یکی از سالنهای کارخانه جهت افراد و کارکنان و کارگران سخنرانی های حفاظتی بعمل آید و مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار در این امر کمک لازم را خواهد کرد. لازم بیادآوری است اکثر افرادی که در کمیته های حفاظتی این واحد تولیدی مسئولیتهای امور ایمنی را بعهده دارند تعلیمات لازم را بوسیله شرکت در کلاسهای حفاظت مرکز تحقیقات و بهداشت کار طی کرده‌اند و نسبت به مسائل حفاظتی و بهداشتی آشنائی دارند مرکز تحقیقات امید دارد بتواند با تشکیلات مرتب کلاسهای حفاظتی تاآنجا که امکان دارد کلیه مسئولین کمیته های حفاظت کارخانجات کشور را در این کلاسها شرکت دهد تا بدین وسیله در بالا بردن دانش مسئولین حفاظت کارگاهها موثر واقع شود.

کمیته حفاظت و ایمنی شرکت صنایع هواپیمائی پیشنهاد های ایمنی را بررسی کرد

کمیته ایمنی و حفاظت شرکت صنایع هواپیمائی ایران در محل این کارخانه تشکیل شد و طی آن پیشنهادهای جلسه گذشته مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین در این جلسه نسبت به پیشنهادهای جدید ارائه شده توسط اعضای کمیته، بررسی و تبادل نظر بعمل آمد و مسؤولین کمیته ایمنی حفاظت این شرکت جهت انجام و پیگری پیشنهادات کمیته افراد مسؤولی را تعیین کردند تا نسبت به انجام آنها اقدام سریع معمول دارند.

لازم بیاد آوری است که کارخانه شرکت صنایع هواپیما سازی روشی را اتخاذ کرده تا بتواند درمورد پیشنهاد های کمیته ایمنی اقدام لازم را معمول دارد.

کارگری زیر آوار جان سپرد

دیوار خانه‌ای خراب شد و کارگری بنام صحبت‌اله صوری زیر آوار ماند و متأسفانه جان خود را از دست داد.

این حادثه در خیابان ۴۰ متری حسینی گرگان روی داد و هنگامیکه این کارگر مشغول کار در خانه‌ای واقع در کوچه هاشمی بود دیوار خانه خراب شد و کارگر در زیر آوار ماند با وقوع این حادثه بلافاصله چند تن از اهالی محل پیکر نیمه جان این کارگر را از زیر آوار بیرون آوردند و به بیمارستان ۲۵ شهریور انتقال دادند ولی معالجات درباره این کارگر مفید واقع نشد و صحبت‌اله در بیمارستان جان‌سپرد.

کارگری هنگام کار از طبقه چهارم ساختمان سقوط کرد

کارگر جوشکاری بنام قلی اسوندی به هنگام کار در ساختمان نیمه تمام در خیابان گاندی تهران که مشغول جوش دادن تیرآهن بود، از طبقه چهارم ساختمان سقوط کرد و بشدت مجروح شد. کارگرانی که در این ساختمان کار میکردند بلافاصله این کارگر را به بیمارستان انتقال دادند ولی بعلت شدت جراحات وارده معالجات موثر واقع نشد و در بیمارستان درگذشت. قضیه از طرف مقامات قضائی تحت تعقیب است.

کارگران ساختمانی از مزایای بیمه برخوردار هستند

هیأت مدیره سندیکای کارگران ساختمانی ضمن ملاقات با آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی، خواسته های خود را مطرح کردند. در این دیدار که معاونان روابط صنعتی و بهره وری و روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی ومسئول سازمان کارگران ایران حضور داشتند نمایندگان سندیکای کارگران ساختمانی از وزیر کار و امور اجتماعی خواستند تا مراتب جانبازی و شاه دوستی این نیروی عظیم کارگری را بشرفعرض شاهنشاه آریامهر برسانند، سپس دبیر سندیکا خواسته های اعضای سندیکا را در زمینه ساعات کار کارگران ساختمانی، آزمایش و درجه بندی مهارت آنان، بیمه حوادث ناشی از کار، تشکیل شورای سازش در سندیکا را مطرح کرد.

آنگاه وزیر کار و امور اجتماعی گفت: برطبق قوانین جاری ساعات کار کارگران برابر با قانون کار است و کلیه کارگران ساختمانی نیز بیمه میباشندهمچنین در مورد درجه مهارت کارگران به صندوق کارآموزی دستور داده شد که نسبت به آزمایش کارگران ساختمانی بتدریج اقدام و گواهی آنان داده شود وزیر کار و امور اجتماعی در پایان به مسئولان سندیکا توصیه کرد که نهایت همکاری را برای ارتقاع دانش و مهارت فنی کارگران و کارآئی بیشتر آنان بعمل آورند.

بقیه ... ۷ نفر در کانونهای...

دیده شده که بعضی ها بر اثر گرفتاریهای عاطفی یا عدم تعادل روانی که دارند باید مدت بیشتری آموزش ببینند در مورد این نوع افراد کانون پس از اطمینان کامل از اینکه این شخص درست بحالت عادی زندگی خود برگشته و میتواند کار کند، او را به بازار کار معرفی می کند.

رستاخیز کارگران: هم اکنون چند کانون درسراسر کشور وجود دارد.

مهندس آینه چیان: کانونهای، شعبه‌ای بصورت کانون استانی تبدیل شده و این کانونها در مراکز استانها سرگرم فعالیت هستند. در اطراف کانونهای استانی در سطح شهرها نیز شعباتی ایجاد شده است که بتوانند خدمات آموزش و اشتغال را به گروههای کم درآمد وحتی المقدور به خانواده های آنان برسانند.

وی افزود در حال حاضر ۴۰ کانون کار آموزی درسراسر کشور سرگرم آموزش میباشند که در مرکز هر استان یک کانون وجود دارد و تنها استان مرکز و خوزستان هر کدام دارای ۲ کانون هستند و بالغ بر ۷۰۰۰ نفر در کلیه کانونهای کشور سرگرم آموزش و کار میباشند ولی بزودی این رقم بدلیل اینکه ظرفیت کانونها افزایش می‌یابد بیشتر خواهد شد و مهم آنکه هم اکنون کلیه مایحتاج پوشاک و ملحفه وغیره بیمارستانهای سازمان تأمین خدمات درمانی را کارآموزان کارگاههای خیاطی کانونها می‌دوزند و در اختیار بیمارستانها قرار میدهند و چندین دستگاه ماشینهای نساجی در کانونها وجود دارد که پارچه تولید میکند و در نظر است در سال آینده به این تعداد ماشینها اضافه شود تا از وجود افراد کانون در امر پارچه بافی و تولید استفاده بیشتر بعمل آید.

وی در پایان این گفتگو ضمن اظهار امیدواری نسبت به کار کانونها از عموم مردم خواست تا در راهنمائی و هدایت افراد بیکار به کانونهای کارآموزی همت کنند و کمکی که از این طریق به افراد بیکار وولگرد خواهند کرد بمراتب ارزش واهمیت بیشتری در مقابل کمک‌مالی آنان خواهد داشت.

بازار کار

تعمیرکار

۱- **تخصص مورد نیاز**: تعمیرکار ماشین آلات
۲- **تعداد**: ۶ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: آشنایی کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: با توافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۸

شیشه‌ساز

۱- **تخصص مورد نیاز**: شیشه‌سازی
۲- **تعداد**: ۶ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**:
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۶

سرویس کار

۱- **تخصص مورد نیاز**: سرویس کار ماشین رختشوئی
۲- **تعداد**: ۱۰ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: آشنائی با سرویس ماشینهای رختشوئی
۶- **تحصیلات**: حداقل ۶ پیکار
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه و سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۵

قفل‌ساز

۱- **تخصص مورد نیاز**: قفل سازی در و پنجره
۲- **تعداد**: ۱۵ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: باندازه کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۴

نجار

۱- **تخصص مورد نیاز**: درب و پنجره‌ساز
۲- **تعداد**: ۱۰ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**:
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۵

راننده پایه دو شخصی

۱- **تخصص مورد نیاز**: رانندگی اتوبوسهای سبک
تعداد: ۶ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: بمیزان کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۲

آلومینیوم کار

۱- **تخصص مورد نیاز**: آلومینیوم کاری
۲- **تعداد**: ۸ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**:
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یاداشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۴

میکانیک

۱- **تخصص مورد نیاز**: میکانیک ماشین آلات
۲- **تعداد**: ۵ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: داشتن اطلاع کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس. ناهار ارزان
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۸

صافکار

۱- **تخصص مورد نیاز**: صافکار لوازم خانگی
۲- **تعداد**: ۵ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۴۰ سال
۵- **تجربه**: تاحدی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: با توافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۳

برلکار

۱- **تخصص مورد نیاز**: برلکار ماشین آلات
۲- **تعداد**: ۸ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: لازم است
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: با توافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس ناهار ارزان
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۳

برلکار درجه ۱

۱- **تخصص مورد نیاز**: برلکار درجه ۱
۲- **تعداد**: ۱۰ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: داشتن اطلاع کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: با توافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۴

تعمیر ماشین آلات

۱- **تخصص مورد نیاز**: تعمیر ماشین آلات اتوماتیک
۲- **تعداد**: ۵ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: داشتن اطلاع کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: باتوافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه، سرویس، ناهار ارزان.
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۵

مونتاژ کار

۱- **تخصص مورد نیاز**: مونتاژ کار رادیو تلویزیون
۲- **تعداد**: ۶ نفر
۳- **جنس**: مرد
۴- **سن**: حداکثر ۳۵ سال
۵- **تجربه**: داشتن اطلاع کافی
۶- **تحصیلات**: خواندن و نوشتن
۷- **شرایط دیگر**: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- **محل خدمت**: تهران
۹- **حداقل حقوق**: با توافق
۱۰- **مزایای شغل**: بیمه. سرویس. ناهار ارزان
۱۱- **آخرین مهلت مراجعه**: ۵۴/۱۲/۱۵

راننده

۱- **تخصص مورد نیاز**: راننده پایه یکم
۲- **تعداد**: ۱۵ نفر

۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۸

خیاط

۱— تخصص مورد نیاز: خیاط مردانه سری دوز
۲—تعداد: ۳۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: دارا بودن
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۵

باطری‌ساز

۱—تخصص مورد نیاز: باطری‌سازی
۲—تعداد: ۵۱ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: داشتن اطلاع کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۹

تکنیسین

۱— تخصص مورد نیاز: تکنیسین ماشین لب
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: دارا بودن
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۶

آهنگر

۱—تخصص مورد نیاز: آهنگرشاسی
۲—تعداد: ۲۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵— تجربه: داشتن اطلاع کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۸

فلزکار

۱—تخصص مورد نیاز: درب و پنجره‌ساز
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: داشتن اطلاع کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹— حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۰

برقکار

۱—تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲—تعداد: [illegible]
۳—جنس: مرد
۴—سن: [illegible]
۵—تجربه: داشتن اطلاع کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: [illegible] خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۵

ماشین نویس

۱— تخصص مورد نیاز: ماشین نویس فارسی
۲—تعداد: ۱۲ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: آشنائی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱۶

بازار کار—شهرستانها

خرمشهر

۱—نجار: ۱۵ نفر
۲—راننده جرثقیل: ۸ نفر
۳—راننده پایه ۱: ۲۵ نفر
۴—فلزکار: ۵ نفر
۵—خم کار: ۳ نفر

رفسنجان

۱—فروشنده: زن ۲ نفر
۲—فروشنده: مرد ۲ نفر
۳—راننده پایه یک: ۴ نفر
۴—نجار: ۳
۵—تراشکار: ۳

یاسوج

۱—راننده تراکتور: ۱۰ نفر
۲— کارگر ساده: ۱۰ نفر
۳— بافنده: ۲
۴—ریسنده: ۲ "
۵—نگهبان: ۵ "
۶— کارگر صافکار: ۴"

ساری

۱— کارگر بتون‌ساز: ۴ نفر
۲—آرماتوربند: ۵ نفر
۳—مخلوط کن بتون: ۳۰ نفر
۴—جوشکار: ۴ نفر
۵—راننده ماشین حفار: ۴۰ نفر

گلپایگان

۱— کارگر حروفچین: ۳ نفر
۲—خیاط: ۵ نفر
۳—مکانیک ماشین آلات: ۴ نفر
۴— کارگر ریسنده: ۴ نفر
۵—باطری‌ساز: ۱ نفر
۶—مکانیک اتومبیل دیزل: ۱ نفر

اردبیل

۱— کارمند [illegible]
۲—شوفاژکار: ۲
۳— تلفنچی: [illegible]
۴—سرایدار: ۵
۵—جوشکار: ۲
۶— کاشی کار
۷—برقکار: ۳ نفر

یزد

۱—سرایدار: ۵ نفر
۲— ریسنده ۳ نفر
۳—خیاط: ۵ نفر
۴—جوشکار: ۳ نفر

دزفول

۱— ماشین نویس: ۱ نفر
۲—آشپز: ۵ نفر
۳—تحصیلدار: ۱ نفر
۴—راننده پایه یک: ۴ نفر

چالوس

۱—خیاط: ۳
۲— کارگر ساده: [illegible] نفر
۳—ریسنده: ۳ نفر
۴—نقاش: ۴ نفر
۵—باغبان: ۳ نفر

رضائیه

۱— کارمند بومی: ۲ نفر
۲— کارگر ساده بومی: ۴۰ نفر

خوی

۱— تکنسین آب: ۳ نفر
۲— تلفنچی: ۴ نفر
۳—پرسکار: ۴۱ نفر

علاقه‌مندان و واجدین شرایط میتوانند همه روزه تا مهلت‌های ذکر شده در تهران به ادارات کاریابی و در شهرستانها به مراکز کاریابی و یا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

قابل توجه جویندگان کار

از جویندگان کار برای مشاغل زیر دعوت میشود جهت مصاحبه و راهنمائی شغلی تا تاریخ ۵۴/۱۲/۳۰ به مرکز کاریابی و اشتغال یزد و یا به نزدیکترین مرکز کاریابی و اشتغال محل سکونت خود مراجعه نمایند. کارگران ماهر و نیمه‌ماهر که دارای گواهینامه مهارت حرفه‌ای از مراکز آموزش حرفه‌ای ذیصلاح باشند حق تقدم خواهند داشت:

ردیف	نوع شغل	جنس	سن	تحصیلات	سابقه کار	تعداد
۱	کارمند	زن	حداکثر [illegible] سال	دیپلم طبیعی و ریاضی حداقل معدل ۱۴	—	۱۵ نفر
۲	ماشین نویس		"	دیپلم طبیعی، ریاضی و ادبی	یکسال	۴
۳	تلفنچی		" "	سیکل		۱
۴	تکنسین برق	مرد		دیپلم	"	۲ "
۵	خدمتگزار	زن	حداکثر [illegible] سال	ششم ابتدائی	"	۵
۶	قطعه‌شناس یدکی	مرد	"	خواندن و نوشتن		۵ "
۷	گارسن	"	" "	"		۵ "
۸	راننده پایه یک	"	"	خواندن و نوشتن	مهارت در رانندگی اتوبوس	۴
۹	حسابدار	"		ششم ابتدائی	یکسال	۲

۷۰۰۰ نفر در کانونهای کارآموزی آموزش می بینند

کانونهای کارآموزی کشور که مراکز جذب افراد بیکار مملکت و تربیت و تعلیم آنان در رشته ها و حرفه های گوناگون میباشد زیر نظر وزارت رفاه اجتماعی شکل تازه‌ای گرفت وفعالیت گسترده‌ای را در سطح مملکت آغاز کرد. در این زمینه آقای آینه‌چیان مدیر عامل کانونهای کارآموزی کشور ضمن گفتگوئی با [illegible] کارگران فعالیتهای این مراکز را تشریح کرد.

رستاخیز کارگران: کانونهای کارآموزی کشور از چه زمانی فعالیت خود را در زمینه آموزش افراد بیکار و کمک به آنها در رشته‌های مختلف آغاز کرده است.

مدیر عامل کانونهای کارآموزی کشور ابتدا به چگونگی کار و تشکیل این کانون در گذشته اشاره کرد و گفت:

برای افراد معلول انجمن توان بخشی توسعه داده‌شده و برای امر درمان به سازمان تأمین خدمات درمانی شکل تازه بخشیده شده است ولی از آنجا که کلیه افراد میبایستی از برنامه‌های رفاهی که در مملکت اجرا میشود بهره مند شوند در تشکیلات توانبخشی و بازسازی سازمانی بنام سازمان کانونهای کشور بوجود آمد تا در آن افراد بیکار — اعم از معلول و غیرمعلول — معتادان و کسانی که از راه تکدی امرار معاش میکردند نگاهداری و از نیروی کار آنان پس از آموزشهای لازم در بازار کار استفاده شود.

نخست در سیاستهای اجرائی این سازمان که همان کانونهای کارآموزی باشد تجدید نظر بعمل آمد، بدینطریق که در برنامه های آموزشی واشتغال که از هدفهای اولیه کانون میباشد اولویت داده شد زیرا که از طریق آموزش حرفه‌ای میتوان بر مسائل و گرفتاریهای اجتماعی این افراد فائق آمد و آنرا درمان کرد و در واقع این افراد را «کاردرمانی» کرد.

حتی برای اشخاص معتاد هم که در حال ترک اعتیاد هستند وضمناً کار نیز میکنند در حین کار مداوای آنها ادامه یابد و در مورد افرادیکه به تحصیل اشتغال دارند نیز بطور جدی عمل میشود تا در داخل و یا خارج از کانونها تحصیل خود را ادامه دهند و خوشبختانه تا کنون در بین آنها نیز افراد فوق العاده با استعداد و قابل توجه دیده شده است همچنین برای سایر گروههائی که بهر ترتیب و بهر شکل تا اندازه‌ای قابلیت اشتغال داشته اند از قابلیت اشتغال آنان استفاده شده است. از گروههای سنی جوانتر با داشتن پایه تحصیلی در زمینه آموزشهای صنعتی استفاده میشود. از آن جمله میتوان به کانون کارآموزی استان مرکز (کرج) اشاره کرد که در این زمینه به تربیت و آموزش افراد مذکور فعالیت میکند.

کانون کارآموزی کرج

آقای مهندس آینه چیان افزود:

کانون کارآموزی کرج در زمینی به وسعت ۵۰ هکتار در ضلع جنوبی ایستگاه راه آهن حسین آباد کرج واقع شده است و دارای ۲ کارگاه صنعتی و آموزشی است.

در این کانون هم اکنون حدود ۸۰۰ [illegible] افراد بیکار و [illegible] تحت نظارت مددکاران اجتماعی متعهد برای فراگیری آموزشهای حرفه‌ای مشغول [illegible] کارآموزی در حرفه و رشته های مورد علاقه خود هستند این افراد را بیشتر جوانان بین [illegible] تشکیل میدهند و میتوان گفت که ۷۰ درصد افراد کانون را این گروه سنی هستند. این افراد ابتدا یک دوره [illegible] ابتدائی [illegible] زبان خارجی و بعد یک دوره کوتاه مدت [illegible] حرفه‌ای را طی میکنند و پس از آن با گذراندن دوره‌های ۳ تا ۹ ماهه و حتی در بعضی مواقع تا یکسال چنانچه به مهارت کافی دست یابند ضمن

زبان خارجی مخصوصاً [illegible] آموزش حرفه‌ای، کانون کارآموزی طرح یک دبستان [illegible] کلاسه [illegible] یک مدرسه راهنمائی تحصیلی مجهز به [illegible] و [illegible] یک مدرسه [illegible] برای کارآموزان رشته‌های صنعتی و [illegible]

[illegible] و واحدهای [illegible] آموزش [illegible] و [illegible] [illegible] داده شده [illegible] دوره

کارآموزان در کارگاه فلزی کاری زیرنظر مربیان برای بازار کار آماده میشوند

دریافت گواهینامه مهارت فنی از کانون، از طریق ادارات کاریابی به کارخانجات و واحد-های صنعتی معرفی و بکار گمارده میشوند رشته-های مختلفی که در این کانون وجود دارد عبارتند از:

رشته الکترونیک، اتومکانیک، سرد و تهویه، تأسیسات، نقشه کشی و نقشه‌برداری، عکاسی، صحافی سازی، پلاستیک سازی، ریخته گری، موتور و تعمیر [illegible] فلزکاری، [illegible] کاری، [illegible] چوب، حجاری، آموزش رانندگی، [illegible] تراشکاری، [illegible] دوزندگی، [illegible] [illegible] کانون در [illegible] سرگرم آموزش هستند.

یکی از عواملی که موجب پیشرفت هدفهای این سازمان شده است وجود مددکاران اجتماعی متعهد این افراد که تعدادشان ۳۸ نفر است راهنمائی و ارشاد افراد این کانون را بعهده دارند. همزمان با آموزش دوره [illegible]

راهنمائی تحصیلی در خارج از کانون به تحصیلات خود ادامه دهند و چنانچه آمادگی تحصیلات عالیه را نیز داشته باشند مخارج آنان را تا پایان دوره دانشگاهی کانون تقبل کرده است.

ضمنا برای آنکه در امر آموزش دختران کانون نیز وقفه‌ای ایجاد نشود، کانون اقدام به ایجاد کلاسهای حرفه‌ای دخترانه کرده است. در این کلاسها، علاوه بر سواد آموزی، حرفه‌های مفیدی که متناسب با وضع جسمانی آنان باشد نیز آموزش داده میشود و هر یک از [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible].

گذراندن اوقات فراغت در کانون

یکی دیگر از برنامه‌های این کانون [illegible] برنامه است این گروه زیر نظر مربیان [illegible] در جهت [illegible] استعدادهای هنری افراد تحت حمایت کانون و فراهم کردن برنامه‌های هنری و تفریحی فعالیت همه جانبه‌ای دارد و تا کنون موفق شده است با همکاری کارآموزان ۲ سالن

بزرگ آمفی تاتر با گنجایش ۱۵۰۰ نفر — یک مسجد بزرگ با گنجایش ۱۰۰۰ نفر — کلوب روزنامه نگاری (که هر روز یک روزنامه داخلی منتشر میکند) تاتر — کارگاه نقاشی و موزیک را بوجود آورد.

مدیر عامل سازمان کانونها افزود، از وجود گروههائی که از نظر جسمی [illegible] و دارای شرایط مناسبی هستند ولی از لحاظ تحصیلی نمیتوانند تکنولوژی لازم را فرا گیرند در رشته‌های خدماتی مانند کارهای ساختمانی — کشاورزی — استفاده میشود و در این رشته ها افرادی دیده شده که توانسته‌اند استعداد خود را بنحو چشمگیری نشان دهند و حتی قابلیت فراگیری آنان در سطحی عالی بود و تا کنون مزارع سر سبز و گلخانه های مدرن و اکثر کارهای ساختمانی در کانونها بدست آنان ایجاد شده است.

آموزش حین کار و دریافت دستمزد

رستاخیز کارگران: آیا در مقابل کاری که این افراد انجام میدهند دستمزدی به آنان تعلق میگیرد؟

مهندس آینه چیان: همزمان با فعالیتی که این افراد در کانونها میکنند و ضمن آن آموزش حین کار میبینند دستمزدی معادل دستمزد بازار کار دریافت میدارند زیرا هدف این است که این افراد به توانائی و قدرت خود واقف شوند و دریابند که میتوانند از بازده کار خود بهره‌مند شوند و دیگر از طریق تکدی امرار معاش ننمایند و اعتماد به نفس در آنان زنده شود تا سر بار جامعه نباشند و این آگاهی در وجودشان زنده شود که دستهای آنان است که چرخهای اقتصاد این مملکت را بحرکت در می‌آورد و به آنان می‌آموزد که با کار و اشتغال میتوان فردی مفید برای خود و خانواده و اجتماع باشند و برای اینکه دستمزدی که به آنان در مرحله اولیه بازسازی داده میشود باعث تباهی مجددشان نگردد کانون اقدام به تأسیس شعبه بانک رفاه کارگران کرده است و دستمزد این گروه را در حساب پس اندازی که بنام آنان در بانک مذکور مفتوح میشود واریز می کنند و زمانی که مدت کارآموزی آنان بپایان رسید و خواستند در یکی از واحدهای صنعتی مملکت بکاری اشتغال ورزند کلیه پس‌اندازشان به‌آنان پرداخت میشود همچنین در این کانون برای گروه‌های سنی که نمی‌توانند کارهای صنعتی یا ساختمانی انجام دهند کارهای‌سنتی مانند قالیبافی — خیاطی — اتوشوئی در نظر گرفته‌شده و این بدان منظور است که از وجود این افراد نیز استفاده‌شود.

رستاخیز کارگران: افراد کانون پس از چه مدتی میتوانند وارد بازار کار شوند.

مدیرعامل کانونهای کارآموزی گفت: — معمولا کارآموزان پس از طی دوره آموزشی که حداکثر یک سال میباشد میتوانند وارد بازار کار شوند ولی در بین افراد این کانون

بقیه در صفحه ۵۳

یازدهم اسفند مصادف با روز

تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران می‌باشد

ضمن عرض سپاس به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر

از خدای بزرگ دوام سلطنت شهریار

دادگستر ایران زمین را مسئلت داریم.

پاسخ به پرسش های مربوط به

قانون کار

از: دکتر علی اله همدانی

کارگران عزیز استقبال شدید شما از این صفحه و ارسال پرسش هائی در زمینه مسائل مربوط به قانون کار و تامین اجتماعی و طرح مسائل مشکلات خود، در این زمینه باعث خشنودی رستاخیز کارگران گردید. و در این پاسخ گفتن به خواست شما، از این پس ستونهای بیشتری بدین منظور اختصاص خواهیم داد تا بتوانیم هرچه بیشتر برای شما مفیدباشیم.

دوست عزیز آقای یعقوب اسلامیه: الف ـ همانطور که خود نوشته اید، قانون کارچون در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسیده‌است، پاسخگوی بسیاری از نیازهای جامعه روبه پیشرفت کنونی مـا نیست و بهمین لحاظ نیز وزارت کار و امور اجتماعی قانون جدیدی در دست تهیه دارد که از یک سومیتواند پاسخگوی نیازهای کارگران ما باشد و از سوی دیگر بسیاری از موارد ابهام و نقائص کنونی را مرتفع سازد.

ب ـ خدمت متناوب، آنچنان خدمتی است‌که در میان آن فاصله وجود داشته‌باشد و مداوم نباشد، مثلا اگر کارگری ۲ ماه نزد کارفرمائی کار کند و سپس یکماه برود و درجای دیگری کار کند، باز مرتبه دوم سه ماه مجدداً نزد آن کارفرمای اولی کار کند وباز مثلا اخراج شود و بالاخره و بارسوم چهارماه بعد بازگردد و دوماه دیگر هم نزد همان کارفرما کار کند، جمعاً ۷ماه کارمتناوب داشته است.

پ ـ همانطور که اشاره کرده‌اید، ذکر کلمه تقصیر در ماده ۳۳ اندکی مبهم است. البته مراجع حل اختلاف با توجه به اوضاع واحوال سعی میکنند حقی از کارگر ضایع نگردد، ولی در قانون جدید که در دست تهیه است این مشکل نیز مرتفع خواهدشد.

کارگر عزیز آقای محمدحسین بختیاری طی نامه‌ای در باره سهیم شدن کارگران درسود کارخانه ها پرسش کرده‌اند که باید یاد آورشد اصل سهیم شدن کارگران در سود کارگاههای تولیدی و صنعتی در مورد کلیه کارگاههای تولیدی و صنعتی اجرا میگردد واگر احیاناً چنین کارگاهی وجود داشته باشد که کارفرمای آن ازاجرای این اصل خود داری نموده باشد، کارگران میتوانند ازطریق نماینده خود مراتب را به وزارت کار و اموراجتماعی اطلاع دهند وبدون تردید وزارت کار وامور اجتماعی در این زمینه اقدام خواهد کرد.

دوست عزیز آقای یعقوب اسلامیه درنامه دیگری در مورد اضافه کار در کار شب پرسشهائی مطرح کرده‌اند که به ایشان پاسخ داده میشود.

کارگرعزیز، همانطور که مرقوم فرموده‌اید، اضافه کار در هر روز بیش از ۴ ساعت و آنهم با رضایت کارگر و کارفرما باید باشد. در مورد اضافه کار در کارشب یاد آورمیگردد که کار شب عبارت است از کاری که طی مدت ساعت‌ده شب‌تا شش صبح انجام پذیرد.

* دوست عزیز کارگر آقای فرامرز فرح انگیز

پرداخت پنج درصد مزد به کارگرانی که دوره آموزش مخصوص کارگران بیسواد را گذرانده و باخذ گواهی نامه نائل گردیده‌اند، برای کارگرانی است که کاملا بیسواد هستند و تشویق آنان به گذراندن دوره های مذکور و برخورداری از نعمت سواد است، ولی کسانیکه سواد دارند و یا باداشتن سواد وارد کارخانه شده‌اند، نمیتوانند از این ۵ درصد استفاده کنند.

نکته دیگری را که باید در اینجا خاطرنشان سازیم، این واقعیت است که باسواد شدن وبالا بردن سطح سواد، از وظائف همه ما ایرانیان است وباید همگی در این زمینه ازهیچ کوششی دریغ نورزیم ونباید هدف ما از با سواد شدن دریافت ۵ درصد مذکور باشد، زیرا کشوری که در راه پیشرفت وترقی گام برمیدارد، تمام افراد آن لازم است خود را موظف به باسوادشدن بدانند، وبه دیگر هموطنان‌خود نیز در باسواد شدن کمک کنند.

* کارگر عزیز آقای اسفندیار اژدرپور کارگر کارخانه چوب بری اسالم:

بموجب قانون کار، هرگاه کارفرما درصدد قطع رابطه کار برآید ویا بعبارت دیگر بخواهد کارگری را اخراج کند، باید درسال ۱۵ روز حقوق بعنوان سابقه کار بوی بدهد واگر کارگر تحت‌شرائطی بمراجع حل اختلاف‌شکایت کند، مراجع مذکور نیز تا حدود سه سال حقوق کارگر بعنوان غرامت اخراج میتوانند تعیین کنند. حال باتوجه به شکایت شما، اگر این سه محلی که شما در آن بکار اشتغال داشته‌اید، متعلق به کارفرمای واحدی‌باشد، بدون تردید باید از طریق شکایت بمراجع حل اختلاف اداره کار محل، درخواست های خود را عنوان نمایید، مسلماً اداره کاروامور اجتماعی محل به‌شکایت شما رسیدگی خواهد کرد ومفاد قانون کار در موردشما اجرا خواهدشد.

* دوست عزیز کارگر، شادالله رجبی، رانندهٔ شرکت واحد، طی نامه‌ای از اینکه طرح طبقه بندی مشاغل در باره وی بدرستی اجرا نگردیده‌است، شکایت وگله نموده‌اند.

دوست عزیز، هنگامیکه طرح طبقه‌بندی مشاغل تهیه میگردد، نماینده شما کارگران و یا سندیکای کارگران درتهیه وتنظیم وتصویب طرح شرکت ودخالت دارند وسپس این طرح از نظر متخصصان و کارشناسان وزارت کاروامور اجتماعی نیز میگذرد ولذا کمتر ممکن است حق کارگری دراین زمینه ضایع گردد.

تردید نیست که هرگاه چنین موردی پیش آمده باشد، میتوانید بامراجعه به مسؤلان امر در کارخانه و اثبات نظر خود آنان را قانع سازید که درمرتبه و پایه شما تجدید نظر نمایند. ازسوی دیگر میتوانید با طرح خواست خود، در اداره کل طبقه بندی مشاغل کارگران در وزارت کار و اموراجتماعی مشکل خود را حل نمائید.

ضمن عرض صمیمانه ترین سپاس و

خالصانه ترین درود به پیشگاه باعظمت

سالروز تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران

را تبریک می گوئیم.

سپاس به:

طراح کبیر انقلاب و رهبر پرتوان

ملت ایران که با فرمان تشکیل حزب

رستاخیز ملت ایران میهن ما را در مسیر

عمیق ترین تحولات اجتماعی رهنمون گردید

سالروز تشکیل حزب رستاخیز ملت

ایران را تهنیت می گوئیم.

پاسخ‌های قضائی

از: عباس تهرانی—وکیل پایه یک دادگستری

ارثیه پدری و مالیات بر ارث

آقای تهرانی وکیل محترم—ضمن ابراز خوشحالی وتشکر از گشودن صفحه مشکلات قضائی که مرجع مساعدی برای حل مسائل قانونی طبقه کارگر است خواهشمندم به سؤال من جواب بفرمائید:

۱— دارائی پدرما که درقید حیات هستند عبارت از دوخانه ویک باغ ویکصدوسی هزار تومان وجه نقد است ایشان قصد دارند با فروش اموال ووجه نقد خانه دیگری که مناسبتر باشد خریداری نمایند ضمناً تصمیم دارند در زمان حیات خود سهم فرزندان که سه پسر بالغ از جمله بنده ودوهمسر خودرا بدهند آیا در اینخصوص نیزمالیات برارث تعلق میگیرد یانه.

۲— سؤال دوم من اینستکه چنانچه پدرم در زمان حیات خود مبادرت به تقسیم دارائی خود ننمایند بعد از فوت ایشان نحوه وصول مالیات برارث ازورثه چگونه است.

باتشکر—مشهد—سیدمرتضی جلالی

آقای محترم—با تشکر از ابراز محبت شما در خصوص صفحه پاسخ بمسائل حقوقی و مشکلات قضائی کارگران، چنانچه ملاحظه دارید نامه مفصل جنابعالی راکه حاکی ازدو سؤال فوق‌الذکر بود با دقت مطالعه وتلخیص نمودم. امیدوارم که دراستنباط ازنامه وتشخیص سؤالات شما دچار اشتباه نشده وپاسخ شما را دقیقاً داده‌باشم.

۱— چنانچه پدرشما در زمان حیات خود اقدام به تقسیم دارائی خود بین فرزندان ودو همسر با توجه به میزان ارثیه هریک وانتقال آن بنمایند مالیاتی بعنوان مالیات بر ارث بر آن تعلق نمیگیرد واز دو حال نحوه انتقال ایشان خارج نخواهد بود. اول دارائی خود را تبدیل بوجه نقد نموده تقسیم نمایند که دراینصورت انتقال بسیار ساده بوده ومخارجی بآن تعلق نمیگیرد. دوم دارائی خود را که بشکل مال غیر منقول است انتقال دهند که دراینصورت ناچار ازثبت انتقال دریکی ازدفاتر اسنادرسمی خواهند بود ودراینصورت حق الثبت ومالیات برطبق تعرفه مربوط به ثبت معاملات املاک از ایشان دریافت میگردد.

۲— درمورد سؤال دوم شما برطبق آخرین اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم نحوه وصول مالیات ازورثه باینشکل است:

میزان ارث	طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم
تا ۵۰۰۰۰۰ ریال	معاف	٪۲۵	٪۴۰
تا ۷۵۰۰۰۰ ریال	معاف	٪۳۰	٪۴۵
تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال	معاف	٪۳۵	٪۵۰
تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۱۰	٪۴۰	٪۵۵
تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۱۵	٪۴۵	٪۶۰
تا ۴۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۲۰	٪۵۰	٪۶۵
تا ۶۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۲۵	٪۵۵	٪۷۰
تا ۸۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۳۰	٪۶۰	٪۷۵
تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۳۵	٪۶۵	٪۸۰
تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال	٪۴۰	٪۷۰	٪۸۵
بیش ازبیست میلیون ریال	٪۴۵	٪۷۵	٪۹۰

وطبقات عبارتند از: طبقه اول: پدر—مادر—اولاد—اولاد اولاد

طبقه دوم: اجداد— برادر— خواهر و اولاد آنها

طبقه سوم: اعمام—عمات—اخوال و خالات واولاد آنها

با توجه به توضیحات مفصل بالا که امیدوارم پاسخگوی سؤالات شما باشد واینکه از میزان مالیات بر ارث اطلاع کامل بدست آورده باشید بنظر من در صورت آمادگی پدرتان بهتر است ایشان در زمان حیات خود نسبت بانتقال دارائی خود بوراث اقدام نمایند.

شوهرم میخواهد زن دیگری بگیرد

دکتر محترم— مدت سه سال است که از ازدواج من با همسرم میگذرد لکن خداوند بما بچه‌ای نداده است. در اینمدت بسیار معالجه نمودیم چاره‌ای حاصل نشد. شوهرم اوائل زیاد سختگیری نمی کرد ولی بعد که فهمید عیب ازمن است شروع به بهانه گیری نمود و اخیراً نیز ازمن خواسته‌است با ازدواج مجدد او موافقت کنم وتهدید نموده است چنانچه موافقت نکنم مرا طلاق خواهد داد. چون من نمی‌خواهم طلاق بگیرم واز طرفی قلباً هم نمی‌توانم با ازدواج اوموافقت کنم سرگردان مانده‌ام. بعلاوه امکان دارد بزودی معالجه وبچه‌دار بشوم ولی نمی‌توانم اینرا بشوهرم بقبولانم زیرا می‌گوید شاید هم معالجه نشدی، خواهشمندم راهنمائیم کنید که آیا او می‌تواند مرا طلاق بدهد یا بدون موافقت من زن دیگری اختیار نماید.

مومنه‌سرا—بانو بهجت

خواهر عزیز — برای ما ننوشته‌اید که آیا طبق تشخیص پزشک شما عقیم هستید یا دچار بیماری هستید که قابل درمان است اما درصورتیکه اساساً بچه‌دار نتوانید بشوید شوهر شما می‌تواند وفق شق ۳، ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و دادگاه محترم حمایت خانواده پس از بررسی موضوع و احراز صحت ادعای شوهر شما گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد نمود. دراینمورد که آیا شوهرشما بدون اجازه شما می‌تواند همسر دیگری اختیار نماید، پاسخ منفی استو درصورت اقدام به ازدواج مجدد بدون اجازه شما طبق ماده ۱۷ همان قانون بحبس جنحه‌ای از ششماه تا یکسال در صورت شکایت شما محکوم خواهد شد. اما بهرصورت خانم محترم، درصورتیکه بچه‌دارنشدن شما صرفاً یکنوع بیماری قابل درمان است بهتر اینستکه مجدداً با همسرخود از طریق مذاکره اصولی بنتیجهٔ لازم برسید.

درباره قانون تأمین اجتماعی

از: ناصر یوسف‌زاده

«مستمری کم است»

شوهرم یکسال پیش بعلت بیماری سرطان مرد. درموقع مرگ هشت سال بود که سازمان بیمه حق بیمه از او میگرفت. مادر و خواهر شوهرم ازسالها پیش با ما زندگی میکنن. شش بچه کوچک و بزرگ دارم که بزرگترین آنها دوازده‌ساله است بعدازمدتی دویدن وسرگردانی بیمه های اجتماعی قرار گذاشت که ماهی ششصدوسی‌ودوتومان بما بدهد. آیا این انصاف است که هشت سال از کسی حق بیمه بگیرن و کمتر ازنصف حقوقش را هم ندهند مگر نه اینکه شاهنشاه آریامهر دستور فرموده‌اند که تمام مردم باید تأمین داشته باشند آیا این پول زندگی ۹ نفر را تأمین میکند چرا حقوق شوهرم را بما نمیدهند.

زهرا راجی—تهران

خانم محترم

ازواقعه درگذشت شوهرشما بسیار متأسفیم و امیدواریم که بازماندگان آن مرحوم با سرپرستی مادرانه و توأم با فداکاری شما زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشند. برای دریافت مستمری فوت، طبق. قانون سابق بیمه های اجتماعی، بیمه شده متوفی باید سابقه حداقل پنجسال پرداخت حق بیمه داشته باشد که خوشبختانه در مورد شما این شرط وجود داشته و بهمین دلیل هم مستمری بشما پرداخته‌اند. اما نحوه تعیین مبلغ مستمری تابع ضوابط دیگری است که درزیر توضیح داده‌میشود:

۱— مستمری بیمه شده با توجه به سالهای پرداخت حق بیمه ومتوسط مزدی که ازآن حق بیمه کسرشده است حساب میشود. باین ترتیب اگر مثلا متوسط درآمد شوهر شما پانزده هزارو هشتصد ریال بوده است. مستمری استحقاقی شما با توجه به سالهای پرداخت حق بیمه (هشت‌سال) سه هزارریال میشود.

۲— مبلغی که بترتیب بالا حساب شده است اگر ازچهل درصد متوسط درآمد بیمه شده کمتر باشد چهل درصد متوسط درآمد بعنوان مستمری بجای مبلغ مزکور پرداخت میشود که درمورد شما چهل درصد درآمد متوسط پانزده هزاروهشتصد ریال، شش هزاروسیصدوبیست ریال میگردد.

۳— درحالتی که مبلغ مستمری ازحداقل مزد ماهانه (فعلا ۳۶۰۰ ریال) کمترباشد حداقل مزد پرداخت میشود. در مورد شما خوشبختانه چهل درصد متوسط مزد ازحداقل مزد بیشتر است و همان مبلغ بشما پرداخت میشود.

ضمناً شما را باین امر توجه میدهم که خواهرشوهرشما طبق قانون بیمه های اجتماعی سابق وقانون تأمین اجتماعی جزو افراد بازمانده بیمه شده متوفی که استحقاق دریافت مستمری بازماندگان را داشته باشند، محسوب نمیشود. اشخاصی که میتواند بعنوان بازماندگان شوهر متوفی شما مستمری دریافت کنند عبارتند از:

الف) همسر متوفی.

ب) فرزندان او که سن آنها از ۱۲ سال کمتر است واگرسن از ۱۲ سال بیشتر باشد باید منحصرا مشغول تحصیل باشند.

پ) مادر متوفی که سن او از ۵۵ سال بیشتر بوده وتحت تکفل او باشد. باین ترتیب شماو فرزندانتان و مادر شوهر متوفی شمامستحق دریافت مستمری هستید.

«سابقه‌من بحساب نیامده‌است»

از پانزده‌سالگی کارگری میکنم و ازسال ۱۳۲۲، هم دریکی از کارخانه های مازندران کار کردم سه سال پیش بازنشسته شدم موقع بازنشستگی ماهی دوهزار تومن مزدم بود ولی بیمه اجتماعی همه سابقه کارگریم را قبول نکرد و مستمری مرا هزاروصد تومن حساب کرد. با این گرانی وخرج زیاد با این پول چه کنم سی سال حق بیمه دادم ولی حالا بمن میگن همه سابقه تو را نمی‌توانیم قبول کنیم. بعلاوه من با سه بچه صغیر زندگیم سخت است و الان هم احتیاج به دکتر و دوا دارم ولی بیمه معالجه نمیکند. بهرکس میگم جواب میده این قانونه آیا نباید بکارمن رسیدگی بشه خیلی ازجواب شما خوشحال میشوم. **رحیم حاج اوغلی، بهشهر**

دوست عزیز

در کشورما بیمه بازنشستگی در نظام بیمه های اجتماعی ازسال ۱۳۲۸ شروع شده است وقبل ازاین تاریخ هرگاه کارگری بیمه بوده و حق بیمه پرداخته است مشمول بیمه حوادث بوده و بابت بازنشستگی حق بیمه نپرداخته است. بهمین جهت سازمان بیمه های اجتماعی سابق از سال ۱۳۲۸، سابقه شما را بحساب گرفته و بنابراین در موقع بازنشستگی ۲۲ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته‌اید و با توجه به سالهای پرداخت حق بیمه و متوسط حقوق که اظهار داشته‌اید دوهزار تومن بوده است مستمری شما حساب شده و به مبلغ یازده هزارریال تعیین گردیده است. اما اینکه اظهار داشته‌اید سه بچه صغیر داشته و با وصف اینکه نیازبداروو درمان دارید مع‌الوصف شما را برای معالجه نمی‌پذیرند باید توجه فرمائید که طبق قانون بیمه های اجتماعی سابق، بازنشستگان و ازکارافتادگان نمیتوانستند از خدمات درمانی استفاده کنند ولی خوشبختانه این محدودیت درقانون تأمین اجتماعی ازبین رفته و کلیه بازنشستگان و افراد خانواده آنها، کلیه از کار افتادگان کلی و خانواده آنها و همچنین افراد خانواده بیمه شده‌متوفی که مستمری بازماندگان در مورد آنها برقرارشده است میتوانند از بیمه درمان استفاده کنند و امکانات درمانی سازمان تأمین خدمات درمانی دراختیارآنهاست. باین ترتیب شما میتوانید با مراجعه به شعبه‌ای که امورمربوط بمستمری شما درحوزه‌آن حل وفصل میشود مدارک لازم را در مورد خود و فرزندان واجد شرائط تحت تکفل خویش تسلیم نمائید ودفترچه بیمه درمان دریافت کنید.

کارگران میتوانند به نزدیکترین... بقیه از صفحه ۲۱

سندیکا) : لازم است نسبت به انجام بهرموری هرچه سریعتر عمل شود.

دکتر رحمانی : میدانیم که اغلب کارگران از سازمان بیمه های اجتماعی گله و شکایت داشتند و بدان معتقد هم هستیم ومقامات مسئول مملکتی نیز بهمین جهت ایجاد و تأسیس سازمان تأمین خدمات درمانی را تأکید کردند. بنا بر آنچه گفته شد و با توجه به اینکه بموازات افزایش ۲ درصد حق بیمه و درصد پرداختی کارفرما و کمک دولت که جمعاً حق بیمه شما را به ۳۰ درصد افزایش داده ، اگر کمی بطول انجامد تا برنامه ها ، کامل و جامع تنظیم شود هیچگونه ناراحتی خاصی برای کارگران باقی نمی‌ماند . بخصوص که ما توقع افزایش حق درمان نخواهیم داشت و همین ۹ درصد را کافی برای درمان دوستان کارگر میدانیم . یکی از دوستان من گله داشت که بیمارستانی از پذیرش همکارشان که سوزن به پایش رفته بود ، خود داری کرده است . اولا اگر توصیه شما جنبه دخالت در کار پزشکی داشته ، اجازه بدهید بگویم حق با پزشک معالج است ، چون در کار پزشکی حتی هیچ دکتری ، ولو آنکه رئیس بیمارستان باشد ، حق دخالت ندارد و اگر جنبه اداری دارد بفرمائید تا شخصاً موضوع را تعقیب کرده و نتیجه را به اطلاعتان خواهم رسانید (نام بیمارستان ، پزشک و شماره کارت بیمار برای پیگیری موضوع یاد داشت شد . رستاخیز کارگران).

یکی دیگر از آقایان هم گله داشتند که بیمارستانها و درمانگاهها دو بیمار از یک خانواده را در آن واحد نمی پذیرند . این موضوع هم مربوط بزمان سابق است و حالا اگر بجای دو نفر ، چند نفر هم مراجعه کنند ، درمان خواهند شد.

رستاخیز کارگران : در جلسه‌ای که با حضور آقای دکتر مرتضی روحانی داشتیم ، ایشان وعده دادند تا نوروز امسال کار صدور دفترچه ها به اتمام خواهد رسید.

دکتر رحمانی : فکر میکنم در این مورد توضیح کافی داده ام ، کوشش خودمان را خواهیم کرد و بتدریج تا حصول موفقیت کامل ، امکانات لازم را در اختیار کارگران خواهیم گذاشت.

میرزا آقا موسوی : فرمودید مرکز پزشکی «به آور» در فیشرآباد آماده بهره برداری شده است چرا این مرکز را در جنوب شهر که مرکز کارگران است نساختید ؟ در گذشته همسازمان بیمه های اجتماعی زمین بسیار وسیعی را در شهر ری خریداری کرد که بیمارستان بسازد ، تا کارگران بیمار و عیادت کنندگان آنها از تسهیلات بیشتری برخوردار شوند ، چه اشکالی دارد که بیمارستانی در همین محل ساخته شود ؟

دکتر رحمانی : درمورد اول مرکز به آور را در فیشرآباد داشتیم و ظرف ۶ ماه آنرا آماده ساختیم اگر از این نوع مراکز سراغ دارید بفرمائید تا بلافاصله اقدام کنیم . درمورد قسمت دوم سئوالتان بیمارستان پزشک میخواهد پرسنل می‌خواهد ساختمان برای پزشکان لازم دارد . فرض کنیم اعتبار موجود بود و اصولا ساختمان بیمارستان هم ساخته و آماده شده است . آیا فقط با ایجاد ساختمان نیازها رفع میشود یا طبیب وپرسنل وامکانات دیگر هم لازم است . راجع به دوری مسافت هم بیمارستان رضاشاه کبیر و همچنین بیمارستان خزانه از جمله بیمارستانهای جنوب تهران هستند که میتوانند مورد استفاده شما قرار گیرند.

رستاخیز کارگران : گمان میکنم درمورد مسائل درمانی ، از سوی آقای دکتر رحمانی توضیحات کافی داده شده است . از آقای اصغر شکیبا نماینده سازمان تأمین اجتماعی خواهش میکنیم در پاسخ مطالبی که عنوان شد ، توضیحاتی بدهند.

اصغر شکیبا : (نماینده سازمان تامین اجتماعی):اجازه بدهید درباره مبلغی که بابت مستمری از آقایان کم میشود ، ابتدا مطالبی بعرض برسانم (ایشان ماده ۸۹ قانون مربوط به کسر حق بیمه بابت مستمری را قرائت کرد) بموجب این ماده از هر مستمری، بگیر بازنشسته، خواه از کارافتاده و یا فوت شده سازمان ۲ درصد کسر میکند . حالا ببینیم این ۲ درصد چه مبلغی میشود؟

۲ درصد ۵۰۰/ تومان= ۱۰ تومان، ۲درصد ۲ هزارتومان، ۴۰ تومان و... پنجهزار تومان که حداکثر مستمری است ۱۰۰ تومان میشود، حال اگر هر کارگر با خانواده‌اش حدود ۴ الی ۵ نفر باشد ، برای کسی که مستمریش بفرض ۵۰۰ تومان وعائله اش ۵ نفر باشد، ماهانه فقط ده تومان بابت تأمین اجتماعی میپردازد.

از طرف دیگر، اگر سهم سرانه هر یک از افراد خانواده را که ۴۰ یا ۴۲ تومان است محاسبه کنیم، برای پنج نفر رقمی معادل ۲۰۰تا ۲۱۰ تومان میشود. بعبارت دیگر ۲۱۰ تومان سهم تأمین اجتماعی اوست وحال آنکه فقط ۱۰ تومان پرداخته است، محاسبه ارقام بعدی را بعهده خود شما میگذارم. شما بهتر از من میدانید، در گذشته برای کسی که بتواند از مزایای از کارافتادگی غیرناشی از کار استفاده کند، حداقل ۵ سال سابقه لازم بود که درقانون کنونی بحداقل یکسال رسیده، همچنین بخاطر دارید که برای سابقه ۹۰ روز کارگران عزیز به صف می ایستادند در گذشته برای تعلق بیمه میبایستی حداقل سه ماه از تاریخ استخدام کارگر بگذرد) ولی در وضع کنونی از اولین روز استخدام مشمول بیمه میشوند بنا بر این راجع به ۷ درصدی که از حقوق شما کسر میشود خواهش میکنم هیچگونه نگرانی نداشته باشید، بخصوص که میدانید کارها براصول حساب و کتاب استوار است و دستگاهی وجود دارد که حسابرسی بخواهد. بعلاوه افزایش ۲ درصد مبلغی نیست که قابل بحث باشد آنچه را که شما باید مطالبه کنید، سرویس خوب، درمانگاه خوب و بیمارستان خوب است.

در مورد حوادث غیر ناشی از کارهم، توضیحاتی برایتان میدهم، درقانون کنونی حادثه را حادثه میشناسند، چه مربوط به تصادف با اتومبیل باشد وچه درمحل کار بوقوع پیوسته باشد. بهرصورت چون کارگر، خود در این حادثه دخالتی نداشته و دچار نقص عضو شده، همان مزایائی باید به او تعلق گیرد که بحوادث ناشی از کار.»

میرزا آقا موسوی: «پس از فراغت از مسائل مربوط به سازمانهای خدمات درمانی و تأمین اجتماعی درمورد قانون کارهم مساله بی مطرح است وآن مساله ناشی ازاجرای تبصره ذیل ماده ۳۳ قانون کاراست در این تبصره آمده است که اگر کارگری ترک کار ویا یک طرفه قرارداد را فسخ کند، فقط سالی ۱۹ روزحقوق به او تعلق می گیرد و اخراج میشود. حال ببینیم نقص این قانون در کجا است، اگر کارگری با بیش از ده سال سابقه کار پیشنهاد کند بلحاظ تخصص ومهارتش در گروهی قرار گیرد که دستمزد بیشتری دارد و

بقیه درصفحه ۹۲

سالگرد تاسیس حزب رستاخیز ملت ایران را

به پیشگاه پرچمدار بزرگ رستاخیز ایران

شاهنشاه آریا مهر

وهموطنان عزیز شاد باش میگوئیم

کارگران ،کارمندان ونمایندگان فروش

شرکت سهامی ارج

(سهامی عام)

نامیکه میشناسید و بآن اطمینان دارید

کارگاه خنده

زیرنظر: علی طوافزاده

آخرین آرزو

در شهر فرنگ مردی را به جرم قتل به پای صندلی الکتریکی کشیدند و برای آنکه در آخرین لحظات عمر خوشحالش کرده باشند، از او پرسیدند:

— آخرین آرزویت چیه؟

— آخرین آرزوی من اینه که در قطب شمال دفنم کنید!

— در قطب شمال واسه چی؟

— برای اینکه مادر زنمو در قطب جنوب دفن کردن!

ارتباط کمبود گوشت و تنظیم خانواده

خبرنگاری که برای کشف علت کمبود گوشت به هر دری زده بود سرانجام به گوسفندی رسید و این سئوال شد. جناب گوسفند چرا گوشت کم شده

گوسفند زبان بسته به زبان آمد و گفت. قربان! حالا دیگه ما هم با شما ادبا همصدا شدیم، بچه کمتر زندگی بهتر

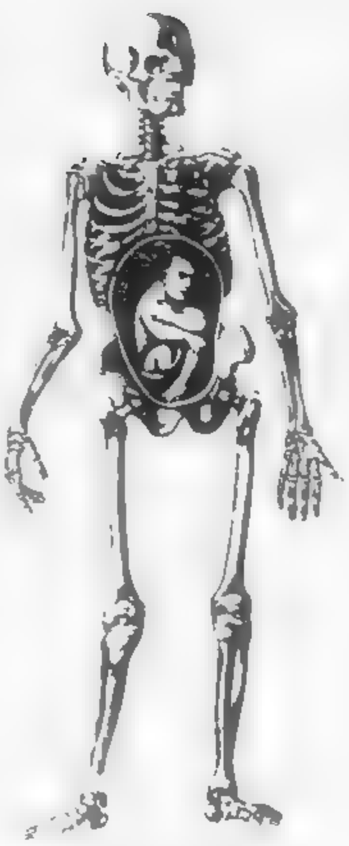

بدون شرح

قصه زندگی...!

کمال آقا و کبری خانم سالها بدون هیچ اختلافی با هم زندگی میکردند اما یه روز که انگار کمال آقا از دنده چپ بلند شده باشه نق ونوق کنان گفت: دیگه خسته شدم، چه زندگی یکنواختی، چرا ما باید اینقدر با هم خوب باشیم! دیگه امروز باید ادای زن وشوهرهای راستکی رو دربیاوریم!

کبری خانم: خوشی زده زیر دلت، نه؟ مگه زن وشوهرهای راستکی چه اداهائی دارن که ما نداریم؟

کمال آقا سیلی محکمی به صورت کبری خانم زد و گفت:

— فعلا اینو داشته باش تا بقیه اداهاشونو نشونت بدم!!

پیرایش مجانی

قهرمان بی رقیب

دسته گل...!

پسربچه کوچولو شتاب زده وارد خانه اشان شد و به مادرش گفت: مامان، مامان، من و کتی دختر فاطمه خانم می خواهیم با هم عروسی کنیم، چون دسته گل به آب دادیم!

مادر پرسید: چی میگی بچه، کدوم دسته گل؟

پسربچه جواب داد: همون دسته گل تو گلدون رو دیگه!

دردسر!

طالع بین کف دست خانم را می دید: شما بزودی تو یک دردسر بزرگ می افتید!

خانم با وحشت پرسید: چطوری؟

طالع بین گفت: همچی سرتون به شدت دردمیگیره!

کدوم

پسر جوان زیر پنجره معشوق ایستاده بود و سوزناك زمزمه میکرد:

کدوم شاعر، کدوم عاشق، کدوم مرد نورود پدو ...

که ناگهان از پنجره معشوق صدا در آمد که:

— کدوم احمق، کدوم دیوونه ای میتونه این صدا رو تحمل کنه!؟

هر کی زورش بیشتره

قصه عشق

پسر- آه عشق من، اونقدر دوستت دارم که می خوام فدات بشم معبود جاودانی من.

دختر- اوه عزیزم، من اونقدر دوستت دارم که می خوام تمام دنیا رو بریزم زیرپات.

پسر- اوه نه عزیزم تمام دنیا لازم نیست، فقط به باباجونت بگو پس اون ماشین جاگوار کوچولوی من چی شد؟!!

سلف سرویس شرکت

سلف سرویس با هزینه ۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال برای استفاده بیش از ۱۸۰۰ نفر

کارگرو کارمند کارخانه کانادادرای

در عکس فوق یکی از مدیران شرکت ساسان در حال بازدید از وضع سالن غذاخوری کارگران دیده میشود.

نمایی دیگر از رستوران (سلف سرویس) مجلل شرکت ساسان که با هزینه ۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال ساخته شده است.

رستوران مجهز

رستوران دارای دکوراسیون بسیار ساده‌ایست بافضای کافی ودوسالن جداگانه یکی برای کارمندان و دیگری برای کارگران، البته ازنظرتجهیزات داخلی هردوسالن از یک نوع وسایل برخورد است . برروی دیوارها نقاشی های بسیار قشنگی که ازسادگی خاص برخوردار است بچشم میخورد وازهمه بهتر شعارهائی که همه ازفرمایشات شاهنشاه آریامهرواصول انقلاب است که باخط بسیار زیبائی برروی دیوارها نوشته شده است که منظره خاصی به رستوران داده است.

این رستوران (سلف سرویس) ازیک آشپزخانه مجهز برخوردار است که درنوع خود کامل است وقادربه تهیه غذا برای بیش از ۲/۰۰۰ نفر است.

درمورد چگونگی کارو برنامه غذائی رستوران مدیر رستوران این طور توضیح داد .

همه روزه دونوع غذادررستوران طبخ میشود وقیمت هر وعده غذا که شامل چلوخورش و یک عدد نان سنگک، میوه فصل و یک نوشابه غیرالکلی میباشد برای کارگر ن۲ ۱ ریال است که این قیمت مورد تصویب همه کارگران واقع شده است سپس مدیر رستوران شرکت ساسان درمورد نحوه استفاده کارگران از رستوران توضیحاتی این چنین میدهد .

برنامه غذائی رستوران همه روزه ازساعت ۱۱½ شروع میشود و تاساعت ۱۳½ ادامه دارد که کارگران بصورت گروه های مختلف ازبخشهای مختلف طبق برنامه‌ای که قبلا پیش بینی شده است برای مدت نیم ساعت ازرستوران استفاده می کنندو بصرف غذامشغول میشوند .

کارگران غذای خود را بهمراه شنیدن موزیک آرامش بخش وگوش کردن به برنامه مخصوص خودشان یعنی برنامه کارگران ازراديو صرف می کنند . وباخروج یک گروه گروه بعدی جایگزین آنان میشوند . وبدین ترتیب ازتراکم وشلوغی و انتظار جلوگیری میشود وهر کارگرمیداند که درچه ساعتی میتواند باخیال راحت و یک آسایش همه جانبه ازرستوران استفاده کند . و غذای روزانه خود رابدون دغدغه صرف نماید.

وچه بجاست که متذکرشویم درپایان دیدارمان ازرستوران کارگری شرکت ساسان باغذای لذیذ و مطبوع رستوران ازما پذیرائی شد که الحق مطبوع و لذیذ بود .

دردنیای کنونی مسئله تغذیه وتوجه بدان بحدی مهم جلوه گر شده است که میتوان گفت حتی نیمی از کارهای دول وحکومت‌ های دنیا صرف این مسئله و تولید مواد غذائی بحد کافی برای ملت ها میباشد بطوریکه برای رسانیدن ارزاق به بازارها از

ساسان افتتاح شد

مدرنترین وسیله حمل و نقل روز یعنی هواپیما نیز استفاده میشود. بدین معنی که تکنولوژی مدرن نیز در خدمت تغذیه بشر درآمده است و بصورت خلاصه بدین نتیجه میتوان رسید که اگر بشر به مدرنترین وسایل لوکس تکنولوژی نیز دست پیدا کند. انجام بدون تغذیه نمیتواند بحیات ادامه دهد و درصورت متزلزل بودن وضع تغذیه و یا غیر بهداشتی بودن آن نه تنها سلامت جسم را مواجه با بیماری مینماید بلکه روح و روان را نیز دچار بیماری های روانی وعصبی می نماید.

حتی علم پزشکی امروز توصیه می کند که صرف غذامیبایست درمحیط مناسب و دور ازهیاهو و دغدغه صورت گیرد و با موزیک ملایمی توام باشد که روح آدمی نیز از صرف غذا بی بهره نماند. بعبارت دیگر تغذیه خوب و بهداشتی پشتوانه ایست برای حفظ سلامتی بدن وسالم بودن ضمانت نامه ای است برای بهتر زندگی کردن درصورتیکه طبق برنامه وضوابط خاصی انجام گیرد.

خوشبختانه در کشورما به مسئله تغذیه اهمیت فراوان داده میشود کما اینکه بنا بر فرمان شاهانه که درسال گذشته شرف‌صدور یافت تمام کودکان و دانش آموزان درمدارس هر نیمروز از تغذیه رایگان بهرمند میشوند و این خود بدلیل پراهمیت بودن مسئله تغذیه میباشد.

از آنجا که شرکت ساسان تولید کننده نوشابه های کوکاکولا، سون‌آپ و کانادادرای که همواره به فکر در رفاه بودن وبالا بردن پرستیژ کارگری بوده است این بار اقدام رفاهی خود را درخدمت تغذیه کارگران بکار گرفته است و با تاسیس و ایجاد یک رستوران کاملا بهداشتی که بصورت سلف سرویس اداره میشود رفاهی دیگر که شامل تغذیه بطورصحیح است در کارخانه بوجود آورده است.

هدف از تاسیس رستوران (سلف سرویس)

در این مورد گفتگوئی داشتیم با مدیرعامل شرکت که توضیحاتی باین شرح برای ما دادند.
شرکت ساسان همیشه کوشیده تا دراقدامات رفاهی کارگران جدی و کوشا باشد. و مسئله تغذیه کارگران در کارخانه امری نبود که بدان بی توجه بود وبطور جدی به آن نگاه نکرد زیرا که قبل از تاسیس این رستوران (سلف سرویس)، هر کارگر با توجه بساعت کار وموقعیت کاریش مجبور بود که غذای روزانه اش را با خود از منزل حمل نماید که نتیجه خوردن غذای سرد و غیر بهداشتی ولذت نبردن از غذای خورده شده بود.

صرف غذا نه تنها بصورت غیر بهداشتی وسرد بود بلکه احتمالا گاهی خالی ازمواد کافی غذائی هم بود. علاوه بر اینکه کارگران مجبور بودند بواسطه نداشتن و نبودن وسایل کافی اکثراً غذای مصرفی روزانه اشان را روی زمین داخل کارگاه و یا درمحوطه کارخانه صرف کنند که این خود خالی از اشکال نبود و بدین ترتیب سلامت و بهداشت کارگران همیشه مواجه باخطر بود.

به منظور پیش گیری از تمام موارد مذکور و برای جلوگیری از حمل غذای روزانه توسط کارگران وصرف غیر بهداشتی آن اقدام بتاسیس این رستوران (سلف سرویس) کردیم که خوشبختانه نتایج آن تا کنون برای کارگران مفید و مثمر ثمر بوده است این رستوران (سلف سرویس) که با هزینه ۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال تاسیس شده است نه تنها مورد استفاده ۱/۶۰۰ کارگر شرکت ساسان میباشد بلکه کارمندان نیز از غذای سلف سرویس استفاده می کنند و همگی آنان رضایت کامل و خرسندی خود را بارها ابراز داشته اند.

ومیبایست ازصمیم قلب اظهار دارم که دررفاه‌بودن کارگران باعث‌دلگرمی ودقت‌بیشترآنان بکاروخوشحالی زایدالوصف ما مسئولان شرکت ساسان میگردد.

گفت‌وگوبا کارگران درمورد تاسیس این رستوران

پس‌از توضیحات مدیرعامل شرکت‌ساسان‌در مورد تاسیس سلف‌سرویس به‌نظر خواهی از کارگران میپردازم و نظرآنان‌رادر مورد ایجاد رستوران جویا میشوم که جوابهائی این‌چنین دریافت می کنم.

خوردن‌غذای گرم بعداز کارچندساعته تمامی خستگی مارا ازبین میبرد. وعده‌ای دیگر عقیده‌دارند؛ توجه مسئولان شرکت ساسان نسبت باحداث این رستوران بحال مامفیدبوده است زیرا که همه‌روزازغذای گرم وارزان و متنوع برخورداریم ودیگرمجبور به‌صرف غذا درروی زمین کارخانه نیستیم بلکه بطرزبسیار لذت‌بخش غذایمان را درروی میزو کناردوستان کارگرضمن گفتگو و درمکانی پرازآسایش‌ودورازگرمای تابستان وسرمای زمستان و در محیطی بسیار دوستانه صرف می کنیم. درمورد اثرات مفید ایجاد این رستوران نه‌تنها کارگران‌ابرازرضایت کامل داشتند بلکه کارمندان شرکت ساسان نیز که همه‌روزه ازغذای رستوران (سلف‌سرویس) بهرمندمیگردند رضایت و خرسندی خودراابرازمیداشتند.

من اسیر عذاب و

به محض اینکه صدای سوت کارخانه در فضای نیم بستهٔ کارگاه طنین افکند، من نیز مسان صدها کارگر دیگر دست از کار کشیدم تا برای صرف ناهار آماده شوم. آن روز طبق دستور مدیر کارخانه قرار بود که من بعد از ناهار برای کارگران تحت عنوان کار و مسئولیت سخنرانی کنم. بهمین سبب به مجرد تعطیل شدن موقتی کارگاه شتاب زده به دست شوئی رفتم تا حتی‌المقدور زودتر به کارم برسم.

در آستانهٔ دستشوئی بودم که متوجه شدم مسئول اطلاعات کارخانه از طریق بلندگو مرا احضار می کند که برای ملاقات ارباب رجوعی به دفتر بروم. با اینکه وقوع چنین صحنه هایی تازگی نداشت، معهذا من ناخود آگاه احساس کردم که این احضار ماجرای غیر مترقبه یی به دنبال خواهد داشت. از این رو با نوعی پریشان خاطری مجهول از راهروی دست شویی خارج شدم و بسرعت بطرف در خروجی کارخانه رفتم.

درحالی که نگاه استفهام آمیز و جستجوگرم را به حول و حوش در می کشیدم یکباره پسر اعظم را دیدم که با تکانهای سریع دست مرا بطرف خویش می خواند.

از دیدن وی آنچنان شگفت زده و متحیر شدم که چیزی نمانده بود با عزمی قاطع به تندی باز گردم و اشاراتش را نادیده انگارم. با وجود این حس مرموزی وادارم کرد که با غیظ و عصبانیت تمام به حرکتم ادامه دهم. سبب ناراحتی من از دیدن او این بود که در آخرین ملاقات با مادرش او را قانع کرده بودم که تا چندی از گرفتن تماس مستقیم با من خود داری کند. هر چند که به زعم خودم دلیل نداشت من و آن زن با یکدیگر مصاحبت ومراوده داشته باشیم.

در همانحال که بسوی در خروجی می‌رفتم، برای چندمین بار گذشته ها به ذهنم نشست و خاطراتی را که می‌بایست برای همیشه فراموش شود، دریادم زنده کرد.

به یاد آوردم که متجاوز از پانزده سال قبل بر اثر ضرورت شغلی ناگزیر از پذیرش مأموریتی دریکی از شهرهای جنوب کشور شدم. با اینکه در نخستین مراحل کار قرار بود که مأموریتم جنبه موقت داشته باشد، اما پس از سه هفته که از اقامتم در مسافرخانه گذشت، دستوری رسید که باید حداقل شش ماه در محل مأموریت بمانم. مفاد ابلاغ آنچنان صریح وقاطع بود که لازم دیدم بجای تحمل هزینهٔ نامتعارف مسافرخانه، در یکی از خانه‌های شهر اتاقی بگیرم و درصورت امکان زن و فرزندانم را نیز به آنجا منتقل کنم.

بهمین نیت چند روزی وقت و کارم را صرف یافتن اتاق کردم، تـــا سرانجام در یکی از خانه های مرکز شهر که در مالکیت بیوه‌یی میانسال بود، محل مطلوبی پیدا کردم. چند روزی از سکونتم در خانهٔ جدید گذشته بود که ما وقع را طی نامه‌یی به اطلاع همسرم رساندم و از او خواستم که در صورت داشتن تمایل، مقداری از اثاثهٔ مورد نیاز را بر دارد و بمن بپیوندد. اما هنگامی که پاسخ نامه‌ام رسید دریافتم پدرش با ذکر دلایلی درخور پذیرش عزیمت همسر و فرزندانم را ضروری ندانسته و با این قصد مخالفت کرده‌است. من با اینکه دروهله اول از این واقعه شدیداً مکدر و آزرده خاطر شدم، لیکن پس از آنکه دلایل وی را مورد بررسی قرار دادم، متوجه شدم که حق با اوست و اقامت چند ماههٔ من در شهرستان ارزش جابجایی وناراحتی خانواده‌ام را ندارد.

درخانه‌یی که من سکونت داشتم، علاوه برصاحبخانه و یگانه دختر بیست و چند ساله اش اعظم، دو خانوار دیگر نیز زندگی می کردند که تصادفاً رؤسای هر دو خانواده از طبقهٔ کارگر و هم سطح با من و خانواده‌ام بودند. دختر صاحبخانه که بعداً شنیدم بر اثر جدایی از شوهرش بیوه شده و لاجرم با مادرش زندگی می کند، زنی بسیار خوش قامت و زیبا بود. با اینکه در ابتدای امر در بارهٔ وی هیچ نمی‌دانستم، اما پس از اینکه یک ماه از اقامتم در آن خانه گذشت، دریافتم وی از آن دسته زنان بیوه است که به زندگی عادی و متعارف قانع نمی‌شوند و نـــاگـــزیـــر در خـــارج از خانه سرگرمیهائی دارند، با اینکه درهفته های نخست رفتار وی را عادی تلقی کردمو امری خصوصی انگاشتم، لیکن پس از چندی ناخود— آگاه توجهم به او جلب شد. اگر آن روزها برای این عطف‌توجه دلیلی نمی‌یافتم، اما امروز بخوبی می‌دانم که عشوه‌گریهای بی‌حد وی از یک‌سو و تنهائی ممتد من در غربت‌آنهم بدور از زن و فرزند، مهمترین عواملی بود که مرا خواه‌ناخواه بطرفش کشاند و حس کنجکاویم را برانگیخت.

متجاوز از سه‌ماه رابطهٔ من و او در نگاههایی رمزآمیزوسخنانی کنایه بار خلاصه می‌شد، تا اینکه یک‌روز در غیاب مادرش فرصتی یافتم و بی‌محابا لب به تحسین‌اش گشودم. او که پنداشتی مدتهاست در آرزوی رسیدن به چنین لحظه‌یی ثانیه‌شماری می کند، خندهٔ دلفریب واحساس برانگیزی زد وگفت:

— شما مگر زن ندارید، آقای شرافتمند؟!

من که در برابر نخستین‌حملهٔ حسابگرانهٔ او آشکارا جاخورده بودم، شهامتی بخودم دادم وگفتم:

— مگر نمی‌دانی که هر مرد می‌تواند چهار زن بگیرد؟

با صدایی که آمیخته باشرمی ساختگی بود، گفت:

— امامن سرهوو نمیام!

این بار من با صدای بلند خندیدم و جواب دادم:

— خیلی‌خب، برای او یک‌فکری می کنم!

با اینکه ضمن ادای این عبارات مطمئن بودم که ورود وی به زندگیم، کوچکترین خدشه وخللی درعلاقه‌ام به همسرم ایجاد نخواهد کرد، باوجود این هنگامی که آخرین جمله را برلب راندم آشکارا تکانی خوردم و احساس شرمساری کردم. با این حال جهالت ودیوانگی دوران جوانی، همراه با دوری اضطراری از همسرم باعث شد که این برخورد اساس و شالودهٔ رابطهٔ بعدی ما شود ومن و او خواه‌ناخواه درگناهی نابخشودنی غوطه‌ورشویم.

رابطهٔ من و اعظم ماهها برقرار بود تا اینکه دوران مأموریت من به پایان رسید و اضطراراً به تهران برگشتم. حدود دوماه از بازگشتم گذشته بود که نامه‌یی از وی به دستم رسید. مضمون نامه‌آنچنان وحشتناک بود که من آشکارا تکانی خوردم و مدتها متحیر و بهت‌زده ایستادم. اعظم نوشته بود که چون از من باردار شده، ناچار تصمیم‌گرفته است با مرد مسنی که بهیچوجه شایستگی وی را ندارد ازدواج کند! او با اینکه در این نامه چیزی از من نخواسته و هرگز متعهدم نکرده بود، معذلک احساس کردم که قصدش از این هشدار، برقرار کردن زمینه‌یی برای آیندهٔ نامعلوم است. من به عللی که برایم از هرجهت موجه و مقرون بصرفه می‌نمود پاسخش را ندادم و مصمم شدم که حتی‌المقدور کمتر به این خبر با اعطار بیندیشم، زیراگذشته از هرچیز چون اطمینان داشتم که وی جز من با دیگران نیز روابطی نامشروع داشته، مدعایش درمورد نطفهٔ واهی نمی‌تواند درخور پذیرش باشد. مدتی از این ماجری گذشت و من تقریباً همه‌چیز را فراموش کرده بودم که یک‌روز او بدون مقدمه و خبرقبلی بدیدنم آمد. من از دیدنش آنچنان شوکه شدم که تا چند لحظه توان ابراز هرگونه واکنشی را از دست دادم. اعظم که بـــه زودی متوجه دگرگونی من شده بود، دیدارش را عادی جلوه‌گر ساخت و افزود که چون همراه شوهرش برای گردش به تهران آمده، ترجیح داده است که ملاقاتی نیز بامن به عمل آورد. جالب اینکه پسر دوساله‌اش را هم با خود آورده بود. هنگامی که نگاه مرا متوجه فرزندش دید، یکی از همان خنده‌های معنی— دارش راسرداد وگفت:

— می‌خواهی ببینی که شبیه تو هست یا نه؟

باخونسردی پوزخندی زده وگفتم:

— گذشته از اینکه مطلقاً شبیه من نیست از تو هم می‌خواهم که برای همیشه دست از این شوخی برداری.

او که گفتهٔ مرا عاری از هرگونه شوخی یافت با ژستی عشوه‌آمیزگوشهٔ چادرش را بسرش کشید وگفت:

— خیلی‌خب، بگذریم.

حدود دهسال‌گذشت و من طی این مدت چندین‌بار او را دیدم تا اینکه یک‌روز باوضعی بسیار اسفبار و ترحم‌برانگیز به دیدنم آمد. در نخستین مراحل دریافتم که دوران سیاه و اندوهباری راگذرانده و اینکه نیز با مصیبت نامـــرادی شگرفـــی دست بـــه‌گریبان است. ضمن چند جملهٔ کوتـــاه درمیان‌گریه‌یی بسیار تلخ ودرد آلود همه چیز را برایم شرح داد. معلوم شد چند سال قبل مادر وشوهرش را در کوتاه زمانی از دست داده وپس از آن ناچار شده است که از راه نامشروع امرار معاش کند و به پرورش فرزندش بپردازد. اما عوارض اعتیاد که تدریجاً وجودش را دربرگرفته ازادامهٔ این رویه نیز وامانده است. حالا به دیدن من آمده تا بهر نحو که ممکن است زندگیش راتأمین کنم! بااینکه در وهلهٔ اول قصد داشتم بی— رحمانه اورا ازخود برانم، لیکن ازلحن تهدید- بارش دریافتم که این رفتار نمی‌تواند شیوهٔ دلخواه ومطلوبی باشد. چرا که بی‌تردید وی آمادگی برپا کردن همه نوع رسوایی را یافته

بود. از این رو در نهایت درماندگی وبیچارگی رضا دادم که مقرری ماهانه‌یی برایش برقرار کنم و درضمن وادارش عازم که حتماً دست از اعتیاد خانمان‌براندازش بردارد. به‌فاصلهٔ چند روز اتاقی برایش تهیه کردم وپسرش را که آدمی عاطل وباطل شده بود درگاراژی به عنوان شاگرد گلگیرساز بکار واداشتم. با اینکه اعظم با کوشش واراده‌یی ستایش برانگیز اعتیادش را ترک کرد، اما عوارض بعدی آن گریبانش را گرفت و دچار بیماری مرموزی شد. با وجود این من بیاری آنچه که در توانم بود موجبات گذران او وفرزندش را فراهم می کردم. تااینکه آن روز لعنتی فرا رسید وپسرش باآمدن به کارخانه هولناک ترین خبر را به ارمغان آورد. آنچه که او گفت تکوین واقعه‌یی بود که من از پیش انتظارش را داشتم. زیرا بیماری درازمدت اعظم

جدانم...

به آستانه فاجعه رسید ، و اورا به بیمارستان سینا کشیده بود . بدون درنگ همراه وی به بیمارستان رفتم و هنگامی رسیدم که اعظم دقایق آخر احتضار را می‌گذراند . در وضعی بود که پنداشتی با تمامی نیرو کوشیده است خود را زنده نگه دارد تا سخن آخر را بمن بگوید . هر چند که من ناشنیده می‌دانستم واپسین تمنای وی تأمین زندگی پسری است که او همچنان معتقد بود حاصل وثمره رابطهٔ نامشروع ماست.

با مرگ اعظم وظیفه من دشوارتر شد ، زیرا نگه داری از پسری که بهیچ ضابطه واصلی‌پای بند نبود ، آسان نمینمود . مضافاً به اینکه پس از چند هفته صاحبخانه‌اش از پذیرفتن او در آن خانه سرباز زد . در وضع بسیار خرد کننده و ناهنجاری اسیر شده بودم . با اینکه هیچگاه رضا نمی‌دادم او را بمنزلهٔ فرزند خود بشناسم ، باوجود این حسی مرموز وادارم می کرد که خود را مسئول زندگی او بدانم . بهمین علت پس از هفته ها سردرگمی ودرماندگی تصمیم نهایی را گرفتم و آماده شدم که ضمن بازگو کردن تمامی ماجری به همسرم ، از او بخواهم که بانگه‌داری پسری که خواه ناخواه جزیی از زندگی‌من شده بود ، موافقت کند . روزی که تمامی واقعه را برای زنم شرح دادم ، او آنچنان شوکه و

در وابستگی‌اش به خودت تردید داری آنهم پسری که تمامی آمادگی واستعدادش را در کثیف ترین پخوله‌های شهر گذرانده است . حق با او بود زیرا محیط مقدس خانوادهٔ من با وجود دختران جوان وپسران کم تجربه‌ام‌نمی توانست پذیرای کودکی باشد که با کلیه مظاهر اخلاقی بیگانگی داشت.

حاصل این مذاکرهٔ یأس آلود پریشانی بیشتری به خاطرم بخشید و مدتها روح و فکرم را بخود مشغول داشت . تا اینکه یک روز درغایت سفاکی ناجوانمردانه ترین ورذالت‌بار-ترین تصمیم‌ها را گرفتم و بلادرنگ اجرایش کردم . به این معنی که ضمن توسل به چندتن از دوستانم او را دیوانه قلمداد کردم و بدین ترتیب موجباتی ببار آوردم تاآن کودك فلك زده ومعصوم را بیکی از مراکز روانی بسپردم . با انجام این عزم همه چیز تمام شد وظاهراً زندگی من به آرامش گرایید . اما خدامی‌داند من ازآن تاریخ تا بحال همچنان در تردید و عذاب وجدان گرفتارم . زیرا شنیده‌ام که او با ادعای داشتن سلامت عقل قصد خروج از آن ماتمکده را دارد تا زندگی را زیر سایه و در کنار پدرش بگذراند . آخروالعیت اینست که مادرش درواپسین دم همه‌چیز را به او گفته بود.

پریشان شد که دریک لحظه پنداشتم مشاعرش را ازدست داده است . چرا که یکباره رنگش به سفیدی گرایید وسرتا پای وجودش دستخوش لرزشی آشکار شد . نگاهش رنگی یافت که انگاشتی دروراء دیواری از ملامتها وناباوریها محو شده است . سرانجام با بیچارگی تمام لب به سخن گشود وگفت:

— به خاطر حفظ سعادت بچه هایم تنها گناهت را می‌بخشم . اما به خاطر همین بچه ها نمی‌توانم راضی به‌قبول پسری شوم که حتی تو

چندی پیش هدایایی را که برایش خریده وبه دفتر بیمارستان برده بودم . شنیدم که وضعی بسیار اسفناك یافته و دو بار دست به خود کشی زده است . همین خبر است که مرا اسیر عذاب وجدان کرده وبه برزخی افکنده است که برای گرفتن هرگونه تصمیمی درمانده‌ام . درمانده و پریشان . !

«پایان»

گلنار

+ هنر =

کودکستان و بچه ها

ترجمه : قاسم قاضی

از آنجائی که خانواده می‌تواند تمام احتیاجات کودك را تأمین کند برای او هیچ کجا بهتر از خانه نیست، اما متأسفانه خانواده نمی‌تواند تمام احتیاجات طفل خود را در سال‌های بین ۲ و ۵ براورد.

مادر طفل ممکن است از او دور ومشغول کار کردن در خارج ازمنزل باشد. ممکن است شخص دیگری که از هر لحاظ شایستگی داشته باشد و بتواند جای مادر را برای کودك پر کند وجود نداشته باشد ممکن است فضائی در داخل یا خارج ساختمان وجود نداشته باشد تا طفل بتواند در آن دور از خطر بازی کند محیط خانه شاید بیش ازاندازه برای کودك پرجمعیت باشد و او نتواند از اسباب بازیهای لازم استفاده کند ویا اصلا بازیچه های کافی دراختیار نداشته باشد پاره‌ای از اطفال هستند که زودتر از همسالان خود بمرحله‌ای میرسند که میخواهند همبازی‌هائی بیشتر از آنها که درخانه یافت میشوند پیدا کنند وهمچنین مشتاق ملاقات با بزرگسالانی غیر از آن عده که میشناسند می‌باشند تا بآن وسیله، انگیزه‌های جدیدی بسراغشان بیاید برای این قبیل کودکان آنچه از لحاظ انگیزه و محرك در محیط خانواده وجود دارد بپایان رسیده و فقط کودکستان یامدرسه خردسالان می‌تواند محرکات جدیدی برای آنان فراهم آورد. کودکستانها اطفال را از ۳ سالگی می‌پذیرند و مشاهدات وتحقیقات اخیر توجه دانشمندان تعلیم و تربیت را باین حقیقت جلب کرده است که جدائی کودك از مادرش در حدود این سن بهیچوجه موجب پائین آوردن وتعلق وعلاقه او نسبت بمادرش نمیشود. بستگی

کودکان هنوز خیلی سست و بی دوام است. در این سن برعکس آنچه ظاهراً بنظر می‌رسد کودك منتهای کوشش را می‌نماید تا به استقلال دست یابد و در این راه در درجه اول به اطمینان و پشتیبانی مادرش احتیاج دارد.

پائین‌ترین سن ورود به کودکستان ۳ سالگی است که این روزها تدریجاً جای خود را به ۳ سالگی میدهد . بهرصورت رفته رفته آشکار می‌شود که اختلاف کودکان درمرحلهٔ رشد بقدری عظیم ومتفاوت است که سن مناسب برای فرستادن اطفال به کودکستان باید همیشه بادرنظر گرفتن نیازمندیهای خاص او از نظر آموزش وپرورش باشد.

رفتن طفل به کودکستان در ابتدا نباید بطور تمام وقت باشد ، یعنی طفل ساعات روز خود را مانند شاگرد دبستان یا دبیرستان در کودکستان بگذراند.

شایسته نیست کودکی را که برای اولین بار قدم به مدرسه نهاده است یک روز تمام در آنجا نگاه داشت. بهرحال بهتر آن است که طفل قبل از شرکت در کلاس ، همراه مادرش از کودکستان دیدن کندودر آنجا قدری بماند تا کودکان دیگر را دیده وبا سرپرست خود آشنا شود.

باتمام این احوال رفتن از خانه به کودکستان همیشه از لحاظ عاطفی برای طفل ومادرش تولید اضطراب می‌کند.

بنابراین لازم است که درآغاز کودکستان رفتن کودک، تماس بین خانه و کودکستان قطع نگردد وترتیبی داده شود که این تماس برای اطفال بسیار چشمگیر وحقیقی جلوه کند. مقدم مادران را باید همیشه در کودکستان گرامی داشت . کودک اگر از رابطه دوستانه مادروسرپرستش مطلع گردد، خوشحال می‌شود. برخوردهای بدون تشریفات اولیای شاگردان و مربیان در مدرسه و کودکستان حل مسائل شاگردان را آسانتر می‌کند وبهترین کودکستان‌ها آنهائی هستند که دارای ساختمانی کوچک وتزئیناتی ساده باشند بطوریکه اطفال آنها را خانه های خود بدانند.

پرورشکاران

بزرگسالان نقشهای مهم ومتفاوتی در کودکستان می‌توانند یاری کنند : می‌توانند زیرنظر وهدایت مدیر وآموزگار مربوطه ، نقشی را در تشکیل یک اجتماع بهم پیوسته و دوستانه که نامش کودکستان است ایفا کنند.

دریک کودکستان چهل کودکی مدیر باید یک معاون ودو دستیار داشته باشد . دستیاران باید دوره‌هائی را که مخصوص نگاهداری ومواظبت کودکان خردسال تشکیل می‌شود ، گذرانیده باشند . کار هریک از دستیاران را دو دانشجوی تربیت‌معلم نیز می‌توانند انجام دهند . این دستیاران مخصوصاً بخاطر جوانی وشادابی که دارند نقش ارزنده‌ای درمحیط کودکستان یاری خواهند کرد.

آشپز ومستخدم نیز معمولا نقشی ورای وظائف روزانه خودبازی میکنند ، همه کسانی که نام بردیم بخوبی بتوسط کودکان شناخته میشوند.

همچنین کودکان اشخاص مختلفی از قبیل فروشنده‌ها ، شیرفروش وپرستار را که به کودکستان سرمیزنند ونیز پزشک را کمتر از دیگران به‌مدرسه میآید خواهند شناخت. مدیررا همهٔ مادران و اطفال می‌شناسند ولی معمولا وظیفه یکی از آموزگاران است که مرتبا با گروهی که طفل درآن است در تماس باشد . آموزگار کودکان باید شخصی بالغ باشد تا اطفال ازتوجه ومواظبت او اطمینان حاصل کنند بطوریکه بتوانند با اعتماد بنفسی که درآنها بوجود آمده همواره خودرا به چیزهای تازه‌تر برسانند.

آموزگاران کودکستان باید محیطی بیافرینند که تسلی بخش وآرام باشد . او باید هنگام تشریک مساعی و یا مداخله در کارهای اطفال صبور باشد وعاقلانه رفتار کند ، ازهمه مهم‌تر باید محبتی واقعی و علاقه‌ای بسیار که درخور حرفهٔ معلمی است نسبت به کودکان داشته باشد . او باید اعتماد کودکان ووالدین آنهارا جلب کند ، وعلاوه بر این خصوصیات شخصی لازم است که ازیک طرف دانش فراوان داشته باشد و ازطرف دیگر مهارت لازم برای تدریس مقدمات دبستان به بچه های کودکستانی، واین هر دو را تنها یک دوره کامل تربیت معلم می‌تواند بوی ارزانی دارد.

زندگی در کودکستان

طفل خردسال باید خودرا در یک محیط پر ازصمیمیت و امنیت ومنظم بیابد . باید با آموزگاران و مربیانی که دررفع نیازمندیهای کودکان می‌کوشند میانهٔ خوبی داشته باشد.

باید مواد و وسائلی که برای پرورش نیروهایش لازم است در دسترس او قرارگیرد . کودکستان خوب ، جائی است که در آن کودکان بتوانند شادمانی، کنجکاوی، دوستی و روح حادثه جوئی ، که ازمشخصات این دوره اززندگی هستند، ازخود نشان دهند ونیز تدریجاً به انضباط و اداره کردن خود عادت کرده و از خود قدرت بیان و تعبیر آنچه را که درمی‌یابند ، به ظهور برسانند.

موارد ووسایل قابل استفاده کودکان .

مهمترین موضوع برای کودکستان با مشخصاتی که دربالا به آنها اشاره شد ، فراهم آوردن مواد ووسایل کافی ومناسب است ، این امر بعد از آموزگاران و کمک آموزگاران صلاحیتدار دردرجهٔ اول اهمیت قرار دارد.

درگذشته فکر می‌کردند که بازی باید خاصیت تعلیمی و یاد دهندگی داشته ومحدود و منحصر به چیزهای معین باشد . تجربه از یک

بقیه در صفحه ۹۱

با همکاری علاءالدین علوی
خبرنگار عکاس استان فارس

مگر میشود آفتا

نسرین نادرشاهی

مشهدی غلام امام زاده‌فر، در کنار همسر و فرزندانش زندگی پر سعادت و پرامیدی را می گذراند. از فرزندان مشهدی غلام - که پدر و مادر را دوستان گرفته‌اند. صغری ... در کلاس دوم نظری رشته اقتصاد درس می‌خواند. علیرضا در کلاس سوم راهنمائی است، پدر را می‌بوسد. احمد در کلاس اول راهنمائی تحصیل می کند وزهرا، دختر دیگر خانواده که علاقه زیادی به خیاطی و بافندگی دارد پس از کلاس نهم به کلاس خیاطی و بافندگی رفت و الان خیاط ماهری است.

منکه سرنماز، توی مسجد، توی امام زاده، هر صبح که از خواب بیدار میشوم و هرشب که بخواب میروم، از ته دل بدرگاه خداوند متعال دعا می کنم که شاهنشاه را برای ملت ایران حفظ کند تا مملکت ما به آن آرزوهای بزرگی که شاهنشاه دارند برسد.

این سخنان را کارگری میگوید که از ده سالگی با روزی سی شاهی در کارخانه نساجی شیراز مشغول بکار شده و اینک روزانه ۵۰۰ ریال حقوق میگیرد و سالانه چند هزار تومان سود ویژه.

او (غلام امام زاده فر) وضع دیروز و امروز کارگر ایرانی را اینطور مقایسه میکند:

- این مثل روز روشن است که از زمین تا آسمان فرق کرده، مگر میشود آفتاب را منکر شد؟ آن قدیمها کارگران محرومترین افراد جامعه بودند و مثل اسیر با آنها رفتار میشد.... با او و خانواده‌اش به گفتگو می‌نشینیم...

عید نوروز نزدیک است و شور و اشتیاقی در کوچه بازارهای همه شهرها بویژه شیراز بچشم میخورد که دیدنی است. نرگس مست شیراز این روزها نشانه بهار است که بیش از هر گل دیگری در گل فروشی ها و حتی کنار خیابان‌ها در سطل های پرآب خود نمائی می کند.

غلام امام زاده‌فر، با همسر و بچه‌هایش در یکی از محله های قدیمی شیراز درب شاهزاده زندگی می کنند.

خانه‌ای کوچک اما باصفا و پاکیزه دارند. ملوک خانم زن مشهدی غلام با لهجه غلیظ و شیرین شیرازی حرف میزند و بچه ها نیز چون او. وقتی به حیاط نقلی مشهدی غلام گام می‌گذاریم، ملوک خانم و بچه ها به استقبال ما می‌شتابند، به اطاقی وارد می‌شویم که بوی تنباکو و صدای قلقل قلیان توی فضای آن موج میزند. مشهدی غلام که به بالشی لم داده، با دیدن ما از جا بلند می شود و خوش آمد می گوید.

دختر کوچک مشهدی غلام روی خودرا محکم با چادر پوشانده و من از این کار او خنده‌ام میگیرد و یاد قصه «خاله سوسکه» میافتم و در این موقع مادرش نیز با خنده میگوید:

زهرا خانم چرا رو می‌گیری مگه عروسی؟ بچه ها سر و صدای زیادی براه انداخته‌اند. مشهدی غلام میگوید:

- بی بی خانم، چه بچه‌های شلوغی هستند حالا خوبه بزرگ شدن اگه کوچیک بودن چی می‌شد. و بعد این ملوک خانم است که با صدائی آرام میگوید: احمد بچه بود درس نخون. صغری خانم خیاطی ساز و قصه‌ای بعد سر و صدای علیرضا که: «مادر ببین احمد منو بچیک میکنه!» (یعنی نیشگون میگیره).

از بچه‌ها خواهش میکنم که شیطنت را برای بعد بگذارند تا بتوانیم با آنها گپی بزنیم و آنچه در پی میاید حاصل یکی دو ساعت گفتگوی ما با این خانواده کارگر شیرازی است.

سابقهٔ کاری و آغاز آن

* مشهدی غلام ممکن است بگوئید که از کی به کارکردن پرداختید وچه مراحلی راطی کردید تا امروز که کارگر کارخانه نساجی شیراز هستید.

* از ده سالگی با مزد روزانه سی شاهی در کارخانه نساجی شیراز مشغول کار شدم. بعد از مدتها این رقم به پنج ریال وبعد بیست ریال افزایش پیدا کرد تا اینکه درحال حاضر روزانه پنجاه تومان حقوق میگیرم. البته بخاطر تأمین بهتر رفاه خانواده‌ام اغلب اوقات اضافه کاری هم می کنم. خوب باید تلاش کرد.

ماجرای آشنائی و ازدواج

* کی با ملوک خانم همسرتان آشنا شدید و چگونه این آشنائی به ازدواج انجامید؟

* غلام لحظاتی به فکر فرو میرود. گوئی خاطرات گذشته پیش چشمش جان گرفته‌اند و درحالیکه لبخندی تمام چهره‌اش را می پوشاند، میگوید.

ملوک خانم با عیال مربوطه بنده، ازیک سالگی در خانهٔ ما بزرگ شد. او دختر دائی من است. گویاوقتی بدنیا می‌آید، پدرم گوشواره گوشش میکند وباصطلاح از همان موقع مارا برای هم نامزد میکنند. بهر صورت شانزده ساله بودم که مراسم ازدواج ما انجام گرفت. جایتان خالی بود که در جشن عروسی ما شرکت میکردید. شوروحال عجیبی حکمفرما بود یک هفته سازو دهل میزدند. آخرشیرازی ها به سنت های قدیمی شان خیلی اهمیت میدهند. بعد ازدوسال دختر بزرگمان زهرا بدنیا آمد.

تنظیم خانواده

* مشهدی غلام انشاءالله که خداوند بچه‌های شما را همیشه صحیح وسالم نگه دارد

ساعتی درمیان خانوده
مشهدی غلام امامزاده فر

...ب را منکر شد

ولی فکر نمی کنید که اداره وبزرگ کردن چهار اولاد بخصوص تعلیم وتربیت آنها ، کار آسانی نیست .؟

چرا ،ولی خانم عزیز درسالهای قبل مردم به این مسائل فکر نمیکردند، کار می کردند، غذائی میخوردند ،بچه بدنیا میاوردند و خلاصه به همین نحو زندگی را میگذراندندولی از زمانی که رادیو آمد، تلویزیون آمد، باسواد ها بیشتر شدند وتوی کارخانه ها برای کارگرها فیلم نشان دادند ، مردم فهمیدند که راه وچاه زندگی چیست .بخدا اگر من وزنم عقل حالا را داشتیم . الان بچه نداشتیم .

* مشهدی غلام بدون بچه هم که زندگی یکنواخت میشه ، اینطور نیست؟

*. خانم بنظر شما یکنواختی بهتره یاسرسام گرفتن ؟ ماشاالله هزارماشاالله خیلی شلوغ هستند خودشما که ملاحظه کردید .

*ملوك خانم عقیده شما دراین باره چیست ؟

* خوب خانم بچه باید شلوغ بازی دربیاره ، اگر ساکت باشه که مریضه .این مشهدی غلام هم میخواد اینجا شهر خاموشان باشه !..

بقیه درصفحه ۸۹

قصه سنگ صبور

نوشته : « شاخ نبات

ازرمانی که آقای مصلحت‌جو نویسنده قدیمی اداره صفحه سنگ صبور مجله را به عهده گرفته بود خود را در دنیای دیگر باز سیافت دنیایی مملو از حادثه و ماجرا ، در هرنامه‌ای که از خوانندگان مجله میرسید داستانی نهفته بود و داستان‌ها با آن که بیشتر به یکدیگر شباهت داشتند همچون قصه عشق از هربه‌ی نامکرر به‌نظر میرسیدند.

رفته رفته آقای مصلحت‌جو به آن صفحه انس و الفت شدیدی مییافت و طوری در مشکلات دیگران فرو میرفت که مشکلات خود را از یاد میبرد انگار از وقتی که سردبیر مجله، صفحه سنگ‌صبور را چون کودکی به او سپرده بود و دیگر با زندگی شخصی وداع گفته از حالت فردی خارج شده و به صورت یک وجود عام درآمده بود چون از هر مشکلی بیش از اندازه صاحب مشکل درد می کشید و برای باز کردن هرگرهی ساعت‌ها مغزش را بکار می‌انداخت و هرگاه راه چاره‌ای مییافت که به نظرش قطعی میرسید چشمانش از اشک شادی پرمیشد . نامه ها دسته دسته از راه میرسیدند و از زیرچشم‌های آقای مصلحت‌جو که به‌علت مرور زمان در زیر عینک ضخیمی پنهان شده بودند میگذشتند و پس از مدتی در سبد باطله سرازیر میشدند و به‌نابودی میپیوستند مقداری از حوادث را با شتاب میخواند و بهمان سرعت به دست فراموشی میسپرد . مقداری را با تانی میخواند و به ذهن میسپرد و پیوسته در میان انبوه نامه‌ها به چند نامه برمیخورد که درمعرض به‌سر میشدند و هرگز از یادش خارج نمیشدند.

البته درآغاز نامه رسول تاثیر زیادی به روی او نگذاشت آن را مثل سایر نامه‌ها خواند و آنچه را که در ذهنش نشسته بود به‌فراموشی از یاد برد . اما هفته بعد ، و هفته بعد از آن و همه بعداز آن هفته بار نامه هایی از رسول دریافت میکرد با همان نثر ساده و کودکانه واحساساتی که با لحن و شکل ناگرفته به‌نظر میرسیدند و به‌دنبال آن وقتی تعداد نامه هایی که به امضای رسول بود بیش از اندازه زیاد و زیادتر شدند نام فرستنده نامه و مفاهیم نامه‌ها در ذهنش نشستند و به‌طور ناخودآگاه بین او و رسول انس و الفتی بوجود آمد تا به‌جایی که درآغاز هر هفته درمیان انبوه نامه ها به‌دنبال نامه رسول میگشت و هنگامیکه آنرا باز مییافت خود را خوشحال میدید. رفته رفته در سیر زندگی رسول همراه میشد و پا بپای آن دوست ناشناس در جاده زندگی او پیش میرفت و به‌صورت سایه رسول درمی‌آمد و با حوادثی که برای او پیش می آمد درمی‌آمیخت رسول که در یک کارخانه بخاری سازی کار میکرد در نامه هایش باساده‌ترین زبانها با سنگ صبور درد دل میکرد و آغاز نامه ها با آغاز یک عشق همراه بود و این عشق با همه سادگی و تکراری که داشت آنچنان لطیف و شیرین بود که آقای مصلحت‌جو بطور مداوم به پایان آن می‌اندیشید و به خود میگفت :

خدا کند پایان این حادثه طوری باشد که بتوانم داستانی را که میخواهم از روی آن بنویسم . اولین نامه رسول که در تاریخ بیست و پنجم تیر همان سال به‌دستش رسیده بود این طور شروع میشد :

سنگ صبور جز در دلم جای گرفته است.

آخر این هم شد زندگی ؟ امروز یک ساعت تمام توی صف اتوبوس ایستادم تا بتوانستم به خانه برسم. تمام روز را روی پا کار کرده بودم کار در کارخانه زیاد آسان نیست مخصوصا که امسال تابستان آنقدر گرم کرده است که از دست کولرها هم کاری برای خنک کردن‌هوا بر نمی‌آید. وقتی به‌خانه رسیدم سراپایم خیس عرق بودو گلویم از تشنگی میسوخت و دراین حالت‌ها آدم همه‌اش بمهربانی فکرمیکند و دلش میخواهد زنی بااشتیاق دررا به‌رویش بازکند و لیوان آب یخ را به‌دستش بدهد ولی

در عوض به‌محض واردشدن به‌خانه باقیافه اخم کرده زنم روبرو شدم. نمیدانید وقتی زنم سگرمه‌هایش رادرهم میکشید چقدر زشت میشود. به‌محض اینکه‌چشمم به‌صورتش افتاد بوی طوفان را احساس کردم‌و حق‌هم داشتم چون هنوز کتم را بیرون نیاورده بودم که گفت: «بالاخره اون اضافه‌حقوق لعنتی را بهت‌دادن یانه؟»

نفس بلندی کشیدم. ازوقتی که‌من‌ومریم باهم عروسی کردیم تقریباً یک‌روزویک‌شب را بدون دعوا نگذرانده‌ایم. بیشتردعواهایمان هم سرپول است چــون او به‌من بــه چشم‌گاو عصاری نگاه‌میکند که باید ازصبح تاشب‌چرخ بخوردو باچشم‌های بسته کارکندو پول در بیاورد. درحالیکه به‌طرف یخچال میرفتم گفتم:

—«نه‌هنوز ندادن.... اما حتماً تایک هفته دیگه میدن.»

و بعد در یخچال را بازکردم. اما تمام بطری‌ها خالی بودند بی‌انصاف حتی‌آب خنک هم برای آشامیدن فراهم نکرده بود به‌هرحال جایخی را بیرون کشیدم وآن را زیرشیرآب گرفتم. مریم مثل همیشه قرقر میکرد اماآنقدر احساس بیهودگی‌و خفگی‌میکردم که‌حوصله جواب‌دادن به‌او را نداشتم.

سنگ‌صبور عزیز باورکن هیچ چیز دراین دنیا بدتر از زندگی با یک‌شریک زبان نفهم نیست. من این را از روز اول هم‌میدانستم چون من‌ومریم دخترخاله‌و پسرخاله‌ایم‌وباهم بزرگ شده‌ایم. عروسیمان‌هم به‌خواست‌مادرهایمان سرگرفته است البته مریم بدش نمیامدزن من بشود اما من هیچ‌وقت اورا آن‌طور که یک‌مرد باید یک‌زن را دوست داشته باشد دوست‌نداشتم و حق هم‌داشتم‌و دارم برای اینکه من‌واوباهم کاملا غریبه هستیم‌وهرکدام به‌زبانی حرف می‌زنیم که برای آن دیگری ناآشنا است. اینها را برای این مینویسم که خودم‌و زندگیم را کاملا به شما بشناسانم.و بعداصل مطلب را شروع کنم. اصل‌مطلب‌اینست که همیشه برای یک‌اتاق خالی مستاجر پیدا میشود.قلب من هم سال‌های سال خالی‌خالی بود. تاچندروز پیش هم همین‌طوربود اما چندروزپیش ،، منظورم آن روزی‌است که ماشین نویس جدید کارخانه را دیدم یک‌دفعه درهای‌آن اتاق‌خالی‌بروی یک ناشناس بازشد یابهتر بگویم خود او آن دررا به روی خودش باز کردو من همــه‌حودم بیامده بودم که یک‌دفعه یک‌دختر سبزه‌چشم و ابرومشکی را روبروی خودم دیدم. اسمش لقا است. اسم‌قشنگی است نه ؟ ولی‌باورکنید خودش خیلی ازاسمش قشنگ‌تراست وقتی از قشنگی حرف میزنم منظورم فرم‌چشـــم و ابروولب‌ودهان‌و پیشانی نیست بلکه آن‌چیزی است که در پشت‌همه اینها قرار داردمتأسفانه من آنقدر سواد ندارم که بتوانم‌آن‌چه رامیبینم واحساس میکنم بنویسم فقط این را میگویم که بایک باردیدن عاشق این‌دختر شده‌ام‌وقلبم طوری از این عشق آماس کرده است که اگر میخواستم سکوت کنم حتماً خفه‌میشدم‌به همین دلیل هم چون ازخواننده‌های مجله شما هستم تصمیم گرفتم آن‌چه را که برمن میگذرد برای شما بنویسم ، چرا ؟ چون اسم شما سنگ صبور است و مادربزرگم همیشه میگفت آدم فقط باید دردهایش را به سنگ‌صبوربگوید چرا که بدرد من خوب‌گوش میکند و هرگز هم رازآدم را به کسی نمیگوید عجالتاً بیشتر از این چیزی برای نوشتن ندارم اما به‌زودی نامه‌دیگری برایتان خواهم فرستاد.

آقای‌مصلحت‌جو طبق عادتی که داشت همیشه نامه‌های خوانده شده را در سبد باطله مـــی‌انداخت اما معلوم‌نیست در نامه رسول چه جادویی وجود داشت که آن رالای پرونده‌ای گذاشت و از قتل آن صرف‌نظر کرد. شاید هم این کار را به این علت کرد که نامه ناتمام بود و دلش میخواست با بقیه آن ماجری آشنا بشود و پس از آن روی آن فکر کند و تصمیم بگیرد — بهرحال به زودی نامه دوم نیز از راه رسید و رسول نوشته بود:

«سلام سنگ‌صبورعزیز ، درعرض یک هفته‌ای که‌گذشت دل دیوانه من ازعشق دیوانه‌ترشد. رنج نمیبرم و تشنگی و خستگی را نمیفهمم. حتی غرولندهای‌مداوم زنم را هم دیگر نمیشنوم. چون به جز لقا چیزی را نمیبینم و به‌جز صدای او صدایی را نمیشنوم. نمیدانید چه آتش‌پاره‌ای است‌این‌دختر ، ازچشم‌هایش آتش وازدهانش شکر میریزد وقتی به‌من نگاه میکند که معمولا هم روزی چندبار این کار را میکند طپش قلبم آنقدرزیاد میشود که‌میترسم تمام کارگرها آن را بشنوند. البته محل کارما ازهم جداست اما من روزی چندبار به‌بهانه‌های مختلف خودم را به اطاق او میرسانم. و او هم چندبار خودش را به‌من نشان میدهد فکر میکنم او هم از من خوشش می‌آید یعنی دیروز محمود که بامن روی یک ماشین کارمیکند این را به‌من گفت: «بله حتماً او هم همین حال را دارد چون ازقدیم گفته‌اند دل‌به‌دل راه دارد و آدم هرکس را دوست داشته‌باشد او هم آدم را دوست دارد» به هرحال تا حالا که به‌هم هیچ حرفی نزده‌ایم. اما من شبها در خواب با او حرف میزنم و همه وحشتم از اینست که مبادا مریم حرفهایم را بشنود اگرچه خواب او آنقدرسنگین است که صبح‌ها موقعی که من در آشپزخانه سروصدا میکنم لای چشم‌هـایش را هم بـاز نمیکند یـادم مـی‌آیـد مـادر بیچـاره‌ام همیشه صبح زوداز خواب بلند میشد وصبحانه پدرم را حاضرمیکرد وتادم‌درهم دنبال اومیرفت وپشتش دعا میخواند و فوت میکرد اما مریم یک لحظه خوابش رابه دنیا نمیفروشد وبا این نوع مهربانی های‌زنانه آشنائی ندارد خدا اورا فقط برای‌خوردن و خوابیدن و قرزدن آفریده است ..... به‌هرحال سنگ‌صبور عزیزم همان‌طور که گفتم من‌دیگر بدی‌ها رانمیبینم واز روزی که عاشق شده‌ام همه‌دنیا رازیبا و دوست‌داشتنی میبینم . اگرچه عشق برای یک مردزن‌دار جرم‌است ولی گناه‌به گردن چه کسی است.من .... بازنی که هرگز نتوانست رخنه‌ای به قلب من کند وان‌را صاحب شود ؟ قربان‌شما
رســـول

درآغاز درنامه‌ها ماجرائی به چشم نمیخورد هرچه بود تکرار یک داستان همیشگی بود . مثلث‌عشق ، یک مرد ودوزن .... یک شوهر یک‌زن و یک‌معشوقه ، ولی‌رفته‌رفته در این عشق‌رنگ‌دیگری پدیدار میشد وحادثه شکل میگرفت. رسول درنامه‌ششم و یا هفتم‌این طور نوشته بود :

سنگ‌صبورعزیز — برایتان‌یک خبربد دارم دیشب وقتی به‌خانه‌آمدم حالت مست‌ها را داشتم نه‌باور کنید مشروب نخورده بودم یعنی من اصلا هیچ‌وقت مشروب نمیخورم .و مستیم فقط از عشق بود آخردیروز صبح وقتی داشتم وارد کارخانه‌میشدم یک باره‌خودم‌را شانه‌به‌شانه‌لقا دیدم پیراهــن آبی‌گلداری پوشیده‌بود و سینه‌هایش مثل دوبچه کبوتر در پشت پارچه‌نرم لباسش تکان‌میخوردند به‌محض‌اینکه نگاهمان به‌هم افتاد به‌روی من خندیدوقبل ازمن گفت:

— سلام.....چه تصادفی

دهانم یک‌دفعه خشک‌شد باید به‌او جوابی‌میدادم اماهرچه‌میکردم زبــانم باز نمیشد انگاریک قوطی سریشم را دردهانم خالی کرده بودند البته قبلاهم چند کلامی‌باهم حرف زده‌بودیم . امااین‌بار درلحن‌لقا چیز دیگری بود چیزی مثل صمیمیت ویادعوت.... دومرتبه گفت :

— «صبح خوبیه ، نه ... گلهاچه بوبی‌میدن کاش زندانی کارخانه‌نبودیم و میتونستیم توی‌باغ راه‌بریم وآفتاب بخوریم ... »

بالاخره با زحمت گفتم:

— «من هم گلهارو خیلی دوست دارم.... ولی .» وبعد نتوانستم حرفم را تمام کنم چون جرأت تمام کردنش را نداشتم اما لقا که انگار منظورم را فهمیده بود دو مرتبه گفت — «شما چقدر خجالتی هستید اگر فرصت کردین یک سری به‌اطاق من بزنین، تا باهم یکخورده بیشتر حرف بزنیم...»

نزدیک ظهر باز همدیگر را دیدیم و باز باهم حرف زدیم. از مسائل معمولی،اما در هرحرفی چیزی بود که میتوانست برای خودش معنای مخصوصی داشته باشد وهمین مرا خوشحال میکرد به‌طوری که عصر در راه خانه احساس مستی میکردم انگارهمه مردمی که در خیابان بودند سرود میخواندند و میرقصیدند واز همه درختها بوی زندگی بلند میشد. اما به‌محض اینکه وارد خانه شدم مستی ازسرم پرید چون هنوز کتم را درنیاورده بودم که‌مریم گفت:

—«رسول میدونی چی‌شده»

با تعجب نگاهش کردم چون معمولا من و او چیز تازه‌ای برای گفتن نداشتیم و او تا به آن روزنتوانسته بودمن را باحرفی خوشحال کند. اما به‌محض اینکه‌نگاهش کردم گفت:

— «من یک ساعت پیش از دکتر اومدم چند روز بود که حالم عوض شده بود واسه همین هم رفتم دکتر میدونی‌من آبستنم؟»

خدای من یک دفعه اطاق با سقفش روی سرم پائین آمد. فکرهمه‌چیز رامیکردم جزاین.

ازدیشب تابحال همه‌اش دارم‌فکرمیکنم. امروز هم با تمام اشتیاقی که برای دیدن لقا

بقیه درصفحه ۸۳

برادرکشی

به‌روایت : ن. ه. مغانی

فریدون که از طولانی شدن سفر جندل نگران شده بود ، وقتی شنید که او برگشته و اجازه‌ی شرفیابی میخواهد با هیجان خاصی گفت :

— فوری بیاید ... فوری ...

جندل تعظیم کنان وارد شد و فریدون که با اشتیاق از تخت پایین آمده بود تا نزدیک دربه پیشباز او آمد و پرسید :

— موفق شدی جندل ؟

جندل لبخندزنان گفت .

— بله ، شاهنشاها ، سه دختر ، درست همانگونه که شما آرزودارید ...

— دختران کی ؟ کجا ؟

— دختران سرو ، شاه یمن ...

— خوب ، خوب ، تعریف کن ... همه‌چیز را تعریف کن ... بیا بنشین .

فریدون خود بر تخت نشست و جندل‌را بر تختی که در سمت راه تخت شاهنشاهی قرار داشت نشاند و جندل شروع کرد به تعریف تمام آنچه‌که‌دراین سفر طولانی بر او گذشته بود ...

* * *

فریدون پس از آنکه حرفهای جندل را شنید ، پسرانش را خواست و به آنها گفت :

— فرزندان عزیزم ... هنگام آن رسیده که شما نیز چون هر مرد بالغی همسری برگزینید و خانواده‌ای بوجود آورید . من دلم میخواست شما سه برادر با سه خواهر جوان ، زیبا وبرازنده عروسی کنید و جندل را فرستاده بودم تا چنین دخترانی را در هر گوشه‌ی گیتی که باشند پیدا کند و برای شما خواستگاری کند . اینک جندل از این سفر موفق برگشته و دختران شاه یمن را برای شما خواستگاری کرده است .شاه یمن علاقه منداست که شما به سرزمین او بروید تا با دامادهای آینده‌اش از نزدیک آشنا شود و شما هم بتوانید همسران آینده‌ی خودرا ببینید و بپسندید .

بروید و خود را آماده‌ی سفر کنید . جندل وسایل سفرو همراهان شما را آماده خواهد کرد . شما هدایای گرانبهایی نیز از سوی من برای سرو و برای عروسان آینده‌ام خواهید برد ... بروید عزیزانم ، برای شما آرزوی موفقیت می کنم. دلم میخواهد هرچه زودتر آماده‌شوید و به راه بیفتید.

***

مردم یمن با شور وهیجان فوق‌العاده از شاهزادگان دلیرو زیبای ایران استقبال کردندو «سرو» خود تا چند فرسخی به پیشباز میهمانانش آمد وآنها را با نهایت محبت واحترام به کاخش برد. سرودرهمان دیدار اول نسبت به سلم، تورو ایرج، شاهزادگان ایران، احساس محبت و احترام کرد و از اینکه چنین دامادهایی برای خود یافته خوشحال شد. او برای آزمون زوربازو و هنرهای جنگی شاهزادگان ایران چند مسابقه‌ی کشتی ، اسب سواری و تیراندازی ترتیب داد که درهمه‌ی آنها . سلم و تور و ایرج بر رقیب های خود پیروز شدند و. سرو چنان شیفته‌ی آنها شد که به اندرون کاخ خود رفت و در حالیکه دخترانش را برای دیدن شاهزادگان ایرانی به همراه می‌آورد به آنان گفت:

— دختران عزیزم ...شما باید بی‌نهایت خوشحال باشید که چنین همسرانی نصیب‌شما می‌شود... راستش اینست که من دلم‌نمیخواست شما هرگز ازمن دورشوید اما شاهزادگان ایران را چنان شایسته و برازنده یافتم که اگرآنها شما را به همسری برنگزینند از اینکه نزدمن میمانید متأسف خواهم شد.

دختران «سرو»یکصدا گفتند:

- پدر، یعنی شما....

سرو، حرف‌آنها را برید و گفت:

— یعنی من می‌خواهم کاری کنید که مورد پسند شاهزادگان ایرانی قرار گیرید!

***

دختران سرو که آرزو، آزاده‌خوی وسهی‌نام داشتند، واقعاً دخترانی بسیار زیبا، خوشرو و برازنده بودند وسلم و تور وایرج‌در همان دیدار اول آنها را پسندیدند وازجندل، که همراهشان بود، تشکرکردندکه چنین دخترانی را برای آنها خواستگاری کرده‌است.

سلم و تورو ایرج ، پس ازچند روز اقامت در کاخ پادشاه یمن، که سرشار ازلحظاتی خوش و شیرین بود، به ایرانزمین، نزد پدرشان برگشتند و اشتیاق خود را برای عروسی بادختران شاه یمن به آگاهی فریدون رساندند.

عروسی سه شاهزاده ایرانی باسه‌شاهدخت زیبای یمنی‌باآیین بسیار باشکوه برگزارشد و مردم ایران ویمن ده روز تمام به‌خاطر این پیوند مبارك به رقص وپایکوبی وشادمانی پرداختند.

***

فریدون که یکی ازآرزوهایش جامه‌ی عمل پوشیده بود از این لحاظ بی‌نهایت شادمان بود. چند روز بعد از انجام آیین عروسی، پسرانش را نزد خود خواند و بعد ازآنکه آنها را مورد مهرو محبت قرارداد، گفت:

—خوب پسران عزیزم. شما نخستین‌گام مردانه را برداشتید و اینک هنگام آنست که قامت رسای خود را به کسوت پادشاهی بیارایید و از آموخته های خود برای خدمت به بشر و گسترش داد وعدل وآبادی بهره بگیرید.

من تصمیم گرفته‌ام گیتی را میان شما سه برادر بخش کنم تا هر کدام شایستگی خود را بنحومطلوب بروز دهید.

برای‌تو، سلم، روم و خاورزمین را در نظر گرفته‌ام. تو باسپاهی که برای خود گردآورده‌ای به آن سو روانه شوو فرمانروایی روم وخاورزمین را بدست بگیر.

تو، تور، برای پادشاهی سرزمین چین و ترکان برگزیده‌شده‌ای وازهم‌اکنون حکومت‌بر آن خطه‌ی گسترد و به تو واگذارمی‌شود. اما تو ایرج ...تو که کوچکتر از همه هستی، عنوان ولیعهد می گیری و در همینجا نزد خود من میمانی تا بیشتر باقوت ولن شاهی وفرمانروایی آشنا شوی...

فریدون لحظه‌ای سکوت کرد وآنگاه پرسید:

— کسی مخالفتی باآنچه‌من گفتم ندارد؟

سلم ، که پسر ارشد بود، گفت:

— نه پدر، ما همه‌فرمانبردار شاهنشاهیم و امر او را باجان ودل می‌پذیریم.

— متشکرم پسرانم... برای همه تان آرزوی توفیق وپیروزی دارم ... بروید!

سلم ،فرزندبزرگ‌فریدون باسپاهی گران بسوی خاور رفت وفرمانروایی روم وخاورزمین را بدست گرفت وحکومتی نو، بنیان‌فکند.

تور، پسر دوم فریدون نیز به سرزمین توران وچین رفت و به نام شاه توران درآنجا به‌سلطنت پرداخت.

ایرج ، فرزند کوچکتر نیز درکنار پدر ماند وولیعهدی ایرانزمین به او رسید.

به این‌ترتیب ، سالهای‌سال به‌خوشی و صلح وصفا سپری‌شد.

فریدون کم کم پیرمی‌شد اما ترسی ازپیری ومرگ نداشت زیرا ایرج جوان وشاداب وشجاع را درکنارخود داشت وجوانی وسرزندگی‌خود را در وجود او مجسم می‌دید و می کوشید او را با تمام فنون پهلوانی ، دلاوری و کشورداری آشنا کند.

فریدون امید زیادی به فرزندگرامی‌اش ایرج داشت و مطمئن بود که ایرج جانشین شایسته‌ای برای اوخواهد بود و بعدازاو ، شکوه و فر شاهنشاهی ایرانزمین را با برازندگی و توانائی پاسداری خواهد کرد.

سلم که دورادور مراقب حال پدر بود ، ناگهان گرفتار این وسوسه‌ی اهریمنی‌شد که پدرش فریدون ، او و برادرش تور را فریب داده است .

— پدرم از همان اول ایرج را بیش‌ازما دو برادر دوست میداشت.آخر او پسر ارنواز بود که بیش‌از مادر ما شهرناز مورد توجه و علاقه‌ی فریدون بود!

بله پدر، ایرج را بیشتر ازما دوست می‌داشت ، برای همین هم‌هرکدام ازما را به گوشه‌ای ازگیتی انداخت تا بقیه‌ی عمرش را در کنارعزیزدردانه‌اش بگذراند وهنگام مرگ هم او را جانشین خود و شاهنشاه ایران زمین بکند .

شهنشاه ایران‌زمین یعنی بالادستمی و تورو فرمانروای سراسر گیتی

این اندیشه‌های شوم چنان او را اسیر خشم و بدبینی کرد که بی‌درنگ نامه‌ای به برادرش تور نوشت تا او را نیز با خود همرای کند.

او به برادرش نوشت:

— برادر، من و تو چقدر احمق بودیم که متوجه نیرنگ پدر نشدیم. تو دلت خوش بود که یکدست ترک و زردپوست چشم‌بادامی پادشاهی می‌کنی و من به این گوشه‌ی دورافتاده دل‌خوش کردم غافل از اینکه برادر کوچکترمان به ناحق دارد وارث تاج و تخت ایرانزمین می‌شود و بعد از مرگ پدر بر ما برادران بزرگش فرمانروائی خواهد کرد.

بله برادر عزیز، بزودی فریدون می‌میرد و ایرج شاهنشاه ایران میشود و ما باید در برابر او سر به اطاعت فرود آوریم. آیا تو می‌توانی چنین سرافکندگی و کهتری را بپذیری؟ من که هرگز تحمل نمی کنم... اگر عقیده‌ات با من یکی است، بیا تا با هم چاره‌ای بیندیشیم.

سلم، نامه‌اش را مهر و موم کرد و بوسیله‌ی پیکی بادپای برای تور فرستاد.

خواندن نامه‌ی سلم چنان تور را به خشم و هیجان آورد که درنگ را جایز ندانست و فوری بر پشت اسب نشست و به‌سوی برادر شتافت.

دو برادر تنگ‌نظر و آزمند ساعت‌ها با هم نشستند و مشورت کردند و سرانجام تصمیم گرفتند نامه‌ای به فریدون بنویسند و از او بخواهند که در تصمیم خود تجدیدنظر کند. تور گفت:

— سلم، تو پسر ارشد فریدون هستی. نامه را تو بنویس، من هم پای آنرا امضا خواهم کرد.

سلم پذیرفت و خطاب به پدرش چنین نوشت:

«شاهنشاها، پروردگار ترا سه پسر داد که در مردی و دلاوری همسان بودند و در نژاد و تبار هیچکدام را بر دیگری برتری نبود، اما تو این همسانی را نادیده گرفتی و یکی را — که کوچکتر از همه نیز بود — بر دو تن دیگر برتری دادی.

پدر، اگر بناست پس از تو شاهنشاهی ایرانزمین به فرزندی از آن تو برسد، این حق من است که پسر ارشد تو هستم و در نبودن من، حق تور که فرزند دوم است. اما تو مرا به «سرزمین ابرها» گسیل داشتی و تور را به کام اژدهای زرد فرستادی تا میدان را برای دردانه‌ات ایرج خالی بگذاری و تاج و تخت ایرانزمین را به او ببخشی... چرا پدر؟ مگر ما کمتر از او شایستگی مهر و محبت پدری ترا داشتیم؟!

اما بدان که من و تور این ستم و بیداد را گردن نخواهیم نهاد و اگر حق ما را به ما برنگردانی، با سپاهی بیکران از توران و چین و روم به ایران هجوم خواهیم آورد و آرزوی شاهنشاهی ایرانزمین را در دل ایرج باقی خواهیم گذاشت.

در انتظار تصمیم دادگرانه و هوشمندانه‌ی فریدون‌شاه هستیم...»

دو برادر زیر نامه را امضا کردند و یکی از بزرگان روم را مأمور رساندن نامه به دست فریدون کردند.

* * *

ایرج با یارانش به شکار رفته بود و فریدون در بارگاه مشغول گفتگو و شنود با وزیران و مشاورانش بود که به او خبر دادند پیکی از سوی سلم و تور آمده و اجازه‌ی شرفیابی می‌خواهد.

فریدون از اینکه دو پسرش با هم پیکی نزد او فرستاده‌اند دچار حیرت شد و فوری پیام‌گزار سلم و تور را بار داد.

مرد رومی در برابر تخت فریدون سر به زمین سایید و آنگاه با نهایت ادب و احترام نامه سلم و تور را به دست فریدون سپرد.

فریدون به‌دست خود مهر از نامه‌ی پسرانش برداشت و شروع به‌خواندن آن کرد. این نامه چنان برای او غیر منتظره بود که تا مدتی باور نمی کرد که نویسنده‌ی آن پسران وی هستند.

پیام گزار که کم وبیش از محتوی نامه آگاه بود وقتی متوجه تغییر حال و خشم فریدون شد سر فرود آورد و گفت:

— خداوندگار بزرگ بر من نبخشاید که آورنده‌ی چنین پیام شومی بوده‌ام!...

فریدون با مهربانی گفت:

— تو تشویش به‌دل راه نده... گناه هیچکس را به‌پای دیگری نمی‌نویسند و سپس یکبار دیگر نامه را از سر تا پا خواند و آنگاه به‌اندیشه فرو شد و پس از مدتی سکوت سر برداشت و به‌مرد رومی گفت:

— به‌این پسران کج اندیش من که دچار وسوسه‌ای اهریمنی شده‌اند بگوی که من از همه‌ی این نادرستی‌ها بدور بوده‌ام و آنچه کرده‌ام به‌صلاح فرزندانم بوده است. من پس از مشورت با مؤبدان و ستاره‌شناسان، گیتی را میان سه پسرم، آنگونه که اختران حکم میکردند، قسمت نمودم و پروردگار بزرگ گواه است که هیچکدام را بر دیگری برتر نشمردم... افسوس که آز و بیش خواهی، دیده‌ی بینای آن دو برادر را کور کرده است و اهریمن آنها را از راه راست برگردانده است. هدف من از این تقسیم کردن گیتی میان سه فرزندم آبادانی سراسر جهان و برقراری صلح و صفا و آرامش بود... و امیدوار بودم پس از من پسرانم پاسدار خوشبختی مردم سراسر گیتی باشند اما افسوس... مثل اینکه آرزوهای مرا این دو برادر کج اندیش برباد خواهند داد...

فریدون نفسی تازه کرد و پس از لحظه‌ای مکث گفت:

— به‌این پسرانم بگو، شما که مهر و محبت برادری را قربانی مشتی خاک می کنید، مطمئن باشید که هرگز روی خوش نخواهید دید... من از آنچه کرده‌ام و بحق کرده‌ام برنخواهم گشت... آنها هم اگر از یزدان نمی‌هراسند، به هر کاری که خواستند دست بزنند... این پاسخ نامه‌ی سلم و تور است... برو و پیام مرا به آن ناپاکان برسان!

پیک رومی تعظیم کنان بارگاه فریدون را ترک گفت و بی‌درنگ سوار اسب شد و بسوی خاور زمین تاخت تا دو برادر را هرچه زودتر از پاسخ پدر آگاه کند.

فریدون مدتی اندیشناک و خشمگین برجای خود باقی ماند و آنگاه از تخت پایین آمد و در حالیکه به‌سوی استراحتگاه خویش می‌رفت خطاب به وزیرانش گفت:

— من نیاز به‌تنهایی و استراحت دارم. شما هم بروید. فردا صبح شما را همین‌جا خواهم دید. شاید لازم باشد تصمیم مهمی بگیریم.

در بیرون بارگاه، شکاربان خود را خواست و به او گفت:

— فوری به‌شکارگاه برو، ایرج را پیدا کن و بگو هر کاری دارد رها کند و باشتاب نزد من بیاید. من در کاخ خود منتظرش هستم.

* * *

ایرج که در شکارگاه بدنبال آهویی اسب می‌تاخت، وقتی شکاربان شاه را دید که شتابان بسویش می‌آید، لگام اسب را کشید و فریاد زد:

— چی شده شکاربان؟ پدرم حالشان خوب است؟

شکاربان از اسب پایین جست و در برابر او سر فرود آورد و با احترام گفت:

— بله شاهزاده... شاهنشاه کاملا سرحال هستند، فقط دستور دادند شاهزاده هرچه زودتر بدیدار ایشان بشتابند.. فریدون شاه در کاخ خود به‌انتظار شما هستند شاهزاده

ایرج که از این پیام دچار تشویش خاطر شده بود بی‌درنگ سر اسبش را برگرداند و تاخت کنان به‌سوی کاخ پدر شتافت.

* * *

ایرج با همان لباس شکار وارد کاخ پدر شد و با عجله خود را به فریدون رساند:

— چه اتفاقی افتاده پدر؟

فریدون که ایرج را عاشقانه دوست داشت لبخندی زد و گفت:

— چیز مهمی نیست پسرم... نامه‌ای از برادرانت رسیده است که لازم دیدم تو هرچه زودتر آنرا بخوانی...

و نامه سلم و تور را به‌دست ایرج داد. ایرج شروع به‌خواندن نامه کرد و فریدون در همانحال گفت:

— برادرانت فکرهای شومی به‌سر دارند. تو باید سپاه بزرگی گردآوری و آماده‌ی کارزار شوی.

ایرج بدون اینکه به‌پدر پاسخ بدهد نامه را تا آخر خواند و آنگاه به‌سادگی گفت:

— شاید حق با آنها باشد پدر! اصلا چه اهمیتی دارد که من تاج و تخت را به‌سلم واگذارم؟

فریدون با شگفتی گفت:

— چه‌میگویی ایرج؟ تو ولیعهد و جانشین من هستی و باید از حق خود دفاع کنی!

ایرج خندید و گفت:

— پدر، برای شما چه فرقی میکند که من جانشینتان بشوم یا سلم؟ ما هر سه پسران تو هستیم و من مهر و محبت برادری را بر هر چیزی ترجیح می دهم.

ناتمام

درفش سیاه

تااینجای داستان

بهزادان که جوانی ازآزادگان خراسان بود ، در زندان کوفه با چند تن از یاران ابراهیم امام آشنا شدوبه کمک‌آنها از زندان‌آزاد شدونزدابراهیم رفت . ابراهیم‌ازمردانگی ودلاوری بهزادان بسیارخوشش آمد واورا عبدالرحمن ابومسلم نام داد وازسوی خود به خراسان فرستاد تا ازمردم خراسان‌برای‌فرزندان‌عباس بیعت بگیرد وآنها را برضدبنی‌امیه بشوراند.

ابومسلم بزودی همهٔ مردم خراسان رابرخود گرد آورد ویاران خودرا با لباس ودرفش‌سیاه مشخص کرد که درتاریخ ایران به سیاهپوشان و«سیاه علمان» معروف شدند. ابومسلم درجنگ با نصرسیارحاکم خراسان اوراشکست داد ومتواری کرد که به ری رفت ومرد. آنگاه ابومسلم سردارخود قحطبه باسی‌هزار سیاهپوش به‌جنگ‌امویان فرستاد وقحطبه‌موفق شد حکام بنی امیه راشکست دهد وتا فرات پیش برود. درکنارفرات با یزید پسرهبیره به جنگ پرداخت و سیاهپوشان پسر هبیره را شکست دادند اما قحطبه خود در رودخانه افتاد وغرق شد. سیاهپوشان با پسراوحسن بیعت کردند وتوانستند کوفه رابگیرند وبعد هم مروان حمارآخرین خلیفهٔ اموی راشکست‌دادندوچون‌دراین‌موقع ابراهیم امام‌مرده برادرش ابوالعباس‌سفاح راجانشین‌خود کرده بود ، سیاهپوشان سفاح را به خلافت برداشتند وبه این ترتیب دورهٔ خلافت بنی امیه بپایان رسید وعباسیان خلافت‌مسلمانان را بدست گرفتند.

ابومسلم وقتی از خلافت سفاح آگاه شد بجای اینکه خود به دیدارخلیفه برود پیکی را برای ادای احترام وعرض تبریک نزد ابوالعباس فرستاد. سفاح برای اطمینان ازجانب ابومسلم و خراسانیان برادرش ابوجعفر منصور رابه خراسان فرستاد . ابومسلم بسردی از او استقبال کردو ابوجعفر کینه‌ی ابومسلم رابدل گرفت‌وچون نزدخلیفه برگشت به اوگفت :

ای برادر، تاروزی که‌ابومسلم زنده‌است توخلیفه نیستی.

ابوالعباس گفت :

— بس کن برادر! دیگر هرگزاین سخن را اززبان تونشنوم.

قسمت هفتم

ابوجعفر منصوربااین اندیشه های کینه‌جویانه و خیانت‌آمیز به کوفه رسید و باشتاب گردوغبار راه را ازسروتنش زدود وبه‌نزد برادر شتافت.

ابوالعباس‌سفاح‌وقتی‌اورادیدبا خوشحالی پرسید :

—خوب برادر ، سفر خوش گذشت ؟ خراسان را چگونه یافتی ؟

— یاامیرالمومنین ، خراسان را چنان دیدم که همه‌ی کارهایش بروفق مراد و به کام ابومسلم است . ابومسلم چنان قدرتی یافته که حتی اطفال درشکم مادراز او هراس دارند.

سفاح خندید و گفت :

— این‌خیلی خوب است مردم باید از حکومت در هراس باشند !

— این درست است برادر ، اما مردم خراسان ازابومسلم بیم دارند نه ازحکومت خلیفه ...

— اما من خلیفه‌ام و ابومسلم هم نماینده‌ی من ...

ابوجعفرسرش را تکان‌وگفت:

— ای برادر ! تا روزی که ابومسلم زنده است تو خلیفه نیستی ! مردم فقط در برابر ابومسلم سر فرود می‌آورند و لشگریان تنها فرمانبرداراو هستند نه کسی دیگر !

ابوالعباس با اندکی خشم گفت :

— بس‌کن برادر ! دیگر هرگز این سخن را اززبانت نشنوم !

ابوجعفر این سخن برادر رابه نفع خود تعبیر نمود وفکر کرد توانسته است نظرخلیفه را نسبت به ابومسلم تغییر دهد وآتش کینه و دشمنی را در دل ابوالعباس روشن کند وبا خشنودی از نزد برادرش رفت . اما چند روز بعد متوجه خطای خود شد وپی برد که باهمهٔ بدگویی‌های وی ، خلیفه همچنان ابومسلم را دوست دارد واعتمادش نسبت به او پا برجاست.

آنروز ابوجعفر منصور نزد برادرش ابوالعباس نشسته بود وداشتند راجع به اوضاع حکومت صحبت می کردند . ابوالعباس بی مقدمه پرسید :— برادر ،وضع خلافت مرا چگونه می‌بینی؟

— خیلی خوبتر خواهد بود اگر عبدالرحمن ابومسلم دوروبرآن نباشد !

خلیفه خندید وگفت:

—توچقدر کینه توزی‌منصور!

وبعد بالحنی‌جدی‌افزود :

— ابومسلم را فراموش کن .... تو اگر هوای مرا داری بهتر است فکری برای این پسرهبیره بکنی .... نمیدانی که او الان درشهر «واسط» است ودارد بشدت باما مخالفت‌می کند و چون می داند که دیگر کسی از بنی امیه طرفداری نمی کند ، دارد سنگ بنی‌هاشم و اولادعلی را به سینه میزند واز مردم‌برای ابوطالبیان بیعت‌می‌گیرد.

ابوجعفرمنصورگفت:

— این پسر هبیره رابمن واگذار کن . به یاری خداوندشرش راخواهم کند.

—خدا پیروزیت‌دهاد برادر ! برو به امیدخدا.

ابوجعفر بلافاصله به جمع آوری سپاه پرداخت وبه‌سوی‌شهر واسط براه‌افتاد.

پسر هبیره که کینهٔ سختی از عباسیان به دل داشت ، چون از امویان قطع امید کرده‌بود به محمدبن عبدالله‌بن حسن از فرزندان ابوطالب نامه نوشت تا از مردم برای اوبیعت بگیرد ،امامحمدبن‌عبدالله بنامه‌وی پاسخ نداد . دراین موقع آگاه شد که ابوجعفرمنصور با سپاهی بزرگ به سوی واسط می‌آید وچون در خود یارای نبرد با اورا نمی‌دید به ناچار پیغامی برای ابوجعفر فرستاد وتقاضای صلح و آشتی کرد.

ابوجعفر منصور که خود نیز حال و حوصله جنگ نداشت وعلاوه بر این دلش‌به کینهٔ ابومسلم مشغول بود ومیخواست پیوسته نزدیک خلیفه باشد وبهر بهانه‌ای‌از ابومسلم بد بگوید تا خلیفه را برضد او تحریک کند ، این تقاضای پسر هبیره را با شادمانی پذیره شد وصلح نامه‌ای برای امضاء نزد او فرستاد ونامه‌ای نیز به خلیفه نوشت واز او اجازه‌خواست تا با پسره هبیره صلح وآشتی کند.

ابوالعباس‌سفاح که خلافت خود رامدیون ابومسلم بود واورا دوست داشت وبسیاراحترام می‌گذاشت ، وقتی نامه‌ی برادرش را دریافت کرد صلاح چنین دید که درمورد صلح با پسر هبیره‌با ابومسلم مشورت وازاونظرخواهی کند. بنابراین نامه‌ای به‌ابومسلم نوشت ودرآن ، اورا در جریان تقاضای صلح و آشتی پسر هبیره از ابوجعفر گذاشت و دراین مورد نظر او را جویا شد.

* * *

یزید پسر هبیره ، چون صلح نامه به‌دستش رسید مدتی را به تأمل و اندیشه گذرانید و با مشاوران خود روزها و شبها به‌مشورت نشست تامبادا گول بخورد ودست بسته تسلیم آل‌عباس شود ... وسرانجام ، پس ازچهل روز، صلح نامه را امضا کرد و برای ابوجعفرمنصور فرستاد .

منصور که تااین زمان به‌انتظاراجازه‌نامه‌ی خلیفه نشسته و کاملا بیحوصله شده بود ، وقتی صلح نامه‌ی پسر هبیره رسید ، سکوت برادرش را علامت رضا تلقی نمود وصلح نامه را امضاء کرد. اما بفاصله دو روزپس ازامضای صلح نامه ، ودر حالیکه منصور و اطرافیانش درتدارک بازگشت به دارالخلافه بودند ، نامه‌ای ازسفاح رسید که درآن به‌منصورنوشته بود :

« ... صلح وآشتی با پسر هبیره ماردرآستین پروردن است . من این کاررا صلاح نمیدانم . شهرواسط رافتح کن و پسرهبیره را بکش ... در انتظار فتحنامه‌ی برادرم‌هستم ... »

این ، درواقع ، نظر ابومسلم بود که در جواب نامه صلاحدید خلیفه به اونوشته بود که صلح وآشتی با پسر هبیره که تاکنون صدها نفر ازجانبداران آل عباس را کشته و درواقع قاتل قحطبه سرداربزرگ سیاهپوشان است ، به صلاح خلیفه نیست ومردم آنرا نشانه‌ی ضعف خلافت تلقی خواهند کرد .

ابومسلم ازسفاح خواسته بود که با این آشتی مخالفت کند و فرمان قتل پسر هبیره را صادرکند.

سفاح که بهیچوجه نمیخواست ابومسلم را ازخود برنجاند ، بمحض دریافت نامه‌ی اوبه برادرش پیغام فرستاد و او را ازصلح وآشتی با پسر هبیره برحذرداشت اما ابوجعفر پیمان‌صلح را امضا کرده بود واگربرخلاف‌آن‌عمل می کرد به‌بدعهدی و پیمان شکنی شهره میشد و این ، برای آینده‌ی او که میخواست جانشین سفاح و خلیفه‌ی مسلمانان بشود زیانبخش بود .

منصورفوری پاسخی به نامه‌ی برادرنوشت وبه‌اواطلاع داد که پیش ازدریافت نامه‌اش با پسر هبیره صلح نامه امضا کرده و درست نیست که پیمان شکنی بکند ... و درخواست کرد که با این صلح وآشتی‌موافقت کند.

ابوالعباس پس ازدریافت پاسخ برادرش مدتی‌مرددماند چون هم به برادرش حق میداد که نخواهد امضای خود را نفی کند و پیمان خود را بشکند و هم نمیخواست برخلاف نظر ابومسلم کاری‌صورت‌گرفته‌باشد.

ابوالعباس باخود فکر کرد که.

— اما ابوجعفر منصور نباید خودسرانه دست به آن کارمیزد . او باید منتظر دستور خلیفه‌میماند!

این فکر که مثل الهامی به مغزابوالعباس

سرداران استقلال‌طلب ایران

نوشته‌ی : فرناد

رسیده بود او را از تردید و دودلی نجات داد و در جواب برادرش نوشت که هرگز به این صلح و ... رضایت نمی‌دهد و باید کار پسر هبیره یکسره شود.

منصور بارهم زیر بار نرفت و از برادرش خواهش کرد که کاری را که او انجام داده ... باطل کند، اما این بار ابوالعباس نامه‌ای بسیار تند و آمرانه برای ابوجعفر نوشت و در آن تأکید کرد:

« ... تو چاره‌ای جز کشتن پسر هبیره نداری ... این فرمان خلیفه است ! »

ابوجعفر منصور دیگر چاره‌ای جز اطاعت از فرمان خلیفه نداشت و ناچار دستور داد پسر هبیره را که به اعتماد پیمان صلح نزد او آمده بود شبانه بکشند و سرش را برای خلیفه بفرستند.

ابوجعفر که می‌دانست این فرمان خلیفه در واقع از سوی ابومسلم صادر شده است بیش از پیش کینه و دشمنی ابومسلم را در دل گرفت و سوگند خورد که در فرصتی مناسب از او انتقام بگیرد.

* * *

ابوالعباس وقتی سر بریده‌ی پسر هبیره را به پایش انداختند، با خوشحالی خندید و بی‌درنگ نامه‌ای به ابومسلم نوشت و او را از بهم‌خوردن صلح با پسر هبیره و کشتن او آگاه کرد.

ابوالعباس در این نامه نوشت:

« ... تو نزد ما بقدری عزیز هستی و چندان حقی به گردن ما داری که نمیخواهیم کوچکترین امری خلاف میل تو در دستگاه خلافت ما انجام شود حتی اگر این امر باب میل نزدیکترین کسان یعنی برادرمان باشد. اینک ما نیز درخواستی از تو داریم. تو از مقام و منزلت ابوسلمه خلال نزد ما آگاهی و میدانی نسبت به او نهایت محبت و احترام را در حق او روا داشته‌ایم چون برای پیروزی ما بر بنی‌امیه کمک بزرگی کرده است و بعلاوه میدانیم که مورد علاقه و حمایت تو نیز هست.

این مرد ... اخیراً کفران محبت‌های ما کرده و پنهانی دست به اقدام‌هایی خلاف مصالح خلافت ما می‌زند. او لباس سیاه را از تن بدر کرده و لباس سفید می‌پوشد و در نهان مردم را به بیعت ابوطالبیان می‌خواند. البته این‌ها شایعاتی نیست که از سوی دشمنان ابوسلمه پراکنده شده باشد بلکه خبرهای کاملا موثقی است که بدست ما میرسد. می‌دانید که ابوسلمه خلال بعنوان وزیر آل محمد نفوذ زیادی میان مردم مسلمان دارد و دشمنی او با ما بسیار گران تمام خواهد شد چون هنوز اول خلافت عباسیان است و هر باد مخالفی ممکن است این نهال جوان را از ریشه بیفکند، مگر آنکه دست نیرومند تو، به حمایت دراز شود.

خواهش ما از تو اینست که بهر نحوی که خود صلاح می‌دانی کار ابوسلمه را یکسره کنی وخیال ما را از جانب او آسوده سازی... »

***

ابومسلم خود نیز از سوی ابوسلمه نگران بود زیرا دورا دور مراقب او بود و می‌شنید که از یک طرف روی دستگاه خلافت نفوذ دارد و از طرف دیگر نقشه‌هایی جاه طلبانه در سر می‌پروراند و با توجهی که مردم و بویژه دوستداران آل علی نسبت به او دارند ممکن است برای خلافت عباسیان ایجاد خطر کند...

خلافت عباسیان در واقع ساخته و پرداخته‌ی دست قدرتمند و هوش و ذکاوت ابومسلم بود و او تا روزی که لازم می‌دانست از این دستگاه حمایت می کرد و نمیخواست از جانب — لااقل عرب‌ها — صدمه‌ای به حکومت آل عباس بخورد. بنابر این وقتی نامه‌ی ابوالعباس را خواند، خوشحال از اینکه توانسته دماغ ابوجعفر منصور را بخاک بمالد و او را وادار به نامردی و عهد شکنی کند، خواهش خلیفه را نیز — که در واقع خواست قلبی خود وی بود — به دیده‌ی منت پذیرفت و در جوابی که برای ابوالعباس نوشت قول داد که ابوسلمه خلال را بی هیچ دردسری از سر راه خلافت عباسیان بردارد.

ابومسلم در این نامه از سفاح خواست که چند روز پس از دریافت نامه‌ی او، ضیافت مجللی در بارگاه خود ترتیب دهد و ابوسلمه را نیز به این میهمانی بخواند تا آخرین جام را با خلیفه بنوشد و راهی بهشت شود!

***

ابوالعباس، همانگونه که ابومسلم خواسته بود، میهمانی باشکوهی در بارگاه خود ترتیب داد که تمام بزرگان عرب از جمله ابوسلمه خلال را در آن دعوت کرد.

قصر در تلألؤ چلچراغها و مشعلها می‌درخشید، صدای ساز و آواز و خنده و شادی گوش فلک را کر می کرد، میهمانان میخوردند و می نوشیدند و عرق لذت شکمبارگی بودند... میهمانی تا نیمه های شب ادامه داشت.

در این احوال، جوانی نیرومند و درشت هیکل بنام مرار، در پیچ کوچه‌ی تاریکی، کمی دورتر از قصر خلافت، کمین کرده بود و انتظار می کشید. او چشم به پنجره‌های نورانی قصر دوخته بود و خنجری را درمشت می‌فشرد.

وقتی میهمانی تمام شد، مهمانان یکی یکی از ابوالعباس خدا حافظی کردند و قصر را ترك گفتند. هنگامی که ابوسلمه خلال — که آنشب با لباس سراپا سفید به قصر خلافت آمده بود — در برابر سفاح برای وداع سر فرود آورد، خلیفه به طعنه گفت:

— یا ابوسلمه، هیبت مردانگی را از دست داده‌ای! ابوسلمه با حاضرجوابی گفت:

در عوض به خلعت بهشتی آراسته‌ام!

ابوالعباس به قهقهه خندید و گفت:

— پس ندای حق را شنیده‌ای! روانت شاد باد!

ابوسلمه رنجیده و نگران از این نیشخند سفاح از قصر بیرون رفت و بزودی در پیچ کوچه‌ی تاریکی از نظر ناپدید شد... همانجا که مرار انتظارش را می کشید... حتی ناله‌ای هم از گلوی پیرمرد درنیامد!

***

صبح روز بعد، جسد بیجان و خونین ابوسلمه خلال را پیدا کردند و در دارالخلافه شایع شد که وزیر آل‌محمد را خوارج کشته‌اند.

***

ابوالعباس سفاح در نامه‌ای سراپا سپاس و امتنان، وفای به عهد ابومسلم را مورد ستایش و تحسین قرارداد

ادامه دارد.

جدول سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر پارساخو

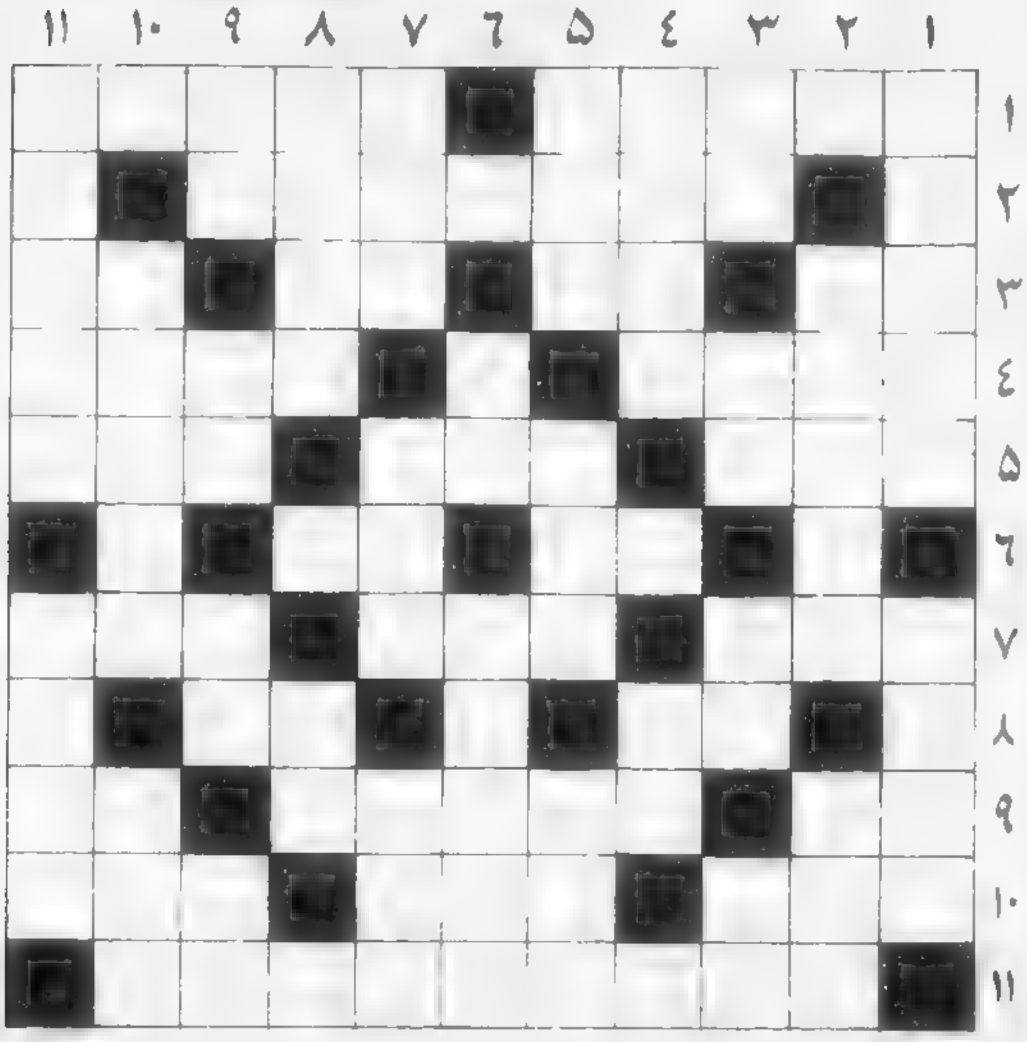

افقی

۱ — کننده کار — کارگاه کوچک ۲ — محل کار ۳ — ریوزه شد — سعی و کوشش — نتی از موسیقی — بازیکنان عقب در فوتبال ۴ — مقیاس وزن برای مایعات — در خواب می‌بینند ۵ — گله — یکحرف و سه حرف — سپاسگزاری شیرین ۶ — دل آزار کهنه — آزادورها ۷ — گوشه — خوردن آن حرام است — شهر بی قانون ۸ — یاد داشت — وسامیتی است ۹ — مهره‌ای درشطرنج — سنگ نبشته — نوعی چاشنی ۱۰ — نقاله عسل — دریاچه ترکیه درگرمابه — ماهی عظیم الجثه ۱۱ — برای تهیه ملزومات باید بانجامراجعه کرد.

عمودی:

۱ — انقلاب نسبت به این طبقه توجه زیادی دارد — اگر «ن» در آخر آن بگذارند، معروفترین رقاصه اسپانیا میشود ۲ — دامن بلند — حیوانی است ۳ — بعضی‌ها اینطور حرف میزنند — زیر با مانده — ارما بهتران — ضمیر جمع ۴ — مرد روحانی در نزد مصریان قدیم — تنها ۵ — شکل پذیر — فاصله‌اش تا اینجا زیاد است — وسیله بازی درمیدان جنگ ۶ — محل ومکان — یارخوب که دربیمارستان است ۷ — نارس — پرچم — محل اتصال دو استخوان در بدن ۸ — میوه‌ایکه پوست آن در رنگرزی مورد استفاده قرارمیگیرد — کوه کوچک ۹ — راه کوتاه شده — مثل و مانند — علامت جمع — پروفسور حیوانات. ۱۰ — کارندارد — عقیده — کمتر کارگری ندارد حبس کارگری کاربکند بهتر است.

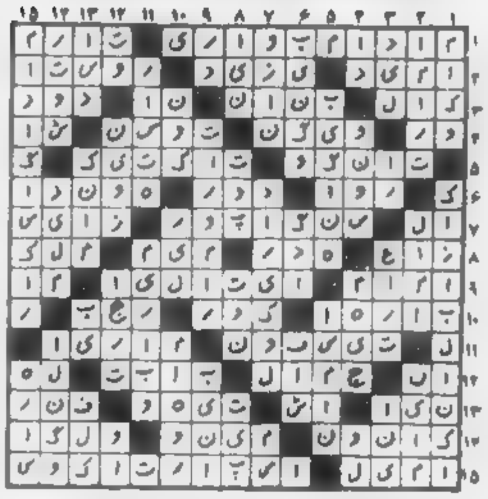

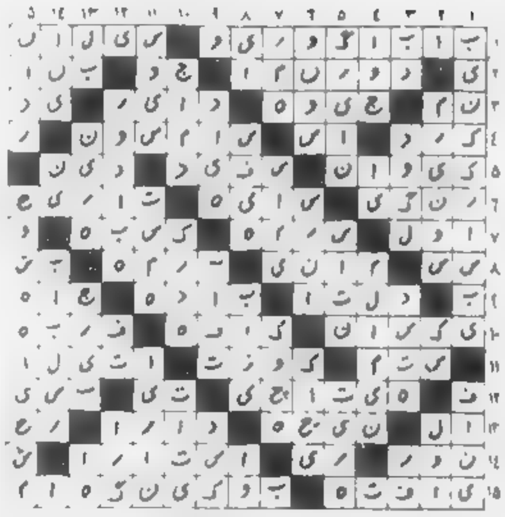

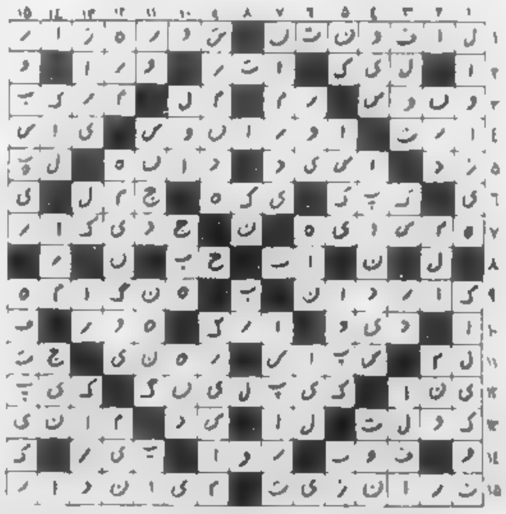

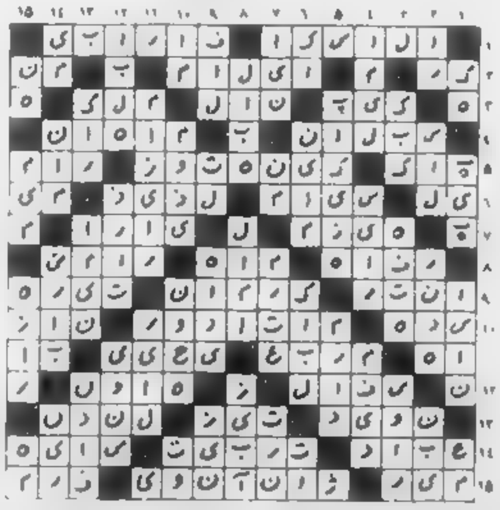

برندگان مسابقات مجله شماره چهار «رستاخیز کارگران»

۱ — آقای مسعود رزاقی، ساعت ۲ — آقای پرویز کاظم زاده، رادیو ۳ — بانوا کرم صداقت، قلم خودنویس.

جوایز مسابقات این شماره و هرشماره

۱ — یک سکه طلا (یک پهلوی) ۲ — یک ساعت مچی ۳ — یک رادیو ترانزیستوری ۴ — یک قلم خودنویس.

این جوایز بحکم قرعه بچهار نفر از شرکت کنندگان درمسابقات که پاسخ صحیح داده باشند تعلق میگیرد مشروط برآنکه نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، شغل وآدرس دقیق خود را درزیر پاسخ ونام مسابقه وشماره‌مجله را دربالای پاسخ وروی پاکت قید نموده باشند.

پاسخ جدول های مجلات شماره یک الی چهار:

صاحبان این عکسهای منفی چه کسانی هستند؟

صاحبان این عکس‌های منفی همه از خوانندگان معروف اروپا و آمریکا هستند که در ایران نیز شهرت دارند. برای شرکت درقرعه کشی و بهره گیری از جوایز این مسابقه کافی است نام صحیح دوتن ازآنها را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید.

تفاوت اصل با بدل

این دو نقاشی که درظاهر شبیه هم هستند در هفت مورد با یکدیگر اختلاف دارند. کافی است شما پنج مورد آنرا به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بنویسید تا در قرعه کشی جوائز این مسابقه شرکت داده شوید.

سرگرمی باجایزه

بیست و چهار تصویر کوچک که در پائین تصویر بزرگ دیده میشود همه را میتوانید در تصویر بزرگ پیدا کنید! حل این مسابقه کار مشکلی نیست فقط قدری صبر و حوصله میخواهد و توجه داشته باشید که برای شرکت درقرعه کشی و بهره گیری ازجوایز کافی است جای ده تصویر کوچک را در تصویر بزرگ مشخص کنید.

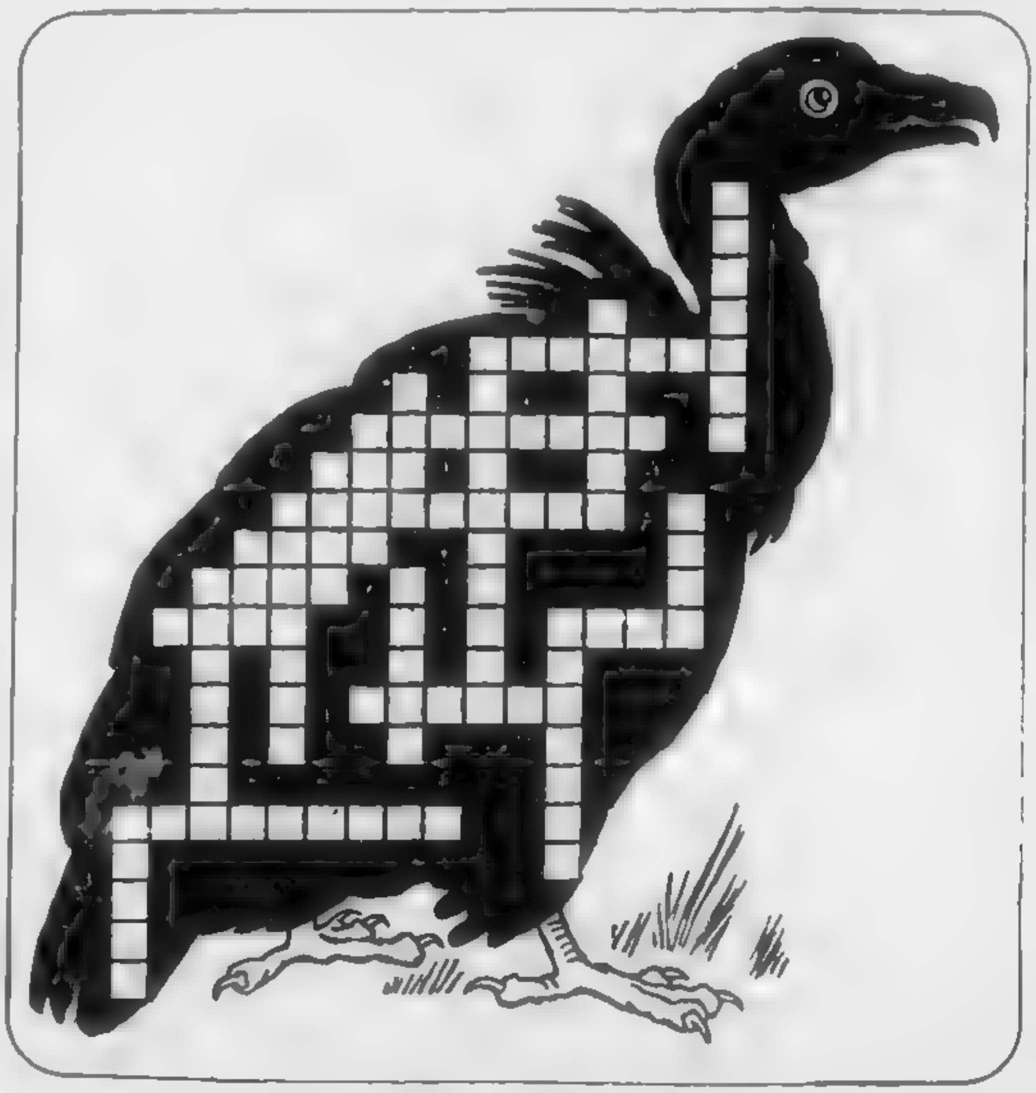

مسابقه جدول کلمات

این جدول کلمات متقاطع را که دارای شکل زیبائی است پر کنید و با شرحی که برای آن می‌نویسید برای ما بفرستید. اینکار مقدمه یک آزمایش است و ما در شماره‌های آینده کسانی را که این جدول کلمات متقاطع را خوب پر کرده و شرح مناسبی برای کلمات داخل آن نوشته باشند در یک مسابقه جالب طراحی جدول کلمات متقاطع شرکت خواهیم داد. نامه‌های خود را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بفرستید.

فال

فروردین

شنیدن نظر اشخاص با تجربه و سررشته‌دار باعث میشود که برای یک مسئله خصوصی بهترین راه‌حل را پیدا کنید. در زندگی زناشوئی شما صمیمیت و اعتماد متقابل برقرار خواهد بود. تجربه‌های جدیدی نصیبتان میشود. در هر موقعیتی آرامش خود را حفظ کنید.

اردیبهشت

هرچند فرصت‌های [illegible] برای خوشگذرانی [illegible] ولی از محبت اطرافیانتان برخوردار نمیشوید. احتمالاً به سفر میروید و در این سفر با [illegible] خرداد [illegible] خواهید داشت [illegible] ولی [illegible] از خبرهای [illegible] باشید.

خرداد

تصور میکنید که [illegible] اطرافیانتان برخوردار نمیشوید. ولی [illegible] در صورتی حل میشود که [illegible] داشته باشید. سعی بکنید خواسته‌های خود را به دوستانتان تحمیل نکنید و زود تصمیم نگیرید [illegible] تغییر دهید.

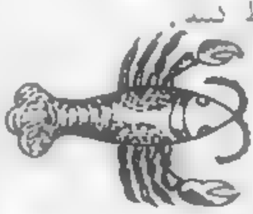

تیر

سعی کنید خونسردی خود را حفظ کنید و به توانائیها و امکانات خود اطمینان داشته باشید. مسائل موجود را یک به یک مورد بررسی قرار دهید. نسبت به شخص مورد علاقه خود بی‌تفاوت یا بی‌اعتنا نباشید زیرا که او مدت زیادی قادر بتحمل این رفتار شما نخواهد بود.

مرداد

[illegible] دارید. وقتی با مسئله‌ای [illegible] روبرو میشوید درباره آن با او گفتگو کنید. عصبانیت دشمن سلامتی شما و روابط عاطفی خود با دوستان نزدیکتان است، زیرا که دوستان بسیاری را روی این امر از دست خواهید داد.

شهریور

[illegible] قرار بگیرید و [illegible] داشته باشید از شک و تردیدهای بیمورد رهائی یابید و به نتایج دلخواه برسید. از تعجب و [illegible] بپرهیزید. در مواقع عصبانیت مراقب عکس‌العمل‌های خود باشید. خستگی و زودرنجی تأثیر منفی روی شما میگذارد.

مهر

مسئولیت‌های خود را با دقت بیشتری انجام دهید. احساس میکنید که نقشه‌هایتان با موانعی روبرو شده‌اند. عجله بخرج ندهید و نومید نگردید که بزودی اوضاع بر وفق مراد پیش خواهد رفت. برای عقاید دیگران ارزش بیشتری قائل شوید.

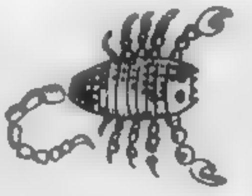

آبان

فعالیت زیاد و طرز تفکر منطقی شما باعث میشود که برای هر مشکلی راه‌حلی مناسبی پیدا کنند. همه‌جا مورد توجه و موفق خواهید بود. نقشه‌های جدیدی را بمرحله عمل نزدیک کرده، احساس رضایت کامل خواهید کرد. با افراد خانواده خصوصاً [illegible] تماس خواهید داشت.

آذر

ازاین موقعیت استفاده کنید و برای زندگیتان برنامه منظمی ترتیب بدهید. در هر موقعیتی رفتاری توأم با سیاست داشته باشید. از ناراحتی‌های درونی، هیچ چیز برایتان نخواهد ماند. همچنان گذشته تفاهم و دوستی و عشق در زندگیتان حکمفرما خواهد بود. بیشتر با دوستانتان معاشرت کنید.

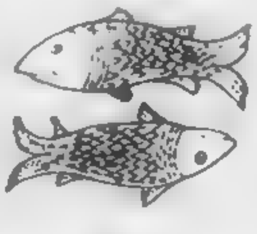

دی

اینقدر احساس خستگی نکنید. سعی نکنید بی‌جهت وبدون تجویز پزشک داروئی مصرف کنید. شک وتردید بیجا دشمن پیشرفت وموفقیت شما است. در میان خانواده خوشحال وراضی خواهید بود. به مجردها توصیه میشود که در انتخاب شریک زندگی عجله بخرج ندهند.

بهمن

کلیه افراد خانواده برای عملی کردن نقشه‌ای صحیح بایکدیگر توافق میکنند. شما به آرامش و مقدار خواب بیشتری احتیاج دارید. مشکلات شغلی شما به سهولت برطرف خواهد شد و بزودی پاداشی دریافت خواهید کرد. نامه‌ای از دور میرسد که مژده‌ای بهمراه دارد.

اسفند

اگر شما ناراحت هستید یا با مشکلی روبرو شده‌اید، دلیل نمیشود که اطرافیانتان را آزار دهید وبا آنها بگومگو کنید. ضمناً مطمئن باشید که این مسائل گذرا هستند و بزودی شادی وسعادت در زندگی‌تان برقرار میشود. از یکنواختی به ستوه آمده‌اید وروی این اصل احتیاج به استراحت ومرخصی دارید.

دانستنی‌ها

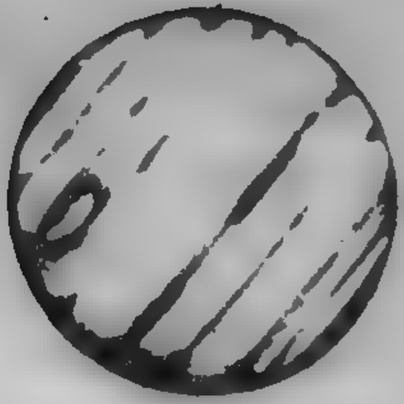

از آسمان آبی چه میدانیم؟

تصویر بالای سرما،

چرا مردم جهان از ستارگان دنباله دار میترسند؟

[illegible]

رصدخانه سمرقند

[illegible]

تقسیم آسمان

[illegible]

رنگ ستارگان

[illegible]

صورفلکی

[illegible]

کمک صورت های فلکی

[illegible]

ما یانگر کائنات نیست

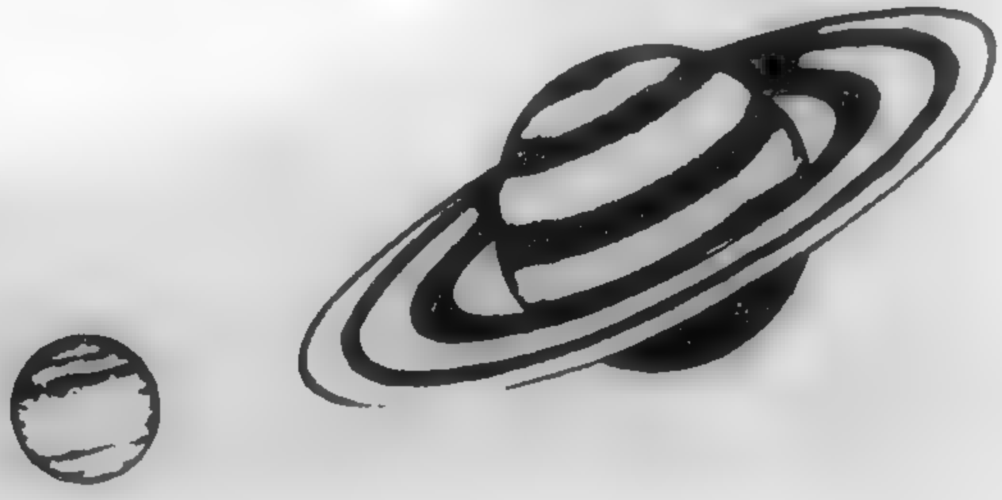

[illegible]

تصویری که آسمانی بسته

[illegible]

تکامل ستاره سیاسی

[illegible]

ستارگان دنباله دار

[illegible]

علامت سوم

[illegible]

حمله یاجوج و ستاره دنباله دار

[illegible]

نظرات دانشمندان

[illegible]

بقیه در صفحه ۹۱

اثر: موریس مسگه
ترجمه: مهدی نراقی
در ۲۵۵ صفحه از انتشارات امیر کبیر

حق با طبیعت است

موریس مسگه، دکتر علفی فرانسوی، گلها و گیاهان شفابخش را می‌چیند.

در همه جای دنیا از موفقیت های چشمگیر «موریس مسگه»، از گیاهان شفابخش و از محصولات زیبائی‌اش سخن میگویند.

مجله هائی که در دنیا برای خانمها منتشر میشود در بارهٔ اهمیت و شهرت‌ستدهای درمانی دکتر علفی فرانسه مینویسند:

«موریس مسگه» دکتر علفی فرانسه، پسر یک دهقان زاده از دهکدهٔ دوردستی در کوههای پیرنه فرانسه است که از تجارب اجداد خود در معالجه با گلها و گیاهان شفابخش استفاده کرده‌است.

«موریس مسگه» تجارب اجداد خود را که تاریخی بیش از چهار قرن دارد با تجارب و آزمایشهای شخصی خود کاملتر و بهتر کرده و بصورت کتاب منتشر ساخته و در دسترس عموم قرارداده است.

اگر شما این فرصت را بدست آورید که بدیدن او بروید و با او در بارهٔ معالجهٔ بیماریهای خود مشورت کنید او بشما توصیه خواهد کرد که از گلها و گیاهان شفا بخش معطر، دستها و پاها را حمام دهید و خیسانده و جوشانده‌ها دم‌کرده آنها را بنوشید.

وقتی‌مدتی این‌کار را کردید خواهید دید که بیماریهای‌شما برطرف شده و شما سالم و تندرست شده‌اید.

موریس مسگه علاوه بر کتابهائی که نوشته و اسرار زیبائی و تندرستی را در صفحات این کتابها برای خوانندگان خود فاش ساخته است آزمایشگاهی بنام :(لابراتوار فراورده‌های زیبائی از گیاهان خودرو) تاسیس کرده است و مرتب اعلام میدارد گیاهان من در زمینی می‌رویند که کود شیمیائی و یا سموم دفع آفات نباتی بآن‌داده نمیشود، خودش آنها را می‌چیند و بسته بندی کرده و با اسم و امضاء خود میفروشد و یا دراختیار خواستاران میگذارد.

از کتابهائی که موریس مسگه نوشته و شهرت جهانی پیدا کرده از همه معروفتر کتاب (حق با طبیعت است) یا اسرار زیبائی و تندرستی است که آقای مهدی نراقی آنرا بفارسی ترجمه کرده و مؤسسه انتشارات امیر کبیر آنرا با طرز جالبی بصورت کتاب در ۲۵۵ صفحه منتشر کرده است.

در کتاب حق با طبیعت است، موریس مسگه با بیانی ساده شرح میدهد که گلها و گیاهان شفابخش و یا سبزی‌ها و میوه‌ها و خوراکیها راچگونه باید تهیه و مصرف کرد تا از آن فایده گرفت.

آقای مهدی نراقی در ترجمهٔ فارسی این کتاب مثل کتابهای دیگری که از دکتر گیلورد هاوزر» ترجمه کرده باسلاست و شیرینی خاصی دکتر علفی فرانسه و افکار او را به خوانندگان فارسی زبان شناسانده است.

قسمت جالبی که در ترجمهٔ فارسی کتاب حق با طبیعت است نظر و توجه خواننده ایرانی را جلب می کند مصاحبه‌ای است که آقای مهندس نراقی با موریس مسگه کرده و او تاریخچهٔ زندگی و سرگذشت تلاش های خود را شرح میدهد و خواننده‌قبل از خواندن کتاب پی میبرد که این دهقان زادهٔ فرانسوی در چه محیط نا مساعدی دست بکار شده و بالاخره ثابت کرده است که حق با طبیعت است.

ما خوانندگان خود را به مطالعه این کتاب خواندنی و مفید برای همه، توصیه میکنیم و موفقیت های روز افزون مترجم معروف‌خدمتگزار مردم را ازصمیم قلب ازخداوند خواهانیم.

«ده فرمان»، که همسر یک معدنچی انگلیسی زغال سنگ،آن را طرح کرده است، قوی ترین و پر طاقت ترین مردان را به گریه خواهد انداخت.»اما یک معدنچی که «روی‌الز» نام دارد و ۳۳ سال از عمرش می‌گذرد، با کمال میل «ده فرمان» را پذیرفت تا بار دیگر با زن سابق خود به نام «گلادیس» ازدواج کند.

«روی» و «گلادیس» — که اکنون ۳۹ سال دارد — اولین بار در سال ۱۹۵۱ با هم ازدواج کردند، اما پس از ۲۰ سال زندگی مشترک جنجال برانگیز و به دنیا آوردن ۵ فرزند، از یکدیگر جدا شدند. کانون خانوادگی آندو وقتی از هم پاشید که «روی» عاشق بهترین دوست همسرش که یکی دو خانه آن‌طرف‌تر زندگی می کرد، شد.

جدایی «روی» و «گلادیس» چهارسال به طول انجامید و در این مدت معدنچی دو بار به اختلالات عصبی مبتلا شد و وزن بدن او کاهش بسیار یافت و چیزی نمانده بود که وی از بیمارستان سردرآورد.

یک طرح زیبا و ساده برای رومیزی، روبالشی و لباس بچه‌ها

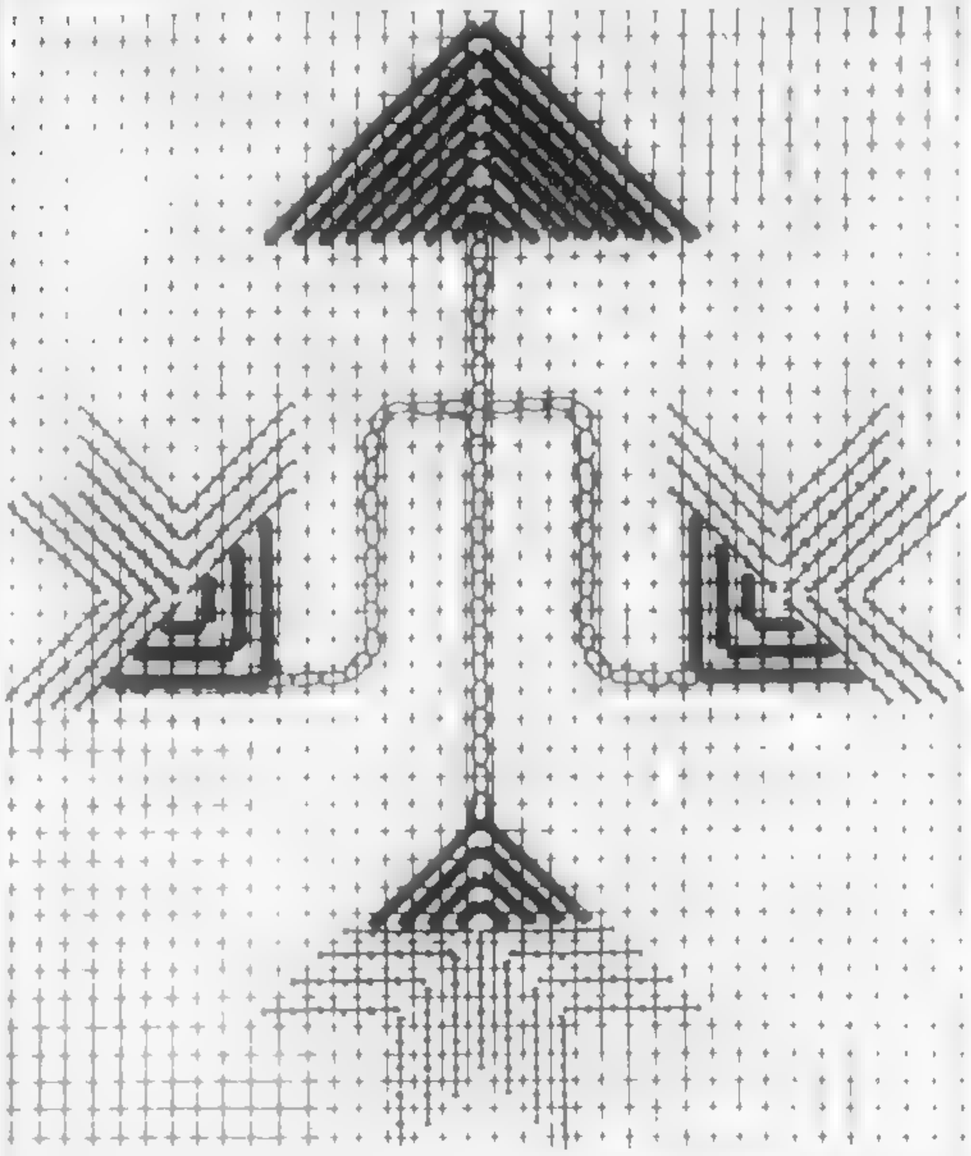

این طرح زیبا و ساده، به رومیزی، روبالشی برنیبی (کوسن) و لباسهای بچه‌های شما، زیبائی می‌بخشد.

شما می‌توانید طرح شماره یک را، بر روی پارچه شماره دوزی بکشید، و آنرا روی پارچه مورد نظرتان (رومیزی یا لباس بچه‌ها) کوک بزنید. سپس با نخ های رنگی ابریسم -- هررنگ که خودتان به پسندید-- مطابق طرح می دوزد. بعد با قیچی ظریفی، با دقت باقیمانده پارچه شماره دوزی را ببرید، تا طرح شماره دو بدست آید.

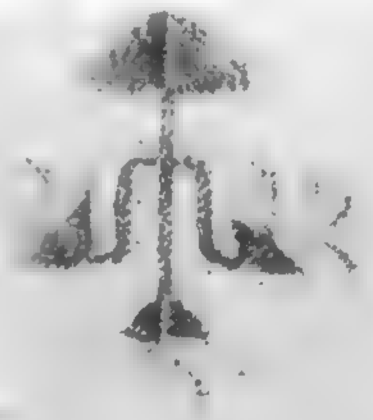

پس از چهار سال، «روی» دیگر نمی‌توانست طاقت بیاورد و باین جهت نزد همسر سابقش رفت و از او پرسید آیا مایل است برای دومین بار با هم ازدواج کنند؟

«گلادیس» موافقت کرد، مشروط بر این که معدنچی «ده فرمان» یا «قانون رفتار» را که «گلادیس» و پنج فرزند او طرح کرده بودند، بپذیرد.

«ده فرمان» این ها هستند:

۱ــ با دوستانت به عیاشی نرو
۲ــ دیر به خانه نیا.
۳ــ در شستشوها کمک کن.
۴ــ در خانه نامرتب نباش.
۵ــ با بچه ها زیاد با خشونت رفتار نکن.
۶ــ از زنت ایراد نگیر.
۷ــ مرتب سر کار برو.
۸ــ در خرید کمک کن.
۹ــ همیشه به خاطر داشته باش که خیلی خوشبختی.
۱۰ــ به زن های دیگر نگاه نکن.

«روی» پیش از آن که به او اجازه داده شود انگشتری ازدواج بخرد و تاریخ عروسی دوم را تعیین کند، قول حتمی داد که «ده فرمان» را مو به مو اجرا کند و سرانجام ازدواج آن ها در ماه مارس سال گذشته انجام شد.

اکنون معدنچی و همسرش، هر دو، می‌گویند بسیار خوشبخت‌تر از هر زمان دیگر هستند و «گلادیس» این خوشبختی را در اثر اجرای مؤثر «ده فرمان» می‌داند.

«روی» چنین می‌گوید: «من این فرمان‌ها را کمی خشـن مـی‌دانـم، امـا تا آن جا که قدرت داشته باشم، آن‌ها را اجرا می‌کنم، هرچند اجرای فرمان شماره ۵ را که می‌گوید، با بچه ها زیاد با خشونت رفتار نکن، سخت‌تر از همه می‌دانم. آخر بچه ها عادت کرده بودند که در غیاب من به میل خود رفتار کنند، و من ناچار میشدم کمی آن‌ها را سرکوب کنم. اما من اجرای فرمان شماره ۱۰ را آسان‌تر از همه یافته‌ام. بعد از این همه مصیبت، من هرگز به زن های دیگر نگاه نخواهم کرد چرا که در آن چهارسال مصیبت بار، من هرگز از احساس نگرانی، شرمندگی و گناه آزاد نبوده‌ام.»

«گلادیس» نیز چنین می‌گوید: «ما حالا حقیقتاً خوشبخت هستیم. اگر سوءتفاهمی پیش بیاید، میزگردی تشکیل می‌دهیم و در باره آن صحبت می‌کنیم و مساله را به نحوی حل می‌کنیم.»

جوانهٔ گندم

از : مهدی نراقی

کمی از تاریخچهٔ گندم

گندم از قدیمی‌ترین غلاتی است که مصرف غذای انسان رسیده است چنانکه مانند گندمی که امروز ما میکاریم در سه هزار سال پیش از میلاد مسیح در بین‌النهرین و مصر کاشته میشده است.

بزرگترین کشور های صادر کنندهٔ گندم در زمان حاضر، ایالات متحده امریکا، کانادا، آرژانتین، استرالیا میباشند.

گندم چه دارد؟

گندم دارای موادی است که آن مواد برای نگاهداری زندگی ما لازم است مخصوصاً املاح معدنی گندم که تا این تاریخ شناخته شده‌اند عبارتند از:

پتاسیوم، سودیم، کلسیم، منیزیوم، گوگرد، کلور، فلوئور، کوبالت، سیلیسیم، یود، آرسنیک و غیر آن.

یک دانه گندم یک تخم نباتی واقعی است که وقتی کاشته شود گاهی از یک تخم، هشتاد تا نود تخم بعمل میآید.

دانهٔ گندم بشکلی که بوجود میآید همانطور میماند و بخودی خود ضایع وخراب نمیشود.

یک دانه گندم از نظر ساختمان دارای قسمتهای زیراست:

۱ــ سلولهای پوست.
۲ــ پوست دوم آن که قسمت چرب وفسفر دار و ویتامین «آ» آنست.
۳ــ قسمتی که دارای سلیس و فلوئور است.
۴ــ سلولهای گلوتون یا قسمتی که سرشار از مواد سفیده‌ای، منیزیوم، و ویتامین «ب» میباشند.

تمام این مواد در آردی که برای تهیهٔ نان مصرف میشود بشرطی وجود دارد که از آن آرد چیزی کم نشده وآرد کامل باشد، یعنی با سبوس وجوانهٔ گندم آن تبدیل به نان شود.

نان کامل چیست؟

باید دانست که تنها نان کامل غذائی معتدل است، نان سفید که سبوس آن گرفته شده یبوست میآورد وچنانکه میدانید یبوست مادر بیماریهاست. آرد تصفیه شده را اگر خمیر کنند موقع ورآمدن، بدبو میشود و نان آنهم خوش بو نیست و ارزش غذائی کمی دارد چنانکه نان سفید بیش از صد واحد ویتامین ندارد و حال آنکه نان کامل ۳۰۰ واحد ویتامین دارد.

نان واقعی باید با آرد کامل، نمک و آب و خمیر ترش طبیعی تهیه شود وبهتر است در تنوری که با هیزم داغ شده باشد پخته شود، چنین نانی را اغلب میتوانیم در دهات بدست آوریم که دهاتیها آنرا تهیه میکنند وسراسر سال

بقیه در صفحه ۹۱

آشپزی

آش سماق با کوفته ریزه

مواد لازم برای پنج نفر:

گوشت چرخی	نیم کیلو
سبزی آش	یک کیلو
سبزی کوفته (تره، جعفری، تلخون، مرزه، گشنیز، شبد)	نیم کیلو
برنج برای کوفته وآش	۰٫۵ سیر
پیاز	چهار عدد
[illegible]	یک سیر
روغن	[illegible] قاشق غذاخوری
زردچوبه ونمک وفلفل	باندازه کافی
گوشت چرخ کرده	نیم کیلو
سماق	[illegible] سیر

طرز تهیه کوفته آش:

برنج، لپه، گوشت، سبزی، نمک، فلفل و زردچوبه را در هاون خوب می کوبیم وسپس آنرا بصورت گرلوله های [illegible] در میاوریم و در یک دیس می چینیم.

طرز تهیه آش:

آب را به مقدار [illegible] جوش میاوریم و کوفته ریزه‌ها را در آن می ریزیم. به برنج وسبزی ولوبیاچیتی که قبلا پخته‌ایم نمک وفلفل اضافه می کنیم. وقتی کوفته ها درحال جا افتادن است، پیازها را خرد وسرخ کرده، به آن اضافه می کنیم، شعله آتش را کم کرده میگذاریم خوب [illegible] سماق را [illegible] خیس کرده [illegible] میگذاریم و [illegible] می ریزیم وآش را با نعناداغ سرسفره می بریم.

مواد لازم برای پنج نفر:

برنج	۱ کیلو
گوشت	نیم کیلو
لپه	۲ سیر
روغن	۳ قاشق غذاخوری
نمک	به اندازه کافی
زعفران	یک قاشق چایخوری
دارچین	۲ قاشق چایخوری

طرز تهیه:

ابتدا نمکسنگ روی برنج گذاشته آنرا خیس می کنیم گوشت راقیمه‌قیمه کرده قدری در ماهیتابه‌سرخ می کنیم ولپه را به آن اضافه می کنیم و با کمی آب می‌پزیم آب رابرای پلو جوش آورده، برنج را درآن می ریزیم و کف برنج را بوسیله کفگیر می گیریم. وقتی دانه های برنج نیم پزشده آنرا آبکش می کنیم روغن راداغ کرده کمی آب به آن اضافه می کنیم و مقداری از آن را به دیگ‌کشی ریزیم و نصف برنج را روی آن قرار میدهیم، مایه قیمه را روی برنج ریخته و بقیه برنج سفید را به آن اضافه می کنیم.

بعد از پنج‌دقیقه شعله را کم می کنیم و دم کنی روی دیگ می گذاریم تاخوب دم بکشد.

فراموش نکنید که دارچین را نیز باید لابلای برنج بریزیم وقتی پلو دم کشید قیمه وبرنج سفید را با کف گیر باهم مخلوط می کنیم و در دیس می کشیم زعفران را با روغن روی پلو می ریزیم

باپودر
کیمیا
آسانِ آسان و
پاکِ پاک میشوئید
پودر شستشو
باجایزه
کیمیا

قصهٔ سنگ صبور

بقیه از صفحه ۷۱

داشتم به‌خودم هی زدم وجلوی خودم را گرفتم. آقای سنگ صبور میبینید که موضوع کم کم دارد مهم میشود؟ حالا با عشقی که در سینه دارم وبچه‌ای که در راه است بایـــد چه کار کنم؟ راستی بایدچه کار کنم؟»

بله به‌قول رسول موضوع دیگر داشت موضوع مهمی میشد این را آقای مصلحت‌جو هم تشخیص داده بود وهمراه با رسول احساس نگرانی میکرد وهمه‌اش انتظار رسیدن نامه بعدی رسول را میکشید وآن نامه طبق‌معمول روزاول هفته به‌دستش رسید:

«سنگ صبورجان، بگذار روبرویت بنشینم وفریاد بکشم — نمیدانی دردرونم چه غوغایی برپاست. از صبح تا شب همان طور که در کارخانه کار میکنم مغزم دنگ دنگ صدا میکند. از یک طرف چشم‌های نار دار لقا مرا به‌طرف خودشان دعوت میکنندازطرف دیگر بچه‌ای که هنوز نه شکلی دارد ونه جنینی در گوشهایم گریه میکند. در عرض این چند روز تبدیل به‌دو پاره شده‌ام یکی از پاهایم به‌طرف لقا میدود وپای دیگرم در راه خانه است. چه کار کنم؟ میدانم ازشما هم میتوانم راهنمایی بخواهم چون درحالتی نیستم که بتوانم تصمیم بگیرم به‌همین دلیل خودم را به‌سرنوشت سرده‌ام ومثل برگی که با آب رودخانه پیش میرود دارم لنگان لنگان از جاده زندگی میگذرم. چون جز شما دوستی ندارم التماس میکنم که برایم لااقل دعا کنید واز خدا بخواهید که مرا از دردی که قلبم رافشارمیدهدنجات بدهد.»

کم کم آقای مصلحت‌جو از روی نامه‌های رسول از او قالبی در خیال خود ساخته و به‌آن جان داده بود. قالب یک جوان قد بلند و مو سیاه سی ساله بایک جفت چشم ساده‌ومهربان و سری پر از آرزوهای دور ودراز،سری که روزها در کارخانه به‌روی ماشین کار خم میشد و به‌قول خودش از برخورد افکار مختلف دنگ دنگ صدا میکرد! بیچاره رسول آقای مصلحت‌جو هرچند ساعت یک بار سرش را از روی انبوه کاغذهای روی میزش بلند میکرد و درحالیکه به‌تصویر خیالی رسول خیره میشد زیرلب تکرارمیکرد: بیچاره رسول خدا به‌دادش برسد ونجاتش بدهد! اما خدا که سازنده همه حوادث نیست وبسیاری از حوادث را خود ما انسانها به‌وجود می‌آوریم. این بستگی دارد به‌انتخاب راه وکسی که راه صحیح را انتخاب نکند چه توقعی میتواند از خدا داشته باشد. رسول هم عاشق‌تر ازآن بود که دیگر بمـــفهوم صحیح ویا غلط پی ببرد.

او در راه عشق پیش میرفت وسعی میکرد صداهای درونی خود را ناشنیده بگیرد و به‌همین دلیل روز به‌روز زندگیش تلخ‌تر و سیاه‌تر میشد. تازه شکم لقا بالا آمده، وآثار وضع حمل در اوظاهر شده بود که این نامه از رسول برای آقای مصلحت‌جو رسید:

«سنگ صبور عزیزم سلام — اوقاتم مثل سگ تلخ است. نمیدانید درچه جهنمی زندگی میکنم. امان از دست مریم،دائماً بهانه‌جوئی میکند وسر وصدا راه میاندازد امروز چیزی نمانده بود باهم بقصد متارکه بمحضر برویم انگار از آن چه درقلبم میگذرد بویی برده است چون مرتب نیش زبان میزند وبه‌همه گفته است زیر سر من بلند شده ولی به‌خدا قسم من با لقا هیچ رابطه‌ای ندارم. بله درست است من سخت وسخت عاشق او شده‌ام وبزرگترین آرزویم اینست که او را درگوشه‌ای درآغوش بگیره وتوی گوشش ازعشق فریاد بزنم.

ولی هنوز این فرصت را به‌دست نیاورده‌ام یعنی به‌خودم این اجازه را نداده‌ام وگرنه در چشم‌های لقا خوانده میشود که منتظر این لحظه است. به‌هر حال من ومریم امروز باهم ازآن دعواها کردیم. اوفریاد کشید که دیگر نمیتواند با من زندگی کند. من هم گفتم به‌هر جهنمی دلت میخواد برو چون دیگر از دست دله‌شده‌ام.

اما وقتی به‌خانه آمدم و او را ندیدم یک دفعه دلم گرفت. چرا؟ خودم هم نمیدانم چون من کــــه او را اصلا دوست ندارم. ولی شاید به‌او عادت کرده‌ام. میدانید ترک عادت خیلی سخت است. وانگهی مریم حامله است ودارد بچه مرا درشکمش بزرگ میکند ومن.... بــــــله آقـــــای سنگ صبور

من این بچه نادیده‌را دوست دارم و...ولقا راهم دوست‌دارم و.... و .... به‌خدا قسم اصلا نمیدانم چه کارکنم . کاش همین فردالای چرخ‌های کارخانه‌گیر کنم و بمیرم .. اگر دیگر از من نامه‌ای نرسید بدانید از شرزندگی راحت‌شده‌ام واصلا هم‌برایم غصه‌نخورید چون مردی که نتواند تصمیم بگیرد فقط به‌درد مرگ میخورد.»

روزها هفته‌ها و ماه‌ها میگذشتند .ونامه رسول هرهفته رنگ تازه داشت‌گاهی به‌رنگ آبی‌عشق بودگاهی به‌رنگ خاکستری‌ناامیدی گاهی کلمات رنگ‌طلایی امید را داشتند . و گاهی نامه‌ازرنگ‌سیاه‌مرگ‌آکنده بودو بازهم آقای مصلحت‌جو ازدور قدم‌به‌قدم دوست ناشناس خود را دنبال میکرد.

درنیمه اول‌زمستان این‌نامه ازرسول رسید :

« سنگ‌صبورعزیز — باز امروز حادثه تازه‌ای اتفاق افتادداشتم مثل‌دیوانه‌ها از جلوی اطاق لقاردمیشدم که من راصدا کرد هیچ‌کسی‌در اطاق نبود و چشم‌هایش‌مثل چشم‌های یک گربه‌ماده میدرخشید .مدتی به‌من نگاه کرد بعدنفس‌بلندی کشید وگفت :

« رسول توصبرت خیلی‌زیاده امامن‌دیگه نمیتونم ساکت بمونم . میدونی ازروزی که توروددیدم زندگیم‌پاک‌عوض‌شدمو یک آدم دیگری شدم که واسه‌خودم هم‌غریبه‌است . دستهایم و پاهایم میلرزند و سرم‌گیج‌می‌رود » پس لقاهم مثل من‌عاشق بود و حتما همه‌مثل من‌رنج میکشید .

گفتم — اینو میدانستم اما ......

به‌میان حرفم دوید و گفت — لازم‌نیست حرفی بزنی . میدونم زنداری ولی فایده‌این‌جور زن‌وشوهری هاچیه ؟ زن‌وشوهرباید همدیگررو دوست‌داشته باشند و ازچشم‌های اونا خوب پیداست که نه توزنت رودوست‌داری نه‌اون تورو دوست داره .

گفتم—اینو از کجا فهمیدی؟

خندید و گفت — یعنی‌میخوای بگی‌منو دوست‌نداری ؟

سنگ‌صبورجان — خودت‌بگومن دیگر چطورمیتوانستم خودم را نگاه دارم اگر درجای خلوتی بودیم و ازکسی‌نمیترسیدم حتما بغلش میکردم و میبوسیدمش‌ولی هرجور بود خودم‌را نگاه داشتم و گفتم :

— « کاش‌فقط دوستت داشتم . من هم دنیا رو واسه تومیخوام ودیوونه توام »

— خندید و گفت — « خوب‌پس‌معطل چی‌میشی زنت‌روطلاق بده وبامن‌عروسی کن ..»

و دیگر نتوانستم حرفمان راادامه‌بدهیم . چون در اطاق بازشد اول یک نفربعد به‌دنبال او دونفربایک تعداد کاغذوارد اطاق شدند و من‌مجبور شدم به کارگاه‌برگردم و دیگرهم‌تا عصر فرصتی برای‌حرف‌زدن پیدانکردیم . حالا که دارم این‌نامه را برای شما منویسم شب‌است و مریم که مدتی است خیلی مهربان شده است مثل همیشه‌درخواب است و صدای نفس‌هایش‌فکرمرا به‌هم میزند . راستی‌اگر مریم‌راطلاق بدهم و بالقاعروسی کنم چه اتفاقی میفتد ؟ طلاق که کار تازه‌ای‌نیست و روزی چند هزارنفر در دنیا طلاق میگیرند . اما موضوع‌موضوع بچه‌ای است که به‌زودی وارد این‌دنیا میشود . آیا من‌حق‌دارم ازحالا مارک‌بی‌پدری را به روی پیشانی این بچه بزنم ، راستی آقای‌سنگ‌صبور شمااگر به‌جای من‌بودید چه کارمی کردید ؟...... کاش میتوانستم ازراه دور جوابتان را بشنوم هرچند که این خودمن هستم که باید تصمیم بگیرم . شب‌بخیر لطفا برایم دعا کنید دوستدارشما رسول »

راستی اگرشما به‌جای رسول بودید چه کار میکردید عشق راانتخاب میکردید یاوظیفه را ؟ میدانم که‌شماهم مثل رسول به‌آسانی نمیتوانید دراین‌مورد تصمیم بگیرید خوب پس‌باهم بازبه‌سراغ یکی ازنامه‌های رسول میرویم :

« شب‌بخیر سنگ‌صبورعزیز . بچه‌تادوماه دیگر وارد میشود مریم ازحالا تخت‌خوابش‌را حاضر کرده‌است انگارازوقتی که‌حامله شده است اخلاقش به‌نسبت‌زیادی تغییر کرده است. اول‌ها بامن خیلی دعوا میکرد وتامیتوانست به‌من زخم‌زبان میزد اما از یکی‌دوماه‌پیش خیلی آرام شده‌است دائم رامیرود و آواز میخواند . دیگرمرااصلااذیت نمیکند حتی احساس میکنم ازسابق بیشتر دوستم داردیک ریــــــــزازبچه حرف میزند و برای آینده‌اش نقشه‌های جورواجور می کشد .

پس این‌راست است که تا زنی مادرنشود شخصیت‌واقعیش را پیدانمیکند . به‌هرحال گوش‌شیطان کرمدتی است‌باهم دعوانکرده‌ایم اگرچه من همان عاشق دیوانه‌سابق هستم و روزبه‌روزهم عاشق‌تر میشوم . چه کارکنم آخرشما که چشم‌های سیاه‌لقاراندیده‌اید . شماکه نمیدانید چطور رامیرود وازموهایش چه‌بویی بلند میشود باورکنید این دختر از عسل‌هم‌شیرین‌تر است . خداهیچ‌مردی رابه جای‌من‌نگذارد به‌خداهرکس‌بود نمیتوانســـت جـــلـــوی خـــودش را بـــگیرد اما مـــن تـــا حـــالا خـــودم

را نگه داشته‌ام.و در مقابل سؤالات او خودم را به‌گیجی‌و نفهمی میزنم. چه کارکنم،گاهی تصمیم میگیرم همه‌چیز را بمریم بگویم‌خودم را از این‌زندگی‌نجات‌بدهم‌و عشق را انتخاب کنم‌و گاهی چنان از شنیدن صدای‌وجدانم رنج میکشم که میخواهم سرم را به‌دیوار بکوبم... دیروز نزدیک ظهررئیس ادارمصدایم کردو گفت : «—رسول توکه همیشه از اضافه‌حقوق حرف میزنی بیاوبرو در شعبه یکی ازشهرستانها کارکن. شعبه‌های مشهد ، اصفهان ، ساری خالی است‌هرکدام را میخواهی انتخاب کن حقوق خیلی‌خوبی‌میدهیم‌وضررنمیکنی.»

دیروز به‌رئیس جواب قطعی ندادم‌و برای دادن‌جواب دوهفته‌مهلت خواستم.اما بمحض اینکه باخودم تنها شدم فهمیدم نمیتوانم از تهران دور بشوم. آخر من‌چطور میتوانم بدون دیدن چشم‌های سیاه لقا روز را به‌شب‌برسانم. راستی هنوز به‌لقا نگفته‌ام به‌زودی بچه‌دار میشوم میترسم این را به‌او بگویم چون هیچ بعید نیست که او رااز دست‌بدهم. کارمن دیگرازدعاهم‌گذشته‌است.قربان‌شما رسول.

آخرین نامه‌رسول درست‌زمانی به‌دست آقای مصلحت‌جو رسید که دلش مثل‌سیرو سرکه میجوشید چون پس از مدتها سه‌هفته تمام ازنامه رسول خبری نبودوآقای‌مصلحت‌جو که به‌علت شغلی که اختیارکرده بوددیگر حودش نبود خود را در حادثه ناشناسی که اتفاق افتادمو منجر به‌سکوت رسول‌شده بود گناهکار میدانست. اما بارسیدن آن نامه یک‌بار دیگر آقای مصلحت‌جو قهرمان آن داستان عاشقانه به‌یکدیگر پیوستندو وحدت وجودی خود را بازجستند. رسول این‌طور نوشته.

« روز بخیرسنگ‌صبورعزیزم. حتماً ازسکوت من تعجب کرده‌ای اما موضوع اینست که‌در این چندهفته آنقدر حوادث جورواجور برای من اتفاق افتاد که دیگر قدرت نوشتن راهم‌از دست داده بودم. بگذارید ازاولین حادثه‌شروع کنم اولین حادثه از قدم‌زدن من‌ولقا در یک خیابان شروع شد. باورکنید من از اووعده ملاقات نخواستم بلکه این‌اوبود که یک‌روز موقع تعطیل کارخانه به‌من گفت دیگرحوصله‌ام از این وضع سررفته استو فردا ساعت شش‌سر چهار راه‌پهلوی منتظرت هستم. باید باهم مقداری‌حرف بزنیم.»

نمیدانید چه‌روزی بود وقتی درکنار لقاراه میرفتم‌و عطر بدنش را میبوئیدم خودم را مثل یک قاصدک شادو سبک حس‌میکردم او از عشق حرف‌میزدو من باعشق جوابش رامیدادم اما به‌محض اینکه حرفمان به‌ازدواج‌میکشید همه شادیم را از دست میدادم‌و نمیدانستم به اوچه‌جوابی باید بدهم.

آنقدر گیج‌و مست بودم که هیچ کسی را نمیدیدم به‌همین دلیل‌هم چشم‌های فضول یکی از زنهای همسایه را به‌رویمان ندیدم. اما شب بمحض اینکه وارد خانه شدم دیدم وضع جوردیگری است. گویا آن زن فضول قبل از من به‌خانه برگشته‌وآنچه راکه دیده بود برای مریم تعریف کرده بود. مریم نه داد کشیدونه گریه کرد فقط وقتی من را دید کیف‌دستی بزرگی راکه کنار اتاق بود برداشتو گفت رسول من دیگه حوصله این زندگی رو ندارم میرم‌خونه مادرم میدونم اون‌دختره‌رو دوست داری و نمیتونی ازش دل‌بکنی. اینو خیلی‌وقته‌میدونم. همین یکی از رفقای خودت موضوع را ولسم گفته. به‌هرحال فکرهات‌رو بکن. اگر تونستی ازاون دل بکنی بیا دنبالم‌وگرنه ازهم‌جدامیشیم من میتونم دلم روبا بچه‌ام خوش کنم توهم هرکاری دلت میخواد بکن.»

وبعد بدون اینکه منتظر شنیدن جوابمن باشد کیف دستی را برداشت واز خانه بیرون رفت.... شب بدی بود از آنشب‌هایی که آدم حس میکند دارد خفه میشود. بالاخره باید تصمیم میگرفتم‌و نزدیکی‌های سحرهم‌تصمیم را گرفتم. آدم وقتی عاشق میشود دیگه کارش تمام است. من هم کارم تمام بودو باید مریم‌را طلاق میدادم‌و لقا را میگرفتم. روز بعد همه‌چیز را به‌لقا گفتم آنقدر خوشحال شد که ازخوشحالی اشک‌هایش درآمد پشت‌هم میگفت رسول‌جان نمیدونی چقدر دوستت دارم آنقدر که‌حاضرم خودم بچه‌ات‌رو بزرگ کنم. بذارمریم بزاددیگه توکاریت نباشد نمیذارم آب به دلت تکون بخوره . تو فقط یک دفعه دیگه بگو که اونو طلاق میدی و منو میگیری . » وقتی حرف میزد

بقیه در صفحه ۸۹

ارادهٔ پرتوان

شاهنشاه آریامهر

به تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران تعلق گرفت.
با افتخار و غرور، ضمن عرض صمیمانه ترین
سپاس، سالروز تأسیس سازمان سیاسی ایران
را تبریک می گوییم.

ویتانا

سه روز التهاب برای ۵۴۴ قلب

مهارت فنی در سطح جهانی

اولین کشوری که مسابقات مهارت فنی را به منظور بالا بردن سطح دانش کارگران برگزار کرد کشور اسپانیا بود و با تلاش و کوشش این کشور بود که شورای مسابقات جهانی مهارت فنی شکل گرفت، و مقر آن در مادرید پایتخت همین کشوراست و هم اکنون اکثر کشورهای اروپائی، آسیائی و آمریکائی عضو این شورا هستند. کشور ما ایران نیز در سال ۱۹۵۷ به عضویت این شورای جهانی درآمد و در مسابقات سالانه‌ای که از طرف این شورا بین کارگران سراسر جهان — هر سال در یکی از کشورهای عضو — برگزار میشود، شرکت می کند و در سال گذشته نیز کارگران ایرانی با شرکت در این مسابقات موفق شدند موفقیتهای چشمگیری به دست آوردند.

سخنان استاندار

آقای اکبرزاده، استاندار استان اصفهان و رئیس کمیته مسابقات مهارت فنی این استان به هنگام افتتاح مسابقات مهارت فنی طی سخنانی از اینکه این مسابقه‌ها در شهر صنعتی اصفهان برگزار میشود، ابراز خرسندی کرد و پس از آن اظهار داشت همه ما از نیات بلند شاهنشاه آریامهر رهبر خردمند و دوراندیش وطنمان برای توسعه صنعت و پیشرفت آن در کشور آگاه هستیم و همان طــور که معظم‌له بارها فرموده‌اند، نگهداری، حراست و توسعه و پیشرفت صنایع نوپا و صنایع جدید به عهده شما کارگران جوان و سازندگان ایران صنعتی فردا واگذار شده است.

استاندار اصفهان سپس به لزوم افزایش مهارت کارگران اشاره کرد و یادآور شد هرچه ما در بالا بردن مهارت خود کوشش کنیم، برای توسعه صنایع خود آماده‌تر خواهیم بود. چرا که هر چند منابع طبیعی ما زیاد باشد، بدون داشتن افراد متخصص و کارآزموده نخواهیم توانست از آنها به نحو مطلوب استفاده نمائیم. بنابراین اگر بگوئیم عظیم‌ترین نیروی ملی ما کارگران ماهر هستند سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

استاندار اصفهان در پایان سخنان خود به نام نامی شاهنشاه آریامهر آغاز پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی کارگران جوان کشور را اعلام کرد.

قبل از سخنان استاندار اصفهان، آقای روان‌پی، مدیر کل کار و امور اجتماعی استان اصفهــان، نماینده کارگران و دبیر کمیته مسابقات مهارت فنی هر یک طی سخنانی لزوم افزایش مهارت و دانش کارگران کشور را برای بالا بردن سطح تولیدات و در دست گرفتن کامل واحدهای تولیدی و صنعتی کشور یادآور شدند. آقای روان‌پی مدیر کل اداره کار استان اصفهان طی گزارشی گفت کارگران استان اصفهان با الهام از منویات رهبر خردمند ملت ایران در جهت بالا بردن سطح مهارت فنی خود جدی بوده و با استقبال و کوششی که برای کسب مهارت فنی و بهره‌وری بیشتر در کار به عمل می‌آورند، عنایات ذات مبارک همایونی را نسبت به کارگران سهل می‌دارند.

وی اضافه کرد کارگران جوان اصفهان در کلیه دوره‌های مسابقات استانی شرکت

بقیه از صفحه ۳۱

داشته و در مسابقه‌های مرحله نهائی همساله تعدادی از آنان جزو قهرمانان انتخاب شده و به افتخار دست بوسی و دریافت جوائز از دست والاحضرت همایون ولایتعهد ایران و ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی نائل گردیده‌اند.

نماینده کارگــران جــوان

سپس اشرف نکوفر، به نمایندگی از طرف کارگران شرکت کننده در این مسابقات طی سخنانی اظهار داشت: کارگر ایرانی که امروز از برکت وجود انقلاب شاه و ملت با رهبری پدر تاجدار و خردمند خود به همه مزایای انسانی دست یافته است. فرمان اصل چهارم انقلاب، یعنی سهیم شدن ما کارگران در سود کارخانجات و همچنین فرمان اصل سیزدهم، یعنی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی خود، گویای دیگری از توجهات رهبر بزرگ کشورمان شاهنشاه آریامهر به طبقه کارگر می‌باشد. کارگر عصر رستاخیز وظیفه خطیر خود را به خوبی درک می کند و با تمام وجود در این آستانه پرافتخار ۵۰ سال شاهنشاهی دودمان پهلوی، خود را برای ایجاد ایرانی آبادتر و با عظمت‌تر آماده می‌نماید.

وی در پایان خطاب به استاندار اصفهان گفت: ما کارگران جوان استدعا داریم مراتب جانبازی کارگران ایران را که تحت ارشاد و راهنمائیهای والاحضرت همایون ولایتعهد رضا پهلوی به پیشرفتهای چشمگیری در زمینه تخصصهای حرفه‌ای دست یافته‌اند، به پیشگاه با عظمت شهــریار دادگستر معروض گــردد و اطمینان داده شود که نظام شاهنشاهی و قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت را با خون و روح خود گرامی می‌داریم و با تمام قدرت و نیرو گوش بفرمان اوامر شاهنشاه خود میباشیم......

در این مراسم که معاون فنی وزارت آموزش پرورش و مقامات استان اصفهان حضور داشتند، آقای احسانی دبیر کمیته ملی مسابقات نیز طی گزارشی فعالیتها و اقدامات کمیته ملی مسابقات مهارت فنی را در ۴ سال اخیر برشمرد.

گزارش خبرنگار ما از اصفهان حاکیست که افراد شرکت کننده در این مسابقات از روز یکشنبه بتدریج وارد اصفهان شدند و در محل مرکز تعلیمات حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی این شهر که از خوابگاهها و سالن های مجهزی برخوردار است استقرار یافتند و از روز سه‌شنبه مسابقات خود را شروع کردند که تا روز پنج‌شنبه ادامه داشت.

در این گزارش اضافه شده است که تعداد دختران شرکت کننده در مرحله مسابقات استانی ۵۹۰ نفر بودند که تعداد ۲۳ نفر از آنان در رقابت با مردان کارگر جزو افراد ممتاز برگزیده شدند و در این دوره از مسابقات نهائی رقابت سختی را با مردان جوان پشت سر گذاشتند. ضمناً استان گیلان با ۶ دختر که در تیم آنها عضویت داشتند تنها تیمی بود که بیشترین کارگر دختر را به همراه آورده بود و به جز استانهای آذربایجان شرقی و گیلان، هیچیک از استانها در تمام ۱۶ رشته شرکت کننده نداشتند.

علی ابر مرد ایمان

متأسفانه در این شماره موفق با چاپ دنباله زندگی حضرت علی (ع) نشدیم. درشمارۀ آینده مطالعه فرمائید.

باصمیمانه ترین سپاس
بدپیشگاه باعظمت
شاهنشاه آریامهر
سالروز تاسیس
حزب رستاخیز ملت
ایران را تبریک می گوئیم

کارخانجات صنعتی اسپید - علی کامکار

یازدهم اسفند مرصاد و سالروز
تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران را
ضمن عرض سپاس به پیشگاه مبارک
شاهنشاه آریامهر
از خدای بزرگ دوام سلطنت شهریار
دادگستر ایران زمین را مسئلت داریم.
شرکت تأسیساتی و تکنون
مهندس مانی فر

آنتونی کوئین در نقش اوناسیس

آنتونی کوئین » چهره موفق سینما که از اوسریال تلویزیونی آقای شهردار را در تلویزیون دیده‌ایم در حال حاضر مشغول بازی در یکی از استثنائی‌ترین نقش های دوران زندگیش است و این نقش زندگی نامه اوناسیس است و ویژگی او را که از هیچ شروع کرد و به سلطان ثروت لقب یافت نشان میدهد ، برای بازی نقش را کلین ، از خود او دعوت شد تا با دریافت یک میلیون دلار مدت بیست دقیقه نقش خود را بازی کند ولی هنوز ژاکلین به این کار راضی نشده است . بهرحال « اوناسیس » از فیلم های پرفروش سینما خواهد شد ، چرا که هم آنتونی ـ کوئین را دارد و هم اسرار ثروتمند شدن ثروتمند ـ ترین مرد دنیا را برملا میکند گرچه خودش زنده نیست تا این فیلم را ببیند.

نوری کسرائی و«جوجو»

در این زمان بنام فیلمی جلوی دوربین میرود بنام جوجو که رضا میرلوحی آنرا کارگردانی خواهد شد . برای هنرپیشگان اول فیلم همایون و سعیدزاد در نظر گرفته شده و نوری کسرائی نیز نقش زن اول فیلم را بعهده خواهد داشت. حضور نوری کسرائی در فیلم «ماهرگ» را دیده‌ایم که در زمینه بازیگری او تجربه‌ای بود ، در فیلم جوجو ـ نوری کسرائی نقش یک زن رقصه را در یکی از شهرهای شمال بعهده دارد و قصه اصلی ماجرا گرد او می‌چرخد.

فرزانه تأییدی و کار سینما

فرزانه تأییدی هنرپیشه تئاتر که [illegible] «هنشمس» [illegible] حیلی جدی بعنوان یک بازیگر سینما مطرح شد [illegible] همین جهت هم اکنون در چند فیلم سینمائی مشغول ایفای نقش است. از یک [illegible] مورد و یک درگیری بود که چندی پیش هنگام فیلمبرداری بین بهروز به‌راد و دستیارش پیش آمد و فرزانه بخاطر احترام به [illegible] همکارش از ادامه بازی خودداری کرد و [illegible] پیش آمدن وقایع [illegible] کار فیلمبرداری ادامه پیدا کرد [illegible] توجه بهمه این [illegible] نکته مهم اینستکه فرزانه تأییدی [illegible] خواهند دید.

کوروش یغمائی و فعالیت جدید

کوروش یغمائی خواننده و آهنگساز جوان، در فعالیت جدید خود ویگن را انتخاب کرده است ثمره این همکاری ساختن سه آهنگ با نام‌های حرم — میهمان — و خانه غم است. از آهنگهای دیگر او میتوان از «خوار» نام برد که شش ماه روی آن کار کرده است. همچنین آهنگه تازه‌ای به نام «هوار — هوار» که بندری است ساخته است، از این پس او بیشتر آهنگ خواهد ساخت و غیر از ویگن، وفا نیز دو آهنگ از او را با شعری از حسین نجلیان خواهد خواند.

کلمبو و ورزش

پیترفالک «اینروزها از سرشناسترین بازیگران سینما و تلویزیون آمریکا است. مجموعه «کلمبو» که او به نقش ستوان کلمبو در آن ظاهر میشود از تمام تلویزیونهای نمایش دهنده، از طرف تماشاگرانش با موفقیت روبرو شده و بهمین جهت پیترفالک تا پایان سال ۱۹۷۶ حق شرکت در هیچ فیلم سینمائی را ندارد، پیترفالک در یک مصاحبه کوتاه گفته است «تلویزیون بمن پول خوبی میدهد ولی از اینکه ناچارم همیشه یکدست لباس چرک و کثیف بتن داشته باشم ناراحتم، اینهمه نقش است بما کلمبو را داده‌اند که نه زنی برایش مطرح است و نه خوشگذرانی فقط کار و کار، آنهم با آن اتومبیل قراضه عهد بوق، بهرحال تنها سرگرمی من غیر از بازی در کلمبو ورزش است که تا حدی تسکینم میدهد.

بسپیدی برف

باپودر برف

A-37

خانوادهٔ کارگر

زهرا یک ظرف پرتقال جلوی مامی‌گذارد پرتقال ها را به رسم شیرازی ها چهار قاچ کرده‌اند وملوك خانم می‌خواهد طرز خوردنش را به ما یاد بدهد. با همان لهجه شیرین شیرازی می‌گوید «یک قاچ بفرمائین، اول وسط دوتا انگشتاتون بگذارین بعد که بردین جلوی دهنتون گاز بزنین همهٔ ویتامین هاش نوش جونتون‌میشه.»

دگرگونیهای کارگر دیروزوامروز

* مشهدی غلام شماسی‌وپنج ساله که کار می‌کنید حتماً خاطرات بسیاری از روزگاران قدیم دارید. ممکنه درباره وضع طبقه کارگر دیروز وامروز وتفاوت های این دو باهم توضیحاتی بدهید؟

* خوب، این مثل روز روشن است که از زمین تاآسمان فرق کرده. مگر میشود آفتاب را منکر شد؟! آن قدیمها کارگران محروم ترین افراد جامعه بودند و مثل اسیر باآنها رفتار می‌شد از تمام قدرتو توانائیش استفاده‌می‌کردند و درمقابل دستمزد ناچیزی به او می‌پرداختند، نه بیمه بود، نه‌سود ویژه.

اگر کارگر بیچاره‌ای مثلا پایش را کج میگذاشت، کارفرما با بی رحمی و خشونت‌اورا از کارخانه بیرون‌میکرد. هیچکس هم نبود که حامی‌اش باشد و بدادش برسد ولی حالا خدا را شکر، هزار مرتبه شکر، که شاهنشاه آریامهر این همه دگرگونی مثبت در وضع ما بوجود آورده‌اند. حالا کارگر ایرانی بهآن چیزی که سالها حق مسلمش بود، دست یافته است. من که سرنماز، توی مسجد، توی امامزاده، هر صبح که از خواب بیدار می‌شوم و هرشب که بخواب میروم از ته دل بدرگاه خداوند متعال دعا می کنم که شاهنشاه را برای ملت ایران حفظ کند، تا مملکت ما به آن آرزو های بزرگی که شاهنشاه دارند، برسد.

سود ویژه

* مشهدی غلام سال گذشته چه مبلغ سود ویژه گرفتی ودرباره آن چه فکری میکنی؟

* سال گذشته سه هزارتومان سود ویژه دریافت کردم، که خیلی بدردم خورد. برای بچه ها بازهم لباس خریدم و برای ملوك خانم هم یک دست بندطلا که چند سال بود قولش را داده بودم ولی بطور کلی باید بگویم سود ویژه‌ای که به‌کارگرها تعلق می‌گیرد، درروحیه آنها تأثیر زیادی گذاشته. ازجمله موجب شده که آنها بهتر کارکنند چون میدانند هرچه بیشتر تلاش کنند. خودشان بیشتر بهره‌میبرند و از سوی دیگر، وقتی کار خوب انجام گرفت محصول بهتری بدست میاید و در نتیجه باعث می‌شود که درآینده نزدیکی مملکت مابصورت یکی از کشورهای بزرگ صادر کننده درآید همانطور که الان هم خیلی از محصولات ما در خارج از ایران بازار دارد و به این ترتیب وضع اقتصادی بهتری پیدامی کنیم.»

تفریحات خانواده

*مشهدی غلام تفریحات خانواده‌شماچیست؟

* گهگاه به سینما می‌رویم‌و اگر هواساعدباشد به باغ های خارج شیرازهم‌سری میزنیم.ملوك خانم دست پخت خوبی داره، تهیه‌و تدارك ناهار را می‌بیند. قابلمه را می‌بندیم‌وپاعلی میکوئیم شبها هم‌اغلب دورتلویزیون جمع میشویم.

* ملوك‌خانم ازکدام برنامه های‌تلویزیون بیشترلذت‌می‌برید؟

* من‌و مشهدی غلام برنامه آقای مربوطمو تلخ‌وشیرین را خیلی دوست داریم، علی‌رضا «موزیک‌فیلمی» (مضحک‌فلمی)و ایرون‌ساید، و احمدآقا وزهراخانم فیلمهای سینمائی‌و سریالهای ایرانی‌و صغری‌خانم هم برنامهٔ حمید میرمطهری رادوست دارند.

اختلافات زن‌وشوهر و بچه ها

*مشهدی غلام ازملوك‌خانم راضی هستید؟

* بله که راضی هستم. باورکنید اگرخودش اینجا نبود بازهم همین را می‌گفتم من با کمک ملوك‌خانم‌زندگی‌راحتی‌درست کرده‌ام هیچوقت بمن‌سر نوک‌نمیزند که‌مثلافلان همسایه‌فلان چیز را خریده، چراما‌نمی‌خریم.قانعه، صبوره‌و خلاصه‌من اگر برای خودم کسی شدم، باعث‌و بانیش ملوك‌خانم است.

اجاره‌نشین یا مالک خانه؟

* مشهدی غلام این خانه‌مال خودتان است یااجاره‌نشین هستید؟

* همانطور که‌عرض کردم من سی‌وپنج‌ساله که کار میکنم.با تلاش‌و کوشش بسیار بالاخره توانستم پولی فراهم کنم که این خانه هر چند کوچک را بخرم‌و انشاءالله در سالهای آینده که دستوبالم بیشتر بازشد‌خانهٔ بزرگتری میخرم.

آرزوهای بزرگ

*مشهدی غلام‌اهل مطالعه هستید؟

* بله به کتابهای دینی وتاریخی علاقه دارم‌و آنها را می‌خوانم، سواد کی داره وخوشبختانه با انتشار مجله «رستاخیز کارگران» طبقه کارگر صاحب نشریه‌ای مستقل شده‌اندکه میتوانند خواستهای خودرا درآن مطرح کنند ومطالب مربوط به خودشان را درآن بخوانند. منهم همه مطالب آنرا می‌خوانم وبچه هاهم همینطور.

* صغری خانم شما چطور؟ اهل مطالعه هستید؟

* من در کلاس دوم نظری رشته اقتصاد درس می‌خوانم، البته اول به درسهایم می‌رسم وبعد هم مجله رستاخیز کارگران و کتاب‌های ادبی را می‌خوانم چون در آینده می‌خواهم دبیر شوم.

بقیه ازصفحه ۹۰

*علیرضا شما درچه کلاسی درس می‌خوانید؟

*من در کلاس سوم راهنمائی درس می‌خوانم‌و علاقه دارم رشته طب را دنبال کنم ویک دکتر خوب بشوم.

* احمد آقا شما چه میکنید وچه برنامه‌ای برای آینده خودتان درنظر گرفته‌اید؟

*من کلاس اول راهنمائی هستم وچون کشور ما در راه صنعتی شدن گام بر میدارد وخودم نیز به صنعت خیلی علاقه دارم باین جهت می‌خواهم درآینده‌مهندس برق بشوم.

آرزوهای خانواده

* مشهدی غلام از آرزوهای های خودتان صحبت کنید.

* دلم میخواهد خدمتگزار خوبی برای وطنم باشم.بچه هایم درس بخوانند، خانه بزرگتری بخرم وخلاصه زندگی آرامی را بگذرانم.

*ملوك‌خانم‌شما‌چه آرزوهائی‌دارید؟

* اول دخترها سروسامانی بگیرند وشوهرهای خوبی نصیبشان شود. پسرها دکتر ومهندس بشوند وبه مردم خدمت کنند وبعدهم صاحب چندتا نوه تپل ومپل خوشگل بشوم واونهارا بزرگ کنم. برای آنها غذا بپزم. آخرمن آشپزی خانه را خیلی دوست دارم‌سالهاست که توی آشپزخانه کار می کنم وبه آن عادت کرده‌ام.

گفتگوی مابا‌غلام‌امام‌زاده‌فر، این کارگر شریف وزحمتکش وخانواده‌اش به پایان رسیده وبا اینکه غلام وهمسرش صمیمانه میخواهند که بیشتر با آنها باشیم وبچه ها نیز با پدرومادرشان همصدا شده‌اند، ولی بجهت اینکه باید هرچه زودتر مطالب را آماده کنیم ناگزیر از آنها خداحافظی میکنیم ودستهایشان را بگرمی میفشاریم وبرای فرد فردشان آرزوی پیروزی وموفقیت بیشترمی‌نمائیم.

قصه سنگ صبور

توی چشم‌هایش دوتا لامپ روشن وخاموش میشد و وقتی دست‌هایش را به‌دست‌هایم میزد تنم‌میسوخت. یک هفته را بطور مداوم باهم گذراندیم. طوری که من دیگر اصلا بفکر مریم نبودم وبرایش هم پیغام داده بودم که تصمیم دارم طلاقش بدهم اما تازه هفته دوم شروع شده بود که یک روز بعداز ظهر خاله‌ام تلفن زد از وقتی که مریم بامن قهر کرده بود همه فامیل هم پشتشان رابه‌من کرده بودند حتی مادرم پیغام داده بود اگر مریم رو طلاق بدی دیگه اسمت‌رو نمیارم. به همین دلیل از شنیدن صدای خاله‌ام در تلفن یکه خوردم اول فکر کردم میخواهد بامن دعوا کند اما او فقط گفت رسول مریم امروز ظهر یک پسر زائید اگه دلت خواست بیا مریضخونه پسرت‌رو ببین» وبعدهم گوشی رو گذاشت.

چند دقیقه پای تلفن ایستادم و ناگهان مثل گلوله به‌طرف اطاق رئیس دویدم تا از او مرخصی بگیرم ویک ساعت بعد دربیمارستان و پهلوی تخت‌خواب مریم بودم. مثل مرده روی تخت‌خواب افتاده بود وچشم‌هایش را ازهم باز نمیکرد مادرم، خاله‌ام وچندتا دیگر از زنهای فامیل دراطاق بودند اما هیچ کدام به‌من اعتنایی نکردند.

اصلا نمیدانستم چه کار کنم بالاخره در گوشه‌ای نشستم آن وقت خاله‌ام از اطاق بیرون رفت و چند دقیقه بعد با قنداقه وارد اطاق شد قنداقه را روی زانوی من گذاشت و

بقیه ازصفحه ۸۳

گفت «پسرت روماچ کن»

سرم را پائین آوردم و درست در همان لحظه پسرك چشم‌هایش را به‌رویم باز کرد. نمیدونم در نگاه آن بچه چه جادویی بود که یک دفعه قلبم تکان خورد وصدایی را شنیدم که میگفت «رسول قدر این بچه را بدون چون امانت خداست»

ناگاه پشتم از عرق خیس شد سرم را بلند کردم زنها با چشم‌های بازنگاهم میکردند انگار همه آنها منتظر حادثه‌ای بودند دو مرتبه سرم راخم کردم واین بارصدای کودکانه‌ای را شنیدم که میگفت «بابا. من به‌تو احتیاج دارم...» ووقتی سرم را بلند کردم که اشک از چشم‌هایم سرریخت قنداقه بچه را بمادرم دادم با عجله از اطاق بیرون دویدم بطرف تلفن عمومی رفتم هماو لقا را گرفتم و گفتم گوش کن لقا من بالاخره تصمیم گرفتم و زندگیم‌رو انتخاب کردم. «خداحافظ...»

و این نامه را از ساری برایتان مینویسم. از روزی که من ومریم پسرمان به‌این جا آمده‌ایم رنگ همه‌چیز عوض شده است با رسول سابق خداحافظی کرده‌ام... حتماً دعاهای شما زندگی ما را نجات داد به‌هر حال اگر روزی گذارتان بساری افتاد به‌دوستی که واقعاً دوستتان دارد سری بزنید دلم میخواهد من وزن وپسرم را ازنزدیک ببینید وخوش بختی ما رالمس کنید. ارادتمند رسول»

پایان

کارگری که ازقعر ......

سرانجام شب موعود فرا رسید. مردی که برنامه ها رااعلام‌میکرد روی‌سن آمدو گفت:

اکنون آقای پل لارنس دانبار به مدعوین خوش آمدمیگوید.

پل به روی سن ظاهر شد. سرش را مختصر تکانی داد وخواندن شعر طویل خودرا اغاز کرد. رفته رفته سالن درسکوت غرق شد و زن ها ومرد ها برای آن که صدای عمیق و پرطنین پل را بهتر بشنوند رو به جلوخم میشدند. وقتی صدای پل خاموش شد موجی از همهمه وتحسین سالن را فرا گرفت. پل لبخند زنان جلوی سرده خم شد و بعد درحالیکه قلبش ازشادی آماس کرده بود به طرف درعقب سن دوید چون‌مجبور بود درعرض ده دقیقه خودش را به محل کارو آسانسورخالی برساند.

روز بعد سه نفر ازاعضای انجمن‌نویسندگان وسترن برای دیدن نویسنده جوانی که زندگیش را با کار درآسانسور میگذراند به محل کار او رفتند. ساعت ناهار بود و پل مثل هرروز در حالیکه روی پله ها نشسته بود به ساندویچ نان‌و پنیرش دندان‌میزد.

یکی ازمرد ها نام او را تکرار کرد وگفت شما آقای پل لارنس دانبار هستید؟

پل درحالیکه با حیرت به آنها خیره شده بود جواب مثبت داد. مرد دو مرتبه گفت — اجازه بدهید خودم را معرفی کنم من دکتر ماتیوس رئیس انجمن نویسندگان وسترن هستم.

بقیه ازصفحه ۳۳

آسانسور زنگ زد. پل ازجایش پریدوگفت خیلی معذرت می خواهم الان برمیگردم و دو دقیقه بعد دو مرتبه رو در روی آنها ایستاده بود. دکترماتیوس گفت:

ما برای این به این جا آمدیم که به شما بگوئیم ازشعری که روزگذشته درجشن خواندید واقعاً لذت بردیم. ولی تا وقتی که شما سالن را ترک نکردید هیچ کدام ازما شما را نمی شناختیم و نمیدانستیم آن شعر را خودتان گفتید.

پل با سادگی جواب داد — ازلطفتان خیلی متشکرم.

یکی دیگر ازمرد ها گفت — شما واقعاً ابتکاری به خرج دادید تا به حال هیچ کس به میهمانان یک مجلس با شعر خوشامد نگفته بود. یکی دیگر ازمرد ها گفت شما زیاد شعر میگوئید؟

زنگ آسانسور دو مرتبه صدا کرد حتماً مسافری عجله داشت. پل درحالیکه به طرف آسانسورمیدوید ازمرد ها معذرت خواست و وقتی برگشت بازهم نتوانست صحبت را با آنها تمام کند چون آسانسورمرتب زنگ‌میزد و سرانجام پل که خلق شوخش را به دست آورده بود درحالیکه به روی آن سه مرد لبخند میزد گفت — به این ترتیب فکر نمیکنم بتوانم با شما حرف بزنم. چطور است سوار آسانسور بشوید. مرد ها خندیدند شاعر جوان به همان اندازه که

بقیه در صفحه

خانم، چرا از تاید راضی هستید؟

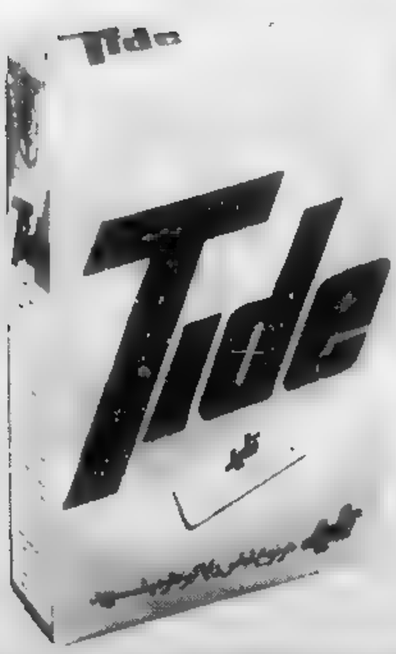

وقتی هدف پاکیزگی واقعی باشد ،

تاید مـــوفق‌تـراست .

یک غذای معجزه گر را بشناسیم

ر آن تغذیه میکند و در نتیجه از ابتلا به امراضی که شهری ها بآن مبتلا میشوند مصون ومحفوظ هستند.

جوانهٔ گندم

جوانهٔ گندم یکی از غذاهای کامل و گرانبهائی است که دکتر «گیلورد هاوزر» در کتابهای خود و مخصوصاً در کتاب «گذرنامه برای یک زندگانی نوین) به جهانیان شناسایند وبا ترجمهٔ فارسی این کتاب در ایران هم مردم بخوبی آنرا شناختند و کم‌وبیش آنرا تهیه میکنند واز آثار شفابخش آن استفاده مینمایند.

جوانهٔ گندم در مورد درمان بیماری سل، کم خونی شدید ،ضعف اعصاب ، کمبود املاح معدنی ، ضعف استخوانها ، نتایج مفیدی دارد وهم چنین زنانی که حامله شده‌اند و یا بچه شیر میدهند اگر جوانهٔ گندم بخورند اختلالات دوران حاملگی و یا شیردادن را در خود احساس نخواهند کرد.

جوانه گندم راچگونه باید تهیه کرد؟

گندمی‌که محصول ییلاق باشد و بیش از یکسال از عمر آن نگذشته باشد برای تهیه (گندم جوانه زده) باید مصرف شود وآنرا بایدبا آب شستشو داد و چهل‌وهشت ساعت در آب خیسانید و درجای نمی گذاشت روز سوم آنرا در پارچه‌ای سیاه بریزند ودربشقابی بگذارند

تا روز چهارم که جوانه های شیری سفیدی در آن نمودار میگردد و آن وقتی است که جوانهٔ گندم ظاهرشده وتغییرات شگرفی در گندم‌میدهد و مواد نشاسته‌ای را تبدیل به مواد قندی و ویتامین هامیکند.

گندم جوانه زده را تجربه کرده‌اند ودیده‌اند که درصدگرم آن هفتاد ویک‌میلی گرم کلسیم پیدا شده است و حال آنکه درصدگرم گندم معمولی بیش از ۵۰ میلی گرم کلسیم وجود ندارد هم چنین مقدار فسفر و منیزیوم موجود درجوانهٔ گندم بیش ازگندم معمولی است.

چگونه باید جوانه گندم را تهیه کرد؟

در مغازه هائی که محصولات تندرستی را میفروشند جوانه گندم را بصورت تنجالهٔ غدائی و یا پودر تهیه کرده و درقوطی های مخصوص میفروشند ولی شما که این مقاله را میخوانید میتوانید بآسانی و ارزانی خودتان آنرا تهیه کنید و افراد خانواده را ازفوائد ومزایای آن برخوردار سازید.

برای تهیه جوانهٔ گندم باید گندمی را انتخاب کنید که درنقاط ییلاقی وسردسیر بعمل آمده باشد ، شکسته و کهنه و فاسد نشده باشد . بایدآنرا با آب شستشودهید ودرظرفی که دارای آب نیم‌گرم است مدت بیست وچهار ساعت بخیسانیدوبعد از بیست وچهار ساعت دو باره آب آنرا عوض کنید وسپس آنرا در پارچه بریزید و در بشقاب ویا کاسه‌ای درجای گرمی بگذارید. درتابستان روزسوم ودر زمستان روز چهارم جوانه‌های سفید وشیری آن پیدا میشود که آماده برای مصرف است یک قاشق سوپخوری ازآنرا باکمی پنیرسفید ویک‌مغز گردوبجوید وبخورید.

بچه های کوچک جوانهٔ گندم را خیلی دوست دارند و غذائی است که تهیهٔ آن آسان است و بعلاوه قیمت آن بسیار ارزان است چون جوانهٔ گندم غذائی مقوی است و نباید درمصرف آن افراط وزیاده روی کرد.

کسانیکه فشار خونشان بالاست، باید در خوردن جوانهٔ گندم احتیاط کنند و درموقع

بقیه ازصفحه ۸۱

شدت مرض از مصرف آن موقتاً خود داری نمایند.

دکتر «گیلورد هاوزر»غذاشناس نامی جهان درکتابهای خود جوانهٔ گندم رایکی از غذا های معجزه دار معرفی میکند و در موارد مختلف دستوراستفاده ومصرف آنرامیدهد.

جوانهٔ گندم دارای مواد سفیده‌ای واملاح معدنی از قبیل آهک ، پتاس، روی، آهن، آرسنیک، روغنهای ملین ،ومخمرهائی است که اکسیژن هوا رامیگیرد.

این مخمرهای گرانبها در پوست وسبوس گندم وجود دارد وهمانست که رنگ طلائی مشکی به نان میدهد.

ویتامین های جوانه گندم

این موضوع راهم باید ذکر کردهیم که در جوانهٔ گندم‌ویتامین «ب. یک» که برای تعادل قوای‌عصبی لازم است‌وجوددارد همچنین ویتامین E_1 ، که بنام توکوفرول آلفا خوانده میشود و سرزندی درباروری انسان ، درمان بیماری آسم یا تنگی نفس ، دیابت وامراض قلبی وبعضی ازسرطانها دارد.

ویتامین «ب— ۱۲» که کمبود آن در انسان موجب امراض عصبی ، فلج ، اختلالات قلبی‌میشود در«گندم جوانه زده»وجود دارد.

ویتامین «پ.پ» که اساس اصلی تغذیه است در جوانهٔ گندم هست مخصوصاً آنچه تا کنون دربارهٔ سرطان مطالعه وبررسی شده‌باین نتیجه رسیده است که درسلولهای سرطانی‌مادهٔ معدنی منیزیوم وسیلیس وجود ندارد وحال آنکه این دومادهٔ گرانبها به فراوانی در گندم کامل وجود دارد و اگر ماگندم کامل وگندم جوانه زده را فرضاً به عنوان درمان سرطان بحساب آوریم محققاً عامل مهمی درجلوگیری ازاین بیماری است...

بقیه از صفحه ۳۱

دیفتری بیماری کودکان

سال بعد هم مایه کوبی را تجدید می کنند قبل از ورود بکودکستان‌ودبستان‌تجدیدمایه کوبی بسیار مفید است افراد بالغی هم که درمعرض ابتلا قرار دارند باید مایه کوبی شوند این افراد عبارتند از: پزشکان ، پرستاران ، آموزگاران، کارمندان بیمارستانها و درمانگاهها و نیز افرادیکه درسربازخانه خدمت می کنند تزریق واکسن برایشان مفید است.

پاستوریزاسیون‌شیر.

آموزش بهداشت و جلوگیری از سرایت بیماری،جدا کردن بیماران مبتلا به دیفتری و مداوای آنها، همچنین از بین بردن میکروبهای مجاری تنفسی حاملین سالم (سه هفته مجزا بودن بیماران برای‌عدم‌سرایت کافی است).

اعلام بیماری بمرا کز بهداری و مسئولین مربوطه.

گندزدائی دردوران بیماری و پس ازخاتمه آن ، کلیه وسائل بکار رفته بیمار همچنین اطاق وی مرتب بدگندزدائی شود.

قرنطینه کردن افراد مشکوک و آنهانیکه با بیماران سرو کار داشته‌اند (باید کشت گلو منفی شود وعاری ازمیکروب دیفتری باشد).

مایه کوبی کلیه افرادیکه در معرض آلودگی قراردارند بخصوص کودکان کمتراز ده‌سال درهنگام همه‌گیری تجدیدشود.

درمان سریع بیماران با سرم ضد بیماری و انواع آنتی بیوتیک‌های مؤثر.

کودکان شیرخواریکه قصد مسافرت به کشورهای دیگر را که امکان ابتلا وجود دارد بایدواکسینه کرد.

تصویر بالای سرما نما یا گر کائنات نیست

بسیاری‌عقیده‌داشتند که ستارگان دنباله دار، گازهای‌مصری هستند که درهوا می‌سوزند.

نخستین ستاره‌شناسی که در بارهٔ ستارگان دنباله‌دار به کاوش پرداخت ، «تیخوبراهه» بود که درنیمهٔ دوم قرن‌شانزدهم زندگی‌میکرد. «براهه» درسال ۱۵۷۷ میلادی توانست فاصلهٔ یک‌ستاره دنباله‌دار ازرمین را اندازه‌گیری کند. او دریافت که فاصلهٔ ستاره از زمین ، بسیاردورتر ازفاصله ماه اززمین است وی می دانست که‌ماه یک‌جسم سماوی است وبنا براین ستارهٔ‌دنباله‌دار هم باید یک‌جسم‌سماوی باشد.

«تیخوبراهه» درسال ۱۶۰۱ میلادی درگذشت. بعد ازاو، «کپلر» ، ستاره‌شناس نامی آلمانی [illegible] ستارگان دنباله [illegible] با توجه به این که ستارگان دنباله دار اغلب از نزدیک زمین عبورمی کنند، ومسیرشان بی‌پایان است،« کپلر» نتیجه گرفت که عده‌ستارگان دنباله دار درفضا، به اندازه تعداد ماهیان دریاست، اما این نظریهٔ او که ستارگان دنباله دار در امتداد یک خط مستقیم حرکت می کنند، اشتباه محض بود.

«کپلر»چنین می‌گفت: «ستارگان دنباله‌دار ازاعماق فضا بیرون می‌آیند، ازمنظومه شمسی عبور می کنند و سپس برای همیشه ناپدید می‌گردند.»

این نظریه ، یک‌سره نادرست است، زیرا هیچ جسم سماوی وجودندارد که در یک مسیر مستقیم حرکت کند. ستارگان دنباله‌دار اغلب درمسیری حرکت می کنند که به‌شکل دایره یا بیضی است و باین ترتیب دراین مسیر نخست ناپدید می‌شوند و پس ازمدتها دو باره پدیدارمیشوند.

حرکت منظم ستارگان دنباله دار

«ادموندهالی» ، دریانورد وستاره شناس انگلیسی، اولین کسی بود که فهمید ستارگان دنباله داربه طورمنظم درفضای منظومه شمسی ظاهر می‌شوند.«هالی» موقع بررسی سوابق ظهورستارگان دنباله‌دار، دریافت که فواصل زمانی‌ظهور پاره‌یی ازستارگان دنباله‌دار به‌نحو شگفت انگیزی با هم مساوی است. مثلا، درسال‌های ۱۵۳۱ میلادی، ۱۶۰۷ میلادی و۱۶۸۲ میلادی ستارگان دنباله دار درآسمان ظاهرشده بودند.ستاره شناس انگلیسی، چنین استدلال می کرد: فاصله زمانی میان ۱۵۳۱ و ۱۶۰۷، ۷۶سال است وفاصله زمانی‌میان۱۶۰۷ و ۱۶۸۲، ۷۵ سال است. رویدادهایی که در فواصل مساوی روی می‌دهد، رویدادهای‌ادواری خوانده می‌شوند،ما فرض می کنیم ظهورستارگان دنباله دار، هرچند نه به‌نحودقیق، ادواری است. اگراین فرض صحیح باشد ، پس می‌توان به این نتیجه رسید که ستارگان دنباله‌دار، دریک مدار طولانی ، دور خورشید گردش می کنند و یک گردش کامل ستارگان ۷۵سال به‌طول می انجامد.

«هالی»چنین گفته بود: «اگرنتیجه گیری من صحیح باشد، پس ستاره دنباله داربایدبار دیگر در۱۷۵۸ ظاهرشود.

بقیه ازصفحه ۷۰

«هالی» پژوهش های خود رامنتشر کرد و ستاره‌شناسان کشورهای دیگر در بارهٔ‌آن آگاهی به دست آوردند.

مرگ هالی

حیات طولانی و پرثمر «هالی» وقف‌تحقیقات علمی شد و او در۸۶ سالگی در ۱۷۴۲ میلادی درگذشت. مرگ ستاره شناس انگلیسی ۱۶ سال پیش ازظهورستاره دنباله داری اتفاق افتاد که او آن را پیش بینی کرده بود وستارهٔدنباله داردر تاریخ پیش بینی‌شده‌ظاهرشد.

«هالی» به این ترتیب ادواری بودن‌ظهور ستارگان دنباله دار را ثابت کرد و همچنین علوم ستارگان دنباله دار را ثابت کرد وهمچنین معلوم کرد که ستارگان دنباله‌دار، اعضای منظومهٔ شمسی هستند..

ستاره‌دنباله داری که مورد نظر«هالی» بود به افتخاراو«ستاره دنباله‌دار هالی» خوانده‌شد وهنوزهم به این نام خوانده‌می‌شود.

معمولا ستارگان دنباله دار، مانند سیارات نام خاصی ندارند. اگر یکستاره دنباله‌دار ادواری باشد، به‌نام ستاره‌شناسی خوانده‌می‌شود که آن را کشف کرده یا مسیر آن را معین کرده است. اگر ادواری بودن ستاره دنباله دار ثابت نشود، با شماره آن سالی نامگذاری می‌شود که به زمین نزدیک‌شده‌است، مثلا «ستاره‌دنباله‌دار ۱۸۱۱».

درشماره آینده کمی دیگر دربارهٔستارگان دنباله‌داربحث خواهیم کرد.

بقیه ازصفحه ۷۰

کودکستان و بچه ها

ضرف و رابطه نزدیک خانه ومدرسه ازطرف دیگر نشان داده است که کودکان ازبکار بردن آن نوع مواد واسبابهای بازی که درمنزل ومحیط خانوادگی آنها پیدا می‌شوند بیشتر لذت می‌برند . خوشبختانه بسیاری از اشیائیکه مورد علاقه کودکان هستند و ایشانرا بخود جلب می کنند ارزان قیمتند ، هرچند ممکن است برای بدست آوردن و بنظم درآوردن آنها تخیل و استادی لازم باشد ، ولی آنچه ضروری است فراهم آوردن آب ، ماسه و خاک رس است بطوریکه با داشتن این مواد اولیه ، داشتن یا نداشتن هرچیز دیگر برای بازی کودکان چندان مهم نیست.

کودکان تنها بیک یا دو نوع اسباب‌بازی احتیاج ندارند ، بلکه بمواد و اسبابهای مختلفی ازقبیل تخته ومقوا، کاغذوقالب ، رنگ‌ومداد و اشیاء متنوع دیگری از این قبیل همه‌را با بهای ارزان‌میتوان‌فراهم کرداحتیاج دارند.

اسبابهای خانگی که کودکان با آنها بازی می کنند باید با دوام و باندازه کافی‌بزرگ ومناسب باشند تعدادی کتابهای عکس‌دار جالب و تصاویر مختلف نیز برای کودکان‌لازم است.

اگر میتوان گل وگیاه و بعضی پرندگان‌را درخانه داشت ، میتوان بچه‌ها را به صحرا و پارکها برد ، و آنان‌را با این مظاهر تمدن آشنا ساخت.

لازم است این‌را هم بدانیم که تمام اسبابیکه برای بازی اطفال بکارمیروند طوری ساخته شوند که استعمالشان خالی ازخطرباشدو ازطرفی هم بتوان آنهارا تمیز کرد و درصورت احتیاج‌قابل تعمیر باشند.

کارگری که از قعر اجتماع ...

احساساتی بود عاقل هم بود. دو نفر از مرد ها سرجایشان باقی ماندند اما دکتر ماتیوس سوار آسانسور شدو در حالیکه با آسانسور بالا وپائین میرفت با پل از شعر و ادبیات و از کار و زندگی پل صحبت میکرد او میخواست اشعار چاپ شده پل را ببینـــد و قبل از رفتن از پل دعوت کرد روز بعد از انجمن نویسندگان وسترن دیدن بکند و در این زمینه گفت:

همه ما دلمان میخواهد اشعارشما را اززبان خودتان در انجمن بشنویم. چشم های پل برق میزد و همان حال دعوت دکتر ماتیوس را قبول کرد.

روز بعد اعضای انجمن نویسندگان وسترن از آسانسورچی جوانی که میرفت شاعر بزرگ بشود استقبال شایانی کردند وجریان شعر جوانی آن روز در بیشتر جراید نیز به چاپ رسید و به دنبال آن پل لارنس دانبار به عضویت انجمن نویسندگان وسترن در آمد و دکتر ماتیوس در آن روز به پل گفت. فکر میکنم بزودی در تمام دنیا معروف بشوید وبعد بامهربانی با کارگر جوانی که چهار اسبه به طرف موفقیت میتاخت دست داد.

پل لارنس دانبار معروف‌ترین شاعر سیاه پوست امریکا درتاریخ بیست و هفتم ژوئن سال ۱۸۷۲ در یک خانواده فقیر سیاه پوست به دنیا آمد پدرش بیشتر اوقات بیکار بود و مادر با خدمت درخانه سفید پوستان مخارج سه پسرش را که پل کوچکترین آنها، بود، تأمین میکرد.

بین پدر و مادر اختلاف شدیدی وجود داشت وبیشتر شب ها وقتی صدای فریاد پدر بلند میشد وبه دنبال آن مادر با صدای بلند به گریه درمیآمد بچه ها که معمولا باشکم خالی به بستر میرفتند از وحشت سرهایشان را زیر لحاف میکردند و بیصدا گریه میکردند و سرانجام یک روز بعداز یک نزاع شدید پدر و مادر از هم جدا شدند وبچه ها از آن روز دیگر پدر را ندیدند. با رفتن پدر وضع مادی خانواده بدتر شد اما مادر که زن سیاه پوست هوشمند وپرنیرویی بود به هر ترتیب که بود پسرهایش را به مدرسه میفرستاد و به آموزش آنان علاقه فراوانی نشان میداد. به عقیده او سیر شدن روح وفکر ازسیرشدن شکم مهمتر بود وچون پل را با هوشتر از دیگران میدید بخصوص نسبت به تعلیم او علاقه فراوانی نشان میداد اما با این همه پسرها خیلی زود به فکر کار افتادنـــد و بزرگترها تازه به دبیرستان رفته بودند که تحصیل را رها کردند و وارد دنیای کارگری شدند وبه دنبال آن‌ها پل نیز درمیانه تحصیل دبیرستانی بدون آن که تحصیل را رها کند به کار رو آورد وباشغل روشن کردن چراغ گاز که غروبها شروع میشد تحصیل معاش را آغاز کرد.

او پسر لاغر اندام ونحیفی بود اما با این وجود در حالیکه نردبانی را روی شانه‌های خسته‌اش حمل میکرد، خیابانها را طی میکرد وچراغ های گاز را روشن مینمود و گاه نیز درپرتو نور آبی چراغ گاز در رویا فرو میرفت وکلمات شعر گونه‌ای را که درمغزش نضج میگرفت، زیر لب زمزمه میکرد. پل اوقات فراغتش را بیشتر به مطالعه شعر و داستان میگذراند وگاه‌گاه هم از تخیلاتش یاد داشت‌هایی برمیداشت که موجب شادمانی مادرش میشد. او تصمیم داشت با آن‌وضع تحصیلش راادامه بدهد و کار و تحصیل را با هم داشته باشد ولی دوره برق آغاز شد وعمر چراغ های گازی به پایان رسید و با آمدن نیروی برق بود که پل شغلش را از دست داد و به این ترتیب شاید او تنها کسی بود که بـــه ادیسون بـــه چشم یـــک نـــابـــغـــه نـــگـــاه نمیکرد واز اینکه اختراع ادیسون بـــاعـــث شده بود کارش‌را از دست بدهد احساس ناراحتی میکرد. بعداز این زمان زندگی برپل تنگ‌تر شد دیگر باید تحصیل رارها میکرد وبه‌دنبال کارمیرفت ولی به‌علت علاقه‌ای که به‌تحصیل داشت این‌قدرت را در خود نمیدید. هردوی برادرانش در آن زمان درکارخانه‌ای کار میکردند ولی دستمزدشان متأسفانه آنقدر نبود که بتوانند به‌خرج تحصیل پل کمک کنند. به‌همین جهت سرانجام فکری به‌خاطرش رسیداز آن به‌بعد سه‌ماه تابستان رااز بام تاشام کار میکرد وبه سخت‌ترین کارهای بدنی تن میداد تابتواند مخارج نه‌ماه دیگر خود راتأمین کند. اما بااین همه نقش مستعدترین شاگرد دبیرستان را ایفامیکرد ونه‌تنها در میان سیاه‌پوستان بلکه در میان سفیدپوستان نیز شاگردی به هوش و کفایت اووجود نداشت پل به‌این ترتیب سال‌های دبیرستان راگذراند و آنچنان‌که باز خواندیم در زمانی کـــه آسانسورچی یک شرکتملی بود، سرانجام بختش از خواب بیدار شد واز مقام کارگری به مجمع ادبای آن زمان راه یافت وراهی خورشید شد.

بقیه از صفحه ۸۹

از آن به بعد موفقیت همه‌جا با پل جوان یار بود حتی در عشق هم شانس آورد و به خواست سرنوشت رودرروی دوشیزه‌ای قرار گرفت که او نیز چون پل شاعر بود و به دنیای روح و احساس تعلق داشت. یک روزکه پل مشغول ورق‌زدن مجله‌ای بود، چشمـانش به روی شعری بلند که عکس شاعر هـم در کنارش چاپ شده بود، متوقف ماند. شاعر چشمانی سیاه دهانی تنگ و نگاهی نافذ داشت و «آلیس روثمور» نامیده میشد.

پل که تحت تأثیر نگاه و حالت او قرار گرفته بود همان شب برای آلیس نـامه‌ای فرستاد. او در آن زمان سردبیری یکی ازمجلات سیاه‌پوستان را بر عهده داشت و به‌عنوان یک شاعر نامی شناخته میشد. ده روز بعد نامه‌ای از آلیس آمد و به دنبال آن شاعر و شاعره در کافه دورافتاده‌ای یکدیگر را مـلاقـات کردند. ملاقات‌ها چند بار تکرار شد و سخـن عشق سرانجام به ازدواج کشید. اگرچه آغاز زندگی

پل لارنس دانبار بامحرومیت وتباهی دردآلودی همراه بود امادرنیمه دوم عمر به‌علت سماجت وسرسختی وبردباری به‌اوج شهرت وترقی رسید وهنگامیکه افتخارمعرفی به‌پیشگاه رئیس جمهوری وقت‌امریکا رایافت دیگرکسی نمیتوانست به‌او به چشم یک سیاه‌پوست بی‌مقدار نگاه‌کند چراکه‌در آن‌زمان تاج شهرت وافتخار رابرسرداشت.

کارگران میتوانند به نزدیکترین مراکز درمانی مراجعه کنند.

تقاضایش مورد قبول کارفرما واقع نشود، یا باید در همان وضع سابق بماندیا استعفا کند. اگر ده سال سابقه کارش را بگذارد وبرود، حتی ۱۵ روز حقوق هم به او نمیدهند، اینجااست که تبصره مذکور کافی بنظرنمی‌آید.»

احمد فرح‌بخشی: درماده ۳۳ــ هم بشکل دیگری برمیخوریم وآن اینست که اگر کارگری ولو با ۳۰ سال سابقه کارمقصر شناخته شود و تقصیرش درهیأت حل اختلاف محرزشود بدون هیچگونه مزایائی اخراج میشود. درصورتی که حداکثرسن استخدام ۳۵ سال مقرر شده است، چنین کارگری پس ازسی‌سال‌سابقه کارچه کند، وکجا میتواند استخدام شود؟ چون‌سن او از ۳۵ سال بیشتراست.

حبیب‌اله حسامی: (نماینده وزارت کارو امور اجتماعی ومدیر کل روابط کار): قانون کار جنبه حمایتی صرف از اشتغال دارد و در آن موقع که این قانون بتصویب رسید، با توجه به اوضاع واحوال زمان، فقط بمنظورحمایت از کارگر واشتغال او بود. اما امروز که در این مورد صحبت میکنیم، روزگار خیلی فرق کرده. آنروز کارگر بدنبال کارمیگشت وما از او حمایت میکردیم وامروز کارفرما دربه در دنبال کارگرمیگرددو دربعضی ازمواقع هم‌واقعاً کارها معطل میماند، چون نمیتوانیم کارگرمتخصص مورد نیازمملکت را تأمین کنیم و بکارفرما تحویل دهیم. هم اکنون شما شاهد ید که به اتباع بیگانه اجازه داده شده در تخصصهای معینی بکار مشغول شوند وبنا بر آنچه گفته شد، باید آهسته آهسته ماده۳۳ رافراموش کنیم، این صحیح نیست که کارگر بایستد و پشت سرنگاه کند و به سابقه کارش بیندیشد. فرض کنیم، ۳۰، ۴۰،یا ۵۰ هزار تومان هم به کارگری بدهند، ظرف یکی دو سال تمام میشود. باید روی تخصص و مهارت تکیه کرد»

فرح‌بخشی: «اگر ماده ۳۳ حذف ویا ازبین برود، کارفرماها هر کارگری را که پابه سن میگذارد اخراج میکنند، چون قانونی از آنها حمایت نخواهد کرد.»

حبیب‌اله حسامی: «معلوم نیست این ماده‌از بین برود واگرچنین قراری هم باشد، یکمرتبه تصمیم نمیگیرند، بلکه راه حلهای دیگری را در نظر خواهند گرفت. مثلا قانون بیمه بیکاری یکی از آن موارد است که تقریباً تهیه مقدمات آن تمام شده ومترصد هستم که آقای وزیر کار، دریک فاصله زمان نزدیک برای تصویب به مجلس تقدیم کنند.

عبدالمجید عنبری: «وجود ماده ۳۳ را فقط باید به عنوان یک داروی مسکن تلقی کرد، باید ضابطه‌ای به وجود آید که کارفرما نتواند بدلخواه و هر زمان خواست کارگر را اخراج کند. همچنین کارگر نتواند ترک کار کند، چون الزام به رعایت قانون باید برای هردوطرف باشد، منظوراین نیست که کارگر برای مثلا ده سال سابقه، خسارت ناچیزی بگیرد، بلکه هدف این است که بموازات ارتقاء سطح تخصص و مهارت کارگران، دستمزدشان نیز بالا برود. تا به افزایش مهارت رغبت نشان دهد، یا اگرچنین اقدامی میسر نیست، هر دو سال یکبار که حقوق کارگران افزایش پیدا میکند، مبلغ ما به‌التفاوت سنوات خدمت بقدری باشد که تکافو وجبران ترقی هزینه زندگی او را بکند»

حبیب‌اله حسامی: «من به سخنان خودتان استناد میکنم که میفرمائید هر دو سال یکبار حقوق کارگران اضافه میشود. حالا که خوشبختانه هریکسال یکباراز این اضافه حقوق

بقیه از صفحه ۶۰

بهره‌مند میشوید. درمورد ضابطه‌ [illegible] گفتید، طرح طبقه‌بندی مشاغل ضابطه دیگری است که کارگران را به اقتضاء موقع ومقام درجائی که مناسب است قرار میدهد، بعلاوه، برای بالا بردن گروه استخدامی، آزمون گذاشته شده، هر کس ازعهده‌برآید، درپست لازم گمارده‌خواهد شد. چرا که طرح طبقه‌بندی مشاغل یک حرکت عمودی است که هرچقدرمهارت کارگر زیاد شود، بگروههای بالاتر میرود و نیز یک حرکت افقی است، چون هر مقدار که سالهای خدمت کارگربیشترشود، اضافه حقوق میگیرد. درمورد هزینه زندگی هم، اگرحداکثر ترقی را ۴ــ۳ یا ۵ درصد فرض کنیم، دستمزد کارگران ظرف دوسه سال گذشته ۱۲ تا ۱۹ درصد بالا رفته است.

ماده ۳۳ قانون هم انشاءاله با توجه به تغییراتی که درقانون کارخواهیم داد، دیگر نگرانی از جهت تعطیل کارگاه و یا اشتغال کارگران وجود نخواهد داشت، بعلاوه یک سلسله عملیات زنجیری شروع شده که هیچیک از کارگران از لحاظ ادامه زندگی دستخـوش نارضائی نخواهندشد.»

حفاظت از چشم در محیط کار

هنگام کار، عینک خود را با عینک حفاظتی، از شیشه نشکن که همان نمره عینک را دارد تعویض کنندو یا عینک سرتاسری نشکن و بی‌نمره روی عینک نمره‌دار خود قرار دهند، عینکهای حفاظتی باید از هر طرف حفاظ چرمی، سیمی یا پلاستیکی داشته باشد تا مانع اصابت ذرات و خرده فلز و غیره از پهلو به چشم شود. شیشه پلاستیکی در مقابل ضربه مقاوم‌تر از شیشه سخت است اما زودتر از شیشه سخت‌تار میشود و باید آن را زود به زود تعویض کرد. عینک با شیشه سرتاسری بهتر می‌تواند چشم را از خطرات گوناگون حفظ کند. این عینکها به جای دو شیشه عینک (برای هر چشم یک عدد) یک شیشه سرتاسری دارد که هر دو چشم‌رادر برمی‌گیرد. این نوع عینکها دید وسیعتری دارد و چون از مواد پلاستیکی مقاوم ساخته شده‌اند با ضربه شدید خرده فلز نیز نخواهد شکست.

عینک سرتاسری دسته عینک ندارد بلکه با یک نوار کش‌دار در سرجای می‌گیرد. این نوع عینک برای کارگرانی که عینک معمولی نمره‌دار به کار می‌برند بسیار مناسب است زیرا عینک سرتاسری را میتوان روی عینک نمره‌دار قرارداد.

عینک حفاظتی با شبکه نازک سیم جهت حفاظت چشم کارگران سنگ‌تراشی و سنگ خرد کنی و کارگران کوره‌ها اختصاص دارد زیرا این نوع عینکها نه تنها مانع برخورد سنگ به چشم می‌شوند بلکه ازتشعشع حرارت شدید به چشم نیز جلوگیری می کنند. کارگرانی که با مایعات سوزاننده و خورنده از قبیل «اسید و «باز» سر و کار دارند نیز باید عینک حفاظتی به چشم بزنند تا هنگام ریختن این قبیل مایعات

بقیه از صفحه ۳۳

ازطرفی به طرف دیگر ذرات وقطرات‌آن به چشم برخورد نکند که زیان غیرقابل جبرانی بدان برساند.

نورخیره‌کننده و اشعه نیرونی مادون‌قرمز و به خصوص اشعه مافوق بنفش که هنگام جوشکاری به چشم برخورد می کند و بـه سلولهای دید شبکیه چشم زیان می‌رساند، برای پیشگیری این زیان، کارگران جوشکار باید عینک حفاظتی فیلتردار به کار برند، زیرا فیلتر (صافی) این عینک، اشعه فوق راقبل از رسیدن به‌چشم به خود جذب‌می کند.

شاهنشاها:

نخستین سالگرد تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران
را که به فرمان مطاع همایونی صورت گرفت صمیمانه تبریک
عرض نموده و از خدای بزرگ دوام سلطنت شهریار
پرتوان ایران را آرزو داریم.

مینو

گروه صنعتی مینو

ورزش کارگر

راه استفاده هم

در دفتر خانم دکتر حجازی، معاون وزارت کار و امور اجتماعی، جلسه‌ای تشکیل شد، و پیرامون

برای تخصص ورزشی، مانند «سواد»، در طبقه‌بندی مشاغل امتیاز قائل شوید

در گردهم‌آئی تنی چند از مسئولان و دست‌اندرکاران مسائل ورزشی کارگران — که به پیشنهاد مجلهٔ ما برگزار شد — باآنکه دستور کار چاره‌جوئی مشکل استفاده همگانی از تأسیسات ورزشی کارگران بود، معهذا نمایندگان کارگران ورزشکار بحث‌ها واظهارنظرها و ایرادها و انتقادهائی را پیش کشیدند که اغلب منطقی، قابل حل وهریک درحد خود درخور اعتنا و چاره‌اندیشی است.

بررسی این دشواریها — که به‌اعتقاد من قسمت اعظم آن با سرپنجه تدبیر مسئولانی دلسوز و علاقمند به‌توسعه ورزش کارگری کاملا چاره شدنی است — نشان میدهد چه مسائل بظاهر کوچک و پیش‌پا افتاده، مارا از رسیدن به‌برنامه‌های بزرگ هدف‌های نهائی بازمیدارد. از ایراد بجای نماینده ورزشکاران دخانیات در بیان مقصود یاری بگیریم، رئیس باشگاه ورزشی دخانیات گله داشت که وقتی طرح طبقه‌بندی مشاغل در دخانیات پیاده شد نه‌تنها به مساله ورزش و امتیازات و افتخاراتی که کارگران ورزشکار حتی در سطح ملی و منطقه‌ای کسب کردند توجهی نشده بلکه تخصص و کارآئی مربیان ورزشی نیز بهیچ گرفته شد. نتیجه آنکه بیست تن از سی و چند نفر مربیان ورزشی دخانیات که در چارچوب این طرح حتی برخی از امتیازات اداری را از دست دادند دلمرده و مغموم عملا به‌حرفه خود پشت کردند وچه‌بسا، به بانی این کار که ازآنان بجای یک کارگر متخصص، یک مربی ورزشی متخصص ساخته بود، لعنت فرستادند....

و باز در همین نشست، عنوان گردید، کارگرانی که برای شرکت در مسابقات قهرمانی وزنه‌برداری به اصفهان اعزام شده بودند، چون نامه مرخصی‌اشان از سوی یک سازمان رسمی ورزشی نبود، و یا بموقع این نامه حاضر نشده بود، نه‌تنها بابت شرکت در این مسابقات و کسب عناوین، آفرینی نشنیدند، بلکه هریک دو برابر حقوق روزانه جریمه شدند! تنبیهی در حد غیبت بدون اجازه و یا فرار از خدمت!!

یک بررسی نشان داده است یک علت گرایش کارگران بیسواد به سوادآموزی، امتیازی است که هنگام طبقه‌بندی مشاغل به «سواد» کارگر میدهند. چرا این شیوه خوب امتحان داده و موفق در زمینه سوادآموزی را درامر «ورزش» هم پیاده نکنیم ومثلا هنگام امتیازدادن به کارگران — وحتی کارمندان — بسلامت جسمانی و پرورش تن‌ودرقالب خاص کلمه به «ورزش» امتیاز ندهیم؟ مسئولانی که مشتاقانه و صمیمانه به‌توسعه ورزش کارگری عشق می‌ورزند و در این راه صادقانه می کوشند چرا این ضابطه بسیار جالب اجتماعی را در امر طبقه‌بندی مشاغل نمی‌گنجانند؟ چه عیبی دارد کارگری که روزی یکی دوساعت — حتی چند دقیقه — به‌ورزش می‌پردازد با کارگری که حتی از پیاده‌روی — بعنوان یک ورزش — دوری میکند، یکی دو امتیاز بیشتر داشته باشد؟ درمدارس اروپا و آمریکا ورزش درحد درسهائی نظیر فیزیک و ریاضی است و حتی در برخی از این مدارس یکی از شرایط پذیرش شاگرد، داشتن اطلاعات وتبحر اولیه در رشته‌های عمومی ورزش است.

چراکارگری‌که از یک‌کارخانه در یک مسابقه مهم افتخاری کسب میکند، این افتخار، در امتیاز اداری او محسوب نشود؟ اشتباه نشود، منظورمن کارگران ورزشکار و قهرمان هستند نه ورزشکاران و قهرمانانی که وقتی به قله پیروزی رسیدند برای دریافت «کمک‌خرج» بظاهر در کسوت کارگری درمی‌آیند.

قول معاون اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی را به‌فال نیک میگیریم که در آن نشست، وعده طرح این مسأله با کارشناسان مربوط وحل این مشکل را داد.

بامید طرح دیگر مشکلات و درد دلهای کارگران ورزشکار و چاره‌جوئی این دشواریها.....

اسماعیل—یگانگی

اشاره

بحث هفته پیش ما درمورد لزوم بهره‌گیری عموم مردم — بخصوص جوانان و نوجوانان — از تأسیسات ورزشی کارگری با اقبال صاحب‌نظران، ورزشکاران و مسئولان صاحب مقام روبروشد.

صحبت ما این بود که چه کنیم که اوقات مرده ورزشگاههای کارگری توسط جوانان و مشتاقانی که راهی به ورزشگاه‌ها ندارند پر شود. درآخرین بحث، ما توجه مسئولان امور اجتماعی وزارت کار وامور اجتماعی، کمیته تربیت بدنی حزب رستاخیز ملت ایران و کار ـ فرمایان و رؤسای باشگاههای کارگری و دیگران ورزشکار را به حل این مشکل جلب کردیم و از آنان خواستیم، برای چاره جوئی به گرد هم آیند.

دعوت ما، زودتر از انتظار اجابت شد. پیشنهاد ما مقبول طبع مسئولان قرارگرفت و در پی آن، هفته پیش، بدین‌منظور، جلسه‌ای در دفتر کارخانم دکترحجازی معاون وزارت کارو اموراجتماعی تشکیل گردید.

شرکت کنندگان در این گفتگو عبارت بودند ازخانم دکترحجازی معاون اموراجتماعی وزارت کاروامور اجتماعی، وآقایان دکترمحمد آهنچی استاد دانشگاه و رئیس کمیته تربیت بدنی حزب رستاخیز ملت ایران، محمد بیاتی مدیر کل تربیت بدنی و تفریحات سالم وزارت کار، نبی‌زاده رئیس باشگاه ورزشی دخانیات، عباداله شیری رئیس تفریحات سالم سازمان کارگران، شاهرودی رئیس باشگاه ورزشی سازمان آب، حمید آرائی مسئول باشگاه ورزشی ایران ناسیونال، و دبیر سرویس ورزشی مجله رستاخیز کارگران.

آنچه در اینجا بنظرتان میرسد، فشرده‌ای از گفت و شنود دوساعته این دیدار است.جلسه بدین شکل شروع شد:

نماینده رستاخیز: همانطور که دوستان کم و بیش استحضار دارند، دستور کار این جلسه بحث پیرامون پیدا کردن راه‌حلهائی است که باعث بهره‌گیری عموم مردم از ورزشگاههای کارگری کشور بشود که در این زمینه در سرمقاله ورزشی شماره اخیر مجله رستاخیز کارگران بتفصیل بحث کرده‌ایم.

دکتر آهنچی:

مسأله بسیارجالب وحساسی است، و این روشی است که دراغلب کشورهائیکه ازنظر اماکن و تأسیسات ورزشی و فرهنگی درمضیقه هستند اعمال میشود. بعنوان نمونه عرض کنم درجریان برگزاری المپیک ۱۹۶۴، توکیو، که من افتخار عضویت در هیئت سرپرستی ورزشکاران اعزامی را داشتم، متوجه نکته جالبی شدم که فکر میکنم به بحث ما بی‌ارتباط نباشد. جریان ازاین قراربود که یک‌شب، که شاید حوالی نیمه شب بود، پس از پایان مسابقات کشتی که همه داشتیم به خانه برمی‌گشتیم متوجه شدم که عده‌ای جوان‌ومیان‌سال راهی یک شعبه و شتابان آمدند، چون نیمه شب بود، من متعجب شدم. از یکی پرسیدم جریان چیست؟ در جواب داد: چون ما جا و وقت و محل برای ورزش خواندن مردم در منطقه هستیم از امکانات موجود حداکثر استفاده را میکنیم، یعنی که این محل، محل برگزاری مسابقات کشتی المپیک، یک دانشگاه بزرگ است که در سه نوبت کار میکند و در هر نوبت دانشجویان، استادان و کارمندان، عده‌ای مردم درس می‌شوند. من تصور میکنم با توجه به‌محدودیتی که ما از نظر جا ومکان داریم بخصوص درامر ورزش از این روش استفاده کنیم، چنانکه از دانشگاه تهران بر سر نهادن برای گروه دیگری از دانشجویان استفاده میشود. **آخر شما را بخدا در یک شهر ۴/۵ میلیون نفری که همه‌اش سه — چهارتا استخرسرپوشیده دارددرست است‌بعضی‌ازآنها را صبحها تعطیل کنیم ویا بعد از ساعت شش بعدازظهر در استخرها را ببندیم در حالیکه** هزاران نفر مشتاق شنا وجود دارند که حاضرند در هرساعت شب وروز به این ورزش مفرح بپردازند.

بیاتی: باید این گردهم‌آئی را بفال نیک گرفت وازمجله رستاخیز کارگران ممنون بود که بانی این کار خیر شد. مساله‌ای که اینجا به‌بحث گذاشته شد، بسیار قابل توجه وبررسی است که جا دارد از جنبه‌های گوناگون و از دیدهای مختلف مورد توجه قرار گیرد. فکر میکنم در اجرای این کار دوسه تا اشکال داشته باشیم. اول اینکه ممکن است کارفرما بگوید استفاده عموم، از تأسیسات ورزشی کارخانه من باعث استهلاک سریع وسایل و تأسیسات ورزشی میشود ودر این میان، یک سازمان مسئول — یا خود استفاده کنندگان باید بابت استفاده از تأسیسات ورزشی پول بپردازند. دیگر اینکه ساعات استفاده غیر کارگران از تأسیسات ورزشی کارگری با برنامه‌های رفاهی وورزشی آن کارخانه منافات داشته باشد. البته مشکلات دیگری هم هست که جا دارد بموقع خودش مورد توجه قرارگیرد.

نبی‌زاده: آنچه که مجله رستاخیز کارگران پیشنهاد کرده اگر عملی شود، واقعا تحولی دروضع ورزش بوجود خواهد آورد. یادم می‌آید وقتی باشگاه ورزشی دخانیات در سال ۱۳۳۹، بدست مبارک شاهنشاه آریامهر افتتاح میشد، ساعت افتتاح ۱۱ صبح بود. وقتی شاهنشاه

دریک شهر ۴/۵ میلیون نفری چهار استخر سرپوشیده وجود دارد که بعضی از آنها نصف روز تعطیل هستند!!

...گانی ورزشگاههای کارگری رانشان میدهیم

...وزش کارگران بحث وگفتگو بعمل آمد.

به‌محوطه باشگاه تشریف‌فرما شدند محوطه خالی بود. فرمودند چرا کسی ورزش نمیکند. بعرض رسید کارگران معمولا عصرها ورزش میکنند. شاهنشاه آریامهر فرمودند پس صبحها دانش‌آموزان مدارس اطراف در اینجا ورزش کنند واز آن پس صبحها درهای ورزشگاه دخانیات بروی جوانان گشوده‌است.

عباداله شیری: ما از مجله رستاخیز کارگران واقعاً ممنون هستیم که تمام بحث ورزشی‌اش مربوط به کارگران ورزشکار است، ولی در مورد پیشنهاد مجله رستاخیز کارگران عنوان نماینده کارگران ورزشکار باید عرض کنم که بعضی اوقات زورمان واقعاً به کارفرما نمیرسد. مثلا یک کارفرما میگوید مابه انبار احتیاج داریم وفلان سالن باشگاه باید برای این کار اختصاص پیدا کند، یعنی سالن باشگاه تبدیل به‌انبار کالا بشود. ما هرچه مقاومت میکنیم بی‌فایده است. به‌وزارت کار متوسل میشویم، آنها نامه می‌نویسند، بازهم فایده نمیکند. باید در این راه یک ضابطه قانونی وجود داشته باشد. نکته جالب دیگر اینکه بعضی از سازمانها که تأسیسات ورزشی دارند، حتی برای کارگران وابسته به‌سازمان خود اجازه استفاده نمی‌دهند. بعنوان مثال عرض میکنم که اداره سیلو — سازمان غله — قند وشکر وچای همه مربوط به‌یک تشکیلات هستند. از این میان اداره‌سیلو صاحب تأسیسات ورزشی است وبقیه سازمانها فاقد آن هستند. ولی وقتی ما میخواهیم از امکانات [illegible] اداره سیلو استفاده کنیم، [illegible] [illegible] که همه [illegible] [illegible] را اداره‌کنند.

خانم دکتر حجازی: [illegible] با قبول [illegible] دو [illegible] را مشخص کنم. اول اینکه [illegible] فکری و ذهنی [illegible] را برای قبول [illegible] آماده کرد. دیگر اینکه [illegible] و امکاناتی [illegible] و چگونه [illegible] از آنها استفاده بکنیم. [illegible] امکانات و تأسیسات ورزشی متعلق به کارگران است.

[illegible] مجله رستاخیز کارگران [illegible] طرح این مسأله استفاده کرد و [illegible] نسبت به‌ورزش کارگران در سطح [illegible] [illegible] کارگر [illegible] ورزش است. کارفرمایان هم [illegible] دارند. وظیفه ماست که بهترین راه را پیدا کنیم که کارگر و کارفرما، حداکثر بهره‌برداری معقول را از تأسیسات ورزشی موجود بنمایند. اغلب کارگران پس از یک نوبت کار روزانه — تا شبانه — شانزده ساعت وقت بیکاری دارند که اگر دوازده ساعت آنرا به‌استراحت و گردش و تفریح بگذرانند باز هم چهار ساعت وقت‌بیکار و مرده دارند که باید ازاین فرصت برای ورزش — بمعنی پرورش تن و تامین سلامت استفاده کنند. هنرمسئولان باشگاههای کارگری و دیگر مسئولان مربوط دراینست که چگونه وقت‌مرده کارگر را با ورزش پیوند دهند.

گذشته‌ازاین، بایدمسأله‌ورزش ضمن کاررا که بازهم ازطرف مجله رستاخیز کارگران پیشنهاد شده بود، خوب برای کارفرمایان و کارگران توجیه کرد. هنوز حتی بسیاری از متصدیان نمی‌دانند ورزش‌ضمن کار یعنی‌چه؟

شاید برخی از کارفرمایان تصور کنند ورزش‌ضمن کار یعنی‌اینکه کارگرمدتی از کارش را بزندو به تفریح و هواخوری بپردازدو درنتیجه به میزان تولید کارخانه‌لطمه بخورد، درحالیکه چنین نیست، ورزش‌ضمن کار — که ضامن سلامت کارگر است — تنها هالترزدن‌و کشتی‌گرفتن نیست، بلکه نرمشی است که در روزبیش ازچنددقیقه وقت کارگر رانمی‌گیرد. اینها راباید خوب به‌طرفین دبنفع بفهمانیم. [illegible]

نبی‌زاده:

تجربه نشان‌داده‌است هروقت کارفرمائی ورزشدوست‌وورزشکار بود، سطح ورزش آن‌واحد بالا میرود و اگر نبود، وضع بعکس‌میشود. متأسفانه‌درطبقه‌بندی مشاغل به‌ورزش توجهی نشده و این‌باعث دلسردی اغلب‌مربیان‌ماشده است و یا برخی از رؤسا به کارگران ورزشکار اجازه‌تمرین ویاشرکت درمسابقات رانمی‌دهند. بعنوان مثال مایک بکسوری داریم بنام بیژن حیدری که چندروزپیش در مسابقات هم شرکت کرده بود وشکست‌خورد. میدانیدچرا؟ برای اینکه اجازه‌نداشت بموقع برود تمرین کند.

[illegible] [illegible] سوادآموزی شده‌است، باید باتوجه به‌ضوابطی برای ورزش و ورزشکار نیز امتیازاتی درنظر گرفت.

شیری: [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] کارگر [illegible] [illegible] [illegible] برقرارکرد.

بیانی: [illegible] مسأله توجه‌شده است.

دکترآهنچی: [illegible] در مرحله‌اول [illegible] [illegible] [illegible] مجله رستاخیز کارگران مطرح کرده است. [illegible] راههای عملی را پیدا کنیم. ولی [illegible] وظیفه‌سازمان [illegible] تعمیم و توسعه‌ورزش است [illegible] همین‌راه حلهائی را که اینجا ارائه شده است عملی‌بکند. باید این کار عملی بشود، چون جامعه متحول‌و انقلابی‌ما به یک انقلاب ورزشی نیازدارد واین انقلابی است که خواه‌ناخواه در ورزش‌مملکت بوجود خواهد آمد.

شاهرودی: [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کمیسیون روبرو کرد ودر [illegible] کمک کارفرمایان تاحدقابل توجهی اقدام شد. [illegible] ورزش همه‌ [illegible] که با توجه به نقش‌سازنده کارگر [illegible] [illegible] استفاده کرد. ولی همانطور که خانم دکتر حجازی اشاره کردند، [illegible] [illegible] [illegible] همکاری [illegible].

حمیدآرانی: در مورد مسأله‌ایکه آقای دکترآهنچی مطرح [illegible] که دانشجویان [illegible] [illegible] از تأسیسات ورزشی ایران‌ناسیونال اقدام کردند، مراجعه کردند و جواب منفی [illegible]. [illegible] توضیح [illegible] چون در [illegible] [illegible] ایران‌ناسیونال یک شهرک کارگری است. [illegible] کارگرانیکه عصر کاریاشب کار هستند از تأسیسات ورزشی استفاده میکنند. دیگراینکه [illegible] [illegible] [illegible] که در مسابقات کارگری اول شده‌بود، در مسابقات امسال شرکت نکرد.

نماینده رستاخیز: چرا؟

آرانی: چون برخی ازقهرمانان‌مادرقسمتهائی کار میکردند که رئیس کارگاه اجازه شرکت [illegible]

نماینده‌رستاخیز: [illegible]

[illegible]

خانم دکترحجازی: [illegible]

آرانی: [illegible]

نماینده رستاخیز: [illegible]

آرانی: [illegible] [illegible] [illegible] ایران‌ناسیونال [illegible] کارگرانیکه ورزش میکنند حق ورزش می‌دهیم. [illegible] [illegible] مسئولان [illegible] نسبت به ورزش کارگران....

نماینده‌رستاخیز: [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ورزش در جامعه کارگری [illegible] کارفرمایان و کارگران و مسئولان ورزشی کارگری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کارفرمایان را به رعایت مسائل و منافع ورزشی [illegible] [illegible] همکاری [illegible] ورزشی کارگری [illegible] [illegible] مسئولان [illegible] [illegible] ضروری است، چون بدون حضور [illegible] کارفرمایان همیشه یکسوی‌سکه رامیتوان دید و بالاخره‌لزوم‌پیدا کردن‌راه‌حلهائی که کارفرما خودبخود به امر ورزش وگسترش آن درجامعه کارگری تشویق‌شود واین باری‌است که همه‌ی ما، مسئولان وزارت کارواموراجتماعی، مقامات ورزشی حزب رستاخیز ملت‌ایران، کارگران ورزشکار و قهرمان باید در به منزل رساندن آن صمیمانه همکاری کنیم ومجله رستاخیز کارگران بسهم خود دراین راه دست همکاری درازمیکند.

ورزش کارگر

کارگران رضائیه در کشتی آزاد و فرنگی گل کاشتند

تیم کشتی آزاد و فرنگی کارگران رضائیه در مسابقات باشگاههای آزاد رضائیه در هر دو رشته، به مقام دوم دست یافت.

کارگرانی که در این مسابقات افتخار کسب کردند، عبارتند از: محمد خلیل مکاری (در ۴۸ کیلوگرم، نفر اول) — پنجعلی رضازاده (در ۵۲ کیلوگرم، نفر دوم) — حسن تقی‌لوی (در ۵۷ کیلوگرم، نفر سوم) — ابراهیم مرادی (در ۶۸ کیلوگرم، نفر دوم) — محمد قهرمانی (در ۷۴ کیلوگرم، نفر سوم) — ابراهیم معلم (در ۱۰۰ کیلوگرم، نفر اول).

درنتیجه تیم باشگاه کارگران با ۱۵ امتیاز دوم شد. در کشتی فرنگی نیز میرجعفری (در ۴۸ کیلوگرم، نفر اول) —محمد حریف کارگران (در ۵۲ کیلوگرم، نفر اول) — حسن تقی‌لو (در ۶۲ کیلوگرم، نفر سوم) — عادل باوندپور (در ۶۸ کیلوگرم، نفر دوم) — محمد قهرمانی (در ۷۴ کیلوگرم، نفر دوم) و ابراهیم آزموده (در ۱۰۰ کیلوگرم نفر دوم) تیم کشتی فرنگی کارگران رضائیه با ۱۴ امتیاز دوم شد.

کارگران خراسان حریفان مازندرانی و سمنانی را پشت سر گذاشتند

کارگران خراسانی درچهارچوب مسابقات قهرمانی کشتی آزاد و فرنگی کارگران منطقه دو کشور، با هماوردان مازندرانی وسمنانی خود دست و پنجه نرم کردند. مسابقات، در سالن ورزشی والاحضرت ولیعهد انجام گرفت و بیش از چهار هزار تن آنرا تماشا کردند. در پایان مسابقات تیم کشتی آزاد کارگران خراسان با ۴۶ امتیاز اول و تیم های مازندران و سمنان با ۲۰ و ۱۹ امتیاز دوم و سوم شدند.

در کشتی فرنگی نیز تیم خراسان با ۲۷ امتیاز اول شد. تیم مازندران ۲۲ امتیاز و تیم سمنان ۱۹ امتیاز آورد.

ازمیان نفرات برنده از تیم خراسان شش نفر در کشتی آزاد و هفت نفر در کشتی فرنگی، و از تیم مازندران چهار نفر در کشتی آزاد وسه نفر در کشتی فرنگی برای شرکت درمسابقات قهرمانی کشتی آزاد و فرنگی کارگران کشور به تهران اعزام خواهند شد.

ازگاراژها و پارکینگ ها، بجای ورزشگاه استفاده کنید

جلسه هم آهنگی ورزش کشور با حضور نمایندگان گروه تربیت بدنی و پیشاهنگی و تفریحات سالم حزب رستاخیز ملت ایران و معاونین وزارتخانه های علوم و آموزش عالی، آموزش و پرورش، تعاون و امور روستا ها و کار و امور اجتماعی (بدون حضور نماینده سازمان تربیت بدنی) تشکیل و روی مطالب زیر اظهار نظر و تصمیم گرفته شد که عیناً جهت بررسی و اقدام به دبیر کل حزب تقدیم گردد:

۱ — طرح تعمیم ورزش آموزشگاههای کشور

۲— طرح استفاده از میادین و پارکها و مجموعه‌های ورزشی بوسیله دانش آموزان

۳ — طرح تشکیل تعاونی و توزیع وسائل ورزشی

۴— طرح تعدیل مجموعه های ورزشی مدارس وآموزشگاههای کشور

۵—طرح ورزش اجباری درآموزشگاهها

۶— طرح تهیه و تدوین کارنامه ورزشی برای دانش اموزان وانتخاب نرمهای ورزشی

۷— طرح ضابطه ورزشی جهت گزینش دانشجو برای مدارس عالی ودانشگاهها

۸— طرح استفاده از زمینهای اوقافی جهت استفاده دانش آموزان

۹— طرح استفاده از محوطه گاراژهای شهری جهت استفاده دانش آموزان

۱۰— طرح تدریس واحدهای ورزش مدارس عالی ودانشگاهها بصورت تمرکزی

۱۱—طرح استفاده ازپارکها وباشگاههای ورزشی درتمام ساعات روزبوسیله دانش‌آموزان

۱۲— طرح تخصیص اعتبارات بیشتر و آموزش وپرورش جهت توسعه ورزش

۱۳—طرح تهیه میادین ورزشی درمدارس نوسازومدارس پیش ساخته

۱۴— طرح آموزش مربیان ورزش و مربیان بهداشت در تعطیلات تابستانی جهت استفاده درسال تحصیلی آینده.

کارگران ناشنوای مشهدی قهرمان کشتی شدند

درمیان کارگران کارخانه نان رضوی آستان قدس مشهد، عده‌ای جوان ناشنوا مشغول کارند که چون دیگر ناشنوایان ورزشدوست و ورزشکار در رشته های مختلف ورزشی فعالیت دارند. تیم کشتی آزاد و فرنگی ناشنوایان مشهد، زیر نام کشتی‌گیران ناشنوای استان خراسان، درمسابقات کشتی آزاد و فرنگی ناشنوایان کشور شرکت کرد و برای دومین سال پیاپی عنوان قهرمانی کشور را بدست آوردند.

عکس کشتی‌گیران موفق مشهدی را نشان میدهد. از راست (ایستاده) حبیب غفاری کارگر آتش نشانی (مربی تیم) غلامحسین نوابی — حسین راهرو — محمد بهرامی. ردیف نشسته (از راست): حسین کاشمری — مهدی پیشکار و عبدالمجید جولانی.

همشهریهای حبیبی وموحد دست وپنجه نرم کردند

درمیان نام آوران کشتی ما، عبدالله موحدو اسماعیل حبیبی دو چهره فراموش نشدنی کشتی جهان، مکانی والا دارند. این هردو پهلوان نامی، ازخطه مازندران برخاستند، سرزمینی که درآن کشتی رایج ترین ورزشهاست و کشتی گیر فراوان ترین ورزشکار..... و کارگران بهترین کشتی گیر ها ... و اگر به پرورش این همه استعداد شکوفان نه تنها درمازندران- که سراسر ایران وبخصوص روستا ها مهد کشتی است- همت بگمارند کشتی، این ورزش سنتی تا حد فراموشی، ازصحنه جهانی خارج نمی شد.....

این مختصر را به بهانه انجام مسابقات کشتی آزاد وفرنگی کارگران مازندران قلمی کردیم. دراین مسابقات پنجاه تن از کشتی-گیران کارگرشاهی، ساری، بهشهر، آمل، گنبدو گرگان شرکت داشتند که پس ازچند شب مسابقه، این کارگران بر حریفان خود پیروز شدند.

قهرمانان کشتی آزاد

۴۸ کیلوگرم: لوبندی (ساری)
۵۲ کیلوگرم: عسگری ثمربخش (ساری)
۵۷ کیلوگرم: سیدمحمدشجری (ساری)
۶۲ کیلوگرم: هادی هادیان (ساری)
۶۸ کیلوگرم: کیومرث ابراهیمی (ساری)
۷۴ کیلوگرم: رضا آقاجانی (شاهی)
۸۲ کیلوگرم: حسینعلی نوروزیان (شاهی)
۹۰ کیلوگرم: قلی جعفری (بهشهر)
۱۰۰ کیلوگرم: قاسم ملک پور (ساری)
۱۰۰+ کیلوگرم: تقی آبیاری (بهشهر)

درنتیجه تیم کشتی آزاد کارگران ساری اول وشاهی وبهشهر دوم شدند.

قهرمان کشتی فرنگی

۴۸ کیلو: علی اکبر کریمی (بهشهر) ۵۲ کیلو: ابوالقاسم یوسف زاده (آمل)-۵۷ کیلو: عباس قانعی (شاهی)-۶۲ کیلو: جهان بخش کریمی (گنبد کاووس)-۶۸ کیلو جمعه علی براری (آمل) ۷۴ کیلو: علی تبریزی (آمل) ۸۲ کیلو: علی اصغرعظیمی (بهشهر) ۹۰ کیلو: قلی جعفری (بهشهر) ۱۰۰ کیلو: محمد علی عظیمی (بهشهر) ۱۰۰+ کیلو: ایرج هدایتی (آمل)

درکشتی فرنگی تیم های کارگران بهشهر اول وآمل وساری دوم شدند.

قهرمانان آزاد وفرنگی مسابقات کشتی قهرمانی کارگران مازندران

کارگران وزنه برداریزد اول شدند

مسابقات وزنه برداری جام«ششم بهمن» بین باشگاهها ودستجات آزاد یزد برگزار گردیدودرنتیجه تیم وزنه برداری باشگاه کارگران یزد اول شد.

نتایج مسابقات ازاین قراراست:

خروس وزن: عبدالهی، بارکورد/۱۳۵ کیلوگرم
پروزن: غلامعلی سنجرانی بارکورد/۱۵۵ کیلو گرم
سبک وزن: محمد جلیل ارکان بارکورد/۱۸۰ کیلوگرم
میان وزن: غلامرضاصابری بارکورد/۲۰۰ کیلو گرم
نیم سنگین: محمدحسینی بارکورد/۱۹۰ کیلو گرم

تیم اول کشتی آزاد مسابقات کشتی باشگاههای کارگری تهران که هفته پیش درلستابوم ورزشی کارگران تهران انجام شد.

ازراست بچپ، علی عبادی(سرپرست تیم) — محمدزینعلی— اکبرقربانی— علی نریمان — جانشاه کریمی—عباس شیخی—صفر کاکاوند — محمد کرمانی— هاشم بیاتی.

سالروز تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران را گرامی می داریم

وضمن صمیمانه ترین سپاس بپیشگاه

شاهنشاه آریامهر

دوام سلطنت وطول عمر شهریار بیدار دل ایران زمین

را از خدای بزرگ آرزو داریم . داداشزاده

قابل توجه جویندگان کار

از جویندگان کار برای مشاغل زیر دعوت میشود جهت مصاحبه و راهنمائی شغلی تا تاریخ ۵۵/۱/۱۰ بـه مرکز کاریابی و اشتغال ساری و یا به نزدیکترین مرکز کاریابی واشتغال محل سکونت خود مراجعه نمایند. کارگران ماهر و نیمه ماهر که دارای گواهینامه مهارت حرفه‌ای از مراکز آموزش حرفه‌ای ذیصلاح باشند حق تقدم خواهند داشت.

ردیف	نام شغل	تحصیلات	تعداد
۱	راننده بولدزر، لودر، گریدر وجرثقیل	ششم ابتدائی یا خواندن و نوشتن	۱۹
۲	متصدی دستگاه مخلوط کن بتون	» »	۱۷
۳	متصدی ماشین سنگ‌شکن	» »	۴
۴	مکانیک اتومبیل و کمپرسور	» »	۱۴
۵	جوشکار برق	» »	۴
۶	برقکار آشنا به تابلوهای برق	» »	۶
۷	لوله کش	» »	۳
۸	منشی مسلط به زبان انگلیسی و ماشین نویس لاتین	سیکل تا لسانس	۱

قابل توجه دانش آموزانی که معدل ۱۴ به بالا دارند

دانشکده افسری نیروی زمینی شاهنشاهی کلیه مخارج زندگی، لباس، کتاب، لوازم التحریر شما را تا پایان دوره متوسطه پرداخت می نماید و شما میتوانید با آسایش خاطر در هر شهر و در هر دبیرستانی که تحصیل مینمائید به تحصیل ادامه دهید و پس از اخذ دیپلم متوسطه بدون آزمایش ورودی به دانشکده افسری و یا با آزمایش ورودی به یکی از دانشکده‌های غیرنظامی داخل کشور یا خارج که رشته تحصیلی آن مورد نیاز ارتش شاهنشاهی می‌باشد وارد شوید.

برای کسب اطلاعات بیشتر در تهران، به دانشکده افسری (روبروی مجلس سنا) قسمت بورسیه و در شهرستانها به آجودانی لشگرها و مراکز نظامی شهر خود مراجعه نمائید.

باصمیمانه ترین سپاس

بدپیشگاه باعظمت

شاهنشاه آریامهر

سالروز تاسیس

حزب رستاخیز ملت

ایران را تبریک می گوئیم.

تجارتخانه حاج محمد توکلی پور

چربی خون

متخصصین آلمانی پس از
سالها بررسی از ذرت طلائی
روغنی درست نموده اند که
در چربی خون هیچ اثری
نمیگذارد و امروزه در بزرگترین
کشورهای جهان از این
روغن استفاده میشود !
روغن ذرت طلائی مایزول
صد در صد خالص محصول
آلمان برای انواع سالاد
و غذاهای سرخ کردنی و پختنی

روغن ذرت طلائی مایزول

مرکز پخش: تهران سرای چیت ساز طبقه چهارم مرعشی
شماره ٦ و ٢٦ تلفن ٥٣٨٥٥١ و ٥٣٠٤٤٢